

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# آمایش محیط

## فصل نامه

سال هفدهم - شماره ۶۵ - تابستان ۱۴۰۳

دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر

مدیر مسئول: دکتر مجید شمس

سردبیر: دکتر بیژن رحمانی

مدیر داخلی: فائزه خرمیان

### هیأت تحریریه:

- |                           |  |
|---------------------------|--|
| ۱. دکتر اصغر نظریان       | استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران         |
| ۲. دکتر سیمین تولانی      | استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران         |
| ۳. دکتر بیژن رحمانی       | دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی             |
| ۴. دکتر شهریار خالدی      | استاد گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی               |
| ۵. دکتر مجید شمس          | استاد گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر   |
| ۶. دکتر مسعود مهدوی       | استاد گروه جغرافیا، دانشگاه تهران                    |
| ۷. دکتر عباس ملک حسینی    | دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر |
| ۸. دکتر کیانوش ذاکر حقیقی | دانشیار گروه شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان  |

### همکاران علمی این شماره:

دکتر بیژن رحمانی، دکتر شهریار خالدی، دکتر مجید شمس، دکتر محمد تقی رضویان، دکتر سید داود موسوی، دکتر هوشنگ سرور، دکتر کیانوش ذاکر حقیقی، دکتر منیژه لاله پور، دکتر عباس معروف نژاد، خانم بتول مجیدی، دکتر مهرداد رضوانی پور، دکتر مصطفی شاهینی فر، دکتر میرنجف موسوی، دکتر اشکان بیات

گرافیک و صفحه‌آرایی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر - فائزه خرمیان

ویراستار فارسی: دکتر علیرضا روزبهانی

ویراستار انگلیسی: دکتر حمیدرضا خلجی

نشانی: ملایر، بالاتر از پارک سیفیه، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط

تلفن و دورنگار: ۰۸۱-۳۲۲۲۷۸۳۶

نشانی پایگاه اینترنتی: [Ebtp.malayeriau.ac.ir](http://Ebtp.malayeriau.ac.ir)

نشانی پست الکترونیکی: [amayesh\\_azad@yahoo.com](mailto:amayesh_azad@yahoo.com)

بهاء تک شماره: ۳۰۰۰۰ ریال

این مجله بر اساس نامه شماره ۸۹/۳۱۸/۱۰۴۴۳۷ مورخ ۸۹/۱۲/۱۴ از وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری درجه علمی - پژوهشی دریافت نموده است.

این مجله همچنین در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) و نیز پایگاه اطلاعات علمی کشور (SID) نمایه سازی شده است.

نویسندگان مسئول محتوا و پاسخگویی نظرات ارائه شده در مقاله و نوشته‌های خود هستند.

## راهنمای نگارش مقاله

### فصل نامه‌ی جغرافیایی آمایش محیط

مجله‌ی علمی- پژوهشی آمایش محیط دانشگاه آزاد اسلامی ملایر آمادگی خود را جهت پذیرش مقاله‌ی تحقیقی- تخصصی در کلیه‌ی گرایش‌های جغرافیا اعلام می‌دارد.

#### نکات قابل توجه جهت نگارش مقاله

۱. مقاله باید نتیجه‌ی پژوهش‌های شخصی نویسنده (منتج از طرح‌های تحقیقاتی و یا رساله‌های دکتری) باشد و قبلاً در نشریه‌ای چاپ نشده باشد. در مورد مقالات ارائه شده در مجامع علمی، مشخصات کامل مجمع باید با مقاله همراه گردد. ترجمه‌هایی که به تأیید هیأت تحریریه رسیده و از کیفیت خوبی برخوردار باشند نیز پذیرفته می‌شود.

۲. مقالات مروری (Review Article) از نویسندگان مجرب و صاحب مقالات پژوهشی در زمینه‌ی مورد بحث به شرطی پذیرفته می‌شود که منابع معتناهی مستند تحقیق قرار گرفته باشند.

۳. مقاله باید سلیس، روان و از نظر دستور زبان درست باشد و در انتخاب واژه‌ها دقت کافی شده باشد (مقاله می‌تواند به زبان فارسی یا انگلیسی باشد).

۴. در متن فارسی باید تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به اندازه‌ی کافی رسا نباشد، می‌تواند با ذکر شماره در بالای معادل، عین کلمه لاتین را در زیرنویس آورد.

۵. مقالات ارسالی باید از طریق سایت فصلنامه به آدرس [Ebtp.malayeriau.ac.ir](http://Ebtp.malayeriau.ac.ir) ارسال شود (توضیحاً، مقالات ارسالی تنها از طریق سایت پذیرفته خواهد شد).

۶. فاصله‌ی تقریبی میان سطور ۱ سانتی‌متر با قلم نازنین (B Nazanin) نازک فونت ۱۳ (برای مقالات لاتین با قلم تایمز ۱۲) و عناوین با فونت تیتیر ۱۲ (B titr) حروفچینی و همراه با دیسکت مقاله، تحت نرم‌افزار word2007، 2010، ارسال شود.

۶. صفحه‌ی اول باید شامل: نام، نام خانوادگی، عنوان مقاله، نشانی کامل و شماره تلفن و پست الکترونیکی نویسنده (ها) و منابع مالی تحقیق (در صورت لزوم) باشد.

۷. متن مقاله باید به ترتیب شامل: عنوان مقاله بدون نام نویسنده (ها)، خلاصه (چکیده)، سه تا پنج کلمه‌ی کلیدی در مورد زمینه‌ی تحقیق، مقدمه، روش بررسی، نتایج و بحث، و نتیجه‌گیری، تشکر (در صورت نیاز)، خلاصه‌ی انگلیسی و فهرست منابع باشد.

۸. خلاصه‌ی انگلیسی باید بر روی یک صفحه‌ی جداگانه، به ترتیب شامل عنوان مقاله، نام نویسنده(ها) نشانی کامل (به صورت زیر نویس)، متن، و سه تا پنج کلمه کلیدی باشد. مقالات خارجی باید همراه با یک خلاصه‌ی فارسی و انگلیسی باشد.

۹. جدول‌ها به تعداد محدود با شماره و عنوان تایپ شده در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن.  
۱۰. شکل‌ها، نمودارها و نقشه‌ها به تعداد محدود با کیفیت خوب، با شماره، عنوان، توضیح و منبع در زیر آن.

۱۱. منابعی باید در پایان مقاله در قسمت «منابع و مأخذ» ذکر شود که در متن نیز مورد استفاده قرار گرفته باشد.

۱۲. به منظور نگارش منابع پایانی به موارد زیر توجه گردد:

**مجلات معتبر علمی:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول.....، نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده آخر. سال انتشار. عنوان مقاله. نام کامل مجله، شماره جلد(شماره دوره): شماره صفحات.  
مثال:

رفعیان، ا.، درویش صفت، ع.، نمیریان، م. ۱۳۸۵. بررسی قابلیت تصاویر ماهواره لندست ۷. مجله منابع طبیعی ایران، ۸۴۳-۸۵۲: (۴) ۵۶

F.2007.A revision of TRIX for tropic ,giovanardi ,S. ,Fazi ,B. ,casentini ,M. ,Pottine status assessment in the European Water Framework Directive application. Journal of 24(3):413-426. ,Environmental Pollution

**مقالات:** نام خانوادگی و نام نگارنده، تاریخ انتشار مقاله، عنوان مقاله، عنوان اختصاری یا کامل مجله، شماره‌ی مجله و شماره‌ی اولین و آخرین صفحه‌ی مقاله خواهد آمد.

**همایش‌ها و کنفرانس‌ها:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول.....، نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده آخر. سال برگزاری. عنوان مقاله. نام همایش، محل برگزاری، روز، ماه. شماره صفحات.  
مثال:

ثقفی، م.، شریفی، م.، هلجی اسدی، م. ۱۳۸۴. بررسی پتانسیل باد در استان قزوین برای احداث نیروگاه برق بادی. پنجمین همایش ملی انرژی، تهران، ۱۶-۱۷ شهریور. ۶۳۷-۶۵۸.

**پایان‌نامه:** نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول..... سال انتشار. عنوان پایان‌نامه. مقطع و رشته تحصیلی، نام دانشگاه. تعداد کل صفحات.

مثال:

مشکیان، ع. ۱۳۸۱. بررسی و ارزشیابی محیطی و بیولوژیکی میزان غلظت سرب در کارگران خدمات شهری در یکی از مناطق پر ترافیک شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته بهداشت حرفه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس. ۲۵۳ صفحه.

کتاب (تألیف): نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول.....، نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده آخر. سال انتشار. عنوان کتاب. شماره چاپ. ناشر. صفحات کتاب.

مثال:

ترکیان، ا. ۱۳۸۰. مهندسی کنترل آلودگی هوا. چاپ اول. انتشارات دانشگاه صنعتی شریف. ۱۵۷ صفحه.

G.1984. Problems on Zonation of high altitude Permafrost. Second Edition. Oxford، Cheng University Press. 853P.

کتاب (ترجمه): نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول.....، نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده آخر. سال انتشار. عنوان کتاب. نام و نام خانوادگی مترجم. شماره چاپ. ناشر. صفحات کتاب.

منابع الکترونیک: نام خانوادگی، حرف اول نام نویسنده اول..... سال انتشار. عنوان مقاله. نام مجله. شماره جلد. نام سایت اینترنتی.

۱۴. هیأت تحریریه در قبول و یا رد مقالات رسیده مجاز است و در صورت پذیرفته نشدن، مقاله برگردانده نمی‌شود.

۱۵. نویسندگان مقاله مسؤول محتوی و پاسخ گوی نظرات ارائه شده در مقالات و نوشته‌های خود خواهند بود.

نشانی: ملایر-پارک سیفیه-دانشگاه آزاد اسلامی-ساختمان شماره ۲(مبتکران)-معاونت پژوهشی

دفتر فصل نامه جغرافیایی آمایش محیط- تلفکس: ۰۸۱-۳۲۲۲۷۸۳۶

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	ارزیابی توسعه کالبدی شهر تبریز به لحاظ فشردگی با رتبه‌بندی شاخص‌های رشد هوشمند شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه ۲، ۴ و ۷) علی زینالی عظیم، میرسعید موسوی، رحیم سرور
۲۹	طرح‌ریزی نوسازی بافت فرسوده با استفاده از اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه سید محمد ابراهیم موسوی، محمد حسن وحیدنیا
۴۵	ارزیابی پتانسیل محلات شهری جهت توسعه درونی با استفاده از مدل فازی (نمونه موردی: شهر بناب) منیژه لاله پور، مرضیه اسمعیل پور، هوشنگ سرور، سعید خدادادی
۷۱	بررسی سازوکار ادراک شهروندان در شهر همدان از فضاهای بازآفرینی شده در محدوده مرکزی شهر همدان محمد قدیمی، بیژن رحمانی
۹۱	ارزیابی کیفیت بصری و ویژگی‌های کالبدی بدنه‌های شهری از دیدگاه پایداری اجتماعی (مورد کاوی: خیابان پنجم نیروی هوایی در منطقه ۱۳ و خیابان میعاد در منطقه ۱۹ در کلان شهر تهران) ساره مشعریان، خشایار کاشانی جو، ملیحه احمدی
۱۱۷	سنجش کالبدی فضاهای عمومی به منظور افزایش امنیت شهری در راستای محیط زیست پایدار با رویکرد CPTED مطالعه موردی: محلات کارآمد و ناکارآمد شهر ساری صدرالدین متولی
۱۳۹	سنجش حس تعلق مکان از منظر شاخص‌های کالبدی موردپژوهی: محله آبشوران شهر کرمانشاه محمود محمدی، آرزو جمشیدی شیخی آبادی، مجتبی لرزنگنه
۱۶۵	بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرزندگی شهری مورد مطالعه: پیاده راه بوعلی شهر همدان محمود امیری، مجید شمس
۱۸۵	طراحی مدل تاب‌آوری کالبدی شهر در مقابل زلزله با تأکید بر تئوری انتقادی و رویکرد نظریه داده بنیاد سارا توتونچی، حسین بحرینی، منوچهر طبیبیان
۲۰۷	تبیین مفهوم شخصیت شهری از دیدگاه ساکنان محله‌های چله‌خانه و گل‌سار شهر رشت علی‌اکبر سالاری‌پور، محمد نوری‌پور سدهی









## ارزیابی توسعه کالبدی شهر تبریز به لحاظ فشردگی با رتبه‌بندی شاخص‌های رشد هوشمند شهری (مطالعه‌ی موردی منطقه ۲، ۴ و ۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۹۹/۱۲/۱۰

علی زینالی عظیم (دانشجوی دکتری تخصصی رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مرنند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرنند، ایران)  
میرسعید موسوی\* (استادیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران)  
رحیم سرور (استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

### چکیده

با توجه به پراکندگی شهری در دنیا که در اثر توسعه شهرنشینی ایجاد شده است، تغییرات گسترده در شهرها و جمعیت آنها منجر به بحران‌های جمعیتی و زیست‌محیطی شده است. استراتژی‌های جدیدی از جمله رشد هوشمند برای غلبه بر این چالش با رویکرد هدایت شهرها به سمت رویکرد زیست‌محیطی پایدارتر ارائه شده است. تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی و به لحاظ روش شناسی به صورت توصیفی - تحلیلی بوده؛ و جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و پیمایشی بوده است. ارزیابی و رتبه‌بندی میان مناطق نیز از تکنیک تاپسیس و آنتونی به همراه آزمون Anova استفاده شد. برای بررسی میزان فشردگی شهر تبریز روش تسای، مدل هلدرن و... به کار گرفته شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق نتایج تحقیق نشان می‌دهد که منطقه‌ی ۲ شهرداری تبریز با نمره‌ی تاپسیس ۰/۷۳۵۸ در رتبه اول قرار گرفت و منطقه‌ی ۷ نیز با نمره‌ی تاپسیس ۰/۰۴۷۹ در رتبه آخر و کم برخوردارترین منطقه از لحاظ رشد هوشمند شهری قرار گرفت و منطقه ۴ هم با نمره تاپسیس ۰/۰۹۲۸ منطقه نیمه برخوردار می‌باشد. همچنین از نظر میزان فشردگی هم مدل تسای و مدل هلدرن نیز نشان می‌دهد که درصد رشد ناشی از جمعیت شهر از ۸۷/۳۱ درصد به ۹۵ درصد رسیده است که نشانه‌ای از فشرده‌تر شدن این کلانشهر طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ می‌باشد. تحلیل ضریب سطح زیر بنا نیز نشان می‌دهد که با افزایش این ضریب در شهر تبریز بر میزان تراکم این شهر افزوده شده است. میانگین این ضریب برای سال ۱۳۸۵، ۲/۵۱ و سال ۱۳۹۵، ۲/۹۹ بوده است که نشان از افزایش فشردگی و متراکم‌تر شدن دارد.

**واژه‌های کلیدی:** شهر فشرده، رشد هوشمند، شهر پراکنده، توسعه کالبدی؛ شهر تبریز.

## مقدمه

شهر یک موجود زنده است. همیشه در حال تغییر و تحول و به قول بسیاری از محققین مسائل شهری نمود بارز تمدن و نشانه‌ی ارزشمند ارتقاء و اعتلاء جوامع بشری است. هدف از شکل‌گیری شهرها ایجاد شرایط مطلوب زیستی برای شهروندان و در هر کجای جهان خواهد بود. (حسین‌زاده‌دلیر و همکاران، ۱۳۹۵). اما از طرفی رشد سریع شهری مشکلات مختلفی را به وجود آورده است که به اشکال مختلف بروز کرده‌اند. به ویژه در دهه‌های اخیر تغییرات زیادی کرده است. پراکندگی سکونتگاه‌های انسانی روی زمین مشکلات زیست‌محیطی بسیاری را ایجاد کرده است. (Wang et al, 2017). برای حل مشکلات بوجود آمده یکی از مدل‌های مطرح شده نظریه رشد هوشمند می‌باشد. رشد هوشمند نظریه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است که توسط جامعه برنامه‌ریزی آمریکا در اواخر دهه ۱۹۹۰ برای مقابله با گسترش نامنظم شهرنشینی شهری و مشکلات ناشی از منابع زمین و محیط‌زیست پیشنهاد شده‌است. (Liu et al, 2018) هدف نظریه رشد هوشمند ایجاد شهری با رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار زیست‌محیطی است. (Chen et al, 2017) این روش استفاده از دیگر سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را براساس تئوری توسعه فضایی شهری ادغام می‌کند و نقش مؤثری در شیوه‌های مدیریت رشد شهری ایفا می‌کند. (Lucaciu, 2018) به عنوان ایده جدید توسعه شهری، مفهوم رشد هوشمند به تدریج به بلوغ رسیده و پیشرفت بزرگی در بسیاری از کشورها داشته‌است. مفهوم رشد هوشمند بر توسعه جامع و هماهنگ اقتصادی- اجتماعی و منابع و محیط‌زیست تأکید دارد و توسعه فشرده، متمرکز و کارآمد شهر را از طریق جایگزینی کارکرد کاربری اراضی شهری، کنترل پراکندگی مرز شهری، حفاظت از محیط‌زیست و تغییر شکل شهر قدیمی را ترویج می‌دهد. (Hess & Sorensen, 2015) با توجه به رشد هوشمندانه شهرها، محققان این مسأله را مورد مطالعه قرار داده‌اند. (Mohamed & Boyle, 2007) توسعه کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیست و جمعیت شهر به عنوان شاخص‌های اصلی برای اندازه‌گیری رشد هوشمند استفاده می‌شوند. بر این اساس مدل رشد هوشمند شهری شکل می‌گیرد و تغییرات پویای هر شاخص پیش‌بینی و تحلیل می‌شوند، و تأثیر هر شاخص بر رشد هوشمند شهر و اثراتش بر توسعه پایدار شهر در آینده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. (Liu et al, 2018) از آنجا که کلانشهر تبریز هم دارای مشکلاتی از قبیل کمبود یا عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، کاربری‌های نامتناسب، وجود مشکلات زیست‌محیطی، نابرابری در توزیع خدمات در هر منطقه و دسترسی به آنها می‌باشد، اهمیت این موضوع مطرح می‌شود که با بررسی شاخص‌های رشد هوشمند در این شهر بتوان به شناخت کمبودها و ارائه راه‌حلی در این زمینه پرداخت. به منظور حل مسائل ناشی از عدم تعادل‌های منطقه‌ای به لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند شهری گام نخست شناخت و رتبه‌بندی مناطق از نظر میزان

برخورداری در زمینه‌های اجتماعی- اقتصادی، کالبدی و کاربری اراضی، دسترسی و ارتباطات و زیست‌محیطی می‌باشد. در این راستا شکاف ذهنی نوشتار حاضر بر این امر استوار بوده است که وضعیت مناطق منتخب شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند با یکدیگر چگونه است؟ و دگرذیسی توسعه‌ی کالبدی شهر تبریز از الگوی پراکنش به سوی الگوی فشرده (متراکم) در چه وضعیتی است؟

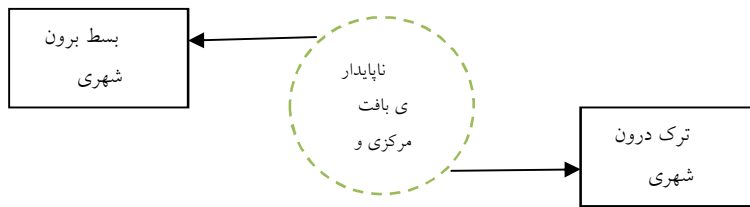
## اهداف پژوهش

- ۱- بررسی توسعه‌ی کالبدی شهر تبریز بر اساس تحلیل و رتبه‌بندی شاخص‌های رشد هوشمند شهری
- ۲- بررسی پراکندگی و فشردگی توسعه کالبدی شهر تبریز

## مبانی نظری

### – شهر فشرده

برنامه‌ریزی و توسعه فشرده شهری در طول ۳۰ سال گذشته یا بیشتر، اغلب پاسخ به چالش‌های توسعه پایدار بوده است. سیاست‌های جهانی و محلی مدل شهر فشرده را با توجه به نتایج مثبت اصول طراحی و استراتژی آن برای دستیابی به شهرهای پایدار از نظر اهداف زیست‌محیطی، اقتصادی، و اجتماعی بسط می‌دهند. (Bibri & Krogstie, 2020b) در واقع، طبق بسیاری از مطالعات به‌عنوان مثال (Newman & Kenworthy, 1999, Williams, et al, 2000, Arbury, 2005, Bibri & Krogstie, 2017b, Hofstad, 2012, Naess, 2013, Krogstie, 2017a). در برنامه‌ریزی و توسعه شهری پایدار به طور گسترده مدل شهر فشرده به عنوان یک مدل بسیار مؤثر مطرح شده است. این شهر فشرده به عنوان یک شکل مطلوب، توسعه‌ای را تضمین می‌کند که از نظر زیست‌محیطی، از نظر اقتصادی و اجتماعی سودمند است و مزایای زیادی دارد (Jim, et al, 2018, Dempsey 2010).



شکل ۱: شهر ناپایدار محصول دو بسط برون‌شهری و ترک درون‌شهری (حیدری، ۱۳۹۴: ۸۵)

### شهر پراکنده

پراکندگی شهری یکی از مهمترین نتایج تحولات ناشی از جمع شدن جمعیت در مراکز شهری است. (Cobbinah Darkwah, 2016, Mosammam et al, 2017, Xu et al, 2019a) در حال حاضر رشد جمعیت شهری در سراسر جهان به عنوان عاملی شناخته می‌شود که مستقیماً عامل اصلی پدیده پراکندگی شهری در شهرهای کشورهای در حال توسعه است. (Xu, 2019b) با افزایش جمعیت یک مرکز شهری، نیاز آن به زیرساخت‌هایی مانند حمل و نقل، آب، فاضلاب و تأسیساتی مانند مسکن، تجارت، بهداشت، مدارس و تفریحات افزایش می‌یابد، که اغلب منجر به پدیده‌ای می‌شود که به گسترش شهری پراکنده معروف است (Fenta et al, 2019, Ujoh et al, 2019, Tanveer et al, 2019, Sumari et al, 2017, al, 2017). با توجه به افزایش سریع سطح شهرنشینی در اکثر کشورهای جهان از سال ۱۹۵۰ (United Nations, 2018)، نظارت و تجزیه و تحلیل گسترش شهری به موضوعی محبوب در کاربردهای علوم زمین در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. (Zhang et al, 2019a). (Trinder & Liu, 2020) به‌طور کلی می‌توان گفت الگوی پراکنش توسعه‌ای، غیرنظام‌مند، پراکنده و کنترل نشده است، که ویژگی بارز آن تراکم پایین، وابستگی شدید به ماشین، افتراق کاربریهای اراضی، فقدان تنوع زیستی، کاهش جذابیت چشم‌اندازها، توسعه‌های نواری شکل و پراکنده تجاری، گسترش بیش از حد شهر به سمت بیرون و مالکیت غیرمتمرکز زمین می‌باشد. (Terfa et al, 2020).

### رشد هوشمند

"رشد هوشمند" به‌طور گسترده‌ای برای توصیف الگوهای فشرده توسعه که ویژگیهای منفی رشد پراکنده را به تصویر نمی‌کشد، به کار گرفته می‌شود. (Batisani, 2006) چنین برنامه‌هایی اغلب شامل مجموعه‌ای از ابزارها مانند منطقه‌بندی، برنامه‌های جامع، مقررات

تقسیم‌بندی، هزینه‌های توسعه، مطالبه‌ها و سرمایه‌گذاریه‌های زیربنایی، همراه با توسعه با تراکم بالا است. (Nelson et al, 2002) ایده‌ی اصلی رشد هوشمندانه این است که برنامه‌ریزی ساختاریافته و استراتژیک از رشد اقتصادی، نیازهای جامعه و حفاظت از محیط زیست حمایت می‌کند. رشد هوشمندانه یک تئوری برنامه‌ریزی و حمل و نقل شهری است که رشد را در مراکز فشرده شهری قابل پیاده‌روی متمرکز می‌کند تا از پراکنده‌رویی جلوگیری شود. (Yuwei & Mengyue, 2018). رشد هوشمند در جستجوی گزینه‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی بهتر برای انطباق با رشد مداوم جمعیت است. رشد هوشمند با سایر رویکردهای محدود کننده رشد تفاوت دارد زیرا طرفدار رشد است. (Ghalib, 2018) در واقع، رشد هوشمند، یک مفهوم ابزار محور است که توافق چندانی در تعاریف آن وجود ندارد، اما طرفداران رشد هوشمند، بر اصول ده‌گانه آن که از سوی آژانس حفظ محیط‌زیست آمریکا (APA) ارائه شده است هم عقیده‌اند. (Cowan, 2005: 357) راهبرد رشد هوشمند اصول ده‌گانه اساسی زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: ۱- کاربری‌های مختلط؛ ۲- استفاده از ساختمان‌های فشرده؛ ۳- خلق فرصت‌های مختلف انتخاب مسکن؛ ۴- ایجاد محلات قابل پیاده‌روی؛ ۵- ایجاد جوامع متمایز و جذاب با تأکید شدید بر مفهوم مکان؛ ۶- حفاظت از فضاهای باز، زمین‌های زراعی، زیبایی‌های طبیعی و زیست‌محیطی آسیب‌پذیر؛ ۷- هدایت و توانمند ساختن توسعه در جوامع کنونی؛ ۸- ایجاد فرصت‌های متنوعی از حمل و نقل؛ ۹- قابل پیش‌بینی، منصفانه و شریک‌بخش کردن تصمیمات توسعه؛ ۱۰- تشویق شهروندان به مشارکت پایدار در تصمیمات مربوط به توسعه؛ با قبول این حقیقت که انطباق یک جامعه با تمامی این اصول ممکن نیست، ولی باید در نظر داشت این اصول در هر جامعه‌ای که پیاده شوند، لازم است در ارتباط و هماهنگ با یکدیگر باشند، در غیر این صورت نتیجه مطلوب حاصل نمی‌شود. (Li, Ren, 2019, EPA, 2010).

جدول (۲) مقایسه رشد هوشمند با رشد پراکنده‌ی شهری

رشد پراکنده	رشد هوشمند	
اکثراً به صورت حاشیه‌ای و کناره‌ای	الگوی رشد اکثراً به صورت توسعه‌ی همپوشانی و تزریقی	الگوی رشد
کم تراکم و فعالیت‌ها پراکنده	تراکم بالا و فعالیت‌ها به صورت خوشه‌ای	تراکم
کاربری زمین به صورت تک کاربری و جدا	کاربری زمین مختلط	اختلاط کاربری زمین
در مقیاس بزرگ، بلوک‌های بزرگتر، جاده‌های گسترده‌تر، خدمات منطقه‌ای بیشتر، با دسترسی خودرو.	مقیاس انسانی، بلوک‌ها و جاده‌های کوچکتر، خدمات محلی بیشتر، دسترسی به صورت پیاده‌روی	مقیاس
منطقه‌ای، تلفیقی، بزرگتر. دسترسی اتومبیل را ترجیح می‌دهد.	محلی، کوچکتر توزیع شده، دسترسی پیاده‌روی را ترجیح می‌دهد	خدمات (مغازه‌ها، ...مدارس و پارکها و

نوع مسکن	متنوع، از جمله انواع مسکن فشرده مانند آپارتمان‌ها	در اصل مسکن به‌صورت تک خانواده‌ای بزرگ است.
حمل و نقل	چند مدلی، پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و حمل و نقل عمومی را پشتیبانی می‌کند.	اتومبیل‌گرا، برای پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و عبور و مرور مناسب نیست.
اتصال حمل و نقل	جاده‌ها، پیاده‌روها و مسیرهای بسیار متصل و اتصالات خوب بین حالت‌ها.	شبکه‌های ضعیف متصل، دارای خیابانهای بی-شمار متعدد، مسیرهای معدود و ارتباطات ناکافی بین حالت‌ها.
عرضه‌ی پارکینگ	عرضه کمتر پارکینگ، قیمت پارکینگ بالاتر	عرضه‌ی پارکینگ فراوان و معمولاً بدون قیمت است
طراحی خیابان	خیابان‌های کامل که حالت‌ها و فعالیت‌های متنوعی دارند.	خیابان‌هایی که برای به حداکثر رساندن حجم و سرعت تردد وسایل نقلیه موتوری طراحی شده‌اند.
فرآیند برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی و هماهنگی بین حوزه‌های تخصصی و ذینفعان.	برنامه‌ریزی ضعیف و با هماهنگی اندک بین حوزه‌های تخصصی و ذینفعان.
فضای عمومی	تأکید بر قلمرو عمومی (خیابان‌ها، پیاده‌روها و پارک‌های عمومی).	تأکید بر قلمرو خصوصی (حیاط، مراکز خرید، جوامع دروازه‌دار، کلپ‌های خصوصی).

Smart Growth, VTPI 2006, Litman, 2019

### پیشینه تحقیق

تلفیق اصول رشد هوشمند و استراتژی توسعه میان‌افزا در شناسایی ظرفیت‌های کالبدی توسعه درونی شهر (مطالعه موردی: منطقه ۳ تبریز)، (۱۳۹۸)، توسط محمودزاده، عابدینی‌ایرانق، انجام گرفته نتایج تحقیق حاکی آن است که همه قسمت‌های منطقه ۳ کلان‌شهر تبریز برای رشد هوشمند یکسان نیست. روزخوش و همکارانش (۱۳۹۸) در بررسی ارتباط پارامترهای رشد هوشمند و ثغوری چیدمان فضا در انواع بافت‌های شهری (نمونه موردی: بجنورد) اظهار می‌کنند که شاخص‌های قابلیت پیاده‌مداری و اختلاط کاربری در سه بافت مورد بررسی تأثیرپذیر از هم پیوندی و اتصال‌پذیری معابر بوده‌اند و با افزایش این شاخص‌ها، افزایش پیاده‌مداری و اختلاط کاربری در بافت‌ها دیده می‌شود. اما در بررسی شاخص دسترسی به حمل و نقل عمومی در این پژوهش تأثیرپذیری یاد شده دیده نشده است. علی اکبری و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه سنجش ظرفیت اجتماعی در پذیرش اصول رشد هوشمند در نواحی شهری (مطالعه موردی: کاشان) بیان می‌کنند که ناحیه‌ی بازار بیشترین و ناحیه‌ی خزاق کمترین ظرفیت اجتماعی را در پذیرش رشد هوشمند دارند. رکن‌الدین افتخاری و همکاران (۱۳۹۹) سطح الگوی رشد هوشمند در مناطق روستایی پیرامون کلانشهر تهران را ارزیابی کرده و نتایج به‌دست‌آمده از آزمون رادار نشان می‌دهد که براساس طیف پرسکات آلن، هیچ‌یک از روستاها در وضعیت رشد هوشمند نیستند و بیشتر در طیف رشد غیرهوشمند و رشد غیرهوشمند بالقوه قرار دارند. لیوو و



همکارانش در پژوهشی با عنوان کاربرد و مدل ریاضی رشد هوشمند شهری به این نتایج می‌رسند که برخی از شاخص‌ها در سطح شهر بوردو هنوز در سطح ضعیفی قرار دارند. ترکیب شاخص‌ها با وزن‌های نمرات بالاتر و پایین‌تر در نتایج ارزیابی، یک برنامه رشد هوشمند شهری بهتر ارائه داده است. سرانجام، مدل پیش‌بینی ARIMA برای پیش‌بینی شاخص‌ها در آینده بیش از ده سال استفاده می‌شود. نتایج اثربخشی برنامه رشد هوشمند شهری و پتانسیل برنامه‌ها را تأیید می‌کند. (Liu et al, 2018) لی و همکارانش (۲۰۱۸)، به بررسی رشد هوشمندانه شهرهای چین: با استفاده از فرصت‌های زمین‌های خالی، به این نتیجه می‌رسند که مقدار قابل توجهی از زمین خالی و تغییرات در پویایی شهر از پیامدهای مهم سیاست رشد هوشمندانه شهرها در چین است. اتخاذ بهترین تصمیم‌گیری در زمینه برنامه‌ریزی و مدیریت در مورد این زمین‌های خالی یکی از امیدهای رشد هوشمندانه در شهرهای چین می‌باشد. (Li et al, 2018) لوکاجیو (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان نگاهی به چارچوب ارزیابی برنامه‌های رشد هوشمند، بیان می‌کند رشد هوشمند مبتنی بر محرک‌های دانش و نوآوری متمرکز شده است. همچنین به استراتژی‌های شهرهای هوشمند و تعاملات آن با رشد هوشمند شهری پرداخته است. (Lucaciu, 2018) لی و رن (۲۰۱۹) یک مدل ارزیابی جدید برای رشد هوشمند شهری براساس مؤلفه‌های شبکه عصبی رگرسیون اصلی و عملکرد شعاعی بیان می‌کنند که رشد هوشمند به طور گسترده‌ای توسط برنامه‌ریزان شهری به‌عنوان یک رویکرد ابتکاری پذیرفته شده است، که می‌تواند یک شهر را به یک شهر مدرن سازگار با محیط‌زیست راهنمایی کند. بنابراین، تعیین درجه رشد هوشمند کاملاً قابل توجه است. برای تعیین درجه پایداری، ارزیابی سطح رشد هوشمند شهری ارائه شده است که توسط مؤلفه‌های اصلی رگرسیون (PCR) و شبکه عصبی عملکرد پایه شعاعی (RBF) بررسی می‌شود. (Li & Ren, 2019). گرن و همکارانش (۲۰۱۹) در مطالعه خود رشد هوشمند چقدر هوشمند است؟ بررسی اعتبار محیط‌زیست در پشت تراکم شهر، به این نتیجه رسیده‌اند که رشد هوشمند (SG) به طور گسترده‌ای توسط برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران به عنوان روشی سازگار با محیط‌زیست برای ساختن شهرها پذیرفته شده است. هدف این است که شهرها را در برابر انواع خطرات زیست‌محیطی مقاوم‌تر سازد، به عنوان مثال، مقاوم‌سازی در برابر اثرات تغییر آب و هوا. (Gren et al, 2019) - لیتمن (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان رشد هوشمند شهری و مزایای شهر فشرده بیان می‌کند که رشد هوشمند شامل سیاست‌های مختلفی است که منجر به توسعه فشرده و چند حالته می‌شود. تحقیقات معتبر نشان می‌دهد که ساکنان جامعه رشد هوشمند زمین کمتری مصرف می‌کنند، وسایل نقلیه کمتری دارند، کمتر رانندگی می‌کنند، بیشتر به حالت‌های جایگزین اعتماد می‌کنند، هزینه حمل و نقل کمتری دارند، (Litman, 2020). نوشتار حاضر اگرچه به لحاظ موضوعی (بافتهای فرسوده)؛ در موارد مختلف و از جنبه‌های مختلف به آن (بازسازی، نوسازی، بهسازی، توسعه درونی و...) مورد بررسی قرار گرفته است، اما به لحاظ محتوایی و رویکرد توأمان

کیفی و کمی و روش‌های بکار گرفته شده، دارای نوآوری بوده و فرازهای متعددی آن را از تحقیقات پیشین متمایز می‌سازند. لذا اهمیت بررسی این موضوع را می‌توان در دو محور عمده خلاصه نمود: ارزش نظری و ارزش عملی. ویژگی نظری این مطالعه کمک به پیشرفت تخصصی و افزودن بر ادبیات علمی موضوع و برنامه‌ریزی شهری می‌باشد، زیرا تاکنون در زمینه تحلیل رشد هوشمند شهری از این زوایه بررسی‌های بنیادین صورت نپذیرفته است. ارزش عملی پژوهش نیز به نوبه خود در تغییر، بهبود و اصلاح روشها و الگوهای مواجهه با رشد هوشمند شهری خواهد بود.

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و به لحاظ قلمرو زمانی مقطعی (۱۳۹۸)<sup>۱</sup> است. گردآوری اطلاعات موردنیاز پژوهش از طریق مطالعات دقیق کتابخانه‌ای (استفاده از اسناد و مدارک) و به‌منظور فراهم ساختن مبانی تئوریکی از مقالات منتشرشده در مجلات مختلف، جستجوی نظام‌مند با استفاده از واژگان کلیدی (رشد هوشمند) با استفاده از پایگاه‌های داده<sup>۲</sup> انجام شد. در این پژوهش با توجه به هدف تحقیق به تحلیل شاخص‌های رشد هوشمند شهری در شهر تبریز پرداخته شده است. اطلاعات مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۹۵)، آمارنامه‌ی شهر تبریز (۱۳۹۵)، و طرح‌های فرادست شهری (بازنگری تفصیلی مناطق شهر تبریز) استفاده شده است. در راستای نوع نمونه‌گیری از نوع احتمالی و به شیوه زنجیره‌ای (گلوله برفی<sup>۳</sup>) بوده است. به منظور دستیاری به حجم نمونه برای جمع‌آوری اطلاعات از روش پرسشنامه و مصاحبه با خبرگان حوزه مورد پژوهش، استفاده به عمل آمد. در این راستا، هیچ قانون صریحی در مورد تعداد متخصصان وجود ندارد و بسته به هدف دلفی، وسعت، زمان جمع‌آوری داده‌ها و منابع در دسترس، تعداد شرکت‌کنندگان معمولاً بین ۱۵ تا ۵۰ نفر برآورد می‌شود (Windle, 2004)، که در پژوهش حاضر از تعداد حدود ۳۰ پرسشنامه براساس شاخص‌های رشد هوشمند شهری که از متخصصین حوزه‌های سازمان‌های ذی‌ربط و... جمع‌آوری شده است. شهرداری تبریز در حال حاضر دارای مناطق ده گانه می‌باشد که تعداد کل مناطق کلانشهر با توجه به محدودیت‌های پژوهش قابل بررسی نبوده و از سویی از بین مناطق مذکور با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و مطالعه محتوای مقالات و طرح‌های فرادست به نظر می‌رسد قابلیت بررسی در این مناطق محرز باشد (محمودزاده و عابدینی ایرانق، ۱۳۹۸؛ مفرح بناب و همکاران، ۱۳۹۷). به منظور

1. Cross sectional

2 - SID ،Information Systems،Science /Direct

3 - Snowball Sampling

تعیین روایی پرسشنامه ۱۰ نفر از اساتید جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری نظر خواهی و شاخص‌ها طبق نظر این اساتید اصلاح شد. همچنین جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق گویه‌های طرح شده از ضریب الفای کرونباخ استفاده شده و برای این منظور تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و پیش آزمون گردید و ضریب آلفای بدست آمده برای ابعاد اجتماعی-اقتصادی برابر با ۰/۷۸ درصد، ابعاد زیست محیطی ۰/۷۶ درصد، ابعاد کالبدی-فضایی ۰/۷۲ درصد و ابعاد دسترسی ۰/۷۵ درصد بدست آمد. همچنین ضریب آلفای کل بدست آمده برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۴ درصد می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Arc GIS بوده که در راستای ۴ شاخص اصلی (کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی-اقتصادی و دسترسی) به همراه ۴۵ زیرشاخص؛ ارزیابی و رتبه‌بندی میان مناطق از تکنیک تاپسیس و آنتونی به همراه آزمون Anova صورت گرفته است. همچنین برای تحلیل فشردگی شهر با استفاده از تکنیک‌های رگرسیون، شاخص‌های تسای، مدل هلدرن، شاخص‌های هندرسون، هرفیندال استفاده شده است. شاخص‌های تحقیق در جدول (۳) بر اساس مبانی موضوع تحقیق استخراج شده است.

جدول (۳): شاخص‌های تطبیق رشد هوشمند شهری و اسپروال شهری

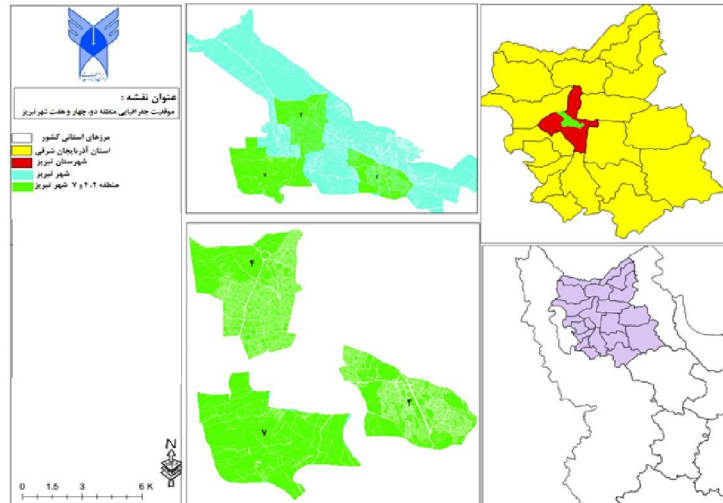
شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ماخذ
شاخص‌های کالبدی ۱۵	درصد واحدهای مسکونی ۱۰۰ تا ۱۵۰ متر به کل واحدهای مسکونی، درصد واحدهای مسکونی بالای ۲۰۰ متر به کل واحدهای مسکونی. سهم و سرانه‌ی کاربری مسکونی، سهم و سرانه‌ی کاربری تجاری و تجاری مختلط، سهم و سرانه‌ی کاربری آموزشی، سهم و سرانه‌ی کاربری فرهنگی- مذهبی، سهم و سرانه‌ی کاربری بهداشتی و درمانی، سهم و سرانه‌ی کاربری تفریحی، سهم و سرانه‌ی گردشگری، سهم و سرانه‌ی آموزش عالی، سهم و سرانه‌ی اداری و انتظامی، سهم و سرانه‌ی خدمات‌های اجتماعی، سهم و سرانه‌ی کاربری کارگاهی و صنعتی، سهم و سرانه‌ی کاربری تأسیسات، سهم و سرانه‌ی کاربری حمل و نقل و انبارداری.	رفعیان و مولودی(۱۳۹۰)، فتحعلیان و پرتوی(۱۳۹۰)، زبردست و بنی عامریان (۱۳۸۹)، Lau Leby et al, Wheeler(2001), Burden and Litman (2010) راد جهانبانی(۱۳۹۰)، دوهل(۱۹۸۴).
شاخص زیست محیطی ۱۰	آلودگی هوا، تعداد پارک عمومی نسبت به جمعیت منطقه، سهم و سرانه‌ی پارک عمومی، سهم و سرانه فضای سبز (درخت، کشاورزی و فضای سبز حفاظتی)، سهم و سرانه‌ی مجاری آب (رودخانه، مادی، جوی آب، قنات)، سهم و سرانه‌ی فضاهای باز، بایر و کشاورزی، معکوس سرانه‌ی تولید زباله، رفوژ	American Institute of Architects(2005)/ Victoria Transportation Policy Institute (2009)/ Lau Leby et al(2010)/ Shepherd et al(2009)/ Litman(2004)/ Pierson et al(2010)/ Thorsby(2005)/ Britne (2009) / Bonaiuto et al (2003)/ Shepherd et al(2009) بندرآباد(۱۳۹۳)، خراسانی(۱۳۹۰)، رفعیان و مولودی(۱۳۹۰).

Brittne (2009)/ National Research Council (2002)/ American Institute of Architects (2005)/ AARP (2005)/ Litman (2004)/ Howley et al(2009)/ Brittne (2009)/ Bonaiuto et al (2003)	درصد باسوادی مناطق، درصد باسوادی مردان، درصد باسوادی زنان، درصد شاغلان به جمعیت ده ساله و بیشتر، نسبت شاغلان مرد، نسبت شاغلان زن، سهم جمعیتی منطقه، تعداد و سهم خانوارها، معکوس بعد خانوار، تعداد خانوار در واحد مسکونی، معکوس پارتکفل، نرخ مشارکت، درصد دانش آموزان.	شاخص اقتصادی- اجتماعی ۱۴
/Lau Leby et al (2010)/ Heylen موسوی (۱۳۹۲) صمیمی (۱۳۹۲) (2006) Mitchell (2005)/ Howley et al (2009)/ Wheller / Brittne (2009), خراسانی (۱۳۹۰)؛ حیدری(۱۳۹۱)، زنگی آبادی و همکاران (۱۳۹۰)	درصد ظرفیت پارکینگها، نسبت پارکینگ به خودرو، نسبت معابر آسفالت به مساحت منطقه، نسبت معابر پیاده به مساحت منطقه، نرخ تولید سفر، سرانه و سهم کاربری معابر، سهم و سرانه ی کاربری پارکینگ	شاخص دسترسی ۷

### شناخت محدوده مورد مطالعه

استان آذربایجان شرقی با جمعیت ۳۹۰۹۶۵۲ نفر از استانهای ترک‌نشین ایران است که تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی در ناحیه شمال غربی آن واقع شده است. (فرامرزی اصل و زینالی عظیم، ۱۳۹۷) مرکز استان شهر تبریز با جمعیت ۱۵۹۳۳۷۳ نفر ۴۲ درصد جمعیت استان را به خود اختصاص داده است. بر اساس تقسیمات کالبدی طرح جامع، این شهر به ۱۰ منطقه تقسیم شده است (مفرح بناب و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۵). سهم تبریز از مساحت بافت فرسوده شهری استان ۲۵۲۲ هکتار است (محمودزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹).

شهر تبریز در ۴۶ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و دو دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۴۰۰ متر می‌باشد. با وسعتی حدود ۱۱۸۰۰ کیلومتر در قلمرو میانی خطه آذربایجان و در قسمت شرقی شمال دریاچه ارومیه و ۶۱۹ کیلو متری غرب تهران قرار دارد. در ۱۵۰ کیلو متری جنوب جلفا، مرز ایران و جمهوری آذربایجان قرار گرفته است. جمعیت تبریز بیش از یک و نیم میلیون نفر می‌باشد. تبریز از سمت جنوب به رشته کوه منفرد همیشه پر برف سهند و از شمال شرقی به کوه سرخ فام (عون بن علی عینالی) محدود می‌شود. رودخانه آجی چای (تلخه رود) از قسمت شمال و شمال غرب تبریز می‌گذرد و بعد از طی مسافتی قابل توجه در دشت تبریز به دریاچه ارومیه می‌ریزد و مه‌انرود از میانه تبریز می‌گذرد که اکثراً در فصول مختلف سال بی آب است. تبریز زمانی دارای باغات و مزارع فرح انگیز و پر آوازه‌ای بود به همراه قنات‌ها و چشمه‌های متعدد که امروز تمامی آن همه باغات و مزارع از میان رفته یا در حکم از میان رفتن است و گستره شهر پیرامون خود را به مناطق مسکونی، تجاری، اداری، و صنعتی و خدماتی مبدل ساخته است. (بصیری، زینالی عظیم، ۱۳۹۸).



شکل ۱. موقعیت شهرتبریز در کشور و استان و موقعیت مناطق (۷، ۴، ۲) در شهر تبریز (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

منطقه ۲ شهرداری تبریز: این منطقه در جنوب شرقی شهر تبریز قرار گرفته و جمعیت ۱۹۶۵۰۷ نفر را در خود جای داده است که از ۱۰ منطقه شهرداری تبریز رتبه ۴ را دارا می‌باشد. ۵۴۱۲۲ خانوار این منطقه در مساحتی به وسعت ۲۱۲۲ هکتار زندگی می‌کنند که از این نظر رتبه ۶ را دارا می‌باشد. از نظر پایین بودن تراکم خاص رتبه ۴ را در بین مناطق ده‌گانه شهرداری تبریز و از نظر تراکم ناخالص در ردیف سوم قرار گرفته است (معاونت شهرسازی و معماری شهرتبریز، ۱۳۹۵).

منطقه ۴ شهرداری تبریز: پهنه این منطقه از مرکز به سمت غرب و شمال غرب تبریز گسترانیده شده و جمعیت ۳۱۵۱۸۳ نفر را در خود جای داده است و از این نظر پرجمعیت‌ترین منطقه در میان مناطق شهر تبریز است. ۱۰۲۲۴۲ خانوار ساکن در این منطقه در مساحتی به وسعت ۲۶۱۳ هکتار زندگی می‌کنند. از نظر پایین بودن تراکم خالص رتبه ۸ را دارا می‌باشد و از نظر تراکم ناخالص هم رتبه ۸ را به خود اختصاص داده است (معاونت شهرسازی و معماری شهرتبریز، ۱۳۹۵).

منطقه ۷ شهرداری تبریز: این منطقه در ورودی جنوب غربی تبریز قرار گرفته و با وجود مساحتی ۳۰۵۱ که تقریباً نصف منطقه شش تعداد ۴۷۳۴۵ خانوار و جمعیتی معادل ۱۵۵۸۷۲ نفر را در خود جای داده است. که از نظر جمعیتی رتبه‌ی ششم را در بین مناطق تبریز را دارا می‌باشد. از نظر پایین بودن تراکم خالص رتبه‌ی ششم و از نظر ناخالص رتبه‌ی چهارم را به خود اختصاص داده است (معماری شهرتبریز، ۱۳۹۵).

جدول ۳- مشخصات مساحت، جمعیت و تراکم خالص و ناخالص منطقه‌ی ۲، ۴ و ۷ شهر تبریز

منطقه‌ی شهرداری	مساحت (هکتار)	جمعیت	تعداد خانوار	تراکم جمعیتی خالص (نفر در هکتار)	تراکم جمعیتی ناخالص (نفر در هکتار)	
					فضای ساخته شده شهری	کل محدوده
منطقه‌ی ۲	۲۱۲۲	۱۹۶۵۰۷	۵۴۱۲۲	۳۰۶	۱۲۵	۸۲
منطقه‌ی ۴	۲۶۱۳	۳۱۵۱۸۳	۱۰۲۲۴۲	۳۷۳	۱۹۴	۱۲۶
منطقه‌ی ۷	۳۰۵۱	۱۵۵۸۷۲	۴۷۳۴۵	۳۴۲	۹۳	۴۵

منبع: معاونت شهرسازی و معماری شهر تبریز، سالنامه‌های آماری جمعیت و مسکن، ۱۳۹۵

## یافته‌های تحقیق

### – تحلیل رتبه‌بندی مناطق از نظر برخورداری شاخص‌های رشد هوشمند شهری

#### – شاخص‌های کالبدی

شاخص‌های کالبدی بر اساس نقشه طرح‌های فرادست شهر تبریز از نقشه‌های اتوکید و GIS دیتابیس نقشه بلوک‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی شهرداری تبریز تهیه شدند. این اطلاعات به صورت یک فایل اکسل بودند که به کد هر بلوک منطقه اتصال<sup>۱</sup> داده شدند. برای مثال بلوک فرضی شماره ۱، حدود ۱۳۰ متر کاربری آموزشی و ۷۵۸ متر نیز کاربری تجاری را شامل می‌شود. به منظور محاسبه سرانه هر منطقه از انواع کاربریها و خدمات شهری، از توابع تحلیل GIS به صورت گسترده استفاده گردید. در نهایت میزان زیربنای کاربریها برای هر منطقه بدست آورده و با تقسیم به کل جمعیت هر منطقه، میزان سرانه کاربریها برای هر منطقه مشخص گردید. جدول (۴)، سرانه شاخصهای کالبدی به ازای متر مربع به هر نفر نشان داده شده است. برای مثال می‌توان گفت که ۴۸/۵ درصد از کل منطقه ۲، کاربری مسکونی می‌باشد که سرانه آن برای هر نفر ۳۹/۴۵ متر مربع می‌باشد که بیشترین میزان کاربری مسکونی را در میان مناطق دیگر به خود اختصاص داده است. یا از نظر کاربری تأسیسات و تجهیزات شهری منطقه ۲ با ۵/۲۹ بالاترین و منطقه ۷ با ۰/۸۹ درصد کمترین سرانه را بخود اختصاص داده است. از نظر آموزش عالی منطقه ۲ با سرانه ۳/۵۸ بیشترین برخورداری و منطقه ۴ با ۰/۵۲ و منطقه ۷ با ۰/۰۱ درصد کمترین سرانه را به خود اختصاص داده‌اند.

<sup>۱</sup> -Join

جدول (۴) - زیرشاخص‌های کالبدی

مناطق	مسکونی بالای ۱۰۰ متر	مسکونی بالای ۲۰۰ متر	مسکونی	تجاری	آموزشی	فرهنگی مذهبی	بهداشتی و درمانی	تفریحی	آموزش عالی	اداری - انتظامی	خدمات اجتماعی	کارگاهی و صنعتی	تاسیسات و تجهیزات	حمل و نقل
۲	۲۲/۲۵	۳۹/۴۵	۴۰/۰۲	۳/۹۳	۳/۰۵	۱/۹۹	۰/۰۲	۵/۳۸	۳/۵۸	۷/۳۹	۳/۵۲	۱/۰۹	۵/۲۹	۳/۰۱
۴	۴۷/۸۷	۱۸/۱۱	۳۲/۹۳	۳/۲۵	۳/۰۱	۰/۷۵	۰/۰۱	۳/۱۱	۰/۵۲	۱/۸۹	۱/۹۵	۳/۴۲	۴/۱۱	۴/۰۶
۷	۱۹/۶۹	۳/۸۱	۲۵/۵۲	۱/۲۱	۱/۸۴	۰/۵۵	۰/۰۱	۱/۹۲	۰/۰۱	۱/۴۱	۰/۹۸	۲۴/۲۶	۰/۸۹	۳/۰۸

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

**شاخص‌های زیست محیطی**

با توجه به اینکه شاخص‌های زیست محیطی نقش تعیین کننده در رشد هوشمند شهری دارد و هم به عنوان علت و هم به عنوان معلول می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. شاخص‌های متعددی را می‌توان برای سنجش زیست محیطی در نظر گرفت اما با توجه به کمبود اطلاعات، (رفوژ، تولید زباله، کشاورزی و باغات، فضای باز و بایر، دفع آب و فاضلاب، فضای سبز، سرانه پارک، پارک عمومی نسبت به جمعیت منطقه و آلودگی هوا مورد استفاده قرار گرفتند. در جدول (۵)، درصد شاخص‌های زیست محیطی نشان داده شده است. که در اینجا منطقه ۲ با داشتن ۷/۳۷ درصد کمترین آلودگی را دارا می‌باشد و منطقه ۴ و ۷ به ترتیب با ۱۴/۹۶ و ۱۶/۷۱ بیشترین میزان آلودگی را داشته است. در تولید زباله هم منطقه ۷ با تولید ۲/۸۹ درصد بیشترین و منطقه ۲ با ۰/۸۵ و ۴ با ۱/۰۸ به ترتیب کمترین میزان تولید زباله را داشته‌اند. از نظر سرانه پارک هم منطقه ۲ با داشتن سرانه ۷/۵۰ متر مربع به ازای هر نفر بیشترین سرانه را داشته و منطقه ۷ هم ۱/۹۹ مترمربع به ازای هر نفر از کمترین میزان سرانه پارک برخوردارند همچنین منطقه ۴ هم از نظر فضای سبز داری سرانه ۳/۲۱ مترمربع را دارا می‌باشد.

جدول (۵) - زیرشاخص‌های زیست محیطی

مناطق	آلودگی هوا	جمعیت منطقه	پارک نسبت به	سرانه پارک	فضای سبز	دفع آب و فاضلاب	فضای باز	کشاورزی و باغات	تولید زباله	رفوژ
۲	۷/۳۷	۰/۰۵۶	۷/۵۰	۸/۰۸	۰/۹۹	۱۵/۲۱	۱۲/۸	۰/۸۵	۷۳/۱	
۴	۱۴/۹۶	۰/۰۰۲۵	۳/۲۱	۳/۱۹	۰/۳۲	۲۸/۴	۲۲/۱۶	۱/۰۸	۴۰/۱	
۷	۱۶/۷۱	۰/۰۰۱۰	۱/۹۹	۲/۰۱	۰/۱۲	۹۳/۳۵	۱۳/۲۵	۲/۸۹	۸۲/۰	

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

## شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی

برای شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی که از نظر کمی و کیفی تأثیرات زیادی در زندگی افراد و همچنین رشد هوشمند شهری دارند حدود ۱۴ آیتم بکار گرفته شد که عبارتند از: درصد باسوادی مناطق، درصد باسوادی مردان، درصد باسوادی زنان، درصد شاغلان به جمعیت ده ساله و بیشتر، نسبت شاغلان مرد، نسبت شاغلان زن، سهم جمعیتی منطقه، تعداد و سهم خانوارها، معکوس بعد خانوار، تعداد خانوار در واحد مسکونی، معکوس بارتکفل، نرخ مشارکت، درصد دانش آموزان. اطلاعات از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ اخذ شدند و با نسبت‌گیری هر شاخص از کل جمعیت هر منطقه، درصد هر یک محاسبه شدند. در جدول (۶) درصد هر شاخص از کل جمعیت بیان شده است. برای مثال، بیشترین درصد باسوادان در منطقه ۲ می‌باشد که حدود ۸۵٪ درصد از کل جمعیت این منطقه باسواد هستند در مقابل کمترین میزان باسوادی مربوط به منطقه با ۴۵٪ درصد از کل جمعیت منطقه را دارا می‌باشد. از نظر بار تکفل جمعیت، منطقه ۷ با میانگین ۲/۵۵ بیشترین بار تکفل را شامل شده و منطقه ۲ با ۱/۰۹ کمترین بارتکفل را شامل می‌شود. همچنین از نظر میزان شاغلین زن منطقه ۲ بالاترین درصد ۵۰ درصد و منطقه ۷ با ۰/۰۸ درصد کمترین میزان شاغلین زن به خود اختصاص داده است. سایر زیرشاخص‌ها نیز به همراه اطلاعاتشان در جدول (۶) بیان شده‌اند.

جدول (۶) - زیرشاخص‌های اجتماعی-اقتصادی

درصد دانش آموزان	مشارکت	بار تکفل	خانوار در واحد مسکونی	بعد خانوار	تعداد خانوارها	سهم جمعیتی منطقه	شاغلان زن	شاغلان مرد	شاغلان بالای ۱۰ سال	باسوادی زنان	باسوادی مردان	درصد باسوادی	مناطق
۰/۴۳	۰/۶۵	۱/۰۹	۱	۲/۲۰	۵۴۱۲۲	۲	۰/۵۰	۰/۶۰	۰/۴۹	۰/۷۵	۰/۸۰	۰/۸۵	۲
۰/۳۹	۰/۴۵	۲/۱۲	۱/۲۱	۲/۹۹	۱۰۲۲۴۲	۴	۰/۲۰	۰/۵۲	۰/۳۷	۰/۶۷	۰/۷۲	۰/۶۵	۴
۰/۲۸	۰/۲۳	۲/۵۵	۲/۰۱	۳/۸۵	۴۷۳۴۵	۷	۰/۰۸	۰/۴۰	۰/۳۱	۰/۵۲	۰/۶۸	۰/۴۵	۷

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

## - شاخص‌های دسترسی

به منظور محاسبه شاخص دسترسی، از زیرشاخص‌های درصد ظرفیت پارکینگ‌ها، نسبت پارکینگ به خودرو، نسبت معابر آسفالت به مساحت منطقه، نسبت معابر پیاده به مساحت منطقه، نرخ تولید سفر، سرانه و سهم کاربری معابر، سهم و سرانه‌ی کاربری پارکینگ استفاده شد. از نظر درصد ظرفیت پارکینگ‌ها منطقه ۲ با ۶۰ درصد ظرفیت بیشترین ظرفیت و منطقه ۷ با ظرفیت ۲۰ درصد ظرفیت پارکینگ کمترین میزان را دارا بوده، همچنین از نظر سهم کاربری معابر منطقه ۲ بیشترین و منطقه ۷ کمترین میزان سرانه معابر شامل می‌باشد و سایر



زیر شاخص‌ها با اطلاعات موجودی‌شان در جدول (۷) ارائه شده‌اند.

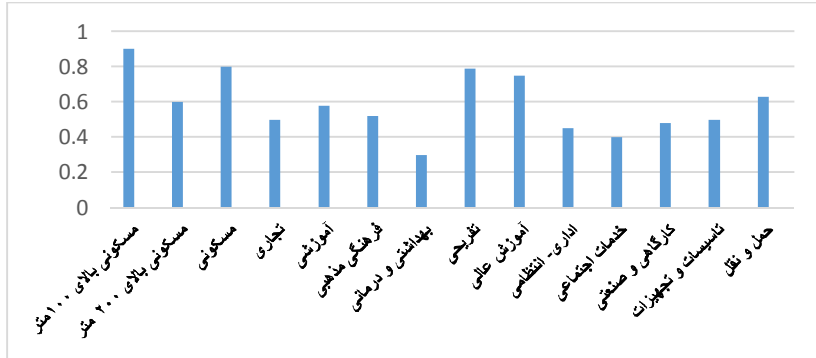
جدول (۷): زیر شاخص‌های دسترسی

مناطق	پارکینگ درصد ظرفیت خودرو	نسبت پارکینگ و خودرو	مساحت منطقه مغایر آسفالت به مساحت منطقه	پیاده‌رو به مساحت منطقه	نرخ تولید سفر	سرانه مغایر	سرانه پارکینگ
۲	۰/۶۰	۰/۷۵	۰/۲۵	۰/۱۳	۰/۵۳	۵/۰۹	۱/۱۰
۴	۰/۳۰	۰/۵۰	۰/۱۵	۰/۰۹	۰/۳۵	۳/۹۳	۰/۶۳
۷	۰/۲۰	۰/۳۰	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۱۶	۲/۸۶	۰/۵۰

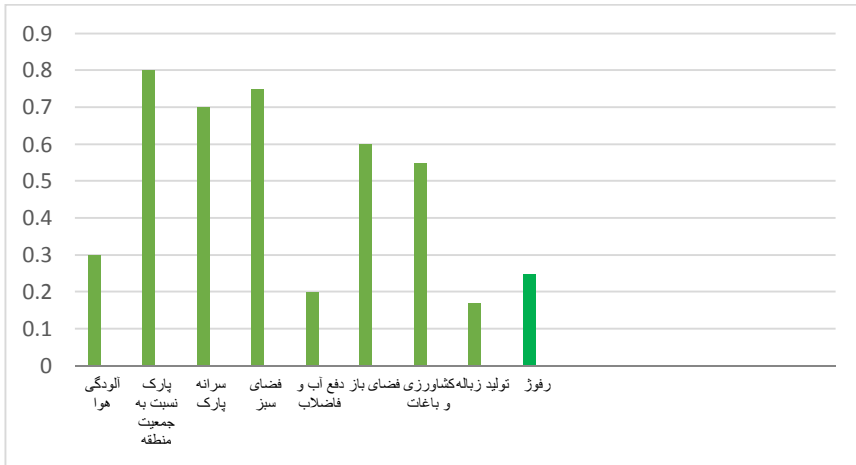
(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

### – وزن دهی آنتروپی شاخص‌های رشد هوشمند شهری مناطق (۲-۴-۷) شهر تبریز

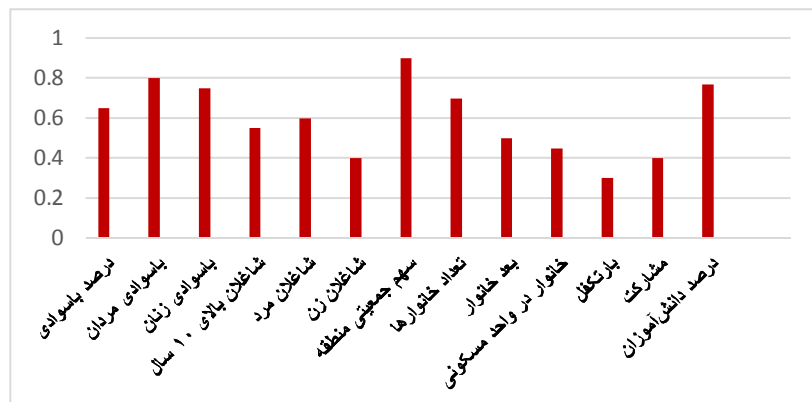
مدل آنتروپی شانون عمدتاً به منظور رتبه‌بندی توسعه یافتگی در حوزه‌های مختلف علوم مورد استفاده قرار گرفته که در مدل آنتروپی، اگر معیاری در یک یا چند منطقه عدد بزرگتر و در مناطق دیگر عدد و مقدار کوچکتری داشته باشد، به نحوی که دامنه تغییرات آن معیار بیشتر باشد، در این صورت وزن آنتروپی آن معیار بیشتر خواهد بود، اما اگر توزیع به صورت یکنواخت باشد، معیار مورد نظر وزن کمتری خواهد داشت. نتایج تحلیل در نمودارهای (۱، ۲، ۳، ۴) نشان داده شده است. میزان وزن و آنتروپی در معیارها، با یکدیگر تفاوت زیادی دارند. در شاخص کالبدی، درصد مسکونی بالای ۱۰۰ متر، و سرانه مسکونی بیشترین وزن، بهداشتی و درمانی و خدمات اجتماعی کمترین وزن را به خود اختصاص داده است. در شاخصهای زیستی نیز (سرانه پارک و فضای سبز تفریحی، باغات) بیشترین وزن و (تولید زباله، رفوژ) کمترین وزن را دارند. از نظر شاخص اجتماعی-اقتصادی (سهام جمعیتی منطقه، باسوادی مردان، درصد دانش‌آموزان) بیشترین وزن و (بارتکفل، میزان مشارکت و شاغلان زن) کمترین وزن را دارا می‌باشد. در شاخص دسترسی هم (سرانه پارکینگ و ظرفیت پارکینگ) بیشترین وزن و (سرانه مغایر و پیاده‌روها) کمترین وزن را شامل شدند.



نمودار ۱- وزن آنترپیی شاخص‌های کالبدی (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)



نمودار (۲-۴): وزن آنترپیی شاخص‌های زیست محیطی (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)



نمودار (۳): وزن آنترپیی شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)



نمودار (۴): وزن آنتروپی شاخص‌های دسترسی (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

برای رتبه‌بندی مناطق شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند شهری با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره‌ی تاپسیس و استفاده از مدل وزن‌دهی آنتروپی، به تحلیل ساختار کالبدی و فضایی مناطق ۲، ۴ و ۷ کلانشهر تبریز در چهار معیار کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی-اقتصادی و دسترسی و ارتباطات، پرداخته شده است.

جدول (۸): رتبه‌بندی مناطق شهری تبریز از نظر شاخص‌های رشد هوشمند با استفاده از مدل تاپسیس

شاخص‌های تلفیقی		شاخص‌های دسترسی و ارتباطات		شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی		شاخص‌های زیست محیطی		شاخص‌های کاربری اراضی و کالبدی		شاخص‌ها	
رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	رتبه	تاپسیس	منطقه	تاپسیس
۱	۰/۷۳۵۸	۱	۰/۳۵۴۲	۱	۰/۴۶۵۰	۱	۰/۳۸۶۴	۱	۰/۴۲۰۰	۲	۰/۴۲۰۰
۲	۰/۰۹۲۸	۲	۰/۱۰۳۸	۲	۰/۱۲۷۴	۲	۰/۰۸۱۱	۳	۰/۰۹۱۲	۴	۰/۰۹۱۲
۳	۰/۰۴۷۹	۳	۰/۰۹۰۱	۳	۰/۱۱۹۱	۳	۰/۰۷۱۴	۲	۰/۰۹۴۵	۷	۰/۰۹۴۵
۰/۲۹۲۱		۰/۱۸۲۷		۰/۲۳۷۱		۰/۱۹۶۰		۰/۲۰۱۹		میانگین	
۰/۱۶۳۱		۰/۰۹۹۹		۰/۱۴۴۷		۰/۱۱۶۲		۰/۱۲۲۴		انحراف معیار	
۰/۵۶۸		۰/۷۹۳		۰/۳۹۷		۰/۶۳۸		۰/۴۱۷		ضریب پراکندگی	

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

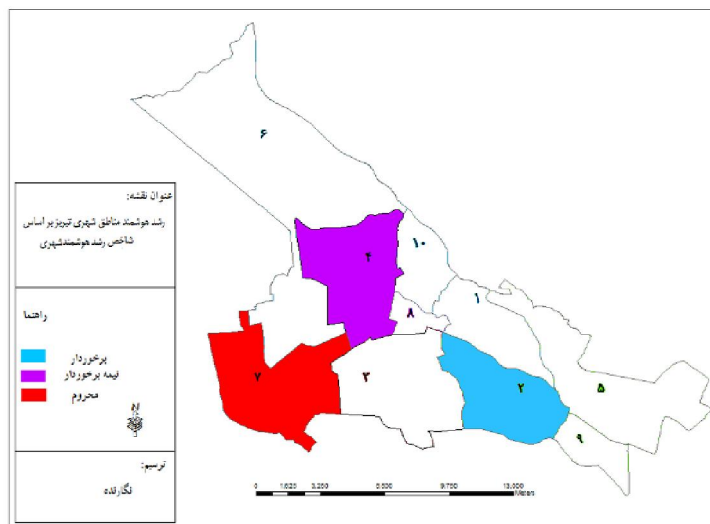
بررسی‌های صورت گرفته نشان داد، در شاخص‌های ۱۵ گانه کالبدی، منطقه‌ی ۲ شهرداری رتبه‌ی یک و منطقه‌ی ۷ رتبه‌ی سوم را به‌دست آورد. منطقه‌ی ۲ با ساختار کالبدی برنامه‌ریزی‌شده و تنوع کاربری‌ها، در شاخص‌های کالبدی و کاربری اراضی، تعادل نسبی دارد. این منطقه، به صورت عرفی جزء مناطق مرفه نشین و خوش‌نشین شهر تبریز محسوب می‌شود؛

اما منطقه‌ی ۴ شهرداری تبریز نیز از لحاظ ساختار کالبدی و شاخص‌های سطح و سرانه‌ی کاربری اراضی وضعیت‌ی مشابه منطقه ۷ را دارد. این منطقه با ۳۹۹۵۶۸ نفر، منطقه پرجمعیت شهر تبریز است. افزایش جمعیت ضمن بالابردن تراکم آن، باعث کاهش سرانه‌های کاربری اراضی در این منطقه شده است. این منطقه با ساختار فضایی سنتی و نیمه‌سنتی در غرب و شمال‌غرب تبریز قرار دارد. از محله‌های عمده آن می‌توان به "قسمتی عمده از محله انقلاب و یکه دکان" و "قره آقاج و بهار" اشاره کرد. منطقه ۷ تبریز نیز به دلیل ساختار کالبدی ضعیف حالت ضعیفی دارد. میانگین امتیاز تاپسیس این سه منطقه شهر تبریز در معیار مذکور برابر با ۰/۲۰۱۹ و انحراف معیار آن ۰/۱۲۲۴ است. این میانگین بیانگر تفاوت در ساختار کالبدی و سطح و سرانه‌ی کاربری اراضی در بین ۳ منطقه است. منطقه ۲ امتیاز بالاتر از میانگین و منطقه ۷ و ۴ امتیاز پایین‌تر از میانگین دارند. ضریب نابرابری برابر ۰/۴۱۷ می‌باشد. از لحاظ شاخص‌های زیست‌محیطی منطقه‌ی ۲ شهرداری به دلیل داشتن فضاهای سبز و باز زیاد (معادل ۳۰ درصد مساحت منطقه) و نمره‌ی تاپسیس ۰/۳۸۶۴، از مجموع شاخص‌های زیست‌محیطی رتبه‌ی یک و منطقه‌ی ۷ با امتیاز ۰/۰۷۱۴ رتبه‌ی آخر را به خود اختصاص داده است. میانگین امتیاز تاپسیس شاخص‌های زیست‌محیطی برابر با ۰/۱۹۶۰ و انحراف معیار آن برابر با ۰/۱۱۶۲ است. ضریب اختلاف با مقدار ۰/۶۳۸ نشانگر نابرابری به نسبت بالا بین ۳ منطقه در شهر تبریز است. در شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی، منطقه‌ی ۲ شهرداری با نمره‌ی تاپسیس ۰/۴۶۵۰ رتبه‌ی یک و منطقه‌ی ۷ با امتیاز ۰/۱۱۹۱ رتبه‌ی آخر را به خود اختصاص داده است که مهم‌ترین علت آن، شکل‌گیری در منطقه ۷ و قرارگیری این منطقه در حاشیه‌ی کلانشهر تبریز به‌عنوان منطقه‌ی محروم است. میانگین امتیاز تاپسیس سه منطقه‌ی مذکور شهر تبریز در شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی برابر با ۰/۲۳۷۱ و انحراف معیار این شاخص ۰/۱۴۴۷ است. طبق محاسبه‌های انجام شده، ضریب پراکندگی این شاخص ۰/۳۹۷ به‌دست آمد که نشانگر وجود تفاوت و پراکندگی نسبی در شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی بین ۳ منطقه مذکور شهر تبریز است. شاخص‌های دسترسی و ارتباطی به‌عنوان شریان‌های حیاتی شهر، نقش مهمی در ارتقای کیفیت رشد هوشمند بازی می‌کنند؛ با توجه به محاسبه‌های انجام شده، منطقه‌ی ۲ با امتیاز ۰/۳۵۴۲ در رتبه‌ی نخست و منطقه‌ی ۷ با امتیاز ۰/۰۹۰۱ در رتبه‌ی آخر قرار دارد. شکل‌گیری فضاهای مخصوص پیاده، راه‌های دوچرخه‌رو و وجود پارکینگ‌های متعدد در منطقه‌ی ۲ باعث بالارفتن امتیاز تاپسیس این منطقه و ساختار نامناسب دسترسی منطقه‌ی ۷ به‌عنوان یک بافت حاشیه‌ای و خودرو از علل کاهش امتیاز تاپسیس آن است. میانگین امتیاز شاخص‌های دسترسی و ارتباطی ۰/۱۸۲۷ و انحراف معیار آن ۰/۰۹۹۹ است. ضریب نابرابری ۰/۷۹۹ بیانگر تفاوت بسیار بین مناطق از لحاظ این شاخص است. مناطق ۲ امتیاز بالاتر از

میانگین و منطقه‌ی ۴ و ۷ امتیاز پایین‌تر از میانگین دارند. (جدول ۴). در بین شاخص‌های چهارگانه‌ی ذکر شده، بیشترین میزان ضریب نابرابری به ترتیب به شاخص (دسترسی - ارتباطی)، و (زیست‌محیطی) و (کالبدی) اختصاص دارد و کمترین میزان نابرابری بین شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی دیده می‌شود.

### شاخص‌های تلفیقی رشد هوشمند

برای دستیابی به رتبه‌بندی قطعی از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند، همه‌ی ۴۵ شاخص با استفاده از مدل تاپسیس به‌صورت تلفیقی مورد محاسبه قرار گرفت و نتایج کم و بیش متفاوتی به‌دست آمد. از لحاظ شاخص‌های تلفیقی منطقه‌ی ۲ با امتیاز تاپسیس ۰/۷۳۵۸ در رتبه‌ی یک قرار گرفت. این منطقه در همه‌ی شاخص‌ها بیشترین امتیاز نسبت به منطقه ۴ و ۷ را داشت. همچنین منطقه ۷ رتبه‌ی آخر را با امتیاز تاپسیس ۰/۰۴۷۹ به خود اختصاص داد که از لحاظ شاخص دسترسی و ارتباطی هم در رتبه آخر قرار داشت. در مجموع منطقه‌ی ۲ به‌عنوان یک منطقه‌ی با توزیع متناسب کاربری اراضی و تراکم بالای ساختمانی (بیش از ۲۰۰ درصد) و دسترسی مناسب محیط زیست و ساختار اقتصادی - اجتماعی به‌نسبت مطلوب به‌عنوان برخوردارترین منطقه‌ی از بین مناطق مورد مطالعه و منطقه‌ی ۷ با بافت غالب اسکان غیر رسمی و آشفته، محروم‌ترین منطقه از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند رتبه‌بندی شد. میانگین شاخص‌های تلفیقی برابر ۰/۲۹۲۱ و انحراف معیار ۰/۱۶۳۱ است. منطقه‌ی ۲ امتیاز بالاتر از میانگین و دو منطقه‌ی ۴ و ۷ امتیاز پایین‌تر از میانگین شهر را دارند. با استفاده از ضریب نابرابری، میزان هماهنگی و تعادل در شاخص‌های رشد هوشمند شهری بین سه ۲، ۴ و ۷ شهر تبریز محاسبه و مقداری برابر ۰/۵۶۸ به‌دست آمد که نشان دهنده‌ی ناهمگنی و واگرایی بین مناطق شهری از لحاظ شاخص‌های مذکور است. این نابرابری متأثر از توزیع نامناسب امکانات و خدمات در سطح شهر است. با توجه به امتیاز تاپسیس و ضریب نابرابری محاسبه شده، بین مناطق شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند تفاوت وجود دارد.



شکل ۲- برخورداری مناطق شهر تبریز از شاخص‌های رشد هوشمند شهری در وضع موجود (یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

برای بررسی دقیق‌تر از آزمون تحلیل واریانس ANOVA استفاده می‌کنیم. نتایج این آزمون در جدول (۸) قابل مشاهده است.

جدول ۸- نتایج آزمون ANOVA

منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی‌داری (P-Value)
بین گروه‌ها	۳۸۲۲۶۷/۳۷	۷	۵۴۶۰۹/۶۲	۴۶۳۲۵۴۹۱۷/۰۴	۰
درون گروه‌ها	۰/۰۰۲	۱۶	۰		
کل	۳۸۲۲۶۷/۳۸	۲۳			

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

طبق نتیجه به دست آمده از آزمون تحلیل واریانس ANOVA می‌توان گفت بین مناطق (۲-۴-۷) شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به سطح معنی‌داری که برابر با ۰ و کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ و ۰/۰۱ است می‌توان با اطمینان ۹۹٪ ادعا کرد که بین مناطق (۲-۴-۷) شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند تفاوت وجود دارد.

### تحلیل الگوی فشرده شهر تبریز

اعداد به دست آمده از هر یک از شاخص‌های بیان شده توسط تسای گویای این نکته است که ضرایب جینی و آنتروپی نشان از آن دارد که از میزان رشد پراکنده کلانشهر تبریز کاسته شده و این شهر به سمت فشردگی در حال حرکت می‌باشد. ضرایب موران و گری نیز حاکی از آنند که الگوی توزیع جمعیت در شهر تبریز تجمع و تمرکز پایینی داشته و به الگوی تصادفی نزدیک‌تر است. همچنین تراکم شهر در دوره‌های مختلف نیز این موضوع را تأیید می‌کند که شهر تبریز به سمت فشردگی در حال حرکت است. مدل هلدن نیز نشان می‌دهد که درصد رشد ناشی از جمعیت شهر از ۸۷/۳۱ درصد به ۹۵ درصد رسیده است که نشانه‌ای از فشرده‌تر شدن این کلانشهر طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۵ می‌باشد. تحلیل ضریب سطح زیر بنا نیز نشان می‌دهد که با افزایش این ضریب در شهر تبریز بر میزان تراکم این شهر افزوده شده است. میانگین این ضریب برای سال ۱۳۸۵، ۲/۵۱ و سال ۱۳۹۵، ۲/۹۹ بوده است که نشان از افزایش فشردگی و متراکم‌تر شدن دارد.

جدول ۹- نتایج مدل‌های مورد استفاده در رابطه با فشردگی (تراکم) شهری تبریز از نظر رشد هوشمند

#### شهری

مدل / سال	متغیر	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
تراکم جمعیت	تراکم ناخالص جمعیت	۸۷/۳۱	۹۰/۷۶	۹۵/۸۵
اندازه متروپل	جمعیت	۱/۵۲	۱/۴۵	۱/۳
	مساحت	۱/۵	۱/۳۲	۱
ضریب جینی	جمعیت و مساحت	۰/۲۹۷	۰/۱۸۲	۰/۰۳۵
آنتروپی	مطلق جمعیت	۲/۸۹	۲/۷۹۹	۲/۸۵۱
	مطلق مساحت	۲/۸۹۱	۲/۵۶۴	۲/۵۱۹
	نسبی جمعیت و مساحت	۰/۹۴۵	۰/۹۷۹	۰/۹۹۵
گری	جمعیت و مساحت	۱/۰۳	۱/۰۹	۰/۷۵
گری تعدیلی	جمعیت و مساحت	-۰/۵۰	-۰/۰۳	-۰/۰۹
موران	جمعیت	-۰/۱۸	۰/۱۳	۰/۱۱
هلدرن	جمعیت	%۹۰	%۹۵	-
	مساحت	%۱۰	%۵	-
هرفیندال	جمعیت	۰/۱۰۸۹	۰/۱۰۰۱	۰/۰۹۹۵
	مساحت	۰/۱۰۰۱	۰/۰۹۷۹	۰/۰۹۷۹
هندرسون	جمعیت	۹/۷۲	۹/۹۱	۱۰/۱۵
	مساحت	۹/۹۱	۱۰/۳۹	۱۰/۴۱

(یافته‌های تحقیق: نگارندگان)

## نتیجه‌گیری

مفهوم رشد هوشمند به تدریج به بلوغ رسیده و پیشرفت بزرگی در بسیاری از کشورها داشته‌است. مفهوم رشد هوشمند بر توسعه جامع و هماهنگ اقتصادی- اجتماعی و منابع و محیط‌زیست تأکید دارد و توسعه فشرده، متمرکز و کارآمد شهر را از طریق جایگزینی کارکرد کاربری اراضی شهری، کنترل پراکندگی مرز شهری، حفاظت از محیط‌زیست و تغییر شکل شهر قدیمی را ترویج می‌دهد. هدف تحقیق حاضر ارزیابی توسعه کالبدی شهر تبریز به لحاظ فشرده‌گی با رتبه‌بندی شاخص‌های رشد هوشمند شهری می‌باشد که براساس آن نتایج حاصل از رتبه‌بندی که با استفاده از روش تصمیم‌گیری چند معیاره‌ی تاپسیس انجام شده نشان می‌دهد که مناطق (۲، ۴ و ۷) شهر تبریز هر کدام در شاخص‌های کالبدی، زیست‌محیطی، اجتماعی- اقتصادی، دسترسی و ارتباطی نتایج و رتبه‌های مختلفی به دست آوردند. این امر نشانگر نابرابری و تفاوت چشمگیر در برخی از شاخص‌هاست. در پاسخ به سؤالات تحقیق برخی نتایج ذیل محرز است که:

### وضعیت مناطق منتخب شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند با یکدیگر چگونه است؟

در بین شاخص‌های چهارگانه‌ی ذکر شده، بیشترین میزان ضریب نابرابری به ترتیب به شاخص (دسترسی-ارتباطی)، و (زیست‌محیطی) و (کالبدی) اختصاص دارد و کمترین میزان نابرابری بین شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی دیده می‌شود. از لحاظ شاخص‌های تلفیقی منطقه‌ی ۲ با امتیاز تاپسیس ۰/۷۳۵۸ در رتبه‌ی یک قرار گرفت. این منطقه در همه‌ی شاخص‌ها بیشترین امتیاز نسبت به منطقه ۴ و ۷ را داشت. همچنین منطقه ۷ رتبه‌ی آخر را با امتیاز تاپسیس ۰/۰۴۷۹ به خود اختصاص داد که از لحاظ شاخص دسترسی و ارتباطی هم در رتبه آخر قرار داشت. در مجموع منطقه‌ی ۲ به‌عنوان یک منطقه‌ی با توزیع متناسب کاربری اراضی و تراکم بالای ساختمانی (بیش از ۲۰۰ درصد) و دسترسی مناسب محیط زیست و ساختار اقتصادی-اجتماعی به‌نسبت مطلوب به‌عنوان برخوردارترین منطقه‌ی از بین مناطق مورد مطالعه و منطقه‌ی ۷ با بافت غالب اسکان غیررسمی و آشفته، محروم‌ترین منطقه از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند رتبه‌بندی شد. میانگین شاخص‌های تلفیقی برابر ۰/۲۹۲۱ و انحراف معیار ۰/۱۶۳۱ است. منطقه‌ی ۲ امتیاز بالاتر از میانگین و دو منطقه‌ی ۴ و ۷ امتیاز پایین‌تر از میانگین شهر را دارند. این یافته بر یافته‌های عابدینی و همکاران (۱۳۹۷)؛ غزالیان و همکاران (۱۳۹۷)؛ منطبق است که منطقه دو شهرداری تبریز در بین مناطق ده گانه شهرداری تبریز از وضعیت مطلوبتری نسبت به سایر مناطق شهری برخوردار است.



## دگردیسی توسعه‌ی کالبدی شهر تبریز از الگوی پراکنش به سوی الگوی فشرده (متراکم) در چه وضعیتی است؟

با استفاده از ضریب نابرابری، میزان هماهنگی و تعادل در شاخص‌های رشد هوشمند شهری بین سه ۲، ۴ و ۷ شهر تبریز محاسبه و مقداری برابر ۰/۵۶۸ به دست آمد که نشان دهنده ناهمگنی و واگرایی بین مناطق شهری از لحاظ شاخص‌های مذکور است. این نابرابری متأثر از توزیع نامناسب امکانات و خدمات در سطح شهر است. با توجه به امتیاز تاپسیس و ضریب نابرابری محاسبه شده، بین مناطق شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند تفاوت وجود دارد. همچنین نتایج استفاده از آزمون ANOVA نشان دهنده تفاوت بین مناطق شهر تبریز از لحاظ شاخص‌های رشد هوشمند می‌باشد. این نتیجه بر اساس دیدگاه شبکه رشد هوشمند در آمریکا ثابت شده است که تعریف این سازمان از رشد هوشمند یعنی کاربری‌های ترکیبی بوده است. چرا که در بیشتر شاخص‌ها منطقه ۲ رتبه اول را داشته، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در شهر تبریز تعداد کاربری‌های منطقه ۲ بیشتر از سایر مناطق بوده است. بین شاخص کاربری اراضی و شاخص‌های تلفیقی رشد هوشمند شهری، ارتباط و همبستگی معنادار به دست آمد. براساس مدل پیشنهادی تسای و مدلهای هلدن، هرفیندال، هندرسون، تحلیل ضریب سطح زیر بنا و تحلیل ساختمانهای بلند مرتبه در شهر تبریز، مشخص می‌کند که این کلانشهر الگوی خود را از الگوی پراکنده در حال تبدیل به الگوی فشرده می‌باشد. این یافته منطبق بر یافته‌های مطالعاتی محمود زاده (۱۳۹۸)، عبدالله زاده و همکاران (۱۳۹۹)، تأیید می‌کنند که الگوی کلانشهر تبریز از الگوی پراکنده به سمت به الگوی فشرده شدن میل دارد. به عبارت دیگر در حال فشرده‌تر شدن و متراکم شدن می‌باشد. لذا ضرورت درک اصول و قواعد شهر فشرده توسط نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر باید قوت بخشیده شود، تا بر مبنای چنین رویکردی نوین و با سازوکارهایی مناسبتر، زایش و بالندگی شهری در مناطق شهر تبریز، تحقق و تداوم یابد.

**منابع و مأخذ:**

- ۱- بصیری مصطفی، زینالی عظیم علی، (۱۳۹۸)، تأثیر مبلمان شهری بر کیفیت محیط زیست شهری (مطالعه موردی محدوده خیابان امام تبریز از میدان ساعت تا آبرسان)، جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۹(۳)، ۲۲۹-۲۴۸.
- ۲- حسین‌زاده دلیر کریم، آذر، علی، ظفری، داریوش، حسینی محمدحسین، (۱۳۹۵)، مکاتب و نظریه‌های شهری، تبریز: انتشارات فروزش.
- ۳- حیدری، تقی، (۱۳۹۴)، تحلیل زیست‌پذیری بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر زنجان)، پایان‌نامه دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی.
- ۴- رضائیان، بیتا؛ رهنما، محمدرحیم، (۱۳۹۳)، سنجش میزان پراکنش و فشردگی شکل کلان شهرهای ایران با استفاده از مدل‌های کمی؛ مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۴(۱۶)، ۸۷-۱۰۷.
- ۵- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، پورطاهری مهدی، آدینه‌وند، اسماعیل، (۱۳۹۹)، ارزیابی سطح الگوی رشد هوشمند در مناطق روستایی پیرامون کلانشهر تهران، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، ۲۴(۱)، ۸۱-۱۰۸.
- ۶- روزخوش، فرنوش، مولوی، مهرناز، سالاری‌پور، علی اکبر، (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط پارامترهای رشد هوشمند و تئوری چیدمان فضا در انواع بافت‌های شهری (نمونه موردی: بجنورد)، نقش جهان، ۹(۴)، ۳۱۳-۳۲۲.
- ۷- عابدینی، اصغر؛ باقرزاده، مهدی؛ حاجی‌وند، هادی، (۱۳۹۷)، ارزیابی و سنجش شاخص‌های رشد هوشمند شهری در مناطق کلانشهر تبریز؛ فضای جغرافیایی، ۱۸(۶۲)، ۱۹۱-۲۰۹.
- ۸- عبدالله زاده، مهدی؛ رحیم رهنما، محمد (۱۳۹۹)، سنجش و ارزیابی الگوی رشد فضایی-کالبدی کلانشهر تبریز؛ جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۴(۱۷)، ۲۷۱-۲۴۵.
- ۹- علی‌اکبری، اسماعیل، شاطریان، محسن؛ شیخ‌زاده، فاطمه، (۱۳۹۸)، در مطالعه سنجش ظرفیت اجتماعی در پذیرش اصول رشد هوشمند در نواحی شهری (مطالعه موردی: کاشان)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، ۷(۲)، ۲۳۹-۲۶۴.
- ۱۰- غزالیان، سینا؛ حاتمی علمداری، ایرج، زمان صادقی، کریم، (۱۳۹۷)، امکان سنجی توسعه خدمات شهری هوشمند در راستای ترویج مفهوم شهر هوشمند (نمونه موردی: شهرداری تبریز)، کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام.
- ۱۱- فرامرزی، مهسا، زینالی عظیم علی، (۱۳۹۷)، ارزیابی عملکرد مدیریتی شهر تبریز پس از استقرار شورای اسلامی شهر تبریز، جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، ۹(۱)، ۴۴۵-۴۵۸.

- ۱۲- فرجی، امین؛ یوسفی، زهرا؛ علیان، مهدی (۱۳۹۷)، تحلیل الگوهای رشد شهری با تأکید بر نظریه رشد هوشمند مطالعه موردی، منطقه ۲۲ کلانشهر تهران، معماری و شهرسازی پایدار، ۶(۱)، ۲۳-۳۸.
- ۱۳- محمودزاده، حسن، عابدینی‌ایرانق، رویا، (۱۳۹۸)، تلفیق اصول رشد هوشمند و استراتژی توسعه میان‌افزا در شناسایی ظرفیت‌های کالبدی توسعه درونی شهر (مطالعه موردی: منطقه ۳ تبریز)، جغرافیا و توسعه، ۱۷(۵۶)، ۵۷-۷۲.
- ۱۴- مفرح بناب؛ مجتبی؛ مجنونی توتاخانه، علی؛ سلیمانی، علیرضا، آفتاب، احمد (۱۳۹۷)، ارزیابی و تحلیل وضعیت پایداری در کلانشهرها، مطالعه موردی: مناطق ده گانه شهر تبریز؛ تحقیقات جغرافیایی، ۱(۱۲۸).
- 15-Arbury, J. (2005). From urban sprawl to compact city – An analysis of urban growth management in Auckland. University of Auckland. 1-175. Available at: <http://portal.jarbury.net/thesis.pdf>.
- 16-Batisani NJ. (2006), Sprawl dynamics and the development of effective smart growth policies [Dissertation]. Pennsylvania: The Pennsylvania State University.
- 17-Bibri SE and Krogstie J (2020b), The Emerging Data-Driven Smart City and its innovative Applied Solutions for Sustainability: The Cases of London and Barcelona, Journal of Energy Informatics, 3(5), <https://doi.org/10.1186/s42162-020-00108-6>.
- 18-Bibri SE, Krogstie J (2017b) ICT of the new wave of computing for sustainable urban forms: their big data and context-aware augmented typologies and design concepts. Sustain Cities Soc 32: 449-474. <https://doi.org/10.1016/j.scs.2017.04.012>.
- 19-Chen. G, Wu J, Xu. L, Wang, (2017), Comprehensive Modelling and Planning of Urban Smart Growth, International Conference on Applied Mathematics, Modelling and Statistics Application (AMMSA 2017), Advances in Intelligent Systems Research (AISR), 141, 399-402. (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).
- 20-Cobbinah, P. B, and R. M. Darkwah. (2016). African Urbanism: The Geography of Urban Greenery. Urban Forum, 27 (2): 149-165. <https://doi.org/10.1007/s12132-016-9274-z>.
- 21-Cowan, R, (2005), The Dictionary of Urbanism, Streetwise Press.
- 22-Dempsey, N, Brown, C, Raman, S, Porta, S, Jenks, M, Jones, C& Bramley, G. (2010). Elements of Urban Form. Sustainable City Form,

- 21-51. <https://doi.org/10.1007/978-1-4020-8647-2>.
- 23-EPA (Environmental Protection Agency), (2010). Smart growth, A guide to developing and implementing greenhouse gas reduction programs, Local government climate and energy strategy guides. 1-11.
- 24-Ghalib, H, (2018), Smart Growth in Cairo's Urban Development Strategy. 1st International Conference on Towards a Better Quality of Life, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3162546>. or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3162546>.
- 25-Gren, Å, Colding, J, Berghauser-Pont, M& Marcus, L. (2018). How smart is smart growth? Examining the environmental validation behind city compaction. *Ambio*. <https://doi.org/10.1007/s13280-018-1087-y>.
- 26-Hess P.M& Sorensen A. (2015). Compact, concurrent, and contiguous: smart growth and 50 years of residential planning in the Toronto region. *Urban Geogr*; 36: 127. <https://doi.org/10.1080/02723638.2014.947859>.
- 27-Hofstad, H, (2012), Compact city development: high ideals and emerging practices. *Eur J Spat Plan*, 1-23. <https://doi.org/10.1016/j.dibe.2020.100021>.
- 28-Jim, C. Y, Konijnendijk van den Bosch, C, & Chen, W. Y. (2018). Acute Challenges and Solutions for Urban Forestry in Compact and Densifying Cities. *Journal of Urban Planning and Development*, 144(3), 04018025. [https://doi.org/10.1061/\(asce\)up.1943-5444.00004](https://doi.org/10.1061/(asce)up.1943-5444.00004).
- 29-Li, L & Ren, X. (2019). A Novel Evaluation Model for Urban Smart Growth Based on Principal Component Regression and Radial Basis Function Neural Network. *Sustainability*, 11(21), 6125. <https://doi.org/10.3390/su11216125>.
- 30-Li, W, Zhou, W, Bai, Y, Pickett, S. T. A, & Han, L. (2018). The smart growth of Chinese cities: opportunities offered by vacant land. *Land Degradation & Development*. 29(10), John Wiley & Sons, Ltd. <https://doi.org/10.1002/ldr.3125>.
- 31-Litman, T, (2020), Understanding Smart Growth Savings, Evaluating Economic Savings and Benefits of Compact Development, and How They Are Misrepresented By Critics, Victoria Transport Policy Institute.
- 32-Litman, T, (2019), Understanding Smart Growth Savings, Evaluating Economic Savings and Benefits of Compact Development, and How They Are Misrepresented By Critics, Victoria Transport Policy Institute.
- 33-Liu G, Han, X, Li, Z, (2018), Urban Smart Growth Mathematical Model

- and Application, *Applied and Computational Mathematics*; 7(3): 83-88, <https://doi.org/10.11648/j.acm.20180703.12>.
- 34-Lucaciu, L.O. (2018), A Look at the Evaluation Framework for Smart Growth Programmers, *Revista Românească pentru Educație Multidimensională*, 10(3), 60-76. <https://doi.org/10.18662/rrem/63>.
- 35-McCormack, Ed, Goodchild A, and Bassok, A. (2013), *Smart Growth and Urban Goods Movement*. Washington, DC: National Academies of Sciences, Engineering, and Medicine. The National Academies Press. <https://doi.org/10.17226/22522>.
- 36-Mohamed RM, Boyle, R. (2007). State growth management, smart growth and urban containment: A review of the US and a study of the heartland. *J Environ Plan Manage*, 50: 494. <https://doi.org/10.1080/09640560701475337>.
- 37-Mosammam, H. M, J. T. Nia, H. Khani, A. Teymouri, and M. Kazemi. (2017). Monitoring Land Use Change and Measuring Urban Sprawl Based on Its Spatial Forms: The Case of Qom City. *Egyptian Journal of Remote Sensing and Space Science* 20 (1): 103–116. <https://doi.org/10.1016/j.ejrs.2016.08.002>.
- 38-Næss, P, Strand, A, Næss, T, & Nicolaysen, M. (2011). On their road to sustainability? The challenge of sustainable mobility in urban planning and development in two Scandinavian capital regions, *Town Planning Review*, 82 (3), 287– 315. <https://doi.org/10.2307/27976000>.
- 39-Newman, P& Kenworthy, J, (1999), *Sustainability and City. Overcoming Automobile Dependence*, Island press, Washington D. C.
- 40-PE. W. (2004), Delphi technique: assessing component needs. *J Perianesth Nurs*; 19(1): 46-7. <https://doi.org/10.1016/j.jopan.2003.11.005>.
- 41-Sumari, N. S, Z. Shao, M. Huang, C. A. Sanga, and J. L. Van Genderen. (2017). Urban Expansion: A Geo-spatial Approach for Temporal Monitoring of Loss of Agricultural LAND, *International Archives of the Photogrammetry, Remote Sensing and Spatial Information Sciences- ISPRS Archives* 42 XLII-2/W7 (2W7): 1349–1355. <https://doi.org/10.5194/isprs-archives-XLII-2-W7-1349-2017>.
- 42-Tanveer, H., T. Balz, S. Sumari, and R. Shan. (2019). Pattern Analysis of Substandard and Inadequate Distribution of Educational Resources in Urban–rural Areas of Abbottabad, Pakistan. *Geo Journal*.

- <https://doi.org/10.1007/s10708-019-10029-x>.
- 43-Terfa, B. K, N. Chen, X. Zhang, and D. Niyogi. (2020). Urbanization in Small Cities and Their Significant Implications on Landscape Structures: The Case in Ethiopia. *Sustainability* 12: 1235. <https://doi.org/10.3390/su12031235>.
- 44-Trinder, J, and Q. Liu, (2020), Assessing Environmental Impacts of Urban Growth Using Remote Sensing. *Geo-Spatial Information Science* 23 (1): 20–39. <https://doi.org/10.1080/10095020.2019.1710438>.
- 45-Ujoh, F, T. Igbawua, and M. Ogidi Paul. (2019). Suitability Mapping for Rice Cultivation in Benue State, Nigeria Using Satellite Data. *Geo-Spatial Information Science* 22 (4): 332–344. <https://doi.org/10.1080/10095020.2019.1637075>.
- 46-VTPI, (2006), Online TDM Encyclopedia, Victoria Transport Policy Institute ([www.vtpi.org](http://www.vtpi.org)).
- 47-Wang. C, Niu, B, Zhang. Q, Tian, W, Liu. j, (2017), An Evaluation System of Urban Smart Growth in Wuhou District of Chengdu, China, *Journal of Material Science*, 5(4), 127-135. <https://doi.org/10.4172/2321-6212.1000200>. [www.rroj.com](http://www.rroj.com).
- 48-Williams K, Burton E, Jenks M (eds), (2000), *Achieving sustainable urban form*. E & FN Spon, London.
- 49-Xu, G., T. Dong, P. Brandful, L. Jiao, N. S. Sumari, B. Chai, and Y. Liu. (2019a). Urban Expansion and Form Changes across African Cities with a Global Outlook: Spatiotemporal Analysis of Urban Land Densities. *Journal of Cleaner Production* 224: 802–810. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.03.276>.
- 50-Xu, G., L. Jiao, M. Yuan, T. Dong, B. Zhang, and C. Du. (2019b). How Does Urban Population Density Decline over Time? An Exponential Model for Chinese Cities with International Comparisons. *Landscape and Urban Planning* 183: 59–67. <https://doi.org/10.1016/j.landurbplan.2018.11.005>.
- 51-Yuwei Z, Mengyue Y. A, (2018), Smart Growth Plan Based on the Improved Gini Coefficient. *Front Manag Res.* 2(1): 20-9. <https://dx.doi.org/10.22606/fmr.2018.21003>.

## طرح‌ریزی نوسازی بافت فرسوده با استفاده از اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۰/۰۸/۰۴

سید محمد ابراهیم موسوی (کارشناس ارشد سنجش از دور و GIS، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران)  
محمد حسن وحیدنیا\* (استادیار، مرکز مطالعات سنجش از دور و GIS، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

### چکیده

بافت فرسوده شهری با تحمیل هزینه‌های هنگفت به مدیریت شهری نیازمند طرح‌ریزی مناسب جهت نوسازی می‌باشند. مدیران شهری نیازمند شناختی دقیق از مناطق شهری برای تدوین طرح‌های نوسازی می‌باشند. استفاده از ظرفیت‌های اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه پاسخی مناسب به این نیاز مدیران شهری می‌باشد. طراحی یک Web GIS که با استفاده از ظرفیت‌های وب ۲ امکان جمع‌آوری داده‌ها از ساکنین مناطق دارای بافت فرسوده را تحقق بخشد هدف پژوهش پیش رو می‌باشد. بدین منظور یک معماری ۳ لایه شامل سرور GIS، لایه پایگاه داده و لایه نمایش با استفاده از فناوری‌های ArcGIS Server، SQL Server، JavaScript، Dojo و غیره طراحی گردید. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که با استفاده از سامانه‌های VGI می‌توان در کوتاه‌ترین زمان ممکن و با کاهش چشمگیر هزینه‌های جمع‌آوری داده، حجم بالایی از داده‌های بافت فرسوده را توسط کاربران که همان شهروندان می‌باشند انبوه‌سازی نمود. همچنین این شیوه می‌تواند اولویت بندی طرح‌های نوسازی بافت فرسوده را مشخص می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** نوسازی بافت فرسوده، VGI، Web GIS، برنامه‌ریزی شهری، انبوه‌سازی، ArcGIS Server

## مقدمه

پیشرفت تکنولوژی در دو دهه گذشته ورای باور انسان بوده و کیفیت زندگی را دگرگون کرده است. انقلاب تکنولوژیک جریانی است که از دو قرن پیش تاکنون دگرگونی‌های عمیقی در دنیا به وجود آورده و تغییرات عظیمی را در شیوه زندگی ایجاد کرده است. با گسترش استفاده از اینترنت در جهان، فناوری‌های مبتنی بر وب نیز شاهد تغییرات چشمگیری بوده است. وب ۲ نسل جدیدی از وب می‌باشد که بر پایه مشارکت‌ها، همکاری‌ها، و تعاملات<sup>۱</sup> انسان‌ها، ماشین‌ها، نرم‌افزار و عامل‌های هوشمند با یکدیگر استوار است (حسین زاده و عبدالهی، ۱۳۹۴: ۹۸). در واقع مفهوم وب ۲ به این معناست که با گسترش اینترنت و افزایش کاربران، دیگر کاربران تنها به خواندن اطلاعات اکتفا نمی‌کردند بلکه به نوشتن و تبادل اطلاعات با کاربران مختلف نیز علاقه‌مند بوده و بدین ترتیب مبحث وب ۲ در اینترنت و طراحی سایت مطرح شد. وب ۲ را می‌توان چتری دانست بر تکنولوژی‌های جدید. بنابراین می‌توان گفت که این تکنولوژی شامل یک سری از فعالیتها است که به کاربران کمک می‌کند تا محیط‌هایی طراحی کنند که به راحتی با اجتماعات آنلاین، خدمات و ابزار وب ارتباط برقرار می‌کنند.

ارزش تکنولوژی بستگی به آن دارد که چطور مورد استفاده قرار گیرد. در هر سازمان علاقه زیادی جهت پذیرش و انطباق با تکنولوژیهای جدید وجود دارد اما نرخ تغییر تکنولوژی خیلی سریع است. از طرفی همواره فشارهایی بر سازمانها تحمیل می‌شود که می‌بایست هزینه‌های خود را کاهش داده، کیفیت محصولات و خدمات را بهبود بخشیده و بهره‌وری را افزایش دهند. جهت برآورده کردن این اهداف نیز سازمانها می‌بایست خود را با تغییرات تکنولوژی و فناوریهای اطلاعاتی انطباق داده و تکنولوژی‌های جدید را بپذیرند. فرآیند آمایش سرزمین نیز بی‌تأثیر از مقوله پیشرفت فناوری نبوده و فناوری اطلاعات مکانی<sup>۲</sup> (GIS) در شناخت و مدیریت اطلاعات کاربری‌های اراضی و تخصیص و تعیین نوع استفاده از زمین‌ها مؤثر واقع شده است. آمایش سرزمین در گذشته به صورت دستی انجام می‌گرفت که علاوه بر صرف هزینه و امکانات مالی زیاد، بسیار وقت گیر بود. ولی با پیدایش رایانه و به دنبال آن توسعه کارتوگرافی رایانه‌ای، زمینه برای استفاده گسترده رایانه در آمایش سرزمین مهیا شده است (محبی و قلی زاده، ۱۳۸۵: ۳). بافت فرسوده شهری با تحمیل هزینه‌های هنگفت به مدیریت شهری نیازمند نوسازی جهت افزایش ایمنی ساختمان‌ها، اصلاح معابر و بهبود خدمات شهری می‌باشد (شکور و همکاران، ۱۳۹۳: ۴). طرحریزی اصولی و هدفمند با مشارکت شهروندان جهت نوسازی بافت فرسوده منجر به کاهش هزینه‌ها در مرحله جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز خواهد

<sup>1</sup> interactions

<sup>2</sup> Geographic Information System



شد (ثابت کوشکی نیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۳). همچنین داده‌های گردآوری شده از راه مشارکت شهروندان به دلیل اشراف ساکنان یک ناحیه به مسائل مربوطه از دقت زیادی برخوردار خواهند بود (محمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). تجربه در امر بهسازی، نوسازی و ساماندهی بافت‌های فرسوده شهری نشان می‌دهد که بدون استفاده از رویکرد مشارکتی نمی‌توان پیشرفتی در این امر حاصل کرد (شیری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). حرکت بهسازی و نوسازی بافت شهرها امر پیچیده‌ای است که نیاز به مشارکت آحاد مرتبط با این امر دارد. مشارکت شهروندان در بازسازی شهری نتایج مثبتی را به دنبال دارد. جلب مشارکت مردم به سرعت بخشیدن امور کمک شایان توجهی می‌کند و رسیدن به اهداف را آسانتر می‌کند. مشارکت شهروندان و همکاری‌های اجتماعی آنها در نوسازی محیط زندگی خود منجر به افزایش حس تعلق آنان به شهر می‌شود.

GIS با استفاده از شبکه گسترده جهانی<sup>۱</sup> می‌تواند نسبتاً گسترش یافته و اجازه‌ی دسترسی افراد بیشتری را به اطلاعات مکانی و توابع دهد (Fargher, ۲۰۱۸: ۱۱۳). عملکرد WebGIS در اینترنت شبیه مبادله اطلاعات با ساختار Client/Server است که برای انتشار و دسترسی به اطلاعات و نقشه‌ها بر روی شبکه جهانی وب از فناوری‌های سمت سرور و سمت کاربر شامل زبان‌های برنامه نویسی سمت سرور، زبان‌های برنامه نویسی سمت کاربر، زبان‌های برنامه نویسی Exchange و نرم‌افزارهای مختلف استفاده می‌کند.

وب ۲ مفهومی است که بر اساس آن تعامل با محتوای وب به مثابه تعامل با محتوای موجود در کامپیوترهای شخصی است. در وب ۲ کاربر صرفاً مصرف کننده محتوا نیست بلکه خود او هم در فرآیندی جمعی و غیرمتمرکز به تولید محتوا می‌پردازد و به طور کلی در چرخه حیات وب جدید نقشی مستقیم و مؤثر ایفا می‌کند. نقشی که اکنون به اشکال مختلف قابل مشاهده است. به تدریج این فناوری در فناوری اطلاعات مکانی نیز به کار گرفته شده و تحت عنوان اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه یا VGI<sup>۲</sup> مطرح گردیده است (Stehman و همکاران، ۲۰۱۸: ۵۰). در نوآوری VGI، داوطلبان داده‌های مکانی را در محیطی ویژه که در بدنه وبگاه‌های مختلف طراحی شده، وارد نموده و آنها را میان سایر کاربران به اشتراک می‌گذارند (Vahidnia, 2023). از این رو تحقیق حاضر بر آن است که به طراحی معماری مفهومی و اجرای یک سامانه WebGIS با استفاده از اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه، فناوری متن باز، زبان‌های برنامه‌نویسی سمت کاربر، زبان‌های برنامه نویسی سمت سرور، استاندارد WFS و

<sup>1</sup> World Wide Web

<sup>2</sup> Volunteered Geographic Information

قابلیت‌های AJAX<sup>۱</sup> پردازد که به مدیریت طرح‌های نوسازی بافت فرسوده کمک کند (Yin و همکاران، ۲۰۱۹: ۲۴۶۳).

### پیشینه تحقیق

وحیدنیا و همکاران (Vahidnia et al., 2020) در پژوهش خود به بررسی انبوه سپاری منابع اطلاعات جغرافیایی توسط کاربران داوطلب پرداخته‌اند. در این تحقیق با بهره‌گیری از فناوری‌های سیستم‌های تلفن همراه، تعیین موقعیت<sup>۲</sup>، بستر اینترنت و Web2.0 و اهداف انبوه سپاری منابع مکانی<sup>۳</sup> سامانه‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات داوطلبانه طراحی و پیاده‌سازی شد. با توجه به اینکه تعیین دقیق موقعیت یکی از مهمترین مؤلفه‌های مشارکت داوطلبانه می‌باشد، از راهکاری شامل استفاده از سرویس‌های نقشه آنلاین، استفاده از سرویس‌های کدگذاری جغرافیایی<sup>۴</sup> و استفاده از دوربین، شتاب‌سنج<sup>۵</sup> و سنجنده میدان مغناطیسی تلفن همراه تحت محاسبات مثلثاتی بهره‌گیری شد. نتایج این تحقیق نشان داد که به لحاظ دقت موقعیتی انتقال به شیوه مثلثاتی و امکانات وسیله همراه بهترین نتیجه را حاصل می‌کند.

رحمتی زاده (Rahmatizadeh, 2016) و همکاران در تحقیقی به بررسی یک چارچوب مفهومی برای استفاده از VGI در مدیریت اراضی پرداخته‌اند. سیستم مدیریت اراضی به شهروندان در شناخت حقوق، محدودیت‌ها و مسئولیت‌هایی که مرتبط با زمین و ملک باشد یاری می‌رساند. رویکردهایی که تاکنون مورد استفاده قرار گرفته‌اند مبتنی بر فرآیندهای نقشه‌برداری دقیق بوده است که زمان بر و هزینه بر می‌باشند. مطالعات صورت گرفته در این حوزه، VGI را به عنوان یک روش کاربردی و کم هزینه برای کسب سریع اطلاعات مکانی از راه کمک‌های داوطلبانه به ویژه در کشورهایی که اطلاعات ثبت شده از اراضی محدود است، پیشنهاد می‌کند.

فلاویو (Flavio, 2013) و همکاران در تحقیقی نشان دادند که می‌توان از اطلاعات جغرافیایی داوطلبانه برای تصمیم‌گیری در مواقع بحرانی و ایجاد سیستم حمایت از تصمیم‌گیری مکانی<sup>۶</sup> سود برد. همچنین به بررسی جمع‌آوری اطلاعات داوطلبانه به هنگام بلایای طبیعی به عنوان یک منبع داده برای سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری مکانی به منظور کمک به

<sup>1</sup> Asynchronous JavaScript and XML

<sup>2</sup> GPS

<sup>3</sup> Crowed-source Mapping

<sup>4</sup> GeoCoding

<sup>5</sup> Accelerometer

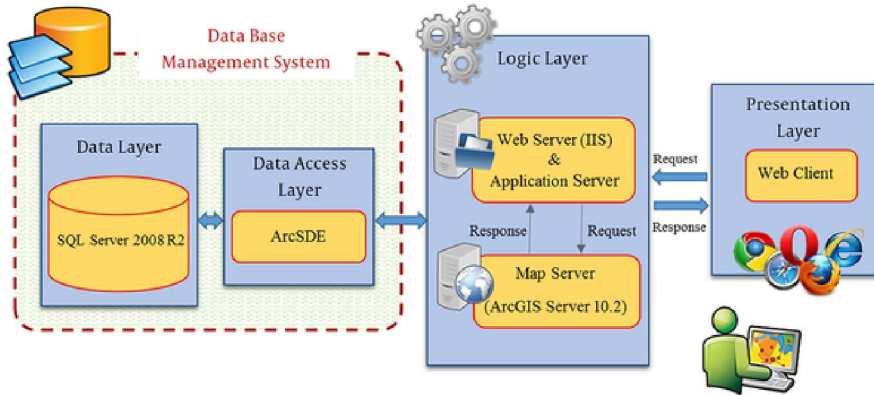
<sup>6</sup> Spatial Decision Support System

تصمیم‌گیری در مدیریت بحران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که باید توجه ویژه‌ای به کیفیت اطلاعات دریافتی داشت که توسط مردم جمع‌آوری می‌شوند و این داده‌ها باید در زمان و مکان درست استفاده شوند تا اثر بخشی سیستم بالا رود.

در این رابطه مفاهیمی از جمله شهر الکترونیک و شهر دیجیتال مطرح شده است. ادندال (Odendaal, ۲۰۰۳) شهر الکترونیک را شهری که در آن بر روی فرصت‌های خلق شده توسط فناوری اطلاعات و ارتباطات، به منظور افزایش موفقیت و اثرگذاری بیشتر سرمایه‌گذاری شده، تعریف می‌کند. کوهن (Cohen, ۲۰۰۱) شهر الکترونیک را شهری که دارای ارتباطات مخابراتی و شبکه‌ای که از سوی بخش فناوری اطلاعات برای انجام تبادل اطلاعات کنترل می‌شود، تعریف می‌کند و کوکلیز (Couclelis, ۲۰۰۱) شهر دیجیتال را ارتباطی هماهنگ و بر پایه شبکه برای انجام وظایف معمولی ساکنین به روش الکترونیکی که پیش از این در مدل شهر معمولی توسط خود اشخاص انجام می‌شد تعریف می‌کند.

### روش بررسی

در این بخش با توجه به هدف تحقیق که ارائه یک سامانه WebGIS می‌باشد، ابتدا معماری سامانه شرح داده می‌شود و سپس به تشریح روش پیاده‌سازی مدل در نظر گرفته شده می‌پردازیم. در این پژوهش یک معماری WebGIS یعنی یک برنامه پایه وب با ارائه قابلیت‌های GIS توسعه داده می‌شود. معماری پایه این سامانه در شکل ۱ نشان داده شده است. این معماری یک معماری سه لایه شامل لایه‌های نمایش، منطق و داده می‌باشد. در بخش منطق مهمترین فناوری‌ها ArcGIS Server و Internet Information Service (IIS) به عنوان خدمات دهنده وب و خدمات دهنده نقشه می‌باشند. در لایه داده از SQL Server به عنوان سیستم مدیریت پایگاه داده استفاده گردید که از طریق فناوری ArcSDE داده‌های مکانی نیز قابل ذخیره سازی می‌باشند. در لایه نمایش از فناوری‌های HTML (Hyper Text Markup Language), JavaScript و CSS (Cascade Style Sheet) استفاده شد. لایه نمایش باعث می‌شود که کاربران بتوانند از طریق مرورگر وب وارد سامانه شده و روی نقشه محل مورد نظر خود را ترسیم نموده و سایر اطلاعات بافت فرسوده را جهت ذخیره سازی در پایگاه داده ارائه کنند.



شکل(۱): معماری Web GIS توسعه یافته برای انبوه سپاری بافت فرسوده شهری  
مأخذ: نویسندگان

در یک گردش کاری معماری توسعه یافته، کاربر از برنامه Web GIS در سمت کلاینت استفاده می‌نماید که این برنامه می‌تواند تحت مرورگر وب، برنامه رومیزی یا برنامه موبایل باشد. کاربر درخواست خود را در اینترنت از طریق HTTP به سرور وب ارسال می‌کند. سرور وب نیز درخواست مربوط به GIS را به سرور GIS ارسال می‌نماید. سرور GIS داده‌های مورد نیاز را از پایگاه داده GIS بازیابی نموده و درخواست را بررسی می‌کند که می‌تواند نتیجه آن تولید نقشه، اجرای یک پرس و جو و یا انجام یک تحلیل باشد. داده، نقشه و سایر نتایج توسط سرور وب از طریق HTTP به کلاینت ارسال می‌گردد. کلاینت می‌تواند نتایج را به کاربر نشان دهد و بدین ترتیب چرخه درخواست و پاسخ پایان می‌یابد.

سرور GIS مهمترین مؤلفه در یک Web GIS می‌باشد. توابع مکانی، قابلیت اختصاصی نمودن، مقیاس‌پذیری و کارآمد بودن از مهمترین شاخصه‌ها برای موفقیت یک برنامه Web GIS است. قابلیت و کیفیت یک برنامه Web GIS به طور گسترده توسط سرور GIS آن سنجیده می‌شود. فناوری‌های سرور GIS در طول دو دهه اخیر تحول بسیاری را تجربه نموده‌اند. سیستم ArcGIS تحت سرور یکی از سیستم‌های تجاری بسیار قدرتمند برای ایجاد برنامه‌های Web GIS می‌باشد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. به کمک این سیستم می‌توان مدیریت داده‌های مکانی بافت فرسوده را تحت سیستم‌های مختلف مدیریت پایگاه داده تجاری و متن باز انجام داد. داده‌ها می‌توانند در یک پایگاه داده مرکزی ذخیره شده باشند و از ویرایش داده توسط چند کاربر به طور همزمان حمایت نمایند. ArcGIS Server این امکان را فراهم می‌آورد که داده‌های مکانی و سایر توابع از طریق سرویس‌های وب به اشتراک گذاشته شوند. سرویس‌های وب، امکان به اشتراک‌گذاری و استفاده منابع داده را از

طریق کلاینت (شامل ArcGIS Desktop، ArcGIS Explorer، برنامه‌های web mapping و برنامه‌های موبایل) آسان می‌سازند. سرویس‌های وب برای به اشتراک‌گذاری منابع در یک شبکه محلی یا اینترنت کاربرد دارند. سرویس‌های ArcGIS Server با استانداردهای وب (REST (Representational State Transfer)، استانداردهای صنعتی Simple SOAP (Object Access Protocol) و استانداردهای کنسرسیوم داده‌های مکانی آزاد OGC مطابقت دارند.

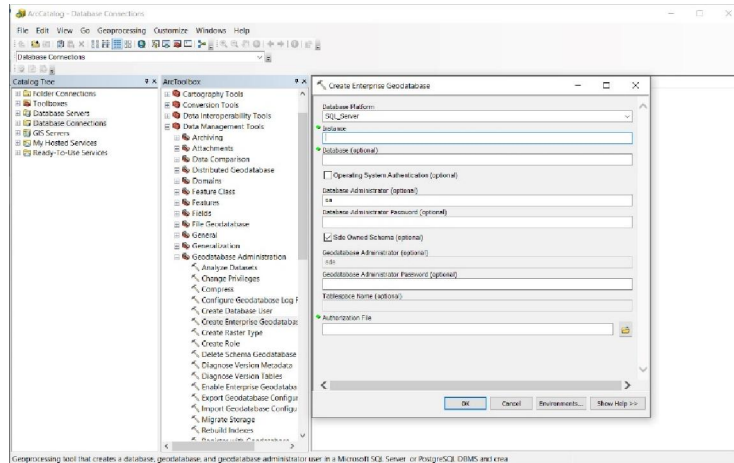
پایگاه داده GIS یک چارچوب ذخیره سازی و مدیریت داده می‌باشد. پایگاه داده می‌تواند مجموعه‌ای از داده‌های جغرافیایی از انواع مختلف مانند داده‌های برداری و داده‌های رستری را نگهداری کند. در این تحقیق از پایگاه داده مکانی پیشرفته که می‌تواند انواع کوچک و تک کاربره تا پایگاه‌های داده پیشرفته که قابل ویرایش و دسترس برای تعداد زیادی کاربر هستند را دربرگیرد، استفاده شده است.

## نتایج

در ادامه با تشریح چگونگی ایجاد پایگاه داده مکانی پیشرفته در ArcGIS، طراحی قالب سامانه را بررسی می‌کنیم. برای اینکه بتوانیم سرویسی از داده‌ها ایجاد کنیم که قابلیت ویرایش تحت وب را داشته باشند می‌بایست یک پایگاه داده مکانی پیشرفته<sup>۱</sup> ایجاد نماییم. این پایگاه داده توسط یک سیستم مدیریت پایگاه داده رابطه‌ای<sup>۲</sup> مدیریت می‌شود. با استفاده از این سیستم مدیریت پایگاه داده علاوه بر امکان ویرایش در وب، می‌توان امکاناتی همچون تعیین سطوح دسترسی، تولید پایگاه‌های داده با حجم بالا، امکان تهیه نسخه پشتیبان از داده‌ها و امکاناتی دیگر را بر روی داده‌ها امکان پذیر نمود. در این تحقیق از Microsoft SQL Server و محیط ArcCatalog برای ایجاد پایگاه داده مکانی پیشرفته استفاده شد (شکل ۲).

<sup>۱</sup> Enterprise Geodatabase

<sup>۲</sup> Relational Database Management System (RDBMS)



شکل (۲): ایجاد یک پایگاه داده مکانی پیشرفته در سمت ایجاد کننده سرویس  
 مأخذ: نویسندگان

برای طراحی قالب سامانه از کدهای HTML, CSS و JavaScript استفاده شد. شکل ۳ و شکل ۴ نمونه‌ای از کدهای توسعه یافته را نمایش می‌دهند. یک طراحی اولیه خوب می‌تواند در جایگذاری اجزاء مختلف وب و کدنویسی کمک قابل توجهی نماید. با استفاده از توابع Dojo که بخشی از ArcGIS JavaScript API را شامل می‌شوند تلاش شد طراحی مناسبی برای اجزاء WebGIS انجام شود. بدین شیوه توانستیم از عناصر از پیش طراحی شده برای تقسیم نمودن فضای وب و آماده نمودن قالب نمایش استفاده نماییم. بطور کلی این قالب‌ها و ابزارهای آماده ویجت<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند.

قالب سامانه دارای پنج قسمت اصلی می‌باشد. قسمت بالا<sup>۲</sup> که عموماً عنوان وب سایت و یا تصویری به عنوان نماد وب سایت در آن قرار می‌گیرد. در قسمت مرکز<sup>۳</sup> عموماً نقشه و اطلاعات مکانی نمایش داده می‌شود. قسمت راست شامل منوهایی برای ابزارها و راهنمای نقشه، قسمت چپ برای قابلیت‌های نمایشی مانند دکمه‌های بزرگنمایی، کوچک نمایی و... و قسمت پایین برای سایر توضیحات مانند لینک‌ها و حقوق مالکیت سایت در نظر گرفته شد. سمت راست قالب به چند تب<sup>۴</sup> تقسیم بندی گردید. هر تب می‌تواند برای هدف خاصی طراحی شده باشد. مثلاً یک تب برای ابزارهای پردازشی و راهنمای نقشه و تب دیگری برای آموزش

<sup>1</sup> Widget

<sup>2</sup> Header

<sup>3</sup> Center

<sup>4</sup> Tab

استفاده از سایت طراحی شود. در تب اول که تب فعال می‌باشد نیز چند منوی آکاردئونی طراحی گردید که هر منو برای یک نوع پردازش استفاده می‌شود. همانطور که اشاره شد برای طراحی این قالب از اجزاء آماده در ماژول Dojo استفاده شد. مهمترین اجزاء آماده عبارتند از: ContentPane, TabContainer, BorderContainer و AccordionContainer. که برای ایجاد ساختار اصلی و نحوه مرزبندی قالب، ایجاد فرم‌های حاوی تب، تعیین محتوای یک بخش از قالب و منوهای آکاردئونی بکار می‌روند.

```

334 //Editing-----
335
336 var myEditor;
337 var params;
338 var templateLayers;
339 var templatePicker;
340 var layers;
341 var settings;
342
343 esri.Config.defaults.geometryService = new GeometryService("http://saa/arcgis/rest/services/Utilities/Geometry/GeometryServer");
344
345 map.on("layers-add-result", initEditor);
346
347 function initEditor(evt) {
348     templateLayers = arrayUtils.map(evt.layers, function(result){
349         return result.layer;
350     });
351
352     layers = arrayUtils.map(evt.layers, function(result) {
353         return { featureLayer: result.layer };
354     });
355 }
356
357 function activeEditor() {
358
359     var eDiv = dojo.create("div", {
360         id: "templateDiv"
361     });
362     dojo.byId('edit').appendChild(eDiv);
363
364     templatePicker = new TemplatePicker({
365         featureLayers: templateLayers,
366         grouping: true,
367         rows: "auto",
368         columns: 2,
369         style: 'font-size:8pt;font-family:Tahoma;'
370     }, "templateDiv");
371     templatePicker.startup();
372
373     settings = {
374         map: map,
375         enableUndoRedo: true,
376         templatePicker: templatePicker,
377         layerInfos: layers,
378         toolbarVisible: true,
379         createOptions: {
380             polylineDrawTools: [
381                 Editor.CREATE_TOOL_FREEHAND_POLYLINE,
382                 Editor.CREATE_TOOL_POLYLINE

```

شکل (۳) : نمونه کدهای توسعه یافته برای قسمت ویرایش داده‌ها  
 مأخذ: نویسندگان

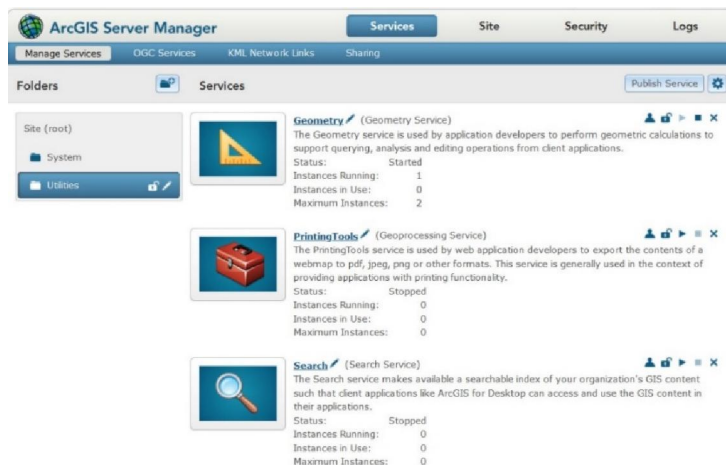
```

445
446 //create the Navigation toolbar
447 var toolbar;
448 function createToolBar() {
449     toolbar = new Navigation(map);
450 };
451
452 function activateTool() {
453
454     if (this.iconClass === "zoomInIcon"){
455         toolbar.activate(Navigation["ZOOM_IN"]);
456     }
457     else if (this.iconClass === "zoomOutIcon"){
458         toolbar.activate(Navigation["ZOOM_OUT"]);
459     }
460     else if (this.iconClass === "panIcon"){
461         toolbar.activate(Navigation["PAN"]);
462     }
463     else if (this.iconClass === "zoomFullExtent"){
464         toolbar.zoomToFullExtent();
465     }
466     else if (this.iconClass === "zoomPrevIcon"){
467         toolbar.zoomToPrevExtent();
468     }
469     else if (this.iconClass === "zoomNextIcon"){
470         toolbar.zoomToNextExtent();
471     }
472     else if (this.iconClass === "identifyIcon"){
473         pao= Tehran_Lyr.on("mouse-over", identifyFunc);
474
475         function identifyFunc(evt) {
476             var title=evt.graphic.getLayer().id
477             if (title === "graphicslayer1") {
478                 var infT=infTemp;
479                 var highlightSymbol = new SimpleFillSymbol().setColor(new Color([125,125,125,0.35]));
480             }
481             else if (title === "graphicslayers") {
482                 var infT=infTemp2;
483                 var highlightSymbol = new SimpleMarkerSymbol().setColor(new Color([125,125,125,0.35]));
484             }
485             map.graphics.clear();
486             evt.graphic.setInfoTemplate(infT);
487             var content = evt.graphic.getContent();
488             map.infoWindow.setContent(content);
489             var title = evt.graphic.getTitle();
490             map.infoWindow.setTitle(title);
491             var highlightGraphic = new Graphic(evt.graphic.geometry, highlightSymbol);
492             map.graphics.add(highlightGraphic);
493             map.infoWindow.show(evt.screenPoint);
494         }
495     }
496 }

```

شکل (۴): نمونه کدهای توسعه یافته برای بخش نوار ابزار پیمایش  
 مأخذ: نویسندگان

ماژول‌های اصلی مورد استفاده در این بخش Editor، TemplatePicker و GeometryService می‌باشند که قابلیت‌های ویرایش و اندازه‌گیری مسافت را امکان‌پذیر می‌کنند (شکل ۵). ما از سرویس پویا<sup>۱</sup> در این سامانه بهره برده‌ایم تا امکان دسترسی به لایه‌های مختلف نقشه فراهم شود.

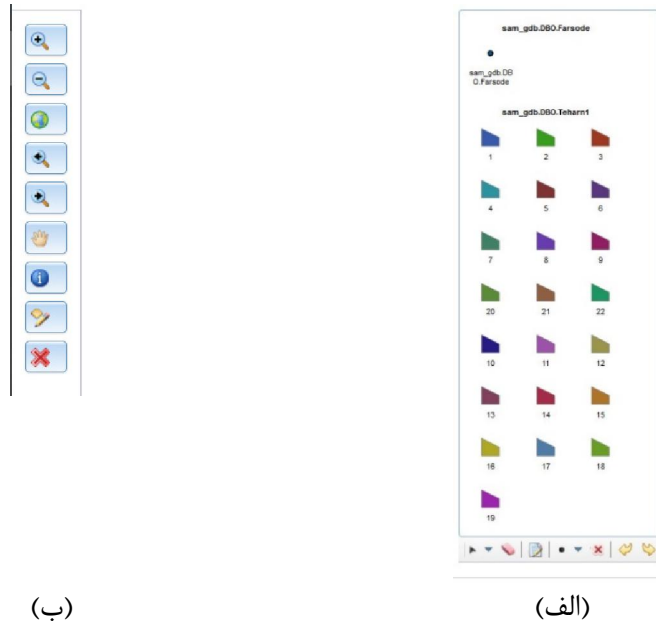


شکل (۵): اضافه کردن سرویس‌های ویرایشی به سامانه مأخذ: نویسندگان

<sup>1</sup> Dynamic Map Service



ماژول اول برای اضافه کردن نوار ابزار ویرایش مورد استفاده قرار می‌گیرد که کاملاً قابل تنظیم برای ارائه قابلیت‌های مختلف ویرایشی می‌باشد. ماژول دوم برای نمایش سمبل لایه‌ها و انتخاب لایه مورد نظر جهت ویرایش مورد استفاده قرار می‌گیرد. ماژول سوم نیز برای ترسیم عوارض توسط کاربر از طریق وب و ویرایش اطلاعات هندسی عوارض مورد نیاز می‌باشد (شکل ۶- الف). برای اینکه کاربر بتواند به اطلاعات جزئی‌تر لایه‌ها دسترسی داشته باشد به قابلیت با نام اطلاعات‌گیری از عارضه<sup>۱</sup> نیاز داریم (شکل ۶- ب).



(ب)

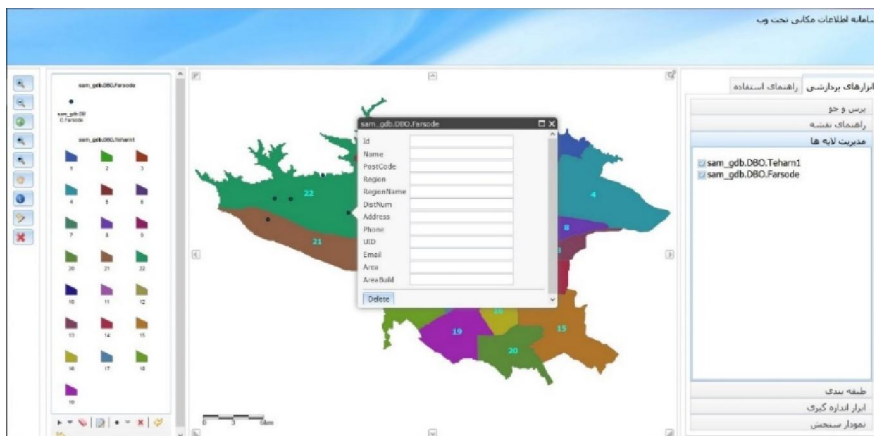
(الف)

شکل (۶): نوار ابزار ویرایش عارضه و نوار ابزار پیمایش در نقشه

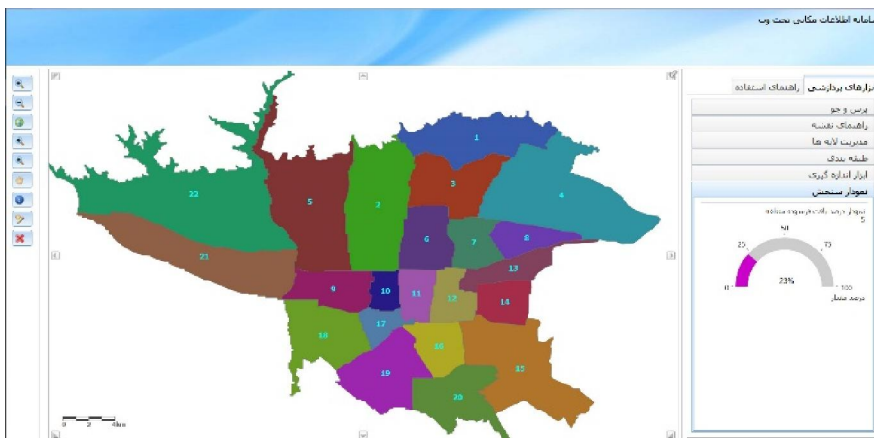
مأخذ: نویسندگان

به عبارت دیگر سرویس نقشه تنها ویژگی‌های هندسی و نمایشی را حفظ می‌کند و اضافه کردن قابلیت اطلاعات‌گیری از عارضه به کاربران امکان نفوذ به لایه‌های عارضه را می‌دهد. برای این منظور یک دکمه اطلاعات‌گیری از عوارض در نوار ابزار ایجاد شد که کاربر با کلیک بر روی هر عارضه، اطلاعات مربوط به آن را در یک پنجره مجزا مشاهده خواهد کرد (شکل ۷). از جمله قابلیت دیگر مشاهده گزارشات مربوط به بافت فرسوده است که در شکل ۸ ملاحظه می‌گردد. لازم به ذکر است کلیه داده‌های انبوه سپاری شده توسط کاربران داوطلب در پایگاه داده مرکزی ذخیره می‌شود، که شکل ۹ شمایی از این پایگاه داده را در محیط SQL Server نمایش می‌دهد.

<sup>1</sup> Identify



شکل (۷): نمای کلی سامانه امکان ترسیم یا انتخاب بافت فرسوده و ورود اطلاعات توصیفی آن  
 مأخذ: نویسندگان



شکل (۸): پنجره گزارش گیری از داده‌های وارد شده توسط کاربران  
 مأخذ: نویسندگان



مورد نیاز می‌باشد. با استفاده از داده‌های جمع‌آوری شده توسط ساکنان بومی هر منطقه می‌توان داده‌های موجود از گذشته را اعتبار سنجی نمود. از مزایای دیگر این سامانه می‌توان به اولویت بندی مناطق نیازمند نوسازی اشاره نمود. با توجه به میزان درخواست‌های ثبت شده برای نوسازی توسط شهروندان، کارشناس مدیریت شهری به سادگی می‌تواند نقشه‌های اولویت بندی نوسازی را تهیه نماید. بدین منظور برای تشویق شهروندان به مشارکت در طرح، استفاده از طرح‌های تشویقی مانند اعطای وام‌های نوسازی برای افرادی که در سامانه اطلاعات کامل را ثبت نمایند می‌تواند راهگشا باشد. بدیهی است که تأمین اعتبار وام‌ها از محل صرفه‌جویی در بکارگیری نیروهای متخصص برای جمع‌آوری داده‌ها تأمین خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به تکنولوژی‌های جدید که پیچیدگی زندگی اجتماعی را به دنبال دارند، نیازمند تسهیل امور مختلف زندگی هستیم و بدون توجه به فناوری بسیاری از امور زندگی قابل عمل، پیگیری و اجرا نیست. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات با ایجاد مفاهیم الکترونیکی (شهرالکترونیک، تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک) در بهبود کیفیت زندگی مردم، کاهش بروکراسی ارائه خدمات به آنها، ایجاد فرصت‌های برابر و افزایش مشارکت مردم در اداره شهر نقش اساسی دارند. بدین منظور در این تحقیق با بکارگیری مفاهیم VGI و استفاده از ظرفیت مشارکت‌های شهروندی در عرصه مدیریت شهری، سامانه‌ای مکانی تحت وب طراحی گردید. استفاده از قابلیت‌های این سامانه می‌تواند مدیران شهری را در کاهش هزینه‌های جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز و اولویت بندی مناطق نیازمند به خدمات نوسازی بافت فرسوده یاری رساند. اضافه کردن قابلیت ویرایش موضوعی است که در سامانه‌های WebGIS کمتری مشاهده شده است. بیشتر سامانه‌های موجود صرفاً برای مشاهده داده می‌باشند. پس این قابلیت به دلیل تازگی، امکان تحقیق بیشتر برای محققان را فراهم می‌سازد. استفاده از قابلیت‌های زبان پایتون برای توسعه سامانه و ارائه API دسترسی به داده‌های جمع‌سپاری شده توصیه می‌شود. همچنین با استفاده از مفاهیم سازگاری<sup>۱</sup> می‌توان نمایش بهتری از سامانه روی تمامی دستگاه‌های هوشمند داشت و با طراحی یک پنل کاربری قدرتمند، شهروندان را در جریان مراحل پیشرفت پرونده‌های نوسازی قرار داد.

<sup>1</sup> Responsive

**منابع و مآخذ:**

۱. ثابت کوشکی نیان، م.، حاتمی نژاد، ح.، حاتمی نژاد، ح. ۱۳۹۲. سنجش پارامترهای فیزیکی مؤثر در بافت‌های فرسوده (نمونه موردی: شهر طرقله). فصل نامه آمایش محیط، ۲۳(۶): ۷۸-۵۱.
۲. حسین زاده، پ.، عبدالهی، م. ۱۳۹۴. اشتراک دانش در عصر وب ۲. کتاب مهر، ۱۷(۱۸): ۹۷-۸۱.
۳. شبیری، م.، شمسی پاپکیاد، ز.، قربانی، ن. ۱۳۹۳. ارزیابی میزان آگاهی کارشناسان نوسازی بافت فرسوده از مسایل زیست محیطی. فصل نامه آمایش محیط، ۲۴(۷): ۴۰-۲۷.
۴. شکور، ع.، شمس الدینی، ع.، حافظ رضازاده، م.، پاکزاد، س. ۱۳۹۳. بررسی تطبیقی راهکارهای توانمندسازی در بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه‌ی موردی: محله‌های باربند و فاز ۱ زمین شهری فیروزآباد). فصل نامه آمایش محیط، ۲۷(۷): ۱۰۲-۷۹.
۵. محبی، ر.، قلی زاده، ر. ۱۳۸۵. کاربرد GIS در آمایش سرزمین و مقایسه آن با روش دستی (مطالعه موردی: حوضه آبخیز تیل آباد و مقایسه با حوضه آبخیز کاشیدار گلستان). همایش ملی ارزیابی اثرات محیط زیستی ایران، تهران، ۱۷-۱۸ آذر. ۱۸-۱۲.
۶. محمدی، ک.، رضویان، م.، صرافی، م.، غلامحسینی، ا. ۱۳۹۳. شراکت بخش‌های عمومی- خصوصی در نوسازی بافت‌های فرسوده منطقه ۹ شهرداری تهران. اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۸): ۱۹-۱.
7. Cohen, J. E., Sarabia, V., Ashley, M. J. 2001. Tobacco commerce on the internet: a threat to comprehensive tobacco control. *Tobacco Control*, 10(4): 364-36.
8. Coleman, D., Mclaughlin, D. 1994. Building a Global Spatial Data Infrastructure: Usage Paradigms and Market Influences. *Geomatica*, 48(3): 225-236.
9. Couclelis, H. 2003. The certainty of uncertainty: GIS and the limits of geographic knowledge. *Transactions in GIS*, 7(2): 165-175.
10. Fargher, M. 2018. WebGIS for geography education: Towards a GeoCapabilities approach. *ISPRS International Journal of Geo-Information*, 7(3): 111.
11. Goodchild, M. F. 2009. Geographic information systems and science: today and tomorrow. *Annals of GIS*, 15(1): 3-9.
12. Horita, F. E., de Albuquerque, J. P., Degrossi, L. C., Mendiondo, E. M., Ueyama, J. 2015. Development of a spatial decision support system for

- flood risk management in Brazil that combines volunteered geographic information with wireless sensor networks. *Computers & Geosciences*, 80(1):4-94.
13. Layne, K., & Lee, J. (2001). Developing fully functional E-government: A four stage model. *Government information quarterly*, 18(2), 122-136.
  14. Odendaal, N. 2003. Information and communication technology and local governance: Understanding the difference between cities in developed and emerging economies. *Computers, environment and urban systems*, 27(6): 585-607.
  15. Rahmatizadeh, S., Rajabifard, A., Kalantari, M. 2016. A conceptual framework for utilising VGI in land administration. *Land Use Policy*, 56(1): 81-89.
  16. Reddick, C. G. 2005. Citizen interaction with e-government: From the streets to servers? *Government Information Quarterly*, 22(1): 38-57.
  17. Stehman, S. V., Fonte, C. C., Foody, G. M., See, L. 2018. Using volunteered geographic information (VGI) in design-based statistical inference for area estimation and accuracy assessment of land cover. *Remote Sensing of Environment*, 212(1): 47-59.
  18. Vahidnia, M. H. 2023. Citizen participation through volunteered geographic information as equipment for a smart city to monitor urban decay. *Environmental Monitoring and Assessment*, 195(1): 181.
  19. Vahidnia, M. H., Hosseinali, F., Shafiei, M. 2020. Crowdsourc mapping of target buildings in hazard: The utilization of smartphone technologies and geographic services. *Applied Geomatics*, 12(1): 3-14.
  20. Yin, W., Zou, D., Bao, C., Cheng, X., Wu, J., Xiao, W., Lan, Q. 2019. An interactive data visualization design based on WebGIS. In 2019 IEEE 3rd Information Technology, Networking, Electronic and Automation Control Conference (ITNEC) (pp. 2462-2465). IEEE.

## ارزیابی پتانسیل محلات شهری جهت توسعه درونی با استفاده از مدل فازی (نمونه موردی: شهر بناب)

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۱/۱۹

منیژه لاله پور\* (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مراغه)  
مرضیه اسمعیل پور (استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مراغه)  
هوشنگ سرور (دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مراغه)  
سعید خدادادی (کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مراغه)

### چکیده

در پی رشد سریع جمعیت و ظهور تحولات جدید شهرنشینی در جهان، شاهد گسترش بی‌رویه شهرها و پراکنده‌روی فزاینده شهرها هستیم که منجر به تخریب اراضی کشاورزی و باغات و به فراموشی سپرده شدن بافت‌های میانی و تهی‌شدن آن‌ها از درون شده است. شهرهای ایران هم از این امر مستثنی نبوده‌اند؛ مسأله‌ای که لزوم به کارگیری ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های درونی و میانی شهرها را بیش از پیش ضروری می‌نماید. در این راستا هدف این پژوهش، شناسایی و بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه درونی در شهر بناب می‌باشد. نوع تحقیق کاربردی و روش بررسی آن توصیفی - تحلیلی است و شیوه جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی می‌باشد. در این پژوهش، ۱۱ معیار تأثیرگذار شامل اراضی بایر، تراکم خالص جمعیت، تراکم ناخالص جمعیت، تراکم ساختمانی، سطح اشغال کاربری‌ها، مصالح ساختمانی، کیفیت بنا، بافت فرسوده، اندازه قطعات و دانه‌بندی، تعداد طبقات و شیب جهت توسعه درونزای محلات شهر بناب مورد بررسی قرار گرفت. پس از تولید لایه‌های GIS مرتبط با شاخص‌ها و معیارها و فازی‌سازی آن‌ها، با هم‌پوشانی لایه‌ها بهترین محله‌ها از شهر جهت توسعه درونی انتخاب شدند. سپس با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) این معیارها وزن‌دهی شدند و در مرحله بعد با استفاده از نرم‌افزار ArcGIS نقشه توسعه درونی منطقه مورد مطالعه تولید و میزان قابلیت محلات جهت توسعه مشخص گردید. در پایان دو نقشه نهایی برای پتانسیل توسعه درونی به دست آمد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محلات ۱۱ و ۱۳ در اولویت اول توسعه و محلات ۴، ۵، ۶ در اولویت دوم توسعه قرار دارند. محلات ۷، ۸، ۱۰ کمترین ظرفیت توسعه را دارند.

**واژه‌های کلیدی:** توسعه فیزیکی، پراکنده رویی، توسعه درونی، مدل منطق فازی، بناب.

## مقدمه

امروزه حدود ۵۰٪ جمعیت جهان یعنی سه و نیم میلیارد نفر در شهرها زندگی می‌کنند اما انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت شهری جهان تا ۸۴٪ افزایش یابد (Razavian, 2016: 2). این ارقام (درصد شهرنشینی) در ایران، که به عنوان کشوری در حال توسعه با شهرنشینی شتابان در حال ظهور است، از ۲۸ درصد در سال ۱۹۲۱ به ۷۴ درصد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافته است (Abedinia & Khalili, 2019: 316). افزایش جمعیت انسانی و روند رو به رشد جنبش‌های مهاجرتی نسبت به مناطق شهری، باعث ایجاد فشار زیاد به توسعه زیرساخت مناسب در مناطق شهری سراسر جهان شده است. بنابراین شهرنشینی برنامه‌ریزی نشده مسائل عمده‌ای همچون آلودگی، ترافیک، تخریب محیط‌زیست و توسعه در شیب‌های تند را به وجود آورده و منجر به ساخت و سازهای بدون برنامه‌ریزی و تغییرات زیاد در ساختارهای فضایی به ویژه توسعه فیزیکی شهر در نواحی پیرامونی گشته است. این امر ضرورت به کارگیری تمام توان و ظرفیت‌های موجود شهر را بیش از پیش نمایان می‌سازد. بدین منظور لازم است تا به جای توسعه و رشد بی‌رویه شهر به صورت افقی، از طریق پُرکردن بافت موجود شهر، افزایش متعادل متراکم و تغییر کاربری بناهای قدیمی و آلوده‌کننده، به رشد شهر و توسعه پایدار دست پیدا کرد (Ahmadat et al., 2018: 1193). بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که توسعه فیزیکی شهر بناب از توابع استان آذربایجان شرقی در سال‌های اخیر ناشی از رشد طبیعی جمعیت، مهاجرت روستائیان به شهر و در نهایت به بهانه‌ی تأمین نیاز مسکن و پیش‌بینی اراضی مسکونی در طرح‌های توسعه شهری - بیش از نیاز واقعی شهر - و به تبع آن تجاوز به اراضی کشاورزی و باغات حاشیه شهر بوده است. شاید یکی از بارزترین نمونه‌های ناپایداری در شهر بناب، وجود زمین‌های وسیع نسبتاً خالی پیرامون شهر است که جزو محدوده قانونی شهر نیز هستند و همچنین، پهنه‌های نسبتاً وسیع رها شده یا حامل کاربری‌های غیرشهری مزاحم، متروکه در درون و حاشیه شهر. وجود این بافت‌ها و فضاهای مسأله‌دار در شهر باعث ناپایداری‌هایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی شهرها شده است. زیرا چنین فضاهایی علاوه بر آسیب‌پذیری شدید اجتماعی و ناپایداری در مقابل مخاطرات محیطی در پاسخگویی به نیازهای اولیه ساکنان خود ناتوان بوده و موجب نارضایتی ساکنان این قبیل بافت‌ها می‌شود. لذا در این تحقیق هدف بر آن است که پس از شناسایی شاخص‌های توسعه میان‌افزای شهرها، از ادبیات نظری و پژوهشی مرتبط با موضوع، وضعیت محلات شهر بناب به لحاظ پتانسیل‌های توسعه درونی شناسایی گردد. نهایتاً محلات مستعد جهت توسعه آتی شهر مشخص شده و راهکارهایی جهت استفاده از این پتانسیل‌ها در توسعه‌های بعدی شهر ارائه می‌شود.



## مبانی نظری

سیاست‌های توسعه شهری و حفظ اراضی پیرامون حاشیه شهرها، از چالش‌های اساسی برنامه‌ریزان شهری در دهه‌های اخیر بوده است و سیاست توسعه درونزا از اشکال رشد هوشمند و توسعه پایدار شهری توجه اساسی به این موضوع دارد (Rahimi, 2016: 2). توسعه درونزا سبب می‌گردد که شکاف‌های موجود در جامعه پُر شوند و این توسعه در استفاده از پتانسیل موجود شهر و حفاظت از زمین‌های بکر، فضاهای رها شده و جلوگیری از پراکندگی شهری نقش حیاتی دارد (Abedinia & Khalili, 2019: 317). در توسعه درونی، گسترش شهر به صورت عمودی و درونزا در داخل بافت موجود شکل می‌گیرد. در این سیاست بافت‌های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری (اراضی قهوه‌ای) احیا، بهسازی و نوسازی می‌گردند. در مجموع رشد شهر از درون به عنوان وسیله‌ای برای تحقق رشد هوشمند شهر و رسیدن به شکلی پایدار از کالبد شهر، در نقطه مقابل حومه‌های گسترده مورد تأکید قرار می‌گیرد (Goosen & Fitchett, 2019: 2). مطالعات و پژوهش‌های متعددی در زمینه نحوه رشد و توسعه شهرها و فضاهای درون شهری و تغییر و تحولات آن‌ها صورت گرفته است که در ادامه، به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: (Abedinia & Khalili, 2019) با هدف تعیین ظرفیت مناطق شهری و شناسایی یک طرح مناسب برای توسعه درون شهری اورمیه، از هشت معیار شامل فاصله از ایستگاه حمل و نقل عمومی، فاصله از مراکز بهداشتی، فاصله از جاده‌های اصلی، فاصله از مراکز سبز، فاصله از مراکز تجاری، فاصله از مراکز مذهبی، فاصله از مراکز آموزشی و شیب و روش<sup>۱</sup> (OWA) جهت توسعه درونی شهر ارومیه استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان‌دهنده این است که مناطق ۱ و ۳ از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی، پتانسیل توسعه درونی را دارا می‌باشند و منطقه ۴ براساس شاخص‌های دسترسی در سطح مناسبی از توسعه قرار دارد. (Ahvenniemi et al., 2018) با هدف تحلیل این مسأله که آیا توسعه درون شهری بر قیمت آپارتمان‌های موجود تأثیر می‌گذارد یا نه، هفت محله را با قیمت معاملات مسکن یعنی بیش از ۶۰۰۰ یورو مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق براساس آمارهای تحلیلی نشان می‌دهد که توسعه درون شهری بر قیمت مسکن تأثیر مثبت دارد. (Razavian & Samadi, 2016) در پژوهشی با عنوان ارزیابی پتانسیل توسعه میان‌افزا در منطقه تبریز با روش تحلیل شبکه با رویکرد توسعه میان‌افزا، توسعه آتی منطقه ۸ تبریز را مورد بررسی قرار دادند. برای سنجش توانمندی‌های توسعه‌ی میان‌افزای این منطقه، چندین شاخص مورد استفاده قرار گرفت که مهم‌ترین آن‌ها کیفیت ساختمان‌ها، دسترسی‌ها، نفوذپذیری، فشرده‌سازی و دانه‌بندی بودند. به

<sup>۱</sup> . Order Weighted Average

منظور تعیین ظرفیت نهایی توسعه و تأثیر هر شاخص، شاخص‌ها با استفاده از فرآیند تحلیل شبکه<sup>۱</sup> (ANP) وزن‌دهی شدند. نتایج نشان داد که ۳۸ هکتار از سطوح منطقه ۸ تبریز، توان بالایی برای توسعه میان‌افزا دارد که نیازمند یک برنامه‌ریزی مبتنی بر اصول توسعه هوشمند است. (سرور و همکاران، ۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی الگوی بهینه توسعه فیزیکی شهر بانه براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا، با هدف شناسایی ظرفیت و پتانسیل‌های توسعه درونی شهر بانه، با استفاده از منطق بولین و فرآیند تحلیل سلسله مراتبی<sup>۲</sup> (AHP) با کمک نرم‌افزار Expert Choice به وزن‌دهی معیارها برای توسعه نواحی پرداختند در این تحقیق از ۸ معیار شامل اندازه قطعات و دانه‌بندی، بافت فرسوده، فضاهای گمشده شهری، کیفیت ابنیه، پهنه‌های با کاربری مختلط طرح تفصیلی، اسکلت ساختمان‌ها، تعداد طبقات، تراکم جمعیتی در توسعه درونی شهر بانه استفاده کرده‌اند که در نهایت ۵ سایت به عنوان سایت‌های مستعد جهت توسعه انتخاب شده است. (ملکی و همکاران ۱۳۹۴) نواحی مناسب جهت توسعه آتی شهر جوانرود را تعیین کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مناسبترین مکانها بیشتر در محدوده شمالغربی شهر قرار دارند و پراکندگی فضایی این اراضی نشان می‌دهد بیشتر مساحت منطقه تناسب خیلی کمی برای توسعه شهر دارا می‌باشد. (سرور و خیری زاده ۱۳۹۶) الگوی توسعه فضایی-کالبدی شهر مراغه را از دو جهت درون‌زا و برون‌زا مورد بررسی قرار داده و الگوی بهینه توسعه فیزیکی آتی شهر را تعیین کردند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده الگوی توسعه افقی و پراکنده شهر مراغه در طی دهه‌های گذشته، مخصوصاً از دهه ۱۳۶۵ تا حال حاضر می‌باشد. (حمزه‌پور و همکاران، ۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی و بررسی پتانسیل‌ها و قابلیت‌های موجود زمین با تأکید بر توسعه میان‌افزا (مطالعه موردی محلات شهر سردشت)، با هدف شناسایی و بررسی ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه میان‌افزا در محلات شهر سردشت، با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) و به کمک نرم‌افزار Expert choice به وزن‌دهی معیارها برای محلات مستعد پرداخته‌اند. در این پژوهش با ۸ معیار و شاخص تأثیرگذار شامل تراکم جمعیتی، اراضی بایر و متروکه، اراضی قهوه‌ای، کیفیت ساختمان، طبقات ساختمان، عمر ساختمان، کاربری نظامی و گورستان، سطوح میان‌افزا را شناسایی و مورد بررسی قرار داده‌اند. در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان به این نکته اشاره کرد که اولاً ظرفیت‌های توسعه میان‌افزای هر شهر بر اساس شاخص‌های مختلف متفاوت است. اما در کل، این شاخص‌ها قابل اجرا برای شهرهای مختلف هستند. موضوع اصلی شدت مسأله رشد پراکنده شهرها و لزوم بکارگیری راهبردهای توسعه میان‌افزا است. در این ارتباط شهر بناب، بنا بر مسائلی، با حجم

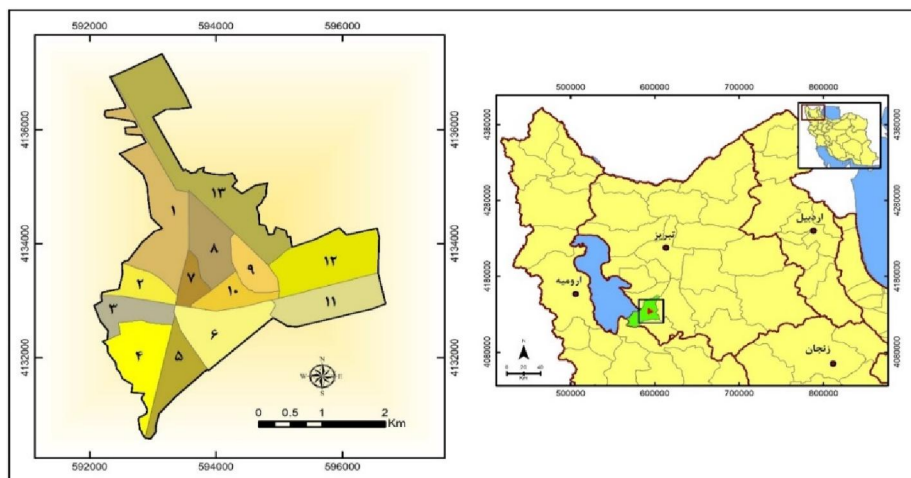
<sup>۱</sup>. Analytical Network Process

<sup>۲</sup>. Analytical Hierarchy Process

بالایی از زمین‌های بایر و بلا استفاده در محدود قانونی خود مواجه است که زمینه پراکنده‌روی گسترش کالبدی شهر را فراهم کرده است. از این جهت، پژوهش حاضر لازم دیده تا با شناسایی پتانسیل‌های رشد درونی این شهر، راهکارهایی برای برون‌رفت از پراکنده‌روی در توسعه‌های آتی شهر ارائه دهد.

### معرفی محدوده مورد مطالعه

بناب با وسعت ۷۹۰ کیلومترمربع، ۷,۱ درصد از کل مساحت استان را دارد و در واقع، یکی از شهرستان‌های کوچک استان محسوب می‌شود. این شهرستان، از نظر مختصات جغرافیایی در عرض شمالی ۳۷ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۲ دقیقه و در طول شرقی ۴۵ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه قرار گرفته است. از شمال با شهرستان عجب شیر، از غرب با دریاچه ارومیه، از شرق با شهرستان مراغه، از جنوب شرقی با ملکان و از جنوب غربی با استان آذربایجان غربی هم جوار است. براساس آخرین تقسیمات کشوری، این شهرستان دارای یک بخش (بناب) و سه دهستان (بناجوی شمالی، بناجوی شرقی و بناجوی غربی) است. فضاهای سکونتی شهر به ۵ ناحیه و ۱۳ محله تقسیم شده است. شهر بناب در دشت بناب که ادامه دشت مراغه است، واقع شده است. در سمت شمال‌شرقی و جنوب‌غربی کوه‌های قره‌داغ و قره‌قشون قرار دارند. رودخانه صوفی‌چای که از دامنه‌های سهند در شمال مراغه سرچشمه می‌گیرد، پس از طی حدود ۱۰۰ کیلومتر از جنوب بناب عبور می‌کند (طرح جامع شهر بناب، ۱۳۸۵: ۲) شکل (۱).



شکل ۱: نقشه موقعیت شهر بناب و محله‌بندی آن (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

## مواد و روش‌ها

رویکرد کلی پژوهش، کمی و نوع آن توصیفی-تحلیلی و هدف از انجام آن کاربردی می‌باشد. شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی می‌باشد. جهت تهیه لایه‌های مربوط به شاخص‌ها و معیارهای مورد استفاده، از نقشه کاربری اراضی وضع موجود شهر استفاده شده است (مطالعات مرحله اول طرح جامع شهر بناب، ۱۳۹۶). داده‌های مذکور در قالب فایل اتوکد بود که تبدیل به ژئودیتابیس شد. برخی از متغیرهای تحقیق از روی لایه کاربری اراضی توسط نگارندگان محاسبه گردید که می‌توان به محدوده بافت فرسوده، مصالح ساختمانی، قدمت و عمر ساختمان‌ها، تعداد طبقات ساختمان‌ها، دانه‌بندی و محدوده اراضی بایر اشاره کرد. نقشه شیب شهر بناب با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای مدل رقومی ارتفاع با قدرت تفکیک مکانی ۱۲/۵ متر مربوط به ماهواره ALOS-PALSAR تهیه گردید. متغیرهای اثرگذار در توسعه درونی محلات شهری به ترتیب جدول شماره (۱) مشخص شدند. مهم‌ترین مدل کمی که برای تحلیل وضعیت محلات سیزده گانه شهر بناب براساس معیارها استفاده شده، منطق فازی می‌باشد. همچنین از فرآیند تحلیل سلسله مراتبی برای مقایسه دو دویی معیارها استفاده شده و وزن نهایی این معیارها نیز با استفاده از نرم‌افزار Expert choice11 محاسبه شده است. در جدول (۱) ضمن معرفی متغیرهای مورد استفاده در تحقیق حاضر، توضیحاتی نیز در مورد معیارهای کمی هر شاخص ارائه گردیده است.

جدول ۱: متغیرها و شاخص‌های سنجش توسعه میان‌افزای محلات شهر بناب

ردیف	متغیرها	شاخص‌ها	مآخذ علمی
۱	اراضی بایر	هر چقدر یک محله دارای اراضی بایر بیش‌تری باشد، قابلیت توسعه بیش‌تری دارد.	(پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۵)، (Samadi&Razavian,2016)
۲	بافت فرسوده	بافت‌های حاشیه‌ای و فاقد عناصر تاریخی	(زیاری و همکاران ۱۳۹۵)، ( Momeni, & Keyhanfar ,2017)
۳	کیفیت بنا	بناهای تخریبی	(مرادی و همکاران، ۱۳۹۶) (Sheidabaghdadabad & Shahabian,2015)
۴	تراکم خالص جمعیت	تراکم پایین جمعیتی	(محمدی و محمدی، ۱۳۹۴) (CLEE,2014)
۵	تراکم ساختمانی	تراکم پایین ساختمانی	(احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۲)

(Banihashemi et al,2014)			
(بنی‌هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲) Sheidabaghdadabad & ) (Shahabian,2015)	بلوک‌هایی با قطعات ریزدانه و کم‌تر از ۲۰۰ متر مربع	اندازه قطعات و دانه‌بندی	۶
(مردای‌سروستانی و همکاران، ۱۳۹۷) (خمر و بلوچ، ۱۴۰۰) (Aly & Attwa ,2013)	شیب کم‌تر	شیب	۷
New Port ) (محمّدی و محمّدی، ۱۳۹۴) (City Council, 2009)	تراکم پایین جمعیتی	تراکم ناخالص جمعیت	۸
(داداش‌پور و همکاران، ۱۳۹۳) (Banihashemi et al,2014)	سطح اشغال کاربری بیش‌تر	سطح اشغال کاربری‌ها	۹
(پورا‌حمد و همکاران، ۱۳۹۵) Sheidabaghdadabad & ) (Shahabian,2015)	اراضی که در آن‌ها بناهایی با ارتفاع کم همچون یک طبقه و دو طبقه	تعداد طبقات	۱۰
(مردای و همکاران، ۱۳۹۶) (Sheidabaghdadabad & ) (Shahabian,2015)	ساختمان‌هایی با مصالح چوبی و خشتی‌گلی	مصالح ساختمانی	۱۱

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

## نتایج و بحث

### تراکم خالص جمعیت

تراکم جمعیتی به عنوان یکی از شاخص‌های پتانسیل توسعه میان‌افزا در شهر بناب می‌باشد. در این شاخص هر چقدر تراکم جمعیتی شهر پایین باشد، پتانسیل و ظرفیت شهر برای توسعه میان‌افزا و جذب جمعیت بیش‌تر است. با توجه به جدول (۲)، محله (دانش) بیش‌ترین میزان تراکم را در سطح شهر دارد. به دلیل اینکه شهرک امام در سال‌های اخیر با تراکم ساختمانی بالا توسعه یافته است و این عامل باعث بالا رفتن تراکم جمعیتی در آن شده است و در نتیجه تراکم خالص جمعیتی آن (۲۶۵/۷ نفر در هکتار) است. محله‌های (آزادگان، کوی شهرداری، فرهنگیان دو، فرهنگیان یک، سعدی، باقرآباد) به ترتیب با تراکم (۱۸۰/۷، ۱۹۰/۱، ۱۹۰/۴، ۱۹۰/۷، ۱۹۱/۵، ۱۹۵/۵ نفر در هکتار) کم‌ترین تراکم را به خود اختصاص داده‌اند. از این رو در نقشه ارزش‌دهی شکل (۲)، محلات (فرهنگیان یک، باقرآباد، کوی شهرداری،

فرهنگیان دو، سعدی، آزادگان) دارای بیشترین امتیاز (ارزش ۱) و محله (دانش) دارای کمترین امتیاز (ارزش ۰) پتانسیل توسعه میان‌افزا می‌باشند.

جدول ۲: تراکم خالص جمعیت به تفکیک محلات در شهر بناب (ارقام به نفر در هکتار)

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
تراکم خالص جمعیت	۱۹۰/۷	۱۹۱/۵	۱۸۰/۷	۱۹۵/۵	۲۰۸	۱۹۸/۱	۱۹۹/۳	۲۶۵/۷	۲۱۴/۳	۲۲۷	۲۲۷/۴۷	۱۹۰/۱	۱۹۰/۴

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

### تراکم ناخالص جمعیت

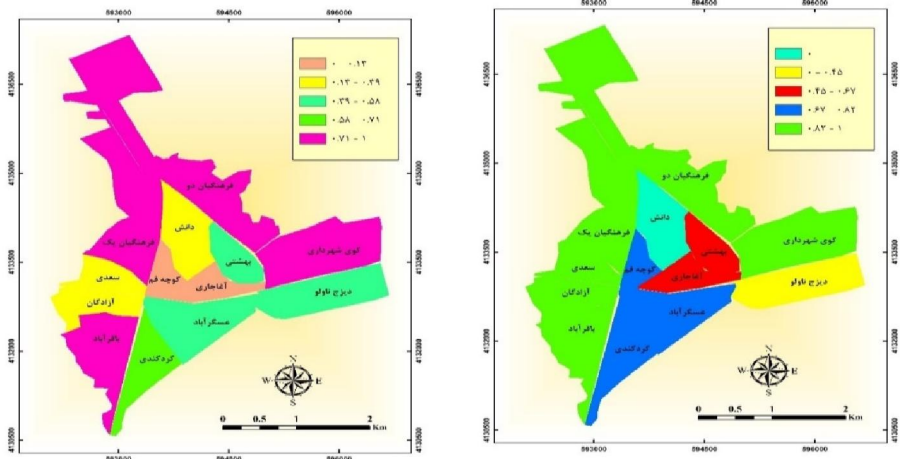
در این تحقیق تراکم ناخالص جمعیتی از دیگر شاخص‌های پتانسیل توسعه میان‌افزا در شهر بناب می‌باشد در این شاخص نیز هر چقدر تراکم کم‌تر باشد، آن قسمت ارزش بالاتری برای توسعه میان‌افزا دارد. با توجه به جدول (۳)، بالاترین تراکم مربوط به محله‌های (آغاچاری، کوچه قم) با تراکم (۱۲۰/۵، ۱۲۵/۸ نفر در هکتار) می‌باشد که نشان می‌دهد سطح اراضی بایر و زراعی در این محله‌ها کم است و اکثر سطوح آن را بافت پُر تشکیل می‌دهد. محلات (فرهنگیان یک، فرهنگیان دو، کوی شهرداری، باقرآباد) به ترتیب با تراکم (۳۲/۷، ۳۷/۶، ۴۳/۶، ۵۹/۶ نفر در هکتار)، کمترین تراکم را در شهر دارند.

جدول ۳: تراکم ناخالص جمعیت به تفکیک محلات در شهر بناب (ارقام به نفر در هکتار).

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
تراکم ناخالص جمعیت	۳۲/۷	۹۶/۲	۸۹/۵	۵۹/۶	۷۱/۴	۷۹/۵	۱۲۰/۵	۱۱۳/۲	۸۸/۷	۱۲۵/۸	۸۰/۶	۴۳/۶	۳۷/۶

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

با توجه به نقشه ارزش‌دهی شکل (۲)، محلات (فرهنگیان یک، باقرآباد، کوی شهرداری، فرهنگیان دو) دارای بیشترین امتیاز (ارزش ۱) و محلات (کوچه قم، آغاچاری) دارای کمترین امتیاز (ارزش ۰) جهت توسعه میان‌افزا می‌باشند.



شکل ۲: نقشه‌های فازی شده تراکم خالص جمعیت (سمت راست) و ناخالص جمعیت (سمت چپ).  
(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

### تراکم ساختمانی

در این پژوهش، محقق ساختمان‌هایی با تراکم پایین را به عنوان مؤلفه‌ی توسعه میان‌افزا ملاک عمل قرار داده است. بر این اساس و با توجه به جدول (۴) محله (کوچه قم) بیش‌ترین میزان تراکم ساختمانی (۷۷/۷ درصد) را دارد. این موضوع نشان می‌دهد که بلند مرتبه‌سازی در این محلات بسیار زیاد است. محلات (دیزج ناولو، کوی شهرداری، بهشتی) با تراکم ساختمانی (۴۶/۲، ۴۹/۲، ۵۰/۸ درصد) کم‌ترین میزان تراکم ساختمانی را دارند. پایین بودن میزان تراکم ساختمانی در این محلات به دلیل فضاهای باز و بافت‌های فرسوده شهری می‌باشد. طبق نقشه ارزش‌دهی (شکل ۳)، محلات (دیزج ناولو، کوی شهرداری، بهشتی) دارای بیش‌ترین امتیاز (ارزش ۱) و محله (کوچه قم) دارای کم‌ترین امتیاز (ارزش ۰) جهت توسعه میان‌افزا می‌باشند. جدول ۴: تراکم ساختمانی محلات شهر بناب (ارقام به درصد).

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	بقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری دو	فرهنگیان دو
تراکم ساختمانی	۶۵/۳	۷۲/۷	۶۸/۷	۶۴/۵	۶۶/۶	۶۵/۷	۷۷/۵	۶۱/۷	۵۰/۸	۶۳/۶	۴۶/۲	۴۹/۲	۵۲/۶

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

## سطح اشغال کاربری‌ها

در این پژوهش، هر چه قدر شاخص سطح اشغال کاربری‌ها بیش‌تر باشد، در توسعه میان‌افزا ارزش بالاتری دارد. با توجه به جدول (۵)، محله فرهنگیان یک با کم‌ترین میزان سطح اشغال کاربری (۱۲/۵۶ درصد) را دارد که به این دلیل است که ساخت و ساز شهری در این محله به تازگی شکل گرفته است و فضاهای خالی نسبتاً زیادی دارد. محلات (دیزج ناولو، بهشتی) بیش‌ترین میزان سطح اشغال کاربری (۲۸/۲۷ و ۲۴/۱۴ درصد) را دارد. به دلیل اینکه این محلات قدیمی هستند و ساخت و سازها اکثراً تمام فضاهای محلات را پر کرده‌اند. بنابراین در نقشه ارزش‌دهی (شکل ۳)، محلات (دیزج ناولو، بهشتی) دارای بیش‌ترین امتیاز (ارزش ۱) و محله (فرهنگیان یک) دارای کم‌ترین امتیاز (ارزش ۰) جهت توسعه میان‌افزا می‌باشند.

جدول ۵: سطح اشغال کاربری‌ها در سطح محلات بناب (ارقام به درصد)

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کرد کندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
سطح اشغال کاربری‌ها	۱۲/۵۶	۱۴/۹۵	۱۶/۹۸	۱۸/۳۴	۱۸/۶۳	۲۰/۸۰	۱۲/۷۸	۱۴/۲۳	۲۴/۱۴	۱۹/۷۸	۲۸/۲۷	۲۱/۹۷	۱۹/۱۱

منبع: نویسنندگان، ۱۴۰۱.

## اراضی بایر

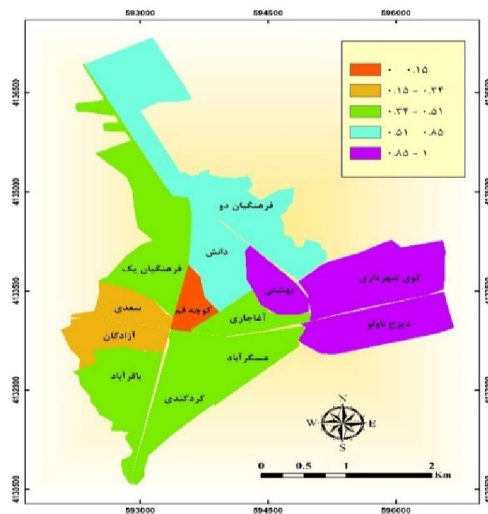
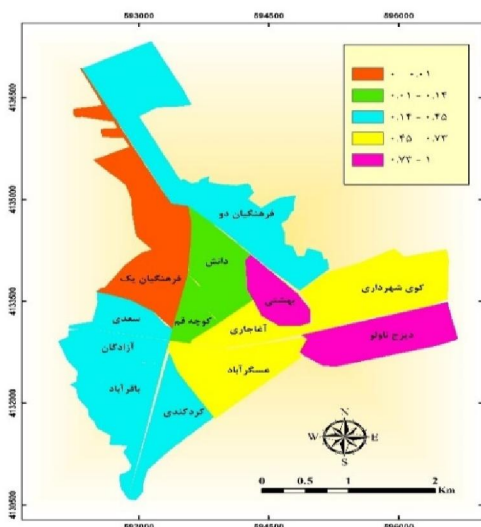
به علت پراکندگی شهر و عدم برنامه‌ریزی صحیح، اراضی زیادی در شهر به صورت فضاهای خالی و بدون ساخت و ساز نمایان هستند که تحت عنوان اراضی بایر می‌توان از پتانسیل‌های مهم توسعه درونی در نظر گرفت. در سطح شهر بناب حدود ۲۱۳/۴۷ هکتار زمین بایر وجود دارد. زمین‌های بایر و رها شده اصلی‌ترین پتانسیل موجود در توسعه درونزا محسوب می‌شوند و اولویت نخست برای توسعه میان‌افزا همین زمین‌های بایر و متروکه می‌باشند. همان‌طور که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، از کل مساحت اراضی بایر، ۲/۸۵ درصد به محله کوچه قم که در مرکز شهر واقع شده است اختصاص دارد که در بین محلات درصد بسیار پایینی دارد. بنابراین اراضی بایر آن بسیار کم است. محله‌های (فرهنگیان دو، باقرآباد) دارای بیش‌ترین اراضی بایر به ترتیب با (۴۱/۹۵، ۳۰/۸۶ درصد) می‌باشند. از این رو در نقشه ارزش‌دهی (شکل ۴)، محله (کوچه قم) دارای کم‌ترین امتیاز (ارزش ۰) و محله (فرهنگیان دو، باقرآباد) دارای



بیشترین امتیاز (ارزش ۱) بوده و از این لحاظ هر دو محله دارای پتانسیل توسعه میان‌افزا می‌باشند.

جدول ۶: اراضی بایر به تفکیک محلات در شهر بناب (ارقام به درصد).

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدي	آزادگان	باقرآباد	کرد کندی	عسگر آباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغا جاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
اراضی بایر	۲۰/۶۱	۱۰/۵۲	۸/۳۶	۳۰/۸۶	۱۲/۹ ۲۱	۲۳/۱۵	۲/۸۵	۹/۹۳	۱۳/۵۸	۴/۷۸	۱۰/۴۳	۱۵/۰۹	۴۱/۹۵



شکل ۳: نقشه‌های فازی‌شده تراکم ساختمانی (سمت راست) و سطح اشغال کاربری‌ها (سمت چپ).  
(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

### کیفیت بنا

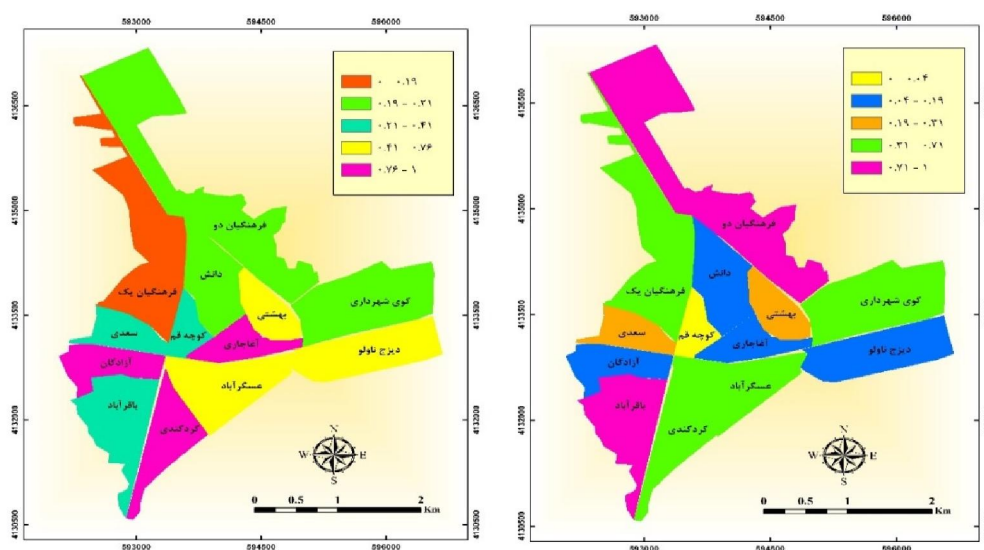
طبق این شاخص، بلوک‌های شهری به سه دسته نوساز، تعمیری، تخریبی تقسیم می‌گردد. در این میان بناهای تخریبی امتیاز بیشتری داشته و از اولویت‌های مهم در توسعه میان‌افزا به حساب می‌آید. کل مساحت بناهای تخریبی در شهر بناب ۷۹/۶۷ هکتار است. با توجه به جدول (۷)، محله فرهنگیان یک که منطبق بر محلات تازه تأسیس شهر (از جمله کوی

لاله، کوی فرهنگیان ۲ و کوی طالقانی) می‌باشد که این عامل، میزان واحدهای تخریبی این محله (۱/۱۴ درصد) را در سطح بسیار پایینی قرار داده است. محلات آغاچاری، آزادگان و کردکندی که منطبق بر محلات قدیمی هستند. در این محلات میزان واحدهای تخریبی به ترتیب با (۱۷/۴۰، ۱۶/۵۴، ۱۳/۲۵ درصد) در سطح بالاتر قرار دارد. از این رو براساس نقشه ارزش‌دهی (شکل ۴)، محلات (آزادگان، کردکندی، آغاچاری) بیش‌ترین امتیاز (ارزش ۱) و محله فرهنگیان یک کم‌ترین امتیاز (ارزش ۰) جهت پتانسیل توسعه میان‌افزا را دارا می‌باشد.

جدول ۷: کیفیت بنا در سطح محلات شهر (ارقام به درصد)

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
تخریبی	۱/۱۴	۴/۵۴	۱۶/۵۹	۶/۹۰	۱۳/۵۵	۱۳/۲۵	۷/۵۰	۳/۲۱	۷/۷۵	۱۷/۴۰	۱۲/۸۱	۱/۴۸	۳/۳۸
تعمیری	۱۱/۷۶	۳۸/۳۴	۲۸/۱۶	۱۸/۸۷	۱۸/۱۰	۲۰/۷۲	۵۶/۳۶	۳۱/۲۸	۲۴/۵۸	۲۹/۵۰	۱۷/۲۸	۱۵/۰۱	۹/۲۴
نوساز	۱۶/۴۰	۲۰/۸۶	۱۷/۲۵	۱۳/۲۲	۱۲/۶۰	۱۲/۹۸	۲۰/۹۳	۱۹/۳۳	۱۸/۵۰	۲۰/۲۱	۱۱/۲۳	۲۸/۶۱	۱۹/۲۲

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱



شکل ۴: نقشه‌های فازی‌شده اراضی بایر (سمت راست) و کیفیت بنا (سمت چپ)

(ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

## مصالح ساختمانی

مصالح ساختمانی ممکن است از نوع فلزی و نیمه‌فلزی، آجری، بتنی و چوبی و خشتی‌گلی باشند. در این میان بناهای چوبی و خشتی‌گلی امتیاز بیش‌تر داشته و از شاخص‌های مهم در توسعه میان‌افزا به حساب می‌آید. کل مساحت بناهای چوبی و خشتی‌گلی در شهر بناب ۱۲۱/۵۸ هکتار می‌باشد. با توجه به جدول (۸)، محله فرهنگیان یک از نظر مصالح ساختمانی نسبت به سایر محلات در وضعیت بهتری قرار دارد و جزء محلات تازه تأسیس یافته شهر به حساب می‌آید. از کل مساحت بناهای چوبی و خشتی‌گلی تنها (۱/۹۸ درصد) مربوط به این محله است. در محلات (آزادگان، آغاچاری، عسگرآباد، دیزج ناولو) بافت فرسوده شهری غلبه داشته و ساختمان‌ها در این محلات مصالح کم دوامی دارند، به این معنی که بیش‌تر دارای مصالح چوبی و خشتی‌گلی هستند و میزان بناهای چوبی و خشتی‌گلی در این محلات به ترتیب (۲۴/۷۰، ۲۰/۶۷، ۲۲/۵۲، ۱۷/۶۹ درصد) می‌باشد. بنابراین در نقشه ارزش‌دهی (شکل ۵)، محلات (آغاچاری، دیزج ناولو، آزادگان، عسگرآباد) دارای بیش‌ترین ارزش (امتیاز ۱) و محله (فرهنگیان یک) دارای کم‌ترین ارزش (امتیاز ۰) می‌باشند.

جدول ۸: مصالح ساختمانی به تفکیک محلات شهر بناب (ارقام به درصد)

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
چوبی و خشتی‌گلی	۱/۹۸	۱۴/۲۹	۲۲/۵۲	۷/۸۲	۱۵/۱۳	۱۷/۶۹	۸/۷۹	۸/۳۹	۱۰/۰۸	۲۴/۷۰	۲۰/۶۷	۶/۹۱	۵/۲۴
فلزی و نیمه‌فلزی	۲/۹۱	۰/۲۹	۱/۶۳	۲/۹۱	۰/۶۰	۱/۹۵	۱/۷۵	۰/۷۸	۰/۲۴	۱/۷۳	۰/۳۸	۰/۰۹	۲/۰۱
بتنی	۲/۷۹	۰/۵۷	۰/۳۰	۰/۴۶	۰/۱۸	۱/۵۶	۰/۴۱	۱/۴۴	۰/۶۵	۰/۶۸	۰/۶۴	۴/۹۶	۱/۱۰

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

## تعداد طبقات

تعداد طبقات به عنوان شاخصی در سنجش ظرفیت توسعه درونزا به کار می‌رود. قطعاتی با تراکم پایین (یک طبقه و دو طبقه)، به عنوان پتانسیل توسعه میان‌افزا مطرح می‌باشد. کل مساحت ساختمان‌های (یک و دو طبقه) در شهر بناب ۸۹۵ هکتار می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۹) مشاهده می‌شود محله فرهنگیان یک کم‌ترین تعداد طبقات ساختمانی یک و دو

طبقه را دارد که معادل (۴۷/۳۶ درصد) می‌باشد. یعنی تعداد طبقات در این محله بیش‌تر از دو طبقه می‌باشد. دلیل آن هم، ساخت و سازهای غیرمجاز در این محله می‌باشد.

جدول ۹: تعداد طبقات ساختمانی در سطح محلات شهر بناب (ارقام به درصد)

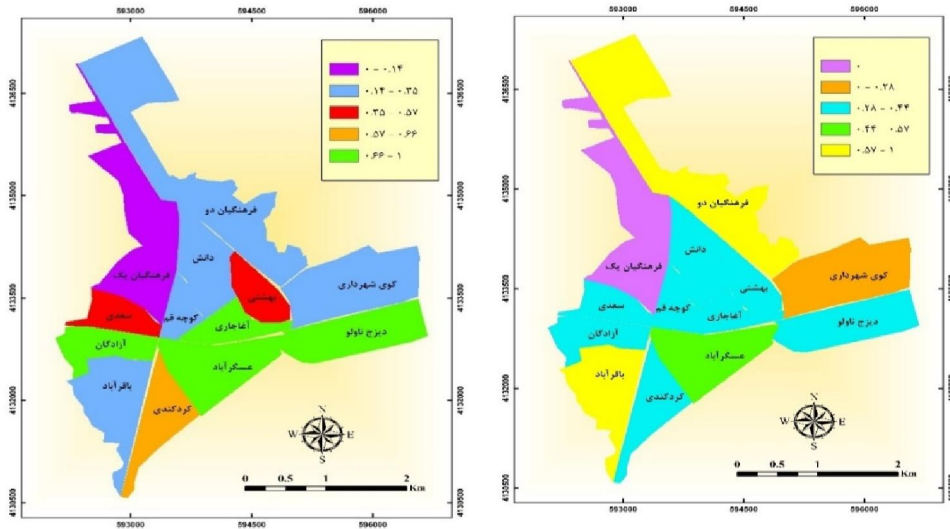
شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	ازادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهردا ری	فرهنگیان دو
یک و دو طبقه	۴۷/۳۶	۶۸/۸۴	۶۹/۷۹	۷۷/۲۷	۶۹/۳۰	۷۰/۸۷	۶۶/۷۸	۶۲/۲۷	۶۵/۴۶	۶۹/۲۳	۶۶/۸۷	۶۱/۵۲	۹۹/۵۱
سه طبقه و بیش‌تر	۵/۱۳	۰/۹۲	۰/۴۸	۱/۴۰	۰/۳۶	۲/۱۲	۱/۳۰	۲/۲۰	۰/۶۸	۱/۱۷	۰/۶۴	۲/۷۱	۱/۶۸

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

محله‌های فرهنگیان ۲ و باقرآباد بیش‌ترین میزان طبقات ساختمانی (یک و دو طبقه) با (۹۹/۵۱، ۷۷/۲۷ درصد) را دارد. از این‌رو براساس نقشه وزن‌دهی‌شده (شکل ۵)، محله فرهنگیان یک دارای کم‌ترین امتیاز (ارزش ۰) و محلات فرهنگیان ۲ و باقرآباد دارای بیش‌ترین امتیاز (ارزش ۱) از نظر پتانسیل توسعه میان‌افزا می‌باشند.

## بافت فرسوده

بافت‌های فرسوده با ویژگی‌هایی مانند فرسودگی کالبدی، عدم برخورداری از شبکه دسترسی مناسب، کمبود خدمات و زیرساخت‌های شهری، مسائل اقتصادی، معضلات اجتماعی و زیست‌محیطی، آسیب‌پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی، اقتصادی و اجتماعی نازلی برخوردارند. چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود بافت فرسوده از شاخص‌های بسیار تأثیرگذار در پتانسیل توسعه میان‌افزا به حساب آید. در این پژوهش، هر چقدر بافت‌های فرسوده حاشیه‌ای و فاقد عناصر تاریخی بیش‌تر باشد، در توسعه درونزای شهری ارزش بالاتری دارند. همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود، محله فرهنگیان یک بافت فرسوده ندارد یعنی جزء محله تازه تأسیس یافته شهر محسوب می‌شود.



شکل ۵: نقشه‌های فازی شده مصالح ساختمانی (سمت راست) و تعداد طبقات (سمت چپ) (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

محله‌های دیزج ناولو و کوچه قم بیشترین بافت فرسوده به ترتیب (۴۶/۷۶، ۳۹/۰۶ درصد) را نسبت به سایر محلات شهر دارند که حاکی از قدمت بالای این محلات می‌باشد. بنابراین در نقشه ارزش‌دهی شده (شکل ۶)، محلات کوچه قم و دیزج ناولو دارای بیشترین امتیاز (ارزش ۱) و محله فرهنگیان یک دارای کمترین امتیاز (ارزش ۰) برای توسعه درونزا می‌باشند.

جدول ۱۰: بافت فرسوده به تفکیک محلات شهر بناب (ارقام به درصد)

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آغاچاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
بافت فرسوده حاشیه‌ای	-	-	-	-	-	۱۸/۸۴	-	-	۳۰/۰۷	-	۴۶/۷۶	۱۴/۹۷	۱۷/۴۸
بافت فاقد عناصر تاریخی	-	۳۳/۰۱	۰/۰۲۵	۱۸/۴۱	۳۴/۲۰	۸/۳۰	۳۹/۰۶	۱۳/۶۹	-	۳۱/۵۲	-	-	-

-	-	-	۲۵/۲۶	-	-	-	۱/۷۷	-	-	۴۰/۷۹	-	-	بافت فرسوده عناصر تاریخی
---	---	---	-------	---	---	---	------	---	---	-------	---	---	-----------------------------------

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

## اندازه قطعات و دانه بندی

بلوک‌هایی که اکثر قطعات آن ریزدانه و دارای مساحت کم‌تر از ۲۰۰ مترمربع می‌باشند، از پتانسیل‌های مناسب جهت توسعه میان‌افزا برخوردار می‌باشند. کل مساحت قطعات ریزدانه در شهر بناب ۲۱۶/۵۰ هکتار می‌باشد. با توجه به جدول (۱۱)، محله‌های آجاجاری و دیزج ناولو به ترتیب با (۲۵/۷۴، ۲۰/۲۲ درصد) دارای بالاترین قطعات ریزدانه نسبت به دیگر محلات می‌باشند. به دلیل اینکه بیش‌تر ساختمان‌های این محلات قدیمی هستند و قطعات احداث شده در بافت‌های قدیم در فضای خیلی کوچکی شکل گرفته‌اند و میزان مساحت بناها کم‌تر از ۲۰۰ متر مربع بوده است. محله فرهنگیان یک دارای کم‌ترین میزان (با ۸/۶۸ درصد) قطعات ریزدانه نسبت به دیگر محلات می‌باشد، به دلیل اینکه این محله به تازگی شکل گرفته در نتیجه ساختمان‌های ساخته شده امروزی نسبت به بافت‌های قدیمی فضاهای بیش‌تری را اشغال می‌کنند. از این‌رو با توجه نقشه ارزش‌دهی (شکل ۶)، محلات آجاجاری و دیزج ناولو دارای بیش‌ترین ارزش (امتیاز ۱) پتانسیل و ظرفیت توسعه و محله فرهنگیان یک دارای کم‌ترین ارزش (امتیاز ۰) توسعه میان‌افزا را دارد.

جدول ۱۱: اندازه قطعات و دانه‌بندی در سطح محلات شهر بناب (ارقام به درصد).

شماره محله	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
اسم محله	فرهنگیان یک	سعدی	آزادگان	باقرآباد	کردکندی	عسگرآباد	کوچه قم	دانش	بهشتی	آجاجاری	دیزج ناولو	کوی شهرداری	فرهنگیان دو
اندازه قطعات	۸/۶۸	۱۳/۷۸	۱۸/۴۰	۱۳/۹۰	۱۵/۹۹	۱۸/۰۸	۱۵/۸۷	۱۸/۷۲	۱۶/۱۰	۲۵/۷۴	۲۰/۲۲	۱۹/۰۵	۱۱/۹۲

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۱

## شیب

شیب به عنوان یکی از اولویت‌های مهم در ساخت و سازهای شهری به حساب می‌آید. براساس یافته‌های جغرافیدانان و شهرسازان اصولاً برای طراحی شهری شیب تا ۶٪ مطلوب و

بین ۶ تا ۹٪ قابل قبول است. لایه شیب از<sup>۱</sup> (DEM) بدست می‌آید؛ در حقیقت مدل رقومی DEM، مدل ارتفاعی است که در آن فقط سطح زمین در نظر گرفته می‌شود که نشان‌دهنده سطح زمین به تنهایی و بدون عوارض طبیعی (گیاهان) و انسانی (ساختمان‌ها) است. یکی از کاربردهای مدل رقومی ارتفاع تولید نقشه شیب است. شیب برای هر یک از سلول‌ها (در مدل رستری) و مثلث‌های کوچک (در مدل بُرداری)، براساس ارتفاع نقاط و فاصله آن‌ها برحسب درجه و یا درصد محاسبه می‌شود. هر چقدر شیب کم‌تر باشد، ارزش بیشتری در توسعه درونزا دارد. با توجه شکل (۶)، شیب شهر بناب از شرق به غرب می‌باشد. ارتفاع اراضی شهر از ۱۳۰۰ متر در شرق شهر به ۱۲۸۰ متر در غرب شهر در یک فاصله ۳ کیلومتری کاهش پیدا می‌کند. علاوه بر شیب شرق به غرب، قسمتی از اراضی شهر از سمت جنوب به شمال نیز دارای شیب مختصری می‌باشد. در این جهت ارتفاع اراضی از ۱۲۸۵ متر در جنوب شهر به ۱۲۷۸ متر در حوالی روستای آخوند قشلاق تنزل پیدا می‌کند. به عبارتی می‌توان گفت شیب شهر از جنوب‌شرقی به سمت شمال‌غربی می‌باشد. ارتفاع کم سطح اراضی شهر از سطح دریاچه ارومیه در موارد مختلفی مشکلاتی را برای شهر بناب به وجود آورده است و در نهایت اینکه شیب در سطح شهر بناب اکثراً به صورت همواره بوده و جهت ساخت و سازهای شهری مناسب می‌باشد.

### فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)

فرآیند تحلیل سلسله مراتبی روشی است منعطف، قوی و ساده که برای تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازد، مورد استفاده قرار می‌گیرد (زبردست، ۱۳۸۰:۱۳). فرآیند شناسایی عناصر و ارتباط بین آن‌ها که منجر به ایجاد یک ساختار سلسله مراتب می‌شود (زبردست، ۱۳۸۰:۱۳). در اینجا هدف شناسایی و سنجش پتانسیل توسعه درونزا میان محلات سیزده‌گانه شهر بناب به منظور رتبه‌بندی محلات مستعد توسعه است. معیارها به ۱۱ دسته تقسیم می‌شوند (شکل ۹).

<sup>1</sup> Digital Elevation Model



شکل ۸: نقشه نهایی هم‌پوشانی فازی براساس شاخص‌های مورد مطالعه. (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

### تعیین ضریب اهمیت معیارهای توسعه میان‌افزا

مطابق با روند تکنیک تحلیل سلسله‌مراتبی، پس از تعیین هدف و معیارها، به منظور تعیین میزان تأثیر معیارها، پرسشنامه‌ای تدوین گردید تا براساس نظرسنجی‌های صورت گرفته از کارشناسان و مشاهدات میدانی محقق و از طریق مقایسه دو دویی معیارها به هر یک از معیارها وزن (ارزش) داده می‌شود تا درجه اهمیت آن‌ها محاسبه شود و امکان ارزیابی سطوح دارای ارزش توسعه درونزا با استفاده از این تکنیک فراهم گردد.

جدول ۱۲: ضریب و امتیاز هریک از معیارها

	Arase baie	Keiffat ben	Baffeh fars	Tarakom si	Tarakom kl	Trrakom n	Tedade tal	Masaleh s	Andazeh g	sathe ashg	sheib
Arase baier		3.0	3.0	3.0	3.0	3.0	5.0	6.0	7.0	9.0	7.0
Keiffat bona			1.0	1.3	1.4	1.4	1.5	1.0	1.5	1.4	1.0
Baffeh farsodeh				3.0	3.0	3.0	5.0	3.0	1.6	1.6	3.0
Tarakom sakhtemani					3.0	3.0	1.0	3.0	1.5	1.5	3.0
Tarakom khales Jameit						1.6	3.0	3.0	1.7	1.7	3.0
Trrakom nakhales Jameit							1.5	3.0	1.5	1.6	3.0
Tedade tabagat								3.0	3.0	5.0	3.0
Masaleh sakhtemani									1.7	1.6	2.0
Andazeh gatat va danebandi										3.0	3.0
sathe ashgale karbariha											3.0
sheib	Incon:	0.09									

لازم به یادآوری است که جهت مقایسه دو دویی معیارها از مقیاس ۹ کمّیتی ساعتی استفاده شده است. جدول (۱۲) وزن هر یک از معیارها را که براساس نتایج حاصل از نظر



کارشناسان و با استفاده از نرم‌افزار Expert choice 11 محاسبه شده است، نشان می‌دهد. (ضریب سازگاری یا نسبت توافق ماتریس دو دویی ( $CR^1 = 0.09$ ) محاسبه شد).

### تعیین امتیاز نهایی معیارها

پس از تلفیق ضرایب اهمیت مزبور (وزن معیارها) امتیاز نهایی هر یک از معیارها مطابق نمودار به دست آمد. بر اساس نمودار مستخرج از Expert choice 11، در میان معیارهای مورد بررسی (شکل ۱۰)، اراضی بایر با ضریب وزنی (۰/۲۹۹) دارای بالاترین اهمیت از لحاظ پتانسیل توسعه میان‌افزا می‌باشد، پس از معیار اراضی بایر، به ترتیب معیارهای بافت فرسوده، تراکم جمعیت خالص، تراکم ساختمانی، تعداد طبقات، کیفیت بنا، تراکم جمعیت ناخالص، اندازه قطعات و دانه‌بندی و سطح اشغال کاربری‌ها در رتبه‌های بعدی قرار دارند، در نهایت معیارهای مصالح ساختمانی با ضریب وزنی (۰/۳۳) و شیب با ضریب وزنی (۰/۲۱) در رتبه‌های آخر قرار دارند و دارای کم‌ترین اهمیت از نظر ظرفیت توسعه میان‌افزا می‌باشند.

### اولویت‌بندی نهایی محله‌های دارای پتانسیل توسعه میان‌افزا با روش FAHP

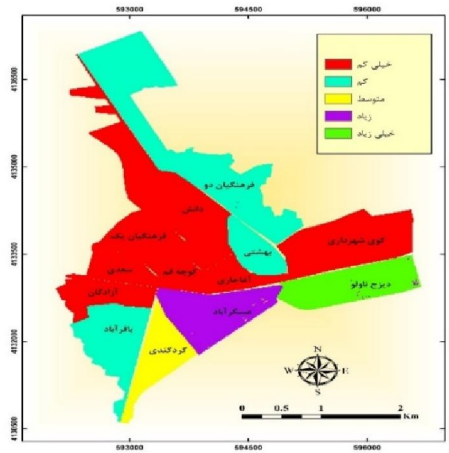
در این مرحله با اعمال وزن‌های نهایی هر یک از معیارهای به دست آمده از نرم‌افزار Expert choice 11، در محیط GIS، وزن معیارها بر لایه‌های فازی ضرب و جمع بسته شدند و سپس اقدام به تولید نقشه نهایی کرده‌ایم که مشخص‌کننده ظرفیت توسعه میان‌افزا محلات شهر بناب می‌باشد. با توجه به نقشه وزن‌دهی شده معیارها براساس فرآیند تحلیل سلسله مراتبی فازی (شکل ۱۱)، محله ۱۳ (فرهنگیان دو) در اولویت اول توسعه، محله‌های ۴،۵،۶،۱۲ (باقرآباد، کردکندی، عسگرآباد، دیزج ناولو) در اولویت دوم، محله‌های ۹،۱۰،۱۲ (بهشتی، آغاچاری، کوی شهرداری) در اولویت سوم، محله‌های ۱،۲،۳،۷ (فرهنگیان یک، سعدی، آزادگان، کوچه قم) در اولویت چهارم و در نهایت محله ۸ (دانش) در اولویت پنجم پتانسیل توسعه قرار گرفته‌اند.

### ارزیابی پتانسیل توسعه درونی محلات شهر بناب

پتانسیل توسعه میان‌افزا در رابطه با شهر بناب، بیش‌تر شامل اراضی ساخته نشده و بایر در داخل محدوده قانونی شهر و همچنین توسعه عمودی و افزایش تراکم ساختمانی در بافت موجود

<sup>1</sup> Consistency Ratio

شهر می‌باشد. دومین طرح جامع شهر که در سال ۱۳۷۹ تهیه گردید، تعداد جمعیت برای افق ۱۰ ساله (۱۳۹۰) طرح را ۹۵۰۰۰ نفر پیش‌بینی کرده بود.



شکل ۱۱: نقشه نهایی وزن‌دهی شده معیارها با استفاده از مدل (FAHP). (ترسیم: نگارندگان، ۱۴۰۱)

اما در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر ۸۵۲۷۴ نفر بوده است و با جمعیت پیش‌بینی شده طرح جامع (بیش از ۷۰٪) فاصله زیادی دارد. با اینکه سطح اراضی پیشنهادی در طرح تفصیلی افزایش یافته، و محله اکبرآباد نیز وارد محدوده شد؛ اما به دلیل عدم تحقق جمعیت پیشنهادی طرح‌های جامع و تفصیلی، بسیاری از اراضی به صورت بایر باقی مانده است. به طوری که با توجه به نقشه طرح تفصیلی شهر در سال ۱۳۸۵، حدود ۵۵۸ هکتار از مساحت محدوده قانونی شهر را اراضی توسعه‌نیافته تشکیل می‌دهد که این اراضی در بخش‌های شرقی و شمالی شهر به صورت بایر باقی مانده است و ساخت و سازها در این قسمت‌ها به صورت پراکنده می‌باشد. بنابراین، هم جمعیت پیشنهادی برای افق طرح تحقق پیدا نکرده و هم حدود ۶۱ درصد از مساحت محدوده پیشنهادی طرح تفصیلی در وضع موجود (سال ۱۳۸۵) به صورت بایر باقی مانده است؛ بنابراین، تراکم ساختمانی نسبتاً پایین در داخل محدوده شهر به ویژه در قسمت‌های شمالی و شرقی و وجود گرایش‌های اخیر به سمت افزایش تراکم و توسعه عمودی شهر از پتانسیل‌های توسعه درونی شهر تلقی شده و حاکی از ظرفیت جمعیت‌پذیری بالای شهر در داخل محدوده فعلی می‌باشد. با توجه به نقشه‌های پتانسیل توسعه میان‌افزای شهر، شکل‌های (۸ و ۱۰) می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

- در یک نگاه کلی، محله ۱۱ (دیج ناولو) از ناحیه ۵ در هم‌پوشانی فازی، به علت داشتن بافت روستایی (بافت حاشیه‌ای)، تراکم ساختمانی خیلی پایین، شیب مناسب، اراضی بایر متوسط،

مصالح ساختمانی خیلی پایین، سطح اشغال کاربری بالا و پایین بودن کیفیت بناها و... از پتانسیل توسعه میان‌افزای بسیار زیادی برخوردار می‌باشد. در قسمت شرق (محل ۱۱)، وجود فرودگاه، پادگان نظامی، گورستان و دکل‌های برق‌رسانی فشار قوی مانع عمده توسعه شهر در این قسمت بوده است. محل ۱۳ (فرهنگیان دو) از ناحیه ۵ در مدل (FAHP)، از لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه، ظرفیت پتانسیل بسیار بالایی در توسعه میان‌افزا دارد. شهر در قسمت شمال و شمال شرقی (محل ۱۳)، اراضی کشاورزی محدودی دارد (ارزش کم‌تری نسبت به اراضی کشاورزی جنوب دارند) که در این اراضی بیش‌ترین توسعه شهر صورت گرفته است.

- محل ۶ (عسگرآباد) از ناحیه ۳، در مدل هم‌پوشانی با شاخص‌هایی هم‌چون اراضی بایر، سطح اشغال کاربری‌ها، شیب، اندازه قطعات و دانه‌بندی، مصالح ساختمانی و کیفیت بنا و... با رتبه زیاد، در اولویت دوم برای توسعه میان‌افزای قرار دارد. قسمت جنوب شرقی (محل ۶) با کمربند شرقی مواجه است و خود کمربندی نیز به وسیله باغات و اراضی کشاورزی مرغوب محدود می‌گردد. محل ۴ (باقرآباد) از ناحیه ۲، محل ۵ (کردکندی) از ناحیه ۳، در مدل (FAHP) از لحاظ معیارها شامل اراضی بایر، تراکم خالص و ناخالص جمعیت، تراکم ساختمانی، سطح اشغال کاربری، بافت فرسوده (فاقد عناصر تاریخی)، اندازه قطعات و دانه‌بندی و... در اولویت دوم توسعه میان‌افزا جای می‌گیرند. بنابراین قسمت جنوب این محلات به رودخانه صوفی‌چای، کمربندی و اراضی باغی محدود می‌گردند.

- محل ۹ (بهشتی) از ناحیه ۴، در هم‌پوشانی فازی و محل ۱۲ (کوی شهرداری) در مدل (FAHP) از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی شامل سطح اشغال کاربری‌ها، شیب، تعداد طبقات، بافت فرسوده، اندازه قطعات و دانه‌بندی، کیفیت بنا، مصالح ساختمانی و... در اولویت سوم قرار می‌گیرند.

- محل ۱ (فرهنگیان یک) و محل ۲ (سعدی) از نواحی ۱ و محل ۳ (آزادگان) از ناحیه ۲، از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی در اوایت‌های توسعه میان‌افزا قرار نمی‌گیرد. به دلیل اینکه این محلات جزء محلات تازه تأسیس یافته شهری محسوب می‌شود و قسمت غرب این محلات وجود گورستان، محدود بودن به دریاچه اورمیه، اراضی کشاورزی و باغات مرغوب، پایین بودن سطح اراضی نسبت به قسمت‌های دیگر و هدایت آب‌های سطحی به این اراضی محدودیت‌های بیش‌تری برای توسعه ایجاد می‌نمایند.

- بخش‌های مرکزی شهر (هسته اولیه شهر) از جمله محل ۷ (کوچه قم)، محل ۸ (دانش) و محل ۱۰ (آغاچاری) از نواحی ۴، به علت فقدان یا ناچیز بودن اراضی بایر و همچنین تراکم زیاد ساختمانی، مناسب توسعه میان‌افزا نیستند؛ اما در عین حال، بخش‌های نسبتاً قابل توجهی از این

نواحی، بافت فرسوده شهر را تشکیل می‌دهند که از این لحاظ می‌توانند در رابطه با برنامه‌ریزی توسعه میان‌افزای شهر و رشد هوشمند شهری مورد توجه قرار گیرند.

## نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر شهر بناب را که در دهه‌های اخیر با رشد پراکنده پیرامونی مواجه بوده، مورد بررسی قرار داد؛ تا ظرفیت‌های توسعه میان‌افزای این شهر، جهت جلوگیری از روند رو به افزایش تخریب اراضی کشاورزی و باغات پیرامون شهر شناسایی گردد. بر پایه هدف پژوهش حاضر مبنی بر شناسایی و سنجش پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های توسعه میان‌افزا در محلات شهر بناب، نتایج تحقیق براساس شکل‌های (۸ و ۱۰) بیانگر آن است که محلات ۱۱ و ۱۳ با قرار گرفتن در اولویت اول توسعه و محلات ۴،۵،۶ در اولویت دوم توسعه میان‌افزا، محلات ۹ و ۱۲ با اولویت سوم توسعه، محلات ۱،۲،۳ با پتانسیل توسعه میان‌افزای پایین و محلات ۷،۸،۱۰ دارای پتانسیل توسعه میان‌افزای خیلی پایین قرار گرفته‌اند. مطابق بررسی‌های صورت گرفته، توسعه شهر بناب به صورت پراکنده یا اسپرال هر چند طی سال‌های اخیر، در تمام قسمت‌های شهر صورت گرفته، اما بیش‌ترین توسعه در بخش‌های شرقی و شمالی شهر یعنی نواحی پنج و سه اتفاق افتاده است. محدوده شهر دارای بافت‌های خالی و اراضی بایر بسیار گسترده‌ای، مخصوصاً در نواحی پنج و سه است. اراضی بایر موجود شهر که نزدیک به ۶۰۰ هکتار اراضی ساخته نشده در داخل محدوده قانونی شهر است، بنا به مسأله نفوذ عوامل قدرت در شهر به محدوده شهر اضافه شده است و هنوز پس از گذشت قریب به ۱۰ سال هنوز این اراضی ساخته نشده‌اند؛ یعنی فراتر از نیاز شهر انتخاب و وارد محدوده شده‌اند. همچنین تراکم ساختمانی و جمعیتی پایین شهر و نیز انبوه بافت‌های فرسوده و ناکارآمد موجود در شهر حاکی از پتانسیل بالای شهر برای توسعه میان‌افزا است. با توجه به اینکه محله‌های دیزج ناولو، عسگرآباد، کردکندی، آغاجاری و آزادگان دارای بناهای تخریبی بیش‌تری در سطح شهر هستند، بهسازی و نوسازی آن‌ها می‌تواند ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های توسعه میان‌افزا را در سطح شهر ایجاد کند. همچنین جلوگیری از گسترش پدیده اسکان غیررسمی در شهر بناب به ویژه در محله‌های دیزج ناولو، اکبرآباد، آغداش و باقرآباد که طی سال‌های اخیر باعث پراکندگی توسعه در جهات مختلف شهر شده است و هزینه‌های زیرساختی و خدماتی زیادی را به شهر تحمیل کرده است؛ نیز از راهکارهای مؤثری هستند که زمینه توسعه میان‌افزای شهر را فراهم خواهند کرد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های دیگری که در این زمینه انجام گرفته است، نظیر تحقیق Abedinia & Khalili (2019)، سرور و همکاران (۱۳۹۵)، حمزه‌پور و همکاران (۱۳۹۵) همخوانی دارد. این تحقیقات نشان می‌دهند که رشد پیرامونی شهر مورد مطالعه در شرایطی اتفاق افتاده که شهر در

بافت‌های ساخته شده موجود خود، پتانسیل بالایی برای توسعه درونی داشته ولی بنا بر عواملی، بر محیط‌های طبیعی پیرامونی خود دست‌اندازی کرده است. این امر موجبات تخریب اراضی کشاورزی و باغات پیرامون شهر و نیز رها شدن بافت‌های قدیمی ارزشمند داخل شهر یا هجوم کاربری‌های ناکارآمد و ناسازگار به این بافت‌ها شده است.

**منابع و مآخذ:**

- ۱- احدنژاد، م.، احمدی، ل.، شامی، ا.، حیدری، ت. ۱۳۹۲. بررسی روند توسعه درون شهری با تأکید بر تغییرات تراکم و کاربری اراضی در بافت فرسوده قسمت شمالی در شهر زنجان (۱۳۷۵-۱۳۸۸)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، ۸: ۱۱۸-۱۰۰.
- ۲- بنی‌هاشمی، ا.، سرور، ر.، زیاری، ی. ۱۳۹۲. توسعه میان افزا در بافت‌های فرسوده شهری (مورد مطالعه: محله خانی‌آباد تهران)، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۴۰: ۵۴-۴۱.
- ۳- پوراحمد، ا.، آروین، م.، زنگنه شهرکی، س. ۱۳۹۵. ارزیابی زمین‌های بایر به منظور توسعه میان افزا در شهر اهواز. مجله آمایش جغرافیایی فضا. ۲۶: ۱۸۲-۱۶۴.
- ۴- حمزه‌پور، ر.، پوراحمد، زیاری، ک. ۱۳۹۵. شناسایی و بررسی پتانسیل‌ها و قابلیت‌های موجود زمین با تأکید بر توسعه میان‌افزا (مطالعه موردی: محلات شهر سردشت). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری. ۲۴: ۹۸-۸۰.
- ۵- خمر، غ.، بلوچ، ن. ۱۴۰۰. ارزیابی و تحلیل پهنه‌های بلافصل شهر نیک شهر به منظور تعیین جهات مناسب توسعه فیزیکی. فصلنامه آمایش محیط. ۵۵: ۱۸۹-۱۶۹.
- ۶- داداش‌پور، ه.، تقوایی، ع. ا.، قانع، ن. ۱۳۹۳. بررسی ظرفیت توسعه میان‌افزا در فضاهای موقوفه شهری (نمونه موردی: ناحیه ۳ منطقه ۲). فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. ۱۵: ۷۸-۶۳.
- ۷- رحیمی، ا. ۱۳۹۷. توسعه میان‌افزای شهری، رویکرد نوین در حفظ زمین شهری در تبریز، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، ۶۳: ۹۷-۷۷.
- ۸- زبردست، ا. ۱۳۸۰. کاربرد فرآیند سلسله مراتبی در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای. نشریه هنرهای زیبا. ۱۰: ۲۱-۱۳.
- ۹- زیاری، ک.، ابراهیمی، م.، آروین، م.، علوی، ع. ۱۳۹۵. ظرفیت‌سنجی کالبدی بافت مرکزی شهرها به منظور توسعه میان‌افزا (مطالعه موردی: شهر میناب). نشریه مطالعات نواحی شهری، ۸: ۷۸-۶۳.
- ۱۰- سرور، ه.، سرور، ر.، توحیدی، م. ۱۳۹۵. بررسی الگوی بهینه توسعه فیزیکی شهر بانه براساس شاخص‌های توسعه میان‌افزا، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی. ۲۰: ۸۲-۶۵.
- ۱۱- مهندسین مشاور بانیان. ۱۳۸۵. طرح جامع شهر بناب، جلد دوم.
- ۱۲- مهندسین مشاور شارستان. ۱۳۹۶. طرح جامع شهر بناب، مطالعات مرحله اول.
- ۱۳- محمدی، ج.، محمدی، ع. ۱۳۹۴. بررسی توسعه کالبدی شهر زنجان با تأکید بر شاخص‌های توسعه درون‌زا. مجله آمایش جغرافیایی فضا. ۲۳: ۲۴-۱۲.

- ۱۴- مرادی سروستانی، ا.، گلشن، م. ر.، شریفی، م.، پرنگ، م. ۱۳۹۷. بررسی وضعیت ساختمان‌های موجود در زمین‌های شیب دار (مطالعه موردی شهر اردکان استان فارس). سومین کنفرانس بین‌المللی عمران. معماری و طراحی شهری: ۱-۱۴.
- ۱۵- مرادی، م.، پرزادی، ط.، مرادی، م. ۱۳۹۶. بررسی الزامات توسعه شهر از درون در شهر بروجرد. مجله معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۲۳: ۳۳۲-۳۱۹.
- ۱۶- مداحی، ر.، جمالی ع. ا. ۱۳۹۹. ارزیابی گسترش کمی شهر و مدل سازی توسعه فیزیکی در نوار ساحلی شهر بندر عباس. فصلنامه آمایش محیط. شماره ۴۹: ۵۶-۴۵.

- 17- Aly, S. S., Attwa, Y. A. 2013. Infill development as an approach for promoting compactness of urban form. *Sustainable Development and Planning 2020*, 173: 455-466.
- 18- Ahvenniemi, H., Pennanen, K., Knuuti, A., Arvola, A., Viitanen, K. 2018. Impact of infill development on prices of existing apartments in Finnish urban neighbourhoods. *International Journal of Strategic Property Management*, 22 (3): 157-167.
- 19- Abedini, A., Khalili, A. 2019. Determining the capacity infill development in growing metropolitans: A case study of Urmia city. *Journal of Urban Management*, 8 (2): 316-327.
- 20- Ahmad, N., Zhu, Y., Shafait, Z., Sahibzada, U. F., Waheed, A. 2019. Critical barriers to brownfield redevelopment in developing countries: The case of Pakistan. *Journal of cleaner production*, 221 (1): 1193-1209.
- 21- Aly, S. S., Attwa, Y. A. 2013. Infill development as an approach for promoting compactness of urban form. *Sustainable Development and Planning 2020*, 173: 455-466.
- 22- Avadia, R. M., Patel, A. C. (2018). About Urban Sprawl: A Case Study of Ahmedabad City. *International Research Journal of Engineering and Technology (IRJET)*, 5(1): 808-811.
- 23- Goosen, J., Fitchett, A. 2019. Success Factors for Urban Brownfield Developments in Johannesburg, South Africa, *journal of Urban Forum*, 1: 1-19.
- 24- Karimi, M., Banihashemi, A. H. 2014. On characterization of elementary trapping sets of variable-regular LDPC codes. *IEEE Transactions on Information Theory*, 60 (9): 5188-5203.
- 25- Momeni, F., Keyhanfar, M. 2017. Sustainable Urban Regeneration with a Physical Infill Development Approach: a Case Study on Isfahan Central Region. *Journal of History Culture and Art Research*, 5 (4): 355-372.

- 
- 26- New Port City Council. 2009. Design Guide for Infill and Backland Development, Publication of Planning Regeneration & Strategic Housing.
  - 27- Razavian, M., Samadi, R. 2016. Infill development: An approach to the optimal and intelligent development of cities—case study: Zone 8 of Tabriz. *Journal of Geography & Natural Disasters*, 6 (3): 2167-0587.
  - 28- Sheidabaghdadabad, Hamidreza; Pooyan Shahabian .2015. Assessment of the capacity of infill development in rural-urban deteriorated fabric (Case study: Naemabad, Yazd), Report and Opinion, 7 (7): 32-42.
  - 29- Williams, C. 2014. Integrating Infill Planning in California's General Plans: A Policy Roadmap Based on Best-Practice Communities, at the University of California, Berkeley School of Law.



## بررسی سازوکار ادراک شهروندان در شهر همدان از فضاهای باز آفرینی شده در محدوده مرکزی شهر همدان

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۰/۰۶/۰۲

محمد قدیمی (دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)  
بیژن رحمانی\* (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

### چکیده

پژوهش درخصوص بافت‌های تاریخی در مرکز شهرها در دو دهه اخیر به صورت چشم‌گیری از نظر مدیران شهری و متخصصان افزایش پیدا کرده است. این روند، موجب شده است که رویکردهای نوینی در برنامه‌ریزی و توسعه این مناطق ارزشمند شهری ارائه که یکی از برجسته‌ترین آن‌ها رویکرد بازآفرینی است. مرور این پژوهش‌های عملی و نظری نشان می‌دهد در فرایند بازآفرینی محدوده‌های تاریخی و فرسوده شهرها غالب آنان صرفاً به جنبه‌های عینی و کالبدی بدون توجه به ذهنیت شهروندان که برگرفته از هویت و فرهنگ آنان است توجه داشته‌اند. بر همین مبنا، پژوهش حاضر با هدف دستیابی به چگونگی درک شهروندان از فضاهای بازآفرینی شده تحت مفهومی به نام بازآفرینی ذهنی شکل گرفته است. در همین راستا، پس از تبیین مدل مفهومی پژوهش برپایه مرور ادبیات موضوع، پرسشنامه‌ای ساختار یافته طراحی و در بین شهروندان همدانی برای استخراج ذهنیت آنان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان توزیع شد. سپس، داده‌ها با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و در نرم‌افزار Smartpls مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحلیل یافته‌ها نشان داد که دو عامل کالبد و اجتماع در سازوکاری طولی موجب بحرانی‌ترین اثرگذاری در ذهن شهروندان در راستای شکل‌گیری ذهنیت آنان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان شده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** بازآفرینی ذهنی، کالبد، اجتماع، ادراک، همدان.

## مقدمه

بازآفرینی شهری تجدید حیات شهری، نوسازی شهری و رنسانس شهری نیز نامیده می‌شود، که در زمینه سیاست‌های عمومی، این نام‌ها اشاره به مسائلی از قبیل رکود اقتصادی، انحطاط زیست محیطی، بی‌توجهی به جوامع، رشد بیکاری و برخی از مشکلات اجتماعی دارد که برآمده از مسائل شهری هستند. (Marriam-Webster online, ۲۰۱۴).

این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. معاصر سازی توجه و تأکید خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد. (پور احمد، ۱۶: ۱۳۸۶). با وجود برخی مطالعات در زمینه متون نظری در مقیاس شهری هنوز مطالعه عمیق و جامعی بر روی مفهوم بازآفرینی ذهنی صورت نگرفته است. شایان توجه است پایه تئوریک رویکرد بازآفرینی در فرآیند جهانی در حال تحول است بازآفرینی شهری گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای نوسازی شهری، توسعه شهری و باززنده‌سازی شهری است؛ فراتر از نوسازی شهری که کوچ از آن به عنوان فرایند تغییرات کالبدی بنیادین نام می‌برد.

بازآفرینی شهری وضعیتی از مدیریت و برنامه‌ریزی محدوده‌های شهری موجود است، نه برنامه‌ریزی و توسعه شهری جدید، (couch, fraser, percy ۲۰۰۳)، رابرتز در کتاب خود با عنوان "بازآفرینی شهری" ارائه داده است اشاره نمود: "بازآفرینی شهری فرآیندی است که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی (کالبدی، فعالیتی) منجر می‌گردد. بازآفرینی شهری عبارت است از دیدگاهی جامع و یکپارچه و مجموعه اقداماتی که به حل مسائل شهری بیانجامد به طوریکه منجر به بهبود دائمی در حس همکاری، درک هنری و فرهنگی و همبستگی اجتماعی شود و به کاهش جرم و در نهایت پایداری بیشتر کمک کند (McCarthy, 2006).

از طرفی، یکی از معضلاتی که در نتیجه توسعه بدون در نظر گرفتن تأثیر آن بر ذهن همه‌ی ذی‌مدخلان ایجاد می‌شود عدم رغبت به مشارکت توسط آنان و در نتیجه نا تمام ماندن و ناقص بودن توسعه در وجوه مختلف آن خواهد بود. با دانستن این نکته که مکان‌های هدف بازآفرینی در نهایت فضایی برای فعالیت و رشد ساکنان آن‌ها خواهد بود و البته با نظر داشتن بازآفرینی به عنوان رویکردی از توسعه که جنبه‌های اقتصادی اجتماعی کالبدی و زیست محیطی را در برمیگیرد باید عنوان کرد توجه صرف به وجه کالبدی بازآفرینی نمیتواند در نهایت اهداف غایی آن را عملی سازد. از این رو مشارکت شهروندان و شناخت دیدگاه آنان نسبت به اقدامات صورت گرفته و برنامه‌ریزی شده در پروژه‌های باز آفرینی نه تنها میتواند نگاه صحیح‌تری درباره‌ی سیاست‌ها و راهبردهای این پروژه‌ها ارائه دهد بلکه منجر به شناخت و بکارگیری ظرفیت

بوجود آمده در نتیجه مشارکت همه ذی مدخلان در روند اجرایی و مطالعاتی پروژه‌هایی از این دست خواهد بود.

### اهداف تحقیق

هدف اصلی پژوهش پیش رو، ارائه چهارچوب نظری دقیق از این رویکرد و تعریف شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان انطباق عینیت و ذهنیت و ارائه مدلی در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست محیطی در سطح منطقه مرکزی شهر همدان به منزله مورد مطالعاتی است.

### سؤالات و فرضیه‌های پژوهش

با توجه به ماهیت و همچنین اهداف تحقیق حاضر، سؤالات تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

- تا چه حد عینیت موجود بازآفرینی مرکز اصلی شهر همدان با ذهنیت شهروندان انطباق دارد؟

- درک ذهنی از پروژه‌های بازآفرینی طی چه فرایند و مکانیسمی صورت می‌پذیرد؟

فرضیه‌های تحقیق نیز مبتنی بر موارد زیر می‌باشد:

- به نظر می‌رسد اختلاف معناداری بین عینت موجود در پروژه بازآفرینی مرکز شهر همدان با ذهنیت شهروندان وجود دارد.

- ذهنیت افراد نسبت به پروژه‌های اجرا شده بازآفرینی، به طور معناداری تحت تأثیر وضعیت اجتماعی و کالبدی موجود در آن می‌باشد.

### روش شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر، بنابر ماهیت موضوع، از دو روش توصیفی و تحلیلی به صورت توأمان استفاده شده است. در بخش دیدگاه‌های نظری و مروری بر مطالعات پیشین، روش توصیفی به کار گرفته شده است. در این روش ابتدا منابع و ماخذ مکتوب از قبیل نشریات و مجلات معتبر داخلی و خارجی جستجو و انتخاب شدند. سپس با استفاده از تکنیک فیش برداری محتویات مورد نظر از منابع مذکور استخراج و پس از تکمیل فیش‌های مسلسل، و مشورت با متخصصان و اساتید راهنما و مشاور، ساختار محتوایی بخش‌های تنوری و تجربی تدوین خواهد گردید.

برای رسیدن به این مهم، ابتدا مدل مفهومی بازآفرینی ذهنی با استفاده از مرور ادبیات موضوع استخراج خواهد شد و در مرحله بعد مدل مورد نظر در میدان مرکزی شهر همدان و با استفاده از نظرات شهروندان همدانی مورد راست آزمایی قرار خواهد گرفت.

## ادبیات موضوع و پیشینه تحقیق

### گذری بر مفهوم بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری تجدید حیات شهری، نوسازی شهری و رنسانس شهری نیز نامیده می‌شود، که در زمینه سیاست‌های عمومی، این نام‌ها اشاره به مسائلی از قبیل رکود اقتصادی، انحطاط زیست محیطی، بی توجهی به جوامع، رشد بیکاری و برخیاز مشکلات اجتماعی دارد که برآمده از مسائل شهری هستند (Marriam-Webster online, 2014).

این رویکرد مفهوم جامعی است که به معنای بهبود وضعیت نواحی محروم در جنبه‌های اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. معاصر سازی توجه و تأکید خاص بر مقیاس محلی، تنوع فرهنگی و کنش متقابل میان انسان و مکان زندگی او دارد. (حاجی پور، ۱۶: ۱۳۸۹).

کچ و فریسر، معنی بازآفرینی در علوم زیستی را با مفهوم بازآفرینی شهری مورد قیاس قرار داده و بازآفرینی را، مفهوم بازگرداندن و جایگزینی سیستم در ارتباط با کیفیت زیست محیطی و عملکردهای اجتماعی می‌داند (Lang, 2005, Couch and Fraser, 2003, 2). در انگلستان بازآفرینی شهری را این گونه تعریف می‌کند "فرایندی جامع از تغییر و تأثیر بر فروپاشی‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مناطق شهری است در زمانی که به مرحله‌ای رسیده که نیروهای بازار به تنهایی کفایت نمی‌کنند" (Lang, 2005).

بازآفرینی شهری سیاستی است که در بافت موجود شهری به کار گرفته می‌شود و سعی در رشد مجدد فعالیت اقتصادی، که زمانی از بین رفته بودند، دارد (Fraser, 2003, Lang, 2005). در تعریف مذکور توجه به رشد و توسعه اقتصادی و فعال نمودن پتانسیل‌های اقتصادی بافت مورد تأکید واقع شده است.

رابرتز، فعالیت‌های بازآفرینی شهری را نیز در پنج دسته شامل، استراتژی‌های محله محور، توسعه اقتصادی، آموزش و پرورش، ارتقاء کالبدی و فعالیت‌های زیست محیطی تقسیم می‌کند (Roberts, 2000, 20).

بازآفرینی شهری نوعی رویکرد مداخله‌ای است که با نگاه به گذشته و بدون پاک کردن هویت‌های تاریخی دوره‌های مختلف به خلق هویتی جدید و متناسب با شرایط زندگی عصر حاضر می‌اندیشد (حاجی پور، ۱۳۸۶، ۱۸). در دو تعریف فوق از این اصطلاح، واژه بازآفرینی که معادل معاصر سازی نیز عنوان شده است، تأکید بر بروز رسانی و متناسب کردن شرایط برای

زندگی امروزی و در عین حال حفظ هویت و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. در واقع این تعریف، بازآفرینی و را حل مسائل و مشکلات بافت‌های کهن شهری از طریق دمیدن روح زمان در آن‌ها می‌داند. از دیگر جنبه‌های حائز اهمیت در تعاریف بازآفرینی شهری، عمومی بودن آن است. به طوری که در تعریفی از این واژه، کاهش تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی و بهبود شرایط اقتصادی منطقه هدف و ادغام مجدد آن در اقتصاد شهری (McGregor and McConnachie, 1995).

اصطلاح "بازآفرینی شهری" پس از جنگ جهانی دوم در اروپا و بریتانیا عمدتاً به دلیل کاهش صنایع پس از جنگ تکامل یافته و از آن زمان، سیاست‌های دولت بر بازآفرینی شهری در جهت رسیدن به جامعه‌ای بهتر متمرکز بوده است. (McDonald, Malys, & Malienė, 2009) در طول ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، خرید و آزادسازی زمین رویکرد غالب بوده است، با این فرض که فقر می‌تواند ساخته شود و اینکه تغییر فیزیکی محیط ساخته شده منجر به منفعت اجتماعی و اقتصادی می‌شود. شهرهای لیورپول و منچستر در این دوره زمانی شروع به توسعه کردند (McDonald, Malys, & Malienė, 2009). پس از آن، از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواخر دهه ۱۹۷۰، رفاه عمومی ارتقا یافت. شکل (۱) سیر تکامل سیاست‌های بازآفرینی را نشان می‌دهد.



شکل (۱) سیر تکامل سیاست‌های بازآفرینی مأخذ: (Colantino, 2011)

در انگلستان، دولت بازآفرینی را مجموعه‌ای از فعالیت‌ها که منجر به معکوس کردن جریان افول اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در محدوده‌هایی که بازار بدون حمایت دولت توانایی این مسائل را ندارد، تعریف کرده است (CLG, 2009). بازآفرینی شهری محصول تعامل میان

این فرایندها و همچنین پاسخی به فرصت‌ها و چالش‌هایی است که بواسطه انحطاط شهری شکل گرفته است.

دهه ۱۹۹۰، انگاره بازآفرینی هدایت شونده با فرهنگ (یا فرهنگ-مبنا) و استفاده از (سرمايه‌های فرهنگی) خود را به عنوان گزینه‌ای موفق در عرصه (مرمت و حفاظت شهری) مطرح ساخت. آنچه می‌تواند موجب منافع دوجانبه اجتماعی و اقتصادی شود به کاربستن ایده بازآفرینی فرهنگ مبنا و انجام مداخلات مبتنی بر محله است (Evans, Tallon, 2005: 265:967). در مطالعه‌ای ابعاد و عوامل اثرگذار بر بازآفرینی شهری را تبیین کرده است که به طور مختصر در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱) ابعاد بازآفرینی شهری

مفهوم	بعد
اشتغال زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها، فرصت‌های شغلی،	اقتصادی
ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی	اجتماعی-فرهنگی
زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات	کالبدی-محیطی
محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت	حکمرانی

مأخذ: (Tallon, 2013)

### دیدگاه‌های متمرکز درباره تأثیر شرایط محیطی بر انسان و اجتماعات انسانی:

در روانشناسی محیطی رفتار انسان تحت تأثیر عواملی چون عوامل فیزیکی محیط، داده‌های نمادین، داده‌های طراحی و روح محیط قرار دارد. به طور متقابل انسان نیز با رفتار خود که ناشی از جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی است بر محیط تأثیر می‌گذارد و آن را در جهت ارضای نیازهای فیزیولوژیک و اجتماعی خود دگرگون کرده فضا را سازماندهی می‌کند. یونگ در مورد سیستم‌های مردم به همان اندازه که محصول محیط اجتماعی هستند، ساخته محیط فیزیکی نیز به رفتاری معتقد است به‌شمار می‌روند (مرتضوی، ۱۳۸۰).

انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و به طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون شده قرار می‌گیرد به ویژه تکنولوژی پیشرفته موجب می‌شود تأثیر انسان بر محیط شدت و سرعت یابد (مرتضوی، ۱۳۸۰).

دگرگونی سریع محیط یکی از ویژگی‌های بنیادی زمان ماست. هر روز شهرها و محله‌ها و بناهای جدید "قرارگاه‌های فیزیکی" ساخته می‌شوند. این‌گونه برخی الگوهای رفتاری نقش‌های اجتماعی نوین را بر ساکنان خود تحمیل می‌کنند یا برخی الگوها و معیارهای رفتاری را تقویت و برخی دیگر را تضعیف می‌کنند و به‌طور خلاصه جهت و ابعاد جدیدی به رفتار ساکنان خود می‌بخشند (مرتضوی، ۱۳۸۰).

نظریه کنش متقابل بر نقش تجربی ادراک تأکید دارد و رابطه‌ای پویا بین فرد و محیط را مبنای تحلیل قرار می‌دهد. در این نظریه، ادراک کنشی متقابل به حساب آمده است که در آن محیط، مشاهده‌گر و ادراک وابستگی متقابل دارند. اطلاعاتی که از محیط فیزیکی کسب می‌شود خواص نمادین و معنا بخش دارد، ویژگی‌هایی دارد که واکنش‌های ذهنی ایجاد می‌کند، و پیام‌هایی دارد که نیازهایی را برمی‌انگیزد. برطبق مطالعات کنش متقابل، مردم ادراکات خود را هم به شکل تجربی و هم به شکل ساختاری توصیف می‌کنند. طراحان بیش از افراد دیگر به ویژگی‌های ساختاری محیط فکر می‌کنند. نقش مهم نظریه کنش متقابل در نظریه طراحی محیط تشخیص این است که مردم به چه چیزهایی اهمیت می‌دهند و چه چیزهایی بیشترین تأثیر را بر آن‌ها می‌گذارد. به‌نظر می‌رسد توانایی ادراک برخی از قابلیت‌های محیط، فطری یا حاصل بلوغ روانشناختی مردم است. بقیه قابلیت‌ها از طریق تجربه یا از طریق توجه، آموخته می‌شود. اصولاً مردم به چیزهایی که می‌شناسند و انگیزه تشخیص آن را دارند توجه می‌کنند. اولریخ نیسر (۱۹۷۷) معتقد است که ساختارهای شناختی مؤثر در ادراک محیط قابل پیش‌بینی هستند. "مردم تنها چیزهایی که می‌توانند پیدا کنند ادراک می‌کنند. فرایند تغییر رفتار با طرحواره‌هایی که بعضی فطری و بعضی آموخته شده هستند، هدایت می‌شود (لنگ ۱۳۸۱-۱۰۷).

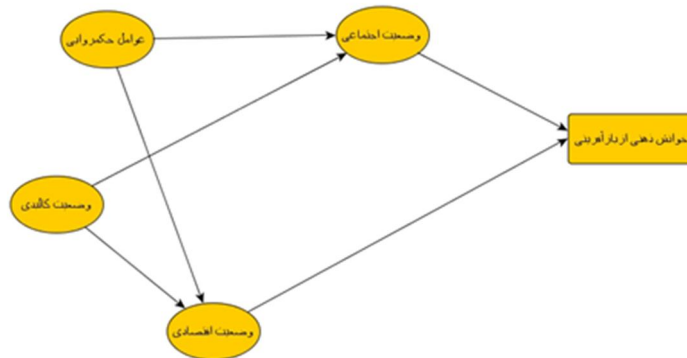
در جمع‌بندی کلی می‌توان بیان کرد که "ادراک محیطی" فرآیندی است که از طریق آن انسان داده‌های لازم را بر اساس نیازش از محیط پیرامون خود بر می‌گزیند (مطلبی، ۱۳۸۰) لذا ادراک فرآیندی هدفمند است و به فرهنگ، نگرش و ارزش حاکم بر تفکر ادراک کننده بستگی دارد. از این رو فرآیند ادراک همواره با "شناخت" انسان از محیط همراه است. در حقیقت "ادراک محیطی" از تعامل "ادراک حسی" و "شناخت" که در ذهن انسان تجربه شده‌اند حادث می‌شوند (مطلبی، ۱۳۸۰). ما در ذهن اطلاعات را بررسی کرده، آنها را شناسایی می‌کنیم سپس طبق ویژگی‌های هر یک، آنها را دسته‌بندی و در بخش مربوط به آن در مغز ذخیره نموده و یا طبقه ای جدید برای آن در نظر می‌گیریم. از این‌پس، هرگاه مجدداً به این اطلاعات نیاز داشته باشیم به طبقه مربوطه مراجعه خواهیم نمود (پاکزاد، ۱۳۹۱). ادراک کننده خود جزئی از محیط مورد مشاهده محسوب می‌شود و با رفتار خود و «محیط» در ادراک حرکت در فضا، نقش مؤثر

در تعریف حدود و دیگر ویژگی‌های آن می‌یابد. به بیان دیگر، رفتار و اهداف مشاهده گر نقش اساسی در تعریف حدود محیط و فضاها دارد (مرتضوی، ۱۳۸۰). فرآیند ادراک و شناخت، هم در مرحله جمع‌آوری اطلاعات و هم تعبیر و تفسیر آن‌ها که به شناخت می‌انجامد، تحت تأثیر عوامل روانشناختی فردی (نیازها، انگیزه‌ها و تجارب پیشین، و...) قرار می‌گیرد، که خود از شرایط محیطی تأثیر پذیرفته‌اند.

### تبیین چهارچوب نظری و مدل مفهومی تحقیق

با توجه به هدف و ماهیت این تحقیق و همچنین بررسی مطالعات صورت گرفته در ادبیات تحقیق، در این قسمت دو مطلب اساسی تبیین خواهد شد. ابتدا شاخص‌ها و عواملی که پس از بازآفرینی یک فضای شهری با توجه به رسالت آن انتظار می‌رود تا در آن فضا شکل بگیرد به عنوان چارچوب اثرگذاری بازآفرینی شهری تبیین خواهد شد تا از این ره بتوان به‌وسیله آن‌ها نمونه مورد مطالعه را با توجه به ذهنیت افراد مورد سنجش قرار داد. سپس مدل مفهومی ادراک بازآفرینی شهری با در نظر گرفتن نظریات ادراکی و محیطی تبیین خواهد شد.

با توجه به بررسی اندیشه و مطالعات صاحب‌نظران، مشخص شد که بسیاری از آن‌ها چهار عامل اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-محیطی و حکمروایی را به عنوان ابعاد اصلی شکل دهنده بازآفرینی پروژه‌های شهری معرفی کرده‌اند. با توجه به مرور ادبیات بازآفرینی شهری و همچنین با در نظر گرفتن نظریات ادراک محیطی، شکل (۲) به عنوان مدل مفهومی پژوهش، ارائه می‌شود.



شکل (۲) مدل مفهومی ادراک پروژه بازآفرینی توسط شهروندان مأخذ: نگارندگان

با توجه به این امر که در هر یک از عوامل موجود در مدل مد نظر می‌باشد، می‌توان این عوامل را در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری به عنوان متغیرهایی پنهان در نظر گرفت که



توسط متغیرهای آشکار و یا گویه‌ها سنجیده می‌شوند. با توجه به مرور ادبیات تحقیق، گویه‌های اقتصادی شامل اشتغال زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی می‌شوند. برای گویه‌های اجتماعی-فرهنگی می‌توان عوامل ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی را پیشنهاد داد. زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات برای عامل کالبدی تبیین خواهند شد. همچنین، گویه‌های محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت را نیز برای عامل حکمروایی می‌توان پیشنهاد داد.

جامعه آماری این تحقیق کلیه ساکنان شهر همدان که براساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۵۵۴۴۰۶ نفر است. برای تخمین حجم نمونه از فرمول "تعیین حجم نمونه کوکران" که در آن توزیع  $p$  یعنی نسبت یک صفت در جامعه شکل نرمال (یا تقریباً نرمال) دارد و به جای شاخص انحراف استاندارد جامعه واریانس نسبتی از جامعه که دارای ویژگی مورد نظر باشد، یعنی مقدار  $pq$  قرار می‌گیرد، استفاده شده است. (هومن، ۱۳۹۳، ۱۹۰) با توجه به عدم اطلاعات در مورد ویژگی‌های موجود در گروه نمونه درصد بیشینه یعنی مقادیر ۰/۵ برای بود و نبود ویژگی و صفت مورد اندازه‌گیری لحاظ شده است. همچنین برای خطای اندازه‌گیری مقدار ۰/۰۵ (خطای حدی) انتخاب شده و براساس فرمول تعیین حجم نمونه کوکران تعداد ۳۸۴ نفر برای مطالعه برآورد گردید.

فرمول تعیین حجم نمونه :

$$p=0.5 \quad q=0.5 \quad d=0.05 \quad t=1.96 \quad N=554406$$

$$\frac{Nt^2pq}{Nd^2 + t^2pq} = \frac{343977 \times (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5}{343977 \times (0.05)^2 + (1.96)^2 \times 0.5 \times 0.5} = 384$$

در تحقیق حاضر برای انتخاب گروه نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. بدین ترتیب که ابتدا شهر همدان به ۴ منطقه طبقه بندی گردیده و سپس برای انتخاب نمونه آماری از هریک از نواحی اقدام شده است.

برای جمع‌آوری اطلاعات از نمونه آماری و به منظور آزمون فرضیه‌های تنظیم‌شده تحقیق حاضر از پرسشنامه‌ایی که با توجه به متغیرهای تحقیق و عملیاتی نمودن آنها تنظیم‌شده، استفاده گردیده است. پرسشنامه تحقیق متشکل از دو دسته سؤال است. دسته اول، که با حروف الفبا کدگذاری شده است به منظور تعیین و مشخص شدن مشخصات نمونه آماری از لحاظ جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و سن و دسته دوم به منظور بررسی و تجزیه تحلیل داده‌های

پژوهش در راستای اهداف کلی آن و زمینه سازی برای آزمون فرضیه‌های تحقیق حاضر در دو بخش تنظیم گردیده است. بخش اول به سنجش بازآفرینی رهنی شهروندان در نمونه مورد مطالعه می‌پردازد و در بخش دوم بررسی مدل مفهومی بازآفرینی ذهنی مد نظر قرار گرفته شده است.

برای تجزیه و تحلیل نتایج تحقیق از آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده می‌گردد. در آمار توصیفی که معمولاً به توصیف داده‌ها می‌پردازد از شاخص‌های تمایل مرکزی و شاخص‌های پراکندگی برای بیان داده‌های جمع‌آوری شده استفاده می‌شود. برای نمایش و نشان دادن نتایج کار معمولاً از جداول توزیع فراوانی - بر اساس تعداد موارد مطلق و نسبی، درصد ستونی استفاده می‌شود. در آمار استنباطی برای آزمون فرضیه‌های مورد بررسی در تحقیق پرداخته می‌شود. برای این منظور و با توجه به فرضیات و اهداف تحقیق از روش مدلسازی معادلات ساختاری با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS و Smart-pls استفاده می‌شود.

### محدوده مطالعاتی

هسته مرکزی شهر همدان در محدوده بافت تاریخی آن قرار دارد که از سکونتگاه اولیه مردم شهر همدان بوده است که محدوده مورد در مطالعه حاضر نیز در هسته مرکزی و تاریخی آن قرار دارد.

محدوده مورد بررسی پژوهش در مرکز محدوده بافت فرسوده شهر همدان قرار دارد که به نوعی مرکز تجاری شهر همدان نیز محسوب می‌شود.

#### طرح بازآفرینی و پیاده راه سازی میدان مرکزی شهر همدان

هویت عملکردی و کارکردی فضا یکی از مهمترین شاخصه های محلات سنتی به حساب می‌آید. بازآفرینی هسته مرکزی شهر همدان با پیاده‌راه سازی محورهای بوعلی و اکباتان در سال ۱۳۹۵ انجام شد که این پروژه با پیاده‌راه سازی کامل میدان مرکزی شهر در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ منجر شد. در واقع در حال حاضر، عبور خودرو از دو خیابان از ۶ محور منتهی به این میدان بعلاوه خود میدان ممنوع شده است.

همچنین با کفسازی این محورها و میدان و طراحی و اجرای مبلمان شهری خاص و ویژه در آن، می‌توان بیان کرد که بازآفرینی هسته مرکزی شهر همدان اجرایی شده است.

## یافته‌ها

### - پایایی

ارزشیابی قابلیت اعتماد (پایایی) در اندازه‌گیری، عبارت است از تعیین مقدار تفاوت نمره افراد در نتیجه بی‌ثباتی اندازه‌گیری. (حبیب پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸) در واقع به معنای آن است که آیا روش انتخاب شده، موضوع مورد نظر را به طور دقیق می‌سنجد یا خیر؟ در واقع، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد پایایی (قابلیت تکرار) دارد و اگر با همان واحد تحلیل مکرر به کار رود، نتایج یکسانی به دست می‌آید یا خیر؟ به عبارت دیگر، پایایی به میزان ثبات و انسجام درونی اجزای یک مفهوم و این که در صورت تکرار ابزار اندازه‌گیری در شرایط مشابه، نتایج حاصله به چه میزان مشابه اند، نیز اطلاق می‌شود (Carmines, 1988:16).

روش آلفای کرونباخ مهم‌ترین و پرکارترین روش محاسبه میزان پایایی ابزار اندازه‌گیری در نرم‌افزار Spss است. روش آلفای کرونباخ، مستلزم تنها یک بار اجرای آزمون است. این روش بستگی به هماهنگی کارکرد آزمودنی از یک سؤال به سؤال دیگر داشته و محاسبه آن مبتنی بر انحراف استاندارد سؤالات می‌باشد. در نهایت، براساس همبستگی درونی سؤالات، مقدار آلفا استخراج می‌شود. چنان چه این مقدار بیش‌تر از ۰,۷ باشد، می‌توان گفت ابزار دارای پایایی بالایی است. به عبارتی، گویه‌های یک مقیاس یا شاخص از همسازی بالایی جهت سنجش آن برخوردارند و برعکس، مقدار کم آلفا دلالت بر پایایی پائین ابزار اندازه‌گیری دارد (حبیب پور، صفری، ۱۳۹۰: ۳۵۸).

جدول (۲) بررسی پایایی پژوهش

ضریب آلفای کرونباخ	تعداد سؤالات
۰,۸۴۹	۳۵

همانطور که مشاهده می‌شود در پژوهش صورت گرفته، مقدار آلفای کرونباخ استاندارد ۰,۸۴۹ می‌باشد که نشان دهنده این می‌باشد که پژوهش صورت گرفته از پایایی مناسبی برخوردار است و نتایج حاصله قابل اتکا است. بنابراین پس از بررسی پایایی پژوهش و مثبت بودن نتایج به تحلیل و ارزیابی می‌پردازیم.

- بررسی مدل تحقیق در محدوده مورد مطالعه با روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPls:

مدل‌یابی معادلات ساختاری (Structural equation modeling: SEM) یک تکنیک تحلیل چند متغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر

بسط "مدل خطی کلی" (General linear model) است. که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به گونه هم زمان مورد آزمون قرار دهد. مدل‌یابی معادله ساختاری یک رویکرد جامع برای آزمون فرضیه‌هایی درباره روابط متغیرهای مشاهده شده و مکنون است که گاه تحلیل ساختاری کوواریانس، مدل‌یابی علی و گاه نیز لیزرل (IISREL) نامیده شده است اما اصطلاح غالب در این روزها، مدل‌یابی معادله ساختاری یا به گونه خلاصه SEM است (هومن ۱۳۸۴، ۱۱). از نظر آذر (۱۳۹۵) نیز یکی از قوی‌ترین و مناسب‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل در تحقیقات علوم رفتاری و اجتماعی، تجزیه و تحلیل چند متغیره است زیرا این گونه موضوعات چند متغیره بوده و نمی‌توان آنها را با شیوه دو متغیری (که هر بار یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود) حل نمود. «تجزیه و تحلیل ساختارهای کوواریانس» یا همان «مدل‌یابی معادلات ساختاری»، یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های نو برای بررسی روابط علت و معلولی است و به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر تئوری، تأثیرات همزمان متغیرها را به هم نشان می‌دهد. از طریق این روش می‌توان قابل قبول بودن مدل‌های نظری را در جامعه‌های خاص با استفاده از داده‌های همبستگی، غیر آزمایشی و آزمایشی آزمود. مدل‌سازی معادلات ساختاری ابزاری قدرتمند برای پژوهشگر می‌باشد که وی را در تدوین چارچوب نظری پژوهش در قالب مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری یاری می‌رساند. علاوه بر آن با بهره‌گیری از داده‌های تجربی امکان آزمون مدل‌های تدوین شده را به عنوان یک کل فراهم آورده و با شاخص‌هایی که در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد وی را در اصلاح و بهبود مدل راهنمایی می‌کند. آنچه مدل‌سازی معادلات ساختاری را قدرتمند ساخته یکی آن است که به لحاظ روش شناختی از دقت بالایی برخوردار است و دیگر این که به لحاظ کاربردی با شرایط واقعی زندگی اجتماعی بسیار نزدیک است. به لحاظ روش شناختی از دقت بالایی برخوردار است چرا که با متغیرهای پنهان واقعاً به عنوان سازه‌هایی برخورد می‌کند که در سنجش آن خطا وجود دارد و به لحاظ کاربردی به واقعیت زندگی اجتماعی نزدیک می‌شود چرا که در فضایی چند متغیره امکان تحلیل داده‌ها را فراهم می‌آورد. مدل‌سازی معادلات ساختاری به لحاظ مفهومی قابل تقلیل به تحلیل رگرسیونی، تحلیل مسیر یا تحلیل عاملی نیست بلکه هر یک از این‌ها جزئی از این فضای مفهومی را به خود اختصاص می‌دهند. مدل‌سازی معادلات ساختاری را می‌توان به عنوان روشی کمی تلقی کرد که به پژوهشگر یاری می‌رساند تا پژوهش خود را از مطالعات نظری و تدوین چارچوب نظری گرفته تا تحلیل داده‌های تجربی، در قالبی چندمتغیره سامان بخشد (آذر، ۱۳۸۱).

در همین راستا، مدل تحقیق حاضر را با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری و نرم‌افزار SmartPls مورد بررسی قرار می‌دهیم. تکنیک Partial Least Squares یا حداقل مربعات جزئی یکی از موضوعاتی است که غالباً در پژوهش‌های اجتماعی و روانشناسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. از زمان معرفی مدلسازی معادلات ساختاری مبتنی بر کوواریانس که توسط کارل یورسکوگ در سال ۱۹۷۳، این تکنیک توجه بسیار زیادی را در بین محققین تجربی به خود جلب کرده است. با این حال، برتری لیزرل که مطمئناً شناخته شده ترین ابزار برای انجام این گونه تحلیلهاست، ناشی از این مسأله است که تمامی محققین از تکنیکهای جایگزین مدلسازی معادلات ساختاری از جمله؛ حداقل مربعات جزئی آگاه نیستند.

**برآورد مدل و ارزشیابی برازندگی مدل عوامل مؤثر بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری:**

جهت سنجش برازش مدل با استفاده از معادلات ساختاری ۵ متغیر "وضعیت کالبدی"، "وضعیت اقتصادی"، "وضعیت اجتماعی"، "عوامل حکمروایی" و "بازآفرینی ذهنی" به عنوان عوامل مؤثر بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری در نمونه مورد مطالعه در نظر گرفته شدند. و با توجه به پرسشنامه تحقیق، برای سنجش این شاخص‌ها جمعا ۳۵ گویه بر اساس چارچوب نظری پژوهش، اختصاص داده شد.

#### - بررسی پایایی و روایی مدل اندازه گیری

-سنجش پایایی مدل پژوهش توسط ضریب پایایی مرکب ۱ (CR) شرط برقراری پایایی سازه این است که اندازه پایایی مرکب (CR) از ۰/۷ بزرگتر باشد (فورنل و لارکر، ۱۹۸۱).

جدول (۳) شاخص پایایی مرکب

متغیر	پایایی مرکب (CR)
وضعیت کالبدی	۰,۷۲۰
وضعیت اجتماعی	۰,۷۵۱
وضعیت اقتصادی	۰,۷۱۶
عوامل حکمروایی	۰,۷۹۱
بازآفرینی ذهنی	۰,۷۴۵

- سنجش پایایی مدل پژوهش توسط ضریب آلفای کرونباخ

مقادیر ضریب آلفای کرونباخ جهت سنجش پایایی مدل به صورت زیر است (George and Mallery, 2003).

- (۱) ۰/۹ = عالی
- (۲) ۰/۸ = خوب
- (۳) ۰/۷ = قابل قبول
- (۴) ۰/۶ = سؤال برانگیز
- (۵) ۰/۵ = ضعیف

جدول (۴) شاخص برازش مدل پژوهش آلفای کرونباخ

مقادیر Cronbachs Alpha	شاخص
۰,۸۱۲	وضعیت کالبدی
۰,۷۲۹	وضعیت اجتماعی
۰,۷۳۰	وضعیت اقتصادی
۰,۷۶۸	عوامل حکمروایی
۰,۸۵۷	بازآفرینی ذهنی

با توجه به جداول بالا و اینکه مقادیر پایایی مرکب و آلفای کرونباخ مربوط به هر شاخص بالاتر از ۰/۷ می باشد، مدل اندازه گیری پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار است.

- میانگین واریانس به اشتراک گذاشته AVE

این شاخص توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) پیشنهاد شد و برای این شاخص حداقل مقدار ۰/۵، مقدار بحرانی در نظر گرفته شده است. بدین معنا است که متغیر پنهان مورد نظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده پذیرهای خود را تبیین می کند.

جدول (۵) شاخص روایی همگرای مدل

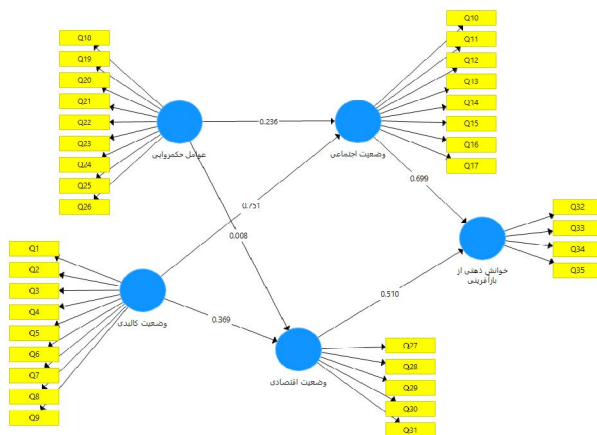
مقادیر AVE	شاخص
۰,۶۳۲	وضعیت کالبدی
۰,۵۹۱	وضعیت اجتماعی
۰,۵۲۹	وضعیت اقتصادی
۰,۵۸۴	عوامل حکمروایی
۰,۶۰۷	بازآفرینی ذهنی

همچنان که در جدول بالا آمده است، مقادیر AVE تمامی شاخص ها بالاتر از ۰/۵ محاسبه شده و روایی همگرای مدل نیز تأیید می شود.

### - مدل‌های ساختاری و اندازه‌گیری:

شکل ۲ نشان‌دهنده مدل‌های کلی خروجی نرم‌افزار PLS است که همزمان هم در برگزیده مدل ساختاری و هم مدل اندازه‌گیری می‌باشد که در ادامه آنها را به تفصیل تفکیک نموده و مورد بررسی قرار خواهیم داد. برای آزمون فرضیه از آماره  $t$  استفاده شد. برای بررسی معنادار بودن روابط نیز از اندازه‌تی ( $t$ -value) استفاده شد که در نرم‌افزار پی.ال.اس با استفاده از الگوریتم راه اندازی خودکار ۱ به دست می‌آید (آذر و همکاران، ۱۳۹۱). در این مدل اگر ضریب معناداری ( $t$ ) بالاتر از ۱,۹۶ باشد رابطه بین ۲ عامل (مسیر) در نمونه مورد مطالعه با ۹۵ درصد اطمینان تأیید می‌شود.

باید گفت که اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته مثبت باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد افزایش در متغیر وابسته خواهیم بود و بالعکس اگر مقدار ضریب مسیر بین متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته منفی باشد نتیجه می‌گیریم که با افزایش متغیر مستقل شاهد کاهش در متغیر وابسته خواهیم بود.



شکل (۳) مقادیر ضرایب مسیر مدل پایه ماخذ: نگارنده

با بررسی مدل ساختاری پژوهش در حالت آماره‌های  $t$  (شکل ۳) تأثیر تمامی عوامل بر ذهنیت شهروندان در پروژه‌های بازآفرینی شهری در نمونه مورد مطالعه زیر با ۹۵ درصد اطمینان معنادار شده است.

جدول (۶) آزمون مسیرهای معنادار (فرضیات)

وضعیت	ضریب مسیر	آماره t	مسیر
پذیرش	۰,۷۵۱	۱۱,۸۱۴	وضعیت کالبدی ← وضعیت
	۰,۶۹۹	۸,۷۰۳	اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی
پذیرش	۰,۳۶۹	۴,۹۳۷	وضعیت کالبدی ← وضعیت
	۰,۵۱۰	۶,۸۱۴	اقتصادی ← بازآفرینی ذهنی
پذیرش	۰,۲۳۶	۳,۱۰۶	عوامل حکمروایی ← وضعیت
	۰,۶۹۹	۸,۷۰۳	اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی

با توجه به ضرایب مسیر در مسیرهای بدست آمده مسیر وضعیت کالبدی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی بحرانی ترین مسیر در جهت ارتقا بازآفرینی ذهنی بوده است.

### جمع بندی و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف دستیابی به جنبه‌های ذهنی بازآفرینی و لزوم تطابق عینت موجود بر ذهنیت شهروندان شکل گرفت. محدوده مرکزی میدان مرکزی همدان به عنوان نمونه مورد مطالعه پژوهش انتخاب شد. این محدوده که در سال‌های اخیر بازآفرینی شده است و به ماهیت اصلی خود یعنی حذف سواره از آن برگشته است، با وجود ارتقاء کیفیت کالبدی آن، چالش‌های قابل توجهی را برای شهروندان پدید آورده است که بررسی آنان با توجه به موضوع و هدف پژوهش مورد نظر می‌باشد.

در همین راستا، برای رسیدن به این هدف، ابتدا مبانی نظری مرتبط با بازآفرینی شهری و همچنین ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. در مرحله بعد، فرایند ادارک شهروندان از فضاهای پیرامون در قالب مرور نظریات روانشناسی محیط مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت بر مبنای این دو عامل کلی، مدل مفهومی چگونگی درک شهروندان از فضاهای باز آفرینی شده تبیین و تدقیق شد.

در قالب مدل مفهومی مورد نظر، مشخص شد که ۴ عامل وضعیت کالبدی، وضعیت اجتماعی، وضعیت اقتصادی و نوع حکمروایی به عنوان عوامل اثرگذار ذهنی بر فضاهای بازآفرینی شده اثرگذار هستند. درواقع، بر پایه این مدل، این گونه فرض شد که شهروندان فضاهای بازآفرینی را پس از گذر از این چهار فیلتر از ذهن خود ادراک می‌کنند. پس از استخراج



شاخص‌ها، مدل به گونه‌ای تبیین شد که در قالب روش مدلسازی معادلات ساختاری قابل توضیح باشد.

به عبارت دیگر، با توجه به این امر که درک هر یک از عوامل موجود در مدل مد نظر می‌باشد، می‌توان این عوامل را در روش مدلسازی معادلات ساختاری به عنوان متغیرهایی پنهان در نظر گرفت که توسط متغیرهای آشکار و یا گویه‌ها سنجیده می‌شوند. بر همین اساس، با توجه به مبانی نظری مرور شده در تحقیق مشخص شد که گویه‌های "اقتصادی" شامل اشتغال‌زایی، درآمد، مشاغل، مهارت‌ها و فرصت‌های شغلی می‌شوند. برای گویه‌های "اجتماعی-فرهنگی" می‌توان عوامل ارتقاء کیفیت زندگی، بهداشت، آموزش، جرائم، مسکن، کیفیت خدمات عمومی را پیشنهاد داد. زیرساخت‌ها، محیطی طبیعی و ساخته شده، حمل‌ونقل و ارتباطات برای "عامل کالبدی" تبیین خواهند شد. همچنین، گویه‌های محلی سازی تصمیم‌گیری، مشارکت اجتماع محلی، درگیر کردن تمامی دخیلان، شیوه رهبری و مدیریت را نیز برای عامل "حکروایی" می‌توان پیشنهاد داد.

در مرحله بعد، بر مبنای مدل مفهومی پژوهش، پرسشنامه‌ای ۵ گزینه‌ای بر مبنای طیف لیکرت با تعداد ۳۵ پرسش طراحی و تدوین شد و بین شهروندان همدانی با در نظر گرفتن میدان مرکزی شهر همدان توزیع شد. سپس داده‌های کمی پژوهش وارد نرم‌افزارهای SPSS و Smartpls شد و تحلیل آماری انجام شد.

بررسی مدل مفهومی پژوهش با استفاده از مدلسازی معادلات ساختاری نشان داد که سازوکار ذهنی ادراک شهروندان از فضاهای بازآفرینی شده میدان مرکزی شهر همدان در قالب سه مسیر "وضعیت کالبدی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی"، "وضعیت کالبدی ← وضعیت اقتصادی ← بازآفرینی ذهنی" و "عوامل حکروایی ← وضعیت اجتماعی ← بازآفرینی ذهنی" به ترتیب از قوی به ضعیف با ضرایب اثر کلی ۰,۴۷، ۰,۱۵ و ۰,۱۴ بوده است.

همان‌طور که مشخص است، مسیر اثرگذاری وضعیت کالبدی-اجتماعی-بازآفرینی ذهنی بیشترین اثر را در ذهن شهروندان در ادراک کلی مجموعه بازآفرینی شده میدان مرکزی همدان داشته است. می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که کالبد مکان بازآفرینی شده در ذهن شهروندان به عنوان نوعی کنش عمل کرده که در مرحله بعد منجر به ایجاد واکنش‌های اجتماعی در این مکان خواهد شد و این بازتولید فعالیت‌های اجتماعی در مرحله بعد خود منجر به شکل‌گیری کلیت فضا در ذهن شهروندان خواهد شد. با توجه به این امر که عامل کالبد در بخش اول یافته‌ها بخاطر عدم توجه به مبلمان شهری مناسب در میدان مرکزی شهر همدان در وضعیت متوسط ارزیابی شده بود، بنابراین، می‌توان بیان کرد که هنوز ذهنیت شهروندان از فضاهای

---

بازآفرینی شده در این مکان قادر به ادراک حداکثری وضعیت کیفی آن نبوده است و لزوم توجه به بحث مبلمان و پوشش گیاهی در مرکز این فضا ضروری به نظر می‌رسد.

**منابع و مآخذ:**

- ۱- پور احمد، احمد (۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۷
- ۲- مطلبی، ق. ۱۳۸۰. روانشناسی محیطی دانشی نو در خدمت معماری و طراحی و طراحی شهری. نشریه علمی-پژوهشی هنرهای زیبا، شماره ۱۲(۱۴)
- ۳- آذر، عادل، (۱۳۹۵)، مدلسازی معادلات ساختاری: کمترین مربعات جزئی، انتشارات نگاه دانش
- ۴- پاکزاد، ج، بزرگ، ح. ۱۳۹۱. الفبای روان‌شناسی محیط برای طراحان. چاپ دوم. انتشارات آرمانشهر. صفحه ۱۲۳
- ۵- حبیب پور، کرم، صفری، رضا (۱۳۹۰)، راهنمای جامع کاربری SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، انتشارات متفکران
- ۶- لنگ، ج. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری، ترجمه علی رضا عینی‌فر. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران. صفحات ۶۸-۵۰
- ۷- مرتضوی، علی (۱۳۸۰)، فرصتی برای بازآفرینی شهری در عمل، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت‌های شهری در ایران، ۱۷
- ۸- هومن، حیدرعلی، (۱۳۹۳)، مدل‌بایی معادلات ساختاری با کاربرد نرم‌افزار لیزرل (با اصطلاحات)، سمت ۱۸۶
- ۹- سجاذزاده، حسن، زلفی گل، سجاذ (۱۳۹۴)، طراحی شهری در بازآفرینی محلات سنتی با رویکرد محرک توسعه، فصلنامه آمایش محیط (۱۳۹۴)
- 10- Lang, T. (2005). Insights in the British debate about urban decline and urban regeneration (No. 32). Working paper.
- 11- Marriam-Webster online, (2014)
- 12- Couch, C. (2003). Introduction: the European context and theoretical framework. Chris Couch, Charles Fraser ve Susan Percy (der.) Urban Regeneration in Europe.
- 13- Fraser, C. (2003). The institutional and financial conditions of urban regeneration in Europe. Urban regeneration in Europe, 180-199.
- 14- Percy, S. (2003). The Ruhr: from dereliction to recovery. Urban regeneration in Europe, 140-165.
- 15- McCarthy, J. (2006). Regeneration of cultural quarters: public art for place image or place identity?. Journal of Urban Design, 11(2), 243-262.

- 
- 16- Roberts, P. (2000). The evolution, definition and purpose of urban regeneration. *Urban regeneration*, 9-36.
- 17- McGregor, A., & McConnachie, M. (1995). Social exclusion, urban regeneration and economic reintegration. *Urban Studies*, 32(10), 1587-1600..

## ارزیابی کیفیت بصری و ویژگی‌های کالبدی بدنه‌های شهری از دیدگاه پایداری اجتماعی (مورد کاوی: خیابان پنجم نیروی هوایی در منطقه ۱۳ و خیابان میعاد در منطقه ۱۹ در کلان‌شهر تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۱/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۲/۰۲/۰۶

ساره مشعربان (دانش آموخته دکترای شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)  
خشیار کاشانی جو\* (استادیار گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)  
ملیحه احمدی (استادیار گروه شهرسازی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

### چکیده

فقدان بدنه‌های شهری مناسب در درک شهروندان از اهمیت کیفیت بصری و تأثیرات آن بر جسم و روان می‌تواند به عنوان عاملی مهم مد نظر قرارگیرد. نمای ساختمان‌ها همچون پیراهنی است که شخصیت کالبدی و بصری یک بدنه شهری را نمایش می‌دهد. این پژوهش با هدف شناخت بصری و کالبدی بدنه‌های شهری از طریق پایداری اجتماعی سعی بر آن دارد به بهبود کیفیت محیطی پایدار بیانجامد. روش این پژوهش توصیفی - کتابخانه‌ای می‌باشد و درصدد این است که به بهبود کیفیت بصری و وضعیت بدنه‌های ساختمان‌ها کمک کند و توصیفی مناسب از بدنه خوب یکی از مناطق شهر تهران در ذهن ایجاد شود، در نهایت به عنوان راهکاری برای شهرسازان و طراحان شهری قرار گیرد و شهروندان را در رسیدن به یک شهر زیبا با کیفیت مطلوب بصری یاری دهد.

**واژه‌های کلیدی:** کیفیت بصری، بدنه‌های شهری، پایداری اجتماعی، کالبد.

## مقدمه

تقویت و افزایش جذابیت بصری در نما و داشتن جداره‌هایی زیبا با رویکرد پایداری اجتماعی امری مهم محسوب می‌شود امری که به گفته کارشناسان شاید تا به حال آنچنان که باید به آن پرداخته نشده است. منظر شهری به عنوان بخشی از سیمای شهر، نقش کلیدی را در ارتقاء کیفیت زندگی شهری ایفا می‌کند و در صورت برخورداری از کیفیت مطلوب، می‌تواند سهم خود را در شکل‌دهی به پایداری اجتماعی و همبستگی‌های شهری به خوبی ایفا نماید (فرجی و همکاران، ۱۴۰۰). تفسیر پایداری اجتماعی فقط با تأکید بر برابری و عدالت اجتماعی امکان پذیرست. شهرهای در حال رشد برای اینکه به مکان‌هایی مناسب زندگی تبدیل شوند نیازمند تسهیل توزیع عادلانه منابع در بلند مدت هستند (Ansell & Thompson – Fawcett, 2008) و با هدف تعیین حداقل الزامات اجتماعی برای توسعه بلند مدت و شناسایی چالش‌های جامعه در بلند مدت به کار می‌رود (Colantonio, 2009:6). در نهایت می‌توان هدف از پایداری اجتماعی را بهبود شرایط زندگی دانست و آن را فرایند دسترسی جوامع به بالاترین سطح کیفیت زندگی اجتماعی در نظر گرفت. بیشترین هزینه در شهرها برای ساخت و سازهای همچون انجام امور راه سازی، تأسیس پاساژها و مجتمع‌های تجاری در سطوح کلان انجام می‌گیرد. اما آنچنان که باید به امور شهری و ارزیابی کیفیت بصری توجه نشده است، شاید همین موضوع ارزیابی کیفیت بدنه‌های شهری موجود در سطح شهر را بتوان با مدیریتی دقیق و مناسب از ابتدای طرح‌ها و با میزان هزینه کمتر به انجام رسانید. یکی از دغدغه‌های اصلی در بحث بدنه‌های شهری عدم توجه به پایداری اجتماعی به عنوان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری شهر است، بیشتر ناپایداری‌های اجتماعی که در سطح شهرها تجلی یافته است، به دلیل کم‌توجهی با نادیده گرفتن ابعاد اجتماعی ایجاد شده است. این پژوهش می‌کوشد تا با تدوین اصول ارزیابی کیفیت بصری بدنه‌های شهری از طریق پایداری اجتماعی بتواند با ارزیابی کیفیت بصری میزان پایداری اجتماعی را افزایش دهد که بتوان با ارائه ضوابط و مقررات خاص منطقه به طرحی مناسب رسیده، که با پایداری اجتماعی در ایجاد بدنه‌های شهری بتواند به رشد، بهبود کیفیت بصری و وضعیت بدنه‌های ساختمان‌ها کمک کند و توصیفی مناسب از بدنه خوب یکی از مناطق شهر تهران در ذهن ایجاد شود، در نهایت خروجی سند نیز به عنوان راهکاری برای شهرسازان و طراحان شهری قرار گیرد و شهروندان را در رسیدن به یک شهر زیبا با کیفیت مطلوب بصری یاری دهد.

## پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش حاضر که ارزیابی کیفیت بصری و ویژگی‌های کالبدی بدنه‌های شهری از دیدگاه پایداری اجتماعی می‌باشد، پژوهش‌های متعددی در این حیطه انجام شده که به صورت جدول شماره (۱)، نشان داده شده است.

جدول شماره (۱): پیشینه و سوابق پژوهش

ردیف	عنوان	نویسنده	سال انتشار	توضیح
۱	کتاب نما در سیمای شهر	مختارپور	۱۳۹۵	در شهرهای سنتی ایران، نماها به دلیل ویژگی درون‌گرایی دارای کمترین تنوع بصری هستند. بخش اعظم نماها را سطوح صاف و ساده‌ی خشت و گل اندود بارنگ ملایم خاک تشکیل می‌دهند که گاه در گاه‌های ورودی آن را قطع می‌کنند بدنه‌های داخلی حیاط‌های قدیم ایرانی در مقایسه با بدنه‌ی میدان‌ها از تنوع شکلی بیشتری برخوردار است.
۲	مقاله تحلیلی بر ارزیابی کیفیت پایداری اجتماعی در نواحی دو و سه شهر سبزوار	حسینی و همکاران	۱۳۹۴	کیفیت پایداری اجتماعی را در نواحی دو و سه شهرداری سبزوار مورد ارزیابی قرار دادن دو معتقدند که شاخص کلی پایداری اجتماعی در این نواحی در سطح مناسبی قرار ندارد و بیش‌ترین ناپایداری نیز مربوط به مشارکت در امور سرمایه اجتماعی و احساس امنیت می‌باشد.
۳	مقاله بررسی میزان تأثیر شاخص‌های مکانی بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده	روستا	۱۳۹۳	از نگاه کارشناسان نوسازی شاخص‌های حس تعلق به مکان، امنیت، حفظ هویت، تنوع فعالیت‌ی و وجود شرایط عادلانه برای گروه‌های مختلف اجتماعی به عنوان مهمترین شاخص‌های اثر گذاری بر پایداری اجتماعی شناسایی شده‌اند.
۴	نماها و جداره‌های شهری	سازمان زیباسازی شهر تهران	۱۳۹۲	کلیه‌ی سطوح قابل رویت ساختمان‌ها در یک فضای شهری بدنه‌ی فضا را شکل می‌دهد که قسمتی از فضا را محصور می‌کند. بدنه‌ی ساختمان ممکن است یک سطح صاف ساده یا نمایی شامل تعدادی باز شو باشد.
۵	کتاب جداره‌های شهری و نقش آنها در فضای شهری	طباطبایی	۱۳۹۰	نما به مفهوم آنچه در متون تخصصی مورد نظر است، به معنی منظره خارجی ساختمان آن چه از فضای شهری دیده میشود، است.
۶	کتاب اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران	توسلی	۱۳۷۶	توسلی با ذکر اصولی جهت ترکیب توده و فضا، نما مطلوب را نمایی می‌داند که دارای نظم، وحدت و ترکیب، مقیاس، تناسب و هماهنگی باشد. سادگی، وجود نشانه، تعادل، مجاورت، هماهنگی، تقارن، تداوم و پیوستگی فضایی، محصوریت، تباین و قلمرو دیگر اصولی است که وی جهت طراحی فضا معرفی می‌کند.

ردیف	عنوان	نویسنده	سال انتشار	توضیح
۷	The key to Sustainable Urban Development in UK Cities? The influence of density on social sustainability	Dempsey	۲۰۱۲	پایداری اجتماعی، تحت مفاهیم وسیع تر برابری اجتماعی، توزیع خوب و مناسب منابع و اجتناب از کارهای محرومیت زاء، اجازه دسترسی ساکنان به مشارکت فعال و کامل در جامعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و همچنین پایداری جامعه قرار می‌گیرد.
۸	Urban regeneration assessme impact an social for sustainability	Glasson and Wood	۲۰۰۹	مفهوم پایداری اجتماعی در چند سال گذشته به سمت مباحثی چون شبکه‌های اجتماعی، مشارکت، حس مکان و امنیت در جامعه سوق پیدا کرده است.
۹	The social sustainability of medium density housing: A conceptual model and Christchurch case study	Ancell & Thompson-Fawcett	۲۰۰۸	همچنین در بستر مناطق شهری، تفسیر پایداری اجتماعی فقط با تأکید بر برابری و عدالت اجتماعی امکان پذیر است. شهرهای در حال رشد برای اینکه به مکان‌هایی مناسب زندگی تبدیل شوند نیازمند تسهیل توزیع عادلانه منابع در بلند مدت هستند.
۱۰	City of Boulder social sustainability strategic plan	City Council of the city of Boulder	۲۰۰۷	پایداری اجتماعی به معنای حمایت از توزیع برابر منابع، حمایت از تنوع در جامعه، تلاش در جهت رفع نیازهای اساسی مردم و سرمایه‌گذاری در منابع انسانی و اجتماعی است، که از طریق آنها، اهداف کلیدی اقتصادی و زیست محیطی تحقق می‌یابد.
۱۱	Social Sustainability: a Catchword between Political Pragmatism and Social Theory	Littig & Griesler	۲۰۰۵	از طرفی پایداری اجتماعی همان کیفیت جوامع و ماهیت روابط اجتماعی و به نوعی نشان دهنده روابط درونی جامعه است.

منبع: نگارندگان

## اهمیت و ضرورت پژوهش

در چند دهه اخیر بسیاری از شهرسازان به آسیب شناسی بافت کیفیت بصری، جاذبه و سرزندگی در شهرهای امروزین پرداخته و برای بهبود آن نظریه‌پردازی کرده‌اند. خصوصیات بصری سهم مهمی در هویت منطقه و حس مکان دارد، که به لذت بردن مردم از محیط طبیعی و مصنوع اطرافش کمک می‌کند و سبب جذب سرمایه‌گذاری و پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی منطقه می‌شود. شناخت عوامل و معیارهای مؤثر در کیفیت بصری سیمای سرزمین به منزله ابزار مناسب برای ارزیابی و مکان‌یابی مناطق دارای ارزش زیبایی شناختی می‌تواند مدیران و برنامه‌ریزان را در انتخاب لکه‌های حفاظتی و مدیریت مؤثر سیماهای دارای ارزش بصری یاری نماید (رفیعیانی‌خاچک و همکاران، ۱۳۹۳). فقدان بدنه‌های شهری مناسب در درک شهروندان از



نقش و اهمیت کیفیت بصری و تأثیرات آن بر جسم و روان می‌تواند به عنوان عاملی مهم مد نظر قرار گیرد.

نمای ساختمان‌ها همچون پیراهنی است که شخصیت کالبدی و بصری یک بدنه شهری را نمایش می‌دهد. این نما ضمن آن‌که منحصر به فرد است باید با بدنه‌ای که کلیت بدنه یک خیابان را تشکیل می‌دهد هماهنگ و همخوان باشد. در این میان هر ساختمان باید نمایش‌دهنده الگوی غالب نمای ساختمان‌ها و هماهنگی بین آن‌ها باشد تا ماندگاری تصویر ذهنی از محیط را ایجاد نموده و شهروندان را به حضور در فضای طراحی شده و درک بصری مناسبی ترغیب نماید. مجموعه نماهای ساختمانی کلیتی به نام بدنه‌های شهری را تشکیل می‌دهند و در اثر وقوع حضور در فضاهای شهری خاطرات جمعی شهروندان و کیفیت بصری شکل می‌یابد. یکی از عوامل مهمی که در شکل‌گیری بدنه‌های شهری تأثیرگذار است اما متأسفانه آنچنان مد نظر قرار نمی‌گیرد؛ عدم ارزیابی کیفیت بصری در فرایند ساخت و ساز می‌باشد که ما را از رسیدن به طرحی زیبا باز می‌دارد. در دهه اخیر، نابسامانی بدنه‌ها و اغتشاش حاکم بر منظر شهری، از رایج‌ترین موضوع‌هایی است که توجه مسئولان را به خود جلب کرده است. این نابسامانی‌ها از فقدان قوانین در جنبه‌های کیفی و عدم وجود الگویی ثابت در زمینه طراحی نما، نشأت گرفته است.

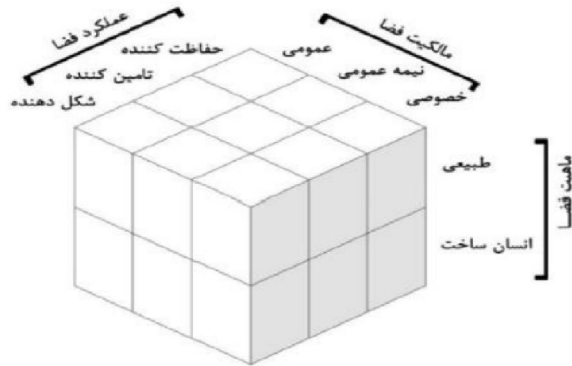
### مبانی نظری پژوهش

شهرها به عنوان مهمترین و کامل‌ترین شکل از اشکال اسکان بشری، بهترین و بزرگترین جلوه‌گاه بروز نگرش‌ها، ارزش‌ها و شرایط اجتماعی ساکنان خود می‌باشند. شهر با نگاه نخست با منظر، خود را در معرض دید و قضاوت ناظران قرار می‌دهد. در واقع منظر شهری مانند نمای ظاهری و پوسته بیرونی هر شهر است که نگاه هر بیننده‌ای را در وهله نخست متوجه خود می‌کند و نخستین چیزی است که شهروند در شهر با آن ارتباط برقرار می‌سازد و به صورت بی‌وقفه وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بهم‌ریختگی منظر شهر بیانگر بی‌نظمی ساختار برنامه‌ریزی و رفتار شهری است و منظر زیبا نشان دهنده رابطه‌ای مناسب میان شهر و شهروند می‌باشد. در این میان تعامل انسان و پدیده شهر از طریق منظر شهری شکل گرفته و جایگاه منظر شهری در ارتباط چند سویه انسان - محیط بسیار حائز اهمیت است. ویژگی‌های محیط شهری بخش قابل تأملی از دانش و عواطف محیطی شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ادراک، شناخت و شیوه‌های ارزیابی افراد نیز از محیط به طریق متعددی صورت می‌گیرد. در شرایط کنونی منظر فضاهای شهری به وسیله متخصصان و بدون مشارکت شهروندان به ویژه در مقیاس طراحی شهری و زیباسازی محیط انجام می‌شود که پیامد آن، فضاهای شهری است که

سلیقه اقلیت طراحان را در مقابل اکثریت استفاده‌کنندگان در اولویت قرار می‌دهد. این در حالی است که انسان به عنوان مخاطب و کاربر فضاهای شهری با قوه ادراک و با بهره‌گیری از حواس خود با آن ارتباط برقرار می‌کند. ارتقاء عوامل بصری و ادراکی منظر فضاهای شهری زمانی می‌تواند تحقق یابد که اولویت‌سنجی مسائل شهری موجود، مبتنی بر نظریات شهروندان و استفاده‌کنندگان از فضاها باشد. (وحدت و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸). فضای شهری تنها یک مفهوم کالبدی نیست بلکه کنش "تعاملات شهروندی" و "فعالیت‌های شهری" را نیز در بر می‌گیرد. یعنی کالبدی از شهر را مجبور می‌کند که مکان برقراری فعالیت‌های شهری یا عرصه بروز تعاملات اجتماعی باشد (قلمبردزفولی و نقی‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۹). به اعتقاد کوین لینچ<sup>۱</sup> فضای شهری، فضایی است که برخی مرزهای اجتماعی شکسته می‌شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع می‌پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی با هم اختلاط می‌یابند (پاکزاد، ۱۳۹۷). پارادایم پایداری یا توسعه پایدار در پی دستیابی به شیوه رفع بهینه در، چالش‌های بحران زیست محیطی و معضلات توسعه شهری و به منظور ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد موازنه بین رشد توسعه و و حفاظت از محیط زیست مطرح شده است (راغبیان هنزایی و همکاران، ۱۴۰۲). شولتز<sup>۲</sup> فضای شهری را به عنوان یکی از چهار شیوه سکونت انسان در هستی بیان می‌کند و دو بعد وجودی آن را دیدار و گزینش معرفی می‌کند. دیدار الزاماً بیانگر توافق نیست و در اصل به معنای گرد هم آمدن مردم با تمامی اختلافات ایشان است. از این رو فضای شهری، ضرورتاً مکانی می‌شود برای مکاشفه یا به عبارتی حیطه‌ی امکانات گوناگون (شولتز، ۱۳۹۱: ۱۵۲). به اعتقاد فرانسیس تیبالدز<sup>۳</sup> فضاهای شهری محیط‌هایی برای تبادل فرهنگی، تفریحی، لذت، گذران اوقات فراغت، زندگی اجتماعی و تبادل افکار هستند (تیبالدز، ۱۳۹۳: ۶۱). در این راستا شکل شماره (۱)، مدلی از مفاهیم فضای شهری، را نشان می‌دهد.

---

1 - Lynch  
2 - Schultz  
3 - Tybaldz

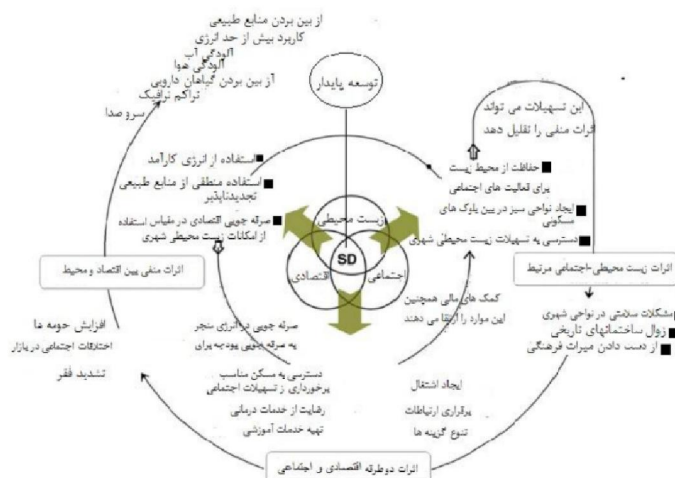


شکل شماره (۱): مدلی از مفاهیم فضای شهری، منبع: (صرافی و محمدیان مصمم، ۱۳۹۲: ۱۲۸)

### توسعه پایدار شهری

از دهه ۱۹۷۰ به‌طور فراگیر و در پاسخ به بحران‌های موجود در شهرها، نظریه توسعه پایدار شهری از سوی بسیاری از متخصصان مطرح شد تا به کمک آن زمینه زیست پذیر شدن شهرها پدید آید. با توجه به ضرورت بحث پایداری و زیست پذیری و رابطه متقابل این دو در شهرهای امروزی، اهمیت دستیابی به برنامه‌ای هدفمند که ضامن سلامت امروز و فردای شهر و شهروندان آن باشد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (Shi et al, 2012). توسعه پایدار شهری فرایندی است که طی آن گردش انرژی در شهر در حداقل شرایط عملکردی، حداکثر کارایی را داشته و توزیع یکسانی را در به حرکت درآوردن عناصر به‌عنوان مجموعه یکپارچه ایجاد می‌نماید (وارثی، بابانسب و اسلامی، ۱۳۸۸). توسعه پایدار شهری طی دهه‌های اخیر به‌تدریج به الگو واره‌ای نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه‌ریزی شهری تبدیل شده است. (رهنمایی و پور موسوی، ۱۳۸۵). امروزه با افزایش این آگاهی که، اکثر فرآیندهای زندگی شهری به پایداری مرتبط می‌باشند (Sonne, 2009) و شهرها گره‌های حیاتی برای توسعه پایدار در مقیاس جهانی هستند، در حال حاضر حکومت‌های شهری سیاستهای جدید را به سمت پایداری سوق می‌دهند (Kagan, et.al, 2017). به طور خلاصه، مفهوم پایداری شهری نشان دهنده وضعیت مطلوبی است که در آن جامعه شهری برای رسیدن به تعادل و یکپارچگی محیط زیست، توسعه اقتصادی، بازسازی و عدالت اجتماعی (Rosaa, et.al, 2018) به عنوان اهداف بلندمدت (از طریق فرایند استراتژیک توسعه پایدار) در چارچوب یک مسیر مطلوب تلاش می‌کند. به این ترتیب، هدف آن ایجاد محیط‌های سالم، سرزنده و مرفه انسانی و با حداقل نیاز به منابع (انرژی، مواد و غیره) و حداقل تأثیر بر محیط زیست می‌باشد

(Shaery, 2017). جهت درک بهتر چارچوب مفهومی و اهداف توسعه پایدار شهری، مدلی از ابعاد مهم توسعه پایدار شهرها در شکل شماره (۲) ارائه می‌گردد.



شکل شماره (۲): ابعاد توسعه پایدار شهری، منبع: (Kagan, et.al, 2017)

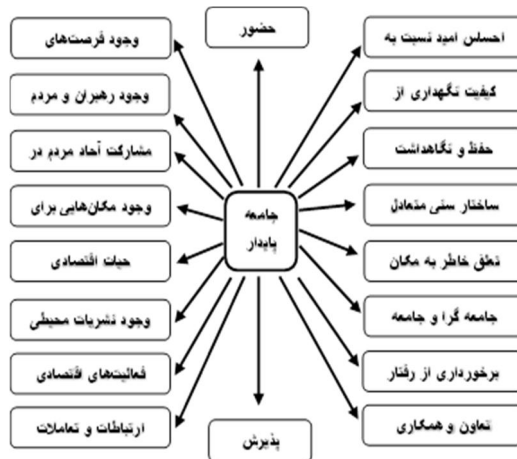
## پایداری اجتماعی

پایداری اجتماعی تحت عنوان زندگی سالم و بارور و هماهنگ با طبیعت تعریف شده است. در این تعریف بقا و حیات جامعه، همگام با حفظ کیفیت محیطی و مرتبط با نظام‌های اقتصادی در جهت دستیابی به بالاترین در سطح رضایت از زندگی است (GTZ, 2004: 2). پایداری اجتماعی اصول سیاسی و اجتماعی را با مسائل مربوط به مشارکت، شادی، رفاه و کیفیت زندگی ترکیب می‌کند پس مفهوم پایداری نیازمند یک شبکه کالبدی- اجتماعی است (رستمی و ملک حسینی، ۱۴۰۲).

در سطح عملیاتی، پایداری اجتماعی ناشی از اقداماتی در زمینه موضوعات کلیدی که شامل عرصه‌های اجتماعی افراد و جوامع برای ظرفیت‌سازی و توسعه مهارت‌ها برای رفع نابرابری‌های زیست محیطی و فضایی می‌شود (Colantonio & Dixon, 2009: 4). در صورتی پایداری اجتماعی به دست می‌آید که کار درون یک جامعه، مجموعه‌ای گسترده‌ای از نیازهای انسان را برآورده سازد و به صورت طبیعی شکل گرفته باشد و همچنین توانایی برآورده ساختن عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و مشارکت را داشته باشد (Litting & Griebel, 2005: 72).

## ابعاد مؤثر در پایداری اجتماعی

حوزه اجتماعی گسترده‌ترین بعد توسعه پایدار است. در شکل شماره (۳)، ابعاد مؤثر در پایداری اجتماعی در جهت داشتن یک جامعه پایدار که بیشتر به نیازهای اصلی و بهبود کیفیت زندگی مربوط می‌شود، آورده شده است.



شکل شماره (۳): ابعاد مؤثر در پایداری اجتماعی، منبع: (شیخکانلوی میلان، ۱۳۹۰: ۴۷)

در دانشگاه‌ها و در عمل توجه کمتری به بعد اجتماعی پایداری در مقایسه با بعد اقتصادی، محیطی و... شده است. شرکت کردن و مشارکت در فعالیتهای اجتماعی عنصر اصلی پایداری اجتماعی محسوب می‌شود. پایداری اجتماعی مفهومی است که در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته فرق دارد، و می‌تواند بر اساس آموزش، تغییر عادات و یا تغییر ذهنیت شکل بگیرد. اکثریت صاحب‌نظران بیان می‌کنند که مشارکت عمومی شاخصی برای پایداری اجتماعی جوامع است. آقای کونز جنبه‌های پایداری اجتماعی را بدین ترتیب بیان می‌کند:

تأمین نیازهای اساسی مردم

داشتن محیط زندگی سالم و بهداشتی

دسترسی آسان به مراقبت‌های پزشکی، آموزشی و کار

سلامت جسمی و روانی

توجه به نیازهای افراد مسن، بیمار و فقیر

تعامل اجتماعی و داشتن حس تعلق به مکان

غنی‌سازی فرهنگی و معنوی از طریق ایجاد امکانات فرهنگی و آموزشی مناسب

عدالت اجتماعی در تصمیم‌گیری و دستیابی به منابع (جنسیت، برابری، عدالت بین نسلی<sup>۱</sup> و مشارکت گسترده).

## کیفیات محیطی

در ارتباط با واژه «کیفیت» که در بخش پیشین به تفصیل به معنی و مفهوم آن پرداخته شد. در رابطه با واژه محیط شهری نیز در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، «مجموعه شرایط و بستر طبیعی زیست آدمی» تعریف شده است (Oxford, 1994). به‌طور کلی در دانش طراحی شهری، محیط به هر آنچه در پیرامون، وجود دارد و به‌صورت بالقوه با فرد در ارتباط قرار می‌گیرد، اطلاق می‌شود. هرچند که فرد امکان دریافت تمامی اطلاعات موجود را نداشته باشد. محیط به نوبه خود مجموعه‌ای از زیر محیط‌های گوناگون است که هر یک بنا به شرایط ادراک فرد، به‌عنوان محیط مستقل دریافت می‌گردند. (پاکزاد، ۱۳۸۵). بر این اساس کیفیت محیط شهری، درجه، ارزش، برتری، کمال یک محیط شهری می‌باشد که از طریق پاسخ‌دهی مناسب یا نامناسب به نیازهای اساسی آدمی پدید می‌آید. برخی مفهوم کیفیت محیط شهری را وابسته به عناصر و فعالیت‌هایی که به شهر، شهریت می‌بخشند و ارزش‌هایی که عناصر شهریت را کیفیت می‌دهند، می‌دانند (انصاری‌نیا، ۱۳۷۶). برای اولین بار واژه کیفیت محیط شهری در کنفرانس هیئات<sup>۲</sup> سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶، بدین صورت تعریف شد: «کیفیت محیط عبارتست از برآوردن نیازهای اساسی و عدالت اجتماعی، که این نیازها عبارتند از: غذا، مسکن، شغل، بهداشت، آزادی، شرافت، امکان پیشرفت فردی و توزیع درآمدهای توسعه» تعریف فوق که در حدود ۴۰ سال پیش ارائه گردید بر ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی انسان تأکید دارد و به نوعی «کیفیت محیط شهری» را معادل «کیفیت زندگی انسان» می‌داند.

تیبالدز در کتاب «شهرسازی انسان‌گرا» مفهوم «کیفیت زندگی»<sup>۳</sup> را مفهومی جامع می‌داند که کیفیت محیطی را در دل خویش دارد. وی می‌نویسد: «کیفیت زندگی»، واژه‌ای پیچیده در رابطه با شرایط و وضعیت جمعیت، در یک ناحیه است. دربرگیرنده ابعاد روانی است که شاخص‌هایی همچون رضایت، شادمانی و امنیت را در برمی‌گیرد. در برخی موارد رضایت‌های اجتماعی<sup>۴</sup> نیز نامیده می‌شود. (تیبالدز، ۱۳۹۳). لنینچ در سال ۱۹۷۴ (تقریباً همزمان با کنفرانس سازمان ملل) «کیفیت زندگی» ساکنین شهرها را هدف نهایی دانش طراحی شهری عنوان کرد. وی می‌گوید: «اگر بنا است طراحی شهری مفید واقع شود باید قادر باشد تا از راه اعتلا کیفیت

<sup>1</sup> Intergenerational Equity

<sup>2</sup> . Habitate

<sup>3</sup> .Quality of life

<sup>4</sup> .Social Satisfaction

محیط کالبدی به اعتلا کیفیت زندگی انسان یاری نماید.» (لینچ، ۱۳۹۵) بر این اساس انواع محیط‌های شهری مانند فضای شهری نیز به تبعیت از هر پدیده‌ای در جهان هستی دارای فرم و محتوا می‌باشد. البته تجزیه یک پدیده به فرم و محتوا فقط به صورت انتزاعی امکان‌پذیر است. هیچ فرمی را بدون محتوا نمی‌توان تصور کرد و نه محتوایی را می‌توان بدون فرم تخیل کرد. نه فقط اشکال و رنگ‌ها دارای معانی خاص خود هستند، بلکه مجردترین مفاهیم مانند مهربانی و خشونت نیز شکل و رنگی را تداعی می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۸۵). محتوا، موضوع، معنی و مفهومی است که در یک پدیده نهفته است. محتوا دارای خصلتی دوگانه است: عینی و ذهنی. محتوای یک پدیده یا فرآیند در داخل اثر نهفته است. جنبه‌های ذهنی و عینی محتوای یک پدیده در کنار هم دیگر زندگی نمی‌کنند، بلکه در هم عجین هستند (پاکزاد، ۱۳۸۵).

### **رویکرد طراحی و برنامه‌ریزی محور نسبت به کیفیت محیط شهری در جهت توسعه پایدار شهری**

بر اساس تعامل انسان با محیط، برخی از نظریه پردازان با در نظر گرفتن انسان، به عنوان کاربر اصلی محیط شهری و نحوه پاسخگویی به نیازهای او با استفاده از طراحی و برخی دیگر با تأکید بر موضوع مکان<sup>۱</sup> و مکان سازی<sup>۲</sup> در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای شهری، کیفیت محیط را مورد بررسی قرار داده‌اند. اخیراً نیز با مطرح شدن مفهوم پایداری و ورود آن به دانش طراحی و برنامه‌ریزی شهری و نقش آن در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، رویکرد دیگری قابل شناسایی است که تبیین کننده همه ابعاد کیفیت محیط شهری است. بدین ترتیب می‌توان نظریات موجود را در قالب سه رویکرد اصلی دسته‌بندی کرد؛ رویکرد انسانی<sup>۳</sup>، رویکرد مکانی<sup>۴</sup> و رویکرد پایداری<sup>۵</sup> (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۶).

<sup>1</sup> Place

<sup>2</sup> Place-Making

<sup>3</sup> Human Approach

<sup>4</sup> Spatial Approach

<sup>5</sup> Sustainable Approach



شکل شماره (۴): روند تغییرات تفکرات مرتبط با کیفیت محیط، منبع: (لشکری و خلیج، ۱۳۹۳).

از منظر رویکرد مکانی، کیفیت محیط شهری در گرو خلق مکان‌های با کیفیت شهری است. برنامه‌ریزی و طراحی شهری باید بتواند منجر به ارتقاء کیفیت مکان‌های شهری شود. از این رو شناسایی ابعاد مکان می‌تواند به شناسایی ابعاد مختلف کیفیت محیط نیز بینجامد. دیوید کانتر<sup>۱</sup> محیط شهری را به مثابه یک مکان متشکل از سه بعد در هم تنیده کالبد<sup>۲</sup>، فعالیت<sup>۳</sup> و تصورات<sup>۴</sup> می‌داند. (Carmona et al, 2012).

### نمونه مورد مطالعه

در این پژوهش به بررسی دو منطقه از مناطق ۲۲ گانه کلان شهر تهران پرداخته می‌شود که شامل مناطق ۱۹ و مناطق ۱۳ شهر تهران می‌باشد که به طور خلاصه به توضیح آنها پرداخته می‌شود.

### شناخت منطقه ۱۹ شهرداری تهران

منطقه ۱۹ شهرداری تهران از جمله مناطق حاشیه‌ای و جنوبی شهر تهران است که در حوزه دروازه ورودی جنوب غربی شهر قرار گرفته است. این منطقه از شمال با مناطق ۱۷ و ۱۸ همجوار است که به ترتیب محورهای زمزم و آیت اله سعیدی مرز مشترک بین منطقه ۱۹ با مناطق همجوار شمالی را شکل داده‌اند. از سمت شرق، خیابان بهمنیار و بزرگراه تندگویان، در

<sup>1</sup> Canter

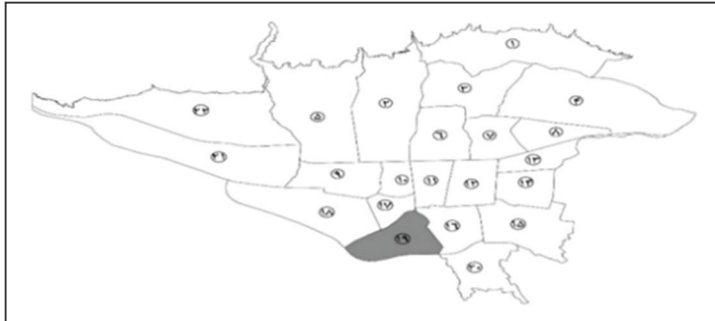
<sup>2</sup> Form

<sup>3</sup> Activity

<sup>4</sup> Image



حداصل بین این منطقه و منطقه ۱۶ واقع شده است. در حالیکه منطقه ۱۹ از جنوب به بزرگراه آزادگان و حریم جنوب شهر تهران، و از غرب به تقاطع آزادگان و ساوه محدود می‌گردد.



شکل شماره (۵): موقعیت منطقه ۱۹ در شهر تهران

### عناصر و پیوندهای اصلی درونی پیکره

دومین دسته از عناصر متمایزکننده و هویت‌بخش منطقه ۱۹ که وضع درونی منطقه را نشان می‌دهد، مشتمل بر مراکز، شبکه‌های ارتباطی پیونددهنده، مبادی ورودی و تقسیمات کالبدی داخلی منطقه است. به این ترتیب عناصر و پیوندهای اصلی درون پیکره شامل مراکز همچون پارک شریعتی، میدان ابوریحان، مجتمع آموزشی دکتر شریعتی؛ معابر عمده شامل شبکه‌های درونی لطیفی، صمدی، نور، طالقانی، احسانی، بخشنده، شکوفه، مطهری، ماهان، جانباز، خلایق و... می‌باشد. که بخش خدمات نیز عمدتاً در محورها به ویژه محورهای لطیفی، صمدی، میعاد و بهمنیار دیده می‌شود. محورهای فعالیت که یکی از شاخص‌های استخوان‌بندی است، در سطح منطقه عمدتاً به صورت الگوی خطی توزیع شده است و تنها در دو مکان با مرکز خدماتی مواجهیم. این مراکز و شبکه‌ها بافت‌های همجوار خود را به یکدیگر پیوند داده است و موجب قوام آنها شده است. باید توجه داشت که شبکه‌های لطیفی، صمدی، میعاد و میثاق به گونه‌ای استقرار دارند که بافتی یکپارچه پدید آمده اما سایر پیونددهنده‌ها مستقل‌اند. لذا در اولین تحلیل می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

پیکره منطقه ۱۹ به دلیل جدایی و تکه تکه بودن عناصر و پیونددهنده‌های درونی‌اش پیکره‌ای چند بخشی، فاقد یکپارچگی، چندمرکزی و چند پاره است که مراکز پیونددهنده مانند فضاهای میانی محلات و فضاهای سبز نتوانسته یکپارچگی، وحدت، یگانگی و یکدستی بافت را پدید آورد و شبکه‌ها نیز از هم گسسته‌اند. پیکره منطقه ۱۹ در تمام مسیرهای اطراف خود ورودی و خروجی‌های متعدد، ناهمسطح، ناهمگن و ناهم‌عرض داشته و ورودی‌ها در بسیاری از محلات فقط به محله مذکور راه دارد. به عبارت روشن‌تر مسیرهای ورودی در داخل بافت منطقه

فاقد به هم پیوستگی است و در تمام بافت جریان ندارد و این موضوع از خوانایی منطقه می‌کاهد. بنابراین منطقه ۱۹ به دلیل حضور موانع کالبدی با مناطق همجوار خود یعنی مناطق ۱۶، ۱۷ و ۱۸ و همچنین درون منطقه میان بخش غربی با بخش شرقی آن، دچار عدم یکپارچگی بافت و عدم ارتباط و پیوند ساختاری می‌باشد. لیکن به دلیل حضور محورهای خدماتی مهم منطقه‌ای همچون محور مدائن در منطقه ۱۶ و محورهای لطیفی و مهران، میثاق و میعاد در منطقه ۱۹، توانایی بالقوه‌ای برای برقراری ارتباطی مناسب با بافت مجاور خود داراست.

### پهنه‌بندی عملکردی منطقه

پهنه مسکونی، اولین پهنه محدوده مطالعاتی است. کاربری مسکونی ۳۵ درصد از کاربری‌های این پهنه را به خود اختصاص می‌دهد. این پهنه علاوه بر کاربری مسکونی دربردارنده خدمات سطح محله‌ای و ناحیه‌ای نیز می‌باشد. دومین پهنه، محدوده پادگان قلعه مرغی است که با سطحی بالغ بر ۲۹۱ هکتار، به عنوان پهنه نظامی در بخش شمالی منطقه واقع شده است. پهنه صنعتی شامل کارگاه‌ها و تعمیرگاه‌ها، کوره‌های آجرپزی و انبارضایعات واقع در بخش غربی منطقه است. وجود اراضی بایر، موقعیت مطلوب مکانی در بخش ورودی شهر تهران، دسترسی مطلوب به بزرگراه‌ها، از عوامل اصلی در رشد و توسعه استقرار صنایع در بخش غربی منطقه به شمار می‌رود.

پهنه خدماتی منطقه در برگیرنده عرصه‌ها، محورها و کانون‌های خدماتی می‌باشد. عرصه خدماتی در قالب میدان مرکزی میوه و تره‌بار قابل مشاهده است. در سطح منطقه سه مرکز خدماتی قابل شناسایی است که در بخش شرقی منطقه تمرکز یافته‌اند و از این حیث بخش غربی با فقدان مراکز خدماتی مناسب روبرو است. مراکز بخش شرقی شامل مرکز خدماتی-آموزشی (پیرامون مجتمع آموزشی دکتر شریعتی)، مرکز خدماتی ناحیه ۲ (شهرداری منطقه ۱۹، پارک شقایق و...) و مرکز خدماتی در شمال منطقه می‌باشد. محورهای عمده خدماتی و منطقه شامل محورهای لطیفی، میعاد و بخشی از مهران با فعالیت‌های متنوع خدماتی و محورهای شهید احسانی و بدر با عملکرد غالب تجاری (راسته پوشاک، پارچه و فعالیت‌های وابسته) قابل شناسایی می‌باشد.

از نقشه پهنه‌بندی عملکردی منطقه می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که منطقه ۱۹ از حیث توزیع کاربری‌ها بافت همگنی نبوده و مردم از این حیث با کمبودهای جدی مواجهند. از سوی دیگر، همین مقدار خدمات، توزیع یکسانی ندارد به نحوی که عمده خدمات در نیمه شرقی منطقه تمرکز یافته و بخش غربی فاقد آن می‌باشد. لذا می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود

که منطقه ۱۹ از حیث پهنه‌بندی عملکردی و ارائه خدمات، تا حدود زیادی بر پهنه‌های اقتصادی-اجتماعی انطباق دارد.

### شناخت منطقه ۱۳ شهرداری تهران

منطقه ۱۳ شهر تهران با وسعتی معادل ۱۵۲,۹۲ هکتار دارای ظرفیت جمعیت پذیری بالغ بر ۳۲۴۵۰۰ نفر می‌باشد. این منطقه براساس تقسیمات اداری شهرداری دارای ۵ ناحیه و ۱۹ محله می‌باشد. ناحیه ۴ این منطقه کارکردی غیرمسکونی دارد. از لحاظ وسعت، نواحی ۵ و ۴ به ترتیب بزرگترین و کوچکترین نواحی این منطقه‌اند.

### عوامل تأثیرگذار در سازمان فضائی منطقه و دلایل انتخاب نمونه‌های مورد پژوهش

محور دماوند و در امتداد آن خیابان انقلاب که مهمترین شریان محیط بر منطقه محسوب می‌شود عمده ترین نقش را در اتصال ساختار فضائی به استخوان‌بندی اصلی تهران بر عهده دارد. ایفای نقش ورودی شهر تهران و استقرار کانوتی مهم همچون میدان امام حسین در امتداد آن جایگاه محور مذکور را به عنوان مرز شمالی منطقه بیش از پیش تقویت می‌کند. در مقابل محور دماوند، خیابان پیروزی به عنوان حد جنوبی منطقه مطرح می‌شود. خیابان پیروزی به لحاظ مقیاس عملکردی جایگاهی خفیف‌تر از دماوند دارد اما بر رونق بودن بدنه‌های این خیابان تردد قابل توجه عابران پیاده، فضای مشجر و واقع شدن در امتداد خط مترو آن را به عنوان یک محور فعال بین منطقه مطرح می‌سازد. در عین حال استقرار میدان شهدا به عنوان یکی از میادین مهم و نسبتاً تاریخی شهر در انتهای غربی آن، جایگاه فضائی - کالبدی آن را بهبود می‌بخشد، دو محور نامبرده به همراه میادین ذکر شده مهمترین عناصر ساختاری منطقه در وضعیت فعلی هستند. شکل کلی منطقه نیز به تبعیت از راستای محورهای مذکور از قالبی شرقی- غربی برخوردار است. در این بخش ضروریست که به نقش ناحیه ۵، غربی ترین ناحیه منطقه که اخیراً به منطقه ۱۲ منضم شده اشاره شود.

ناحیه ۵ تا پیش از جدا شدن از منطقه ۱۳ نقش اتصال دهنده بافت جدید و یا میان ساز شرقی را به پهنه تهران قدیم و بافت تاریخی آن ایفا کرده است. این پهنه مابین خیابان بهارستان در غرب، انقلاب در شمال، امیر کبیر در جنوب و ۱۷ شهریور در شرق قرار گرفته است. پهنه مذکور خاستگاه قرارگیری تعداد زیادی از بورسهای تجاری همچون بورس چوب فروشی در حاشیه پل چوبی و خیابان مازندران، مرغ و ماهی فروشی در سرچشمه، رینگ و لاستیک ماشین در امیر کبیر و لوازم خانگی در محدوده خیابان ایران بوده است. قدمت پهنه

مذکور نسبت به سایر بخشهای منطقه عامل اصلی در شکل‌گیری بورسهای مذکور و به تعادل رسیدن آنها با اقتصاد فضا در محدوده قرار گرفتنشان بوده که خود عاملی جهت پایداری و ماندگاری فضاهای مذکور می‌باشد. عمده‌ترین خصوصیت دیگر این پهنه قرار گرفتن مجموعه مجلس شورای اسلامی در کنار مسجد و مدرسه سپهسالار در شرق ناحیه می‌باشد. در ارتباط با دلایل جداسدن ناحیه ۵ در ادامه و در بخش تقسیمات داخلی قرار گرفتنشان بوده که خود عاملی جهت پایداری و ماندگاری فضاهای مذکور می‌باشد. عمده‌ترین خصوصیت دیگر این پهنه قرار گرفتن مجموعه مجلس شورای اسلامی در کنار مسجد و مدرسه سپهسالار در شرق ناحیه می‌باشد. در ارتباط با دلایل جداسدن ناحیه ۵ در ادامه و در بخش تقسیمات داخلی بحث و تحلیل صورت خواهد گرفت. خیابان ۱۷ شهریور در حال حاضر مرز غربی منطقه ۱۳ را تشکیل می‌دهد. این خیابان همچون خیابان پیروزی یک محور بین منطقه‌ای با بدنه‌های فعال محسوب می‌شود که عمده‌ترین فعالیت‌های آن شامل نمایشگاه‌های اتومبیل و موتور می‌باشد. این خیابان در انتهای شمالی خود به میدان امام حسین ختم می‌شود. از دیگر عناصر ساختاری که در حاشیه منطقه ۱۳ حضور دارند پارک جنگلی سرخه حصار است، این پارک از آن جهت حائز اهمیت مضاعف است که از جمله محدود پتانسیل‌های فرامنطقه‌ای در منطقه می‌باشد. این پارک که در حاشیه شرقی منطقه قرار دارد از جمله فضاهای سبز حفاظت شده منطقه است که با وجود حضور در قلمرو منطقه از لحاظ عملکردی تعلق چندانی به منطقه نشان نمی‌دهد. مهمترین علت این عدم تعلق را می‌توان در قطع ارتباط فیزیکی پارک با پهنه‌های مسکونی مجاورش جستجو کرد که تحت تأثیر عبور اتوبان اسبدوانی و متأخراً با احداث بزرگراه سرخه حصار حادث شده است. اتوبان جدید الاحداث سرخه حصار که بخشی از کمربندی تهران می‌باشد. ضمن برخورداری از ترافیک عبوری شرق تهران، ارتباط فیزیکی منطقه ۱۳ را با حریم آن و برخی ساخت و سازهای حاشیه شرقی محور دماوند کاملاً قطع می‌کند. در پهنه جنوبی پارک جنگلی سرخه حصار اراضی نظامی قصر فیروزه قرار گرفته که ضمن برخورداری از ارزشهای تاریخی از پوشش نسبتاً مناسب فضای سبز نیز برخوردار است. این اراضی نیز به نوبه خود فرصت مناسبی را جهت توسعه پارک جنگلی سرخه حصار و ارائه خدمات جنبی در اختیار قرار می‌دهد.

در پهنه جنوبی پارک جنگلی سرخه حصار اراضی نظامی قصر فیروزه قرار گرفته که ضمن برخورداری از ارزشهای تاریخی از پوشش نسبتاً مناسب فضای سبز نیز برخوردار است. این اراضی نیز به نوبه خود فرصت مناسبی را جهت توسعه پارک جنگلی سرخه حصار و ارائه خدمات جنبی در اختیار قرار می‌دهد. از محدود پتانسیل‌های فرامنطقه‌ای منطقه علاوه بر پارک سرخه حصار، پهنه میدان امام حسین است. این میدان با توجه به بورسهای فرامنطقه‌ای حاشیه خود

همچون پوشاک و میدان میوه و تره بار شهرستانی از مخاطبان فراوانی در سطح حوزه شرقی شهر تهران برخوردار است. به عنوان آخرین پتانسیل‌ها و عناصر فرامنطقه‌ای می‌توان به عملکردهای منطقه در بخش حمل و نقل شهری و فراشهری اشاره کرد. حضور یکی از خطوط مترو و ایستگاه‌های متعدد آن در حاشیه محور پیروزی امکان تکوین فضاها و کانونهای شهری را در جوار این ایستگاه‌ها فراهم می‌سازد که حداقل از مقیاسی بین منطقه‌ای برخوردار خواهند بود. علاوه بر ایستگاه‌های مترو و فرصتهای ناشی از آن می‌توان به حضور ترمینال مسافربری بین شهری شرق در امتداد محور دماوند اشاره کرد که خود از مهمترین فرصتهای ایجاد یک کانون شهری فرامنطقه‌ای و همچنین افزایش کیفیت فضایی ورودی شرقی تهران است مواردی که پیشتر ذکر شد مروری بود بر عناصر و محورها و کانونهای فرامنطقه‌ای که عمدتاً درحاشیه منطقه قرار گرفته‌اند. شناخت این عوامل و فرصتها و تهدیدهای ناشی از آنها در جهت تدوین سازمان فضایی آتی و همچنین نحوه تأمین ارتباط فضایی آنها با عناصر درون منطقه‌ای ضروری می‌باشد.

### یافته‌های پژوهش

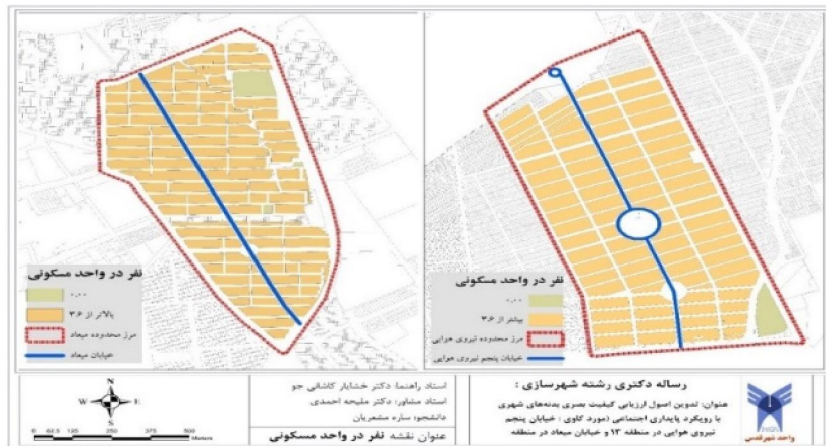
با توجه به مبانی نظری پژوهش که به بیان ابعاد پایداری، پایداری اجتماعی و رویکردهای متجانس و هم ارتباط با آن پرداخته شد، در ادامه به شرح خصوصیات کالبدی محله‌های خیابان پنجم نیروی هوایی منطقه ۱۳ و خیابان میعاد منطقه ۱۹، پرداخته می‌شود و یافته‌های پژوهش به بررسی تأثیر عوامل کالبدی محله‌ها و خیابانها بر روی ابعاد پایداری اجتماعی و تعاملات شهروندان و همچنین نوع فعالیت آنها می‌پردازد چرا که نگاهی جامع‌تر به ابعاد کالبدی جداره‌های شهری خود عاملی مهم و تأثیرگذار بر روی عملکرد و فعالیتهای شهروندان و حس تعلق آنها دارد.

### ویژگی‌های کالبدی محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد

#### نفر در واحد مسکونی:

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نفر در واحد مسکونی کل محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۳,۰۱ نفر در هر واحد مسکونی بوده که با توجه به اینکه بعد خانوار به صورت استاندارد ۳,۶ نفر در هر واحد مسکونی است و چون تعداد نفر در واحد مسکونی از این مقدار پایین تر است لذا می‌توان گفت که در این محدوده میزان شاخص نفر در واحد مسکونی پایین تر از حد معمول می‌باشد. با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان

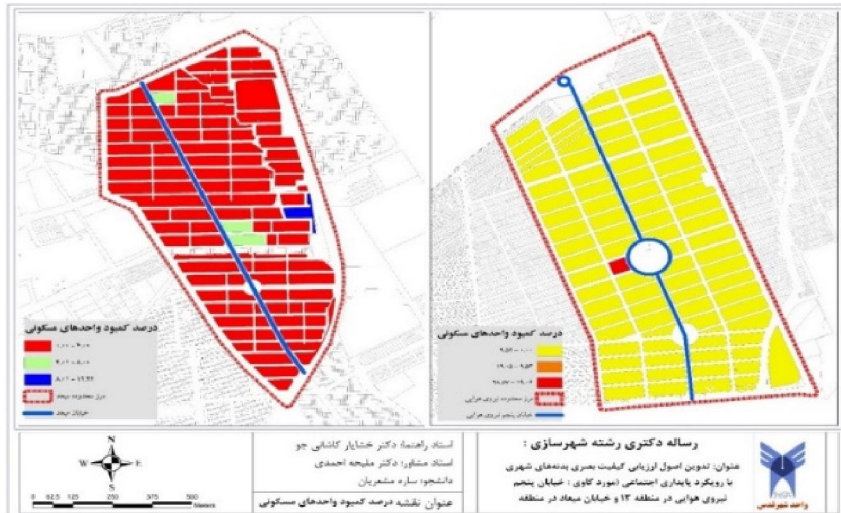
مشاهده نمود نفر در واحد مسکونی لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج بیشتر از ۳,۶ نفر در هر واحد مسکونی قرار دارد این در حالی است که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نفر در واحد مسکونی کل محدوده اطراف خیابان میعاد برابر ۳,۲۲ نفر در هر واحد مسکونی بوده که نکته گفته شده در بالا در ارتباط با پایین بودن این شاخص نسبت به حد معمول خود در این محدوده نیز صدق می‌کند؛ همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود که نفر در واحد مسکونی لبه خیابان میعاد در رنج بیشتر از ۳,۶ نفر در هر واحد مسکونی قرار گرفته است.



نقشه شماره (۱): نفر در واحد مسکونی محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد،  
 ماخذ: نگارنده بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

### کمبود واحدهای مسکونی:

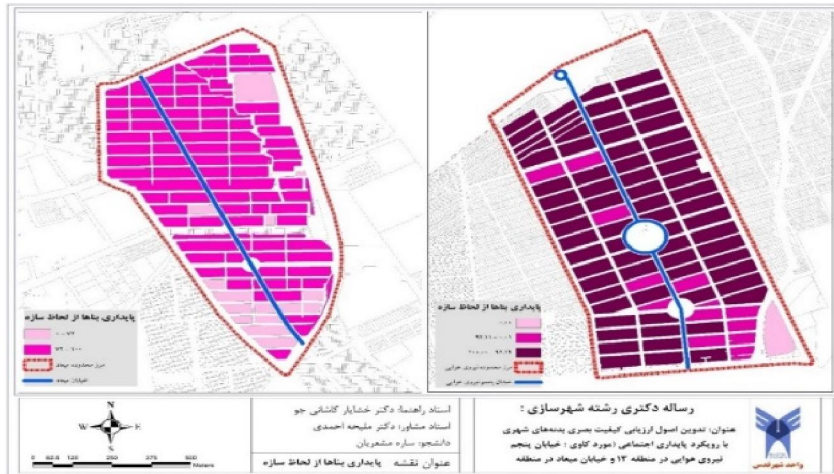
بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد کمبود واحدهای مسکونی کل محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۰,۸ درصد می‌باشد. همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود کمبود واحدهای مسکونی لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج ۰-۹,۵۲ درصد قرار دارد این در حالی است که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد کمبود واحدهای مسکونی کل محدوده اطراف خیابان میعاد برابر ۰,۹۵ درصد بوده همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود درصد کمبود واحدهای مسکونی لبه خیابان میعاد در رنج ۰-۴ درصد قرار گرفته است.



نقشه شماره (۲): نقشه درصد کمبود واحدهای مسکونی محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد، ماخذ: نگارنده بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

## پایداری بناها از لحاظ سازه:

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد پایداری بناها از لحاظ سازه کل محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۹۵,۸۳ درصد می‌باشد. همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود درصد پایداری بناها از لحاظ سازه لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج ۱۰۰-۹۲,۱۲ درصد قرار دارد این در حالی است که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد پایداری بناها از لحاظ سازه کل محدوده اطراف خیابان میعاد برابر ۹۰,۴۳ درصد بوده همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود درصد پایداری بناها از لحاظ سازه لبه خیابان میعاد در رنج ۱۰۰-۷۲ درصد قرار گرفته است. طبق نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت پایداری بناها و واحدهای مسکونی موجود در محدوده‌های اطراف دو خیابان میعاد و پنجم نیروی هوایی بالا می‌باشد.

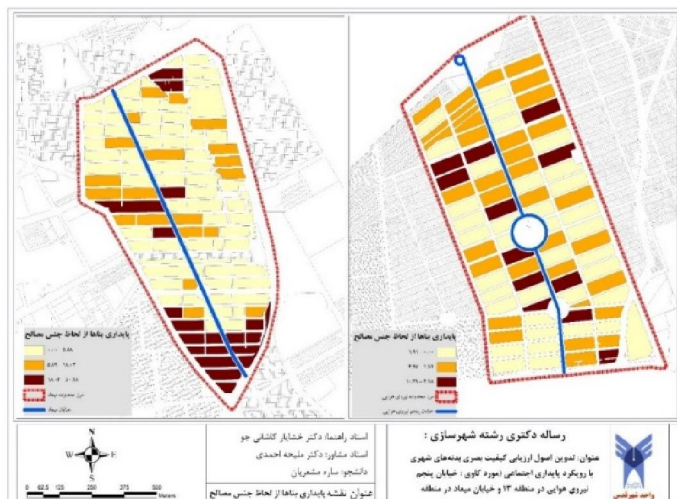


نقشه شماره (۳): نقشه پایداری بناها از لحاظ سازه محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد، مأخذ: نگارنده بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

### پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح:

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح کل محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۸,۷۸ درصد می‌باشد. همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود درصد پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج ۰-۱,۹۱ و تا حدودی در رنج ۴,۹۷-۱,۹۷ درصد قرار دارد این در حالی است که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، درصد پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح کل محدوده اطراف خیابان میعاد برابر ۲,۷۴ درصد بوده همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود درصد پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح لبه خیابان میعاد بیشتر در رنج ۰-۵,۸۸ درصد قرار گرفته است.

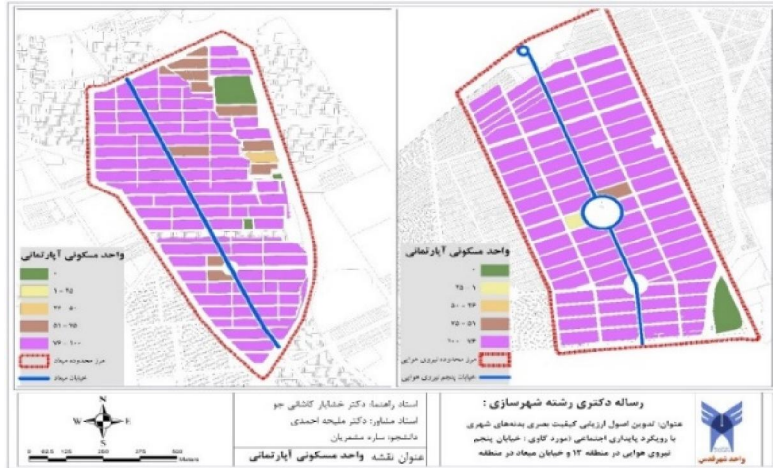




نقشه شماره (۴): نقشه پایداری بناها از لحاظ جنس مصالح محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد، ماخذ: نگارنده بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

### نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی:

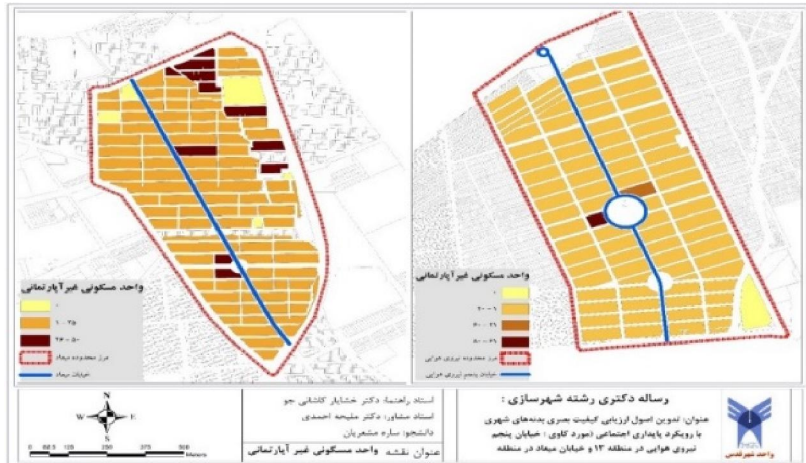
بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۹۳,۳۰ درصد می‌باشد. همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج ۷۶-۱۰۰ درصد قرار دارد همچنین بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی به کل واحدهای مسکونی کل محدوده اطراف خیابان میعاد برابر ۸۶,۵۶ درصد بوده همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی به کل واحدهای مسکونی لبه خیابان میعاد بیشتر در رنج ۷۶-۱۰۰ درصد قرار گرفته است.



نقشه شماره (۵): نقشه نسبت واحدهای مسکونی آپارتمانی محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و میعاد، ماخذ: نگارنده بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

### نسبت واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی:

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نسبت واحدهای مسکونی غیرآپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی محدوده اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی برابر با ۶,۶۹ درصد می‌باشد. همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود نسبت واحدهای مسکونی غیرآپارتمانی به کلیه واحدهای مسکونی لبه خیابان پنجم نیروی هوایی در رنج ۱-۲۰ درصد قرار دارد همچنین بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، نسبت واحدهای مسکونی غیرآپارتمانی به کل واحدهای مسکونی کل محدوده اطراف میعاد برابر ۱۳,۴۳ درصد بوده همچنین با توجه به نقشه تهیه شده می‌توان مشاهده نمود نسبت واحدهای مسکونی غیرآپارتمانی به کل واحدهای مسکونی لبه خیابان میعاد بیشتر در رنج ۱-۲۵ درصد قرار گرفته است.



نقشه شماره (۶): نقشه نسبت واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی محدوده‌های اطراف خیابان پنجم نیروی هوایی و خیابان میعاد، ماخذ: نگارنده بر اساس آمار سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵

## نتیجه‌گیری

سبک زندگی جدید، شهرنشینی و انتقال جمعیت به شهرها، موجب اهمیت بدنه‌های شهری و تأثیرات حاصل از آن شده است. مناظر شهری همواره جنبه‌های عینی و یا قابل درک هستند. بدنه شهرها از جمله عناصر خرد منظر هستند که نماینده یک بنا یا فضا به حساب می‌آیند و همواره در ذهن‌ها باقی می‌مانند. دیدگاه مردم نسبت به محیط و منظر یکی از وجوه اصلی تفسیر از محیط و منظر می‌باشد.

در گذشته‌های نه چندان دور، ساختمان‌ها، نه تنها از جنبه انفرادی و معطوف به خود، زیبا، شکیل و مطابق با اصول زیباشناختی بصری طراحی می‌شدند، بلکه در کمال احترام به بناهای پیرامونی، در زمینه طرح جای می‌گرفتند. این در حالی است که منظر شهرهای امروز ایران بی‌نظم، آشفته و نابسامان است و این موضوع، ناشی از هم‌نشینی ناهمگون و نامتجانس کالبد (فرم، شکل، نما)، فعالیت و فضا (اتفاقات درون شهر) در مقیاسی کلی و در مقیاس‌های خردتر، ناشی از عدم هماهنگی و تناسب در ترکیب عناصر (اجزا و ارکان) بناهایی است که در کنار یکدیگر شکل گرفته‌اند و به نمای شهری شکل داده‌اند. فراموشی جداره و نمای ساختمان‌ها و شهر به‌عنوان عضوی از منظر بصری شهر، تلقی و طراحی جداره خارجی ساختمان به‌عنوان سطح صاف و یکدست به همراه برخی الحاقات تزئینی، نادیده گرفتن و عدم شناخت عناصر تشکیل‌دهنده آن و غیره از دلایل ظهور مسأله مذکور است. عناصر و اجزایی که با نادیده گرفتنشان، کیفیت بصری و زیباشناسانه جداره‌ها و نادیده گرفتن مباحث اجتماعی بویژه رویکرد پایداری اجتماعی در کیفیت جداره‌ها و بدنه‌های شهری از بین رفته است.

## منابع و مآخذ:

۱. مختاریپور، ا. باباحیدریان س. و مصلح آبادی ف. ۱۳۹۵. نما در سیمای شهر (بارویکردی برمبانی نظری و ضوابط). تهران: هنر معماری قرن.
۲. روستا، م. ۱۳۹۳. بررسی میزان تأثیر شاخص‌های مکانی بر ارتقاء پایداری اجتماعی در بافت‌های فرسوده، مقایسه دیدگاه مردم و کارشناسان، نشریه اینترنتی نوسازی.
۳. حسینی، ه و علی آبادی، ک ؛ حمیدیان، ع ۱۳۹۴. تحلیلی بر ارزیابی کیفیت پایداری اجتماعی در نواحی دو و سه شهر سبزوار، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه ای، شماره ۱۴: ۴۷-۷۰.
۴. توسلی، م. ۱۳۷۶، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۵. سازمان زیباسازی شهر تهران. ۱۳۹۲. نماها و جداره‌های شهری. تهران: نشر هنر معماری قرن.
۶. طباطبایی، م. ۱۳۹۰. جداره‌های شهری و نقش آنها در فضای شهری (معیارهای ناماسازی در فضای شهری). تهران: انتشارات آرمانشهر
۷. رفیعیانی خاچک، پ، محمدزاده، م ،و میرکریمی، ح. (۱۳۹۳). ارزیابی بصری کیفیت منظرها بر اساس رهیافت ادراکی، الگویی برای مدیریت مطلوب‌تر مناطق طبیعی تفرجی (مطالعه موردی: مسیرهای پیاده‌روی حوضه آبخیز زیارت گرگان). پژوهش‌های محیط زیست. ۱۴-۳، ۵(۹).
۸. راغبیان هنزایی، ف، سرائی، م، المدرسی ع (۱۴۰۲)، "سنجش پایداری اجتماعی محلات شهر یزد"، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۶۰، دوره ۱۶، ص ۱۱۵.
۹. پاکزاد، ج (۱۳۹۷)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، ناشران: وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری، شهیدی، تهران، چاپ نهم، ص ۴۷۲.
۱۰. شولتز، کریستیان ن، (۱۳۹۱)، " معماری: حضور، زبان و مکان"، علیرضا سیداحمدیان (مترجم)، ناشر: نیلوفر، ص: ۴۰۲
۱۱. قلمبر دزفولی، م و نقی زاده، م (۱۳۹۲) "طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی، مطالعه موردی: بلوار بین محله ای"، هویت شهر، شماره ۱۷، سال هشتم، ۲۴-۱۵.
۱۲. صرافی، م و محمدیان مصمم، ح (۱۳۹۲)، "امکانسنجی پیاده راه‌سازی خیابانهای مرکز شهر همدان"، مجله آمایش محیط، شماره ۲۱، صص ۱۳۸-۱۱۱.

۱۳. تیبالدز، ف، (۱۳۹۳)، " شهرهای انسان محور: بهبود محیط شهری در شهرهای بزرگ و کوچک"، حسن علی لقای (مترجم)، فیروزه جدلی (مترجم)، ناشر: دانشگاه تهران، تعداد صفحه: ۱۱۴.
۱۴. وارثی، ح، بابانصب، ر و صدیق اسلامی پ (۱۳۸۸)، بررسی نقش و ضرورت شهرداری الکترونیکی در توسعه پایدار شهری، تهران، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۹۷.
۱۵. رهنمایی، م و پورموسوی م (۱۳۸۵)، بررسی ناپایداری‌های امنیتی کلان‌شهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، تهران: پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷.
۱۶. پاکزاد، ج (۱۳۹۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ هشتم، انتشارات شهیدی، تهران، ص ۲۳۶.
۱۷. لینچ، ک (۱۳۹۵)، "تئوری شکل خوب شهر"، مترجم: سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ص ۷۰۰.
۱۸. رفیعیان، م، عسگری زاده ز، فرزاد م (۱۳۹۲)، " مطلوبیت سنجی محیط‌های شهری: نگرشی تحلیلی در سنجش کیفیت محیط شهری، رویکردها، شاخص‌ها، روش‌ها"، ناشر: شهر تهران (وابسته به سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران)، ص ۳۲۸.
۱۹. رستمی، م و ملک حسینی، ع (۱۴۰۲)، " بررسی اثرات برنامه‌های محرومیت‌زدایی در ارتقاء پایداری اجتماعی و اقتصادی در شهرستان قلعه‌گنج، پایلوت اقتصاد مقاومتی کشور"، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۶۰، دوره ۱۶، صص ۱۶۲-۱۳۷.
۲۰. لشکری ا و خلج م (۱۳۹۳)، " سنجش کیفیت محیط شهری با رویکرد مکان محور"، ناشر: گنج هنر، چاپ اول، صص ۱۶۰.
۲۱. فرجی، س. حامی، احمد. امامی ف (۱۴۰۰) "ارزیابی شاخص‌های کیفیت منظر عمومی شهری"، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۵۵، دوره ۱۴، صص ۸۰-۶۱
22. Ancell, S., and M. Thompson-Fawcett. (2008). The social sustainability of medium density housing: A conceptual model and Christchurch case study. *Housing Studies* 23 (3):423-442.
23. Carmona, M. Et al. (2012). *Public Places - Urban Spaces: the Dimensions of Urban Design*. Tehran: University of Art publication.
24. Colantonio, Andrea. (2009). *Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice*. Oxford : Oxford Brookes University.
25. City Council of the City of Boulder , (2007) *City of Boulder social sustainability strategic plan*, Department of Housing and Human services, p:10.

26. Dempsey, N. Brown. C. Bramely. G,. (2012), The key to Sustainable Urban Development in UK Cities? The influence of density on social sustainability, Volume77, Progress in planning, N77: 89-141, [www.elsevier.com/locate/pplann](http://www.elsevier.com/locate/pplann) .
27. Glasson, J. and G. Wood (2009) "Urban regeneration and impact assessment for social sustainability." *Impact Assessment and Project Appraisal* 11(4): 283.
28. Littig, B. and E. Griessler (2005) "Social Sustainability: a Catchword between Political Pragmatism and Social Theory." *International Journal of Sustainable Development* 8(1): 65-79.
29. Kagan, S., Hauerwaas, A., Holz, V., Wedler, P. (2017). Culture in sustainable urban development: Practices and policies for spaces of possibility and institutional innovations. *Cities* Vol: , pp:1- 14.
30. Rosaa, D., Takatori,C., Shimizu, H., Privitera, R. (2018). A planning framework to evaluate demands and preferences by different social groups for accessibility to urban greenspaces. *Journal of Sustainable Cities and Society*. Vol: 36, pp: 346–362.
31. Shi, Y. Xiang, S. Xuedong, Z. (2012). "Characterizing growth types and analyzing growth density distribution in response to urban growth patterns in periurban areas of Lianyungang City". *Journal of Landscape and Urban Planning*.
32. Sonne, W. (2009). Dwelling in the metropolis: Reformed urban blocks 1890–1940 as a model for the sustainable compact city. *Journal of Progress in Planning*. Vol: 72, pp: 53–149.
33. Shaery, A. (2017). Embedding the Dimensions of Sustainability into City Information Modelling. *The journal of World Academy of Science, Engineering and Technology*. *International Journal of Civil and Environmental Engineering*. Vol: 11. No:4, pp: 1- 6.
34. Saches, I, (1999) social sustainability and whole development:exploring the dimensions of sustainable development, Zed Books, Londo, p: 27.

## سنجش کالبدی فضاهای عمومی به منظور افزایش امنیت شهری در راستای محیط زیست

### پایدار با رویکرد CPTED

#### (مطالعه موردی: محلات کارآمد و ناکارآمد شهر ساری)

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۱/۰۱/۰۶ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۴/۰۷

صدرالدین متولی\* (دانشیار گروه جغرافیا، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران)

#### چکیده:

افراد در فضای زندگی روزمره خود ممکن است با رفتارهایی روبه‌رو شوند که باعث عدم احساس امنیت آنها در این فضاها باشد که در طی آن باعث می‌شود تا شهر از پایداری در ابعاد مختلف از جمله پایداری زیست محیطی فاصله گیرد. هدف پژوهش ایمن‌سازی فضاهای عمومی شهر ساری در راستای پایداری محیط زیست است که از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت توصیفی - تحلیلی و میدانی که با روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و ابزاری فیش، نمودار، کارت مشاهده، پرسشنامه و غیره که با روش نمونه‌گیری تصادفی اطلاعات جمع‌آوری گردید. پرسشنامه تنظیم شده تحقیق بین ۳۸۴ نفر از شهروندان و متخصصان امور شهری در محلات کارآمد (۱۹۲) و محلات ناکارآمد (۱۹۲) تقسیم و پس از جمع‌آوری، داده‌های حاصله در نرم‌افزار SPSS مورد پردازش قرار گرفت که با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای و همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت گرفت. یافته‌ها نشان داده است که مقدار T برای محلات کارآمد به لحاظ کیفیت محیط زیست شهری (۱۰,۶۴۸) و پاکیزگی محیطی (۵,۴۴۱) مناسب‌تر و مطلوب‌تر از محلات ناکارآمد (۱۶,۲۸۲-) و (۲,۱۴۵-) بوده است و همچنین ضریب همبستگی پیرسون در محلات کارآمد برای مؤلفه‌های پاکیزگی محیطی (۰,۵۰۴) و کیفیت محیط زیست شهری (۰,۱۵۷) و در محلات ناکارآمد به ترتیب (۰,۳۲۶) و (۰,۴۵۸) بوده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که وضعیت مؤلفه‌های کالبدی در محلات کارآمد و ناکارآمد شهر ساری در وضعیت نامطلوبی قرار داشته و با کیفیت مدنظر فاصله بسیاری دارد.

**واژه‌های کلیدی:** سنجش کالبدی، محیط زیست پایدار، امنیت شهری، محلات کارآمد و ناکارآمد، شهر ساری.

## مقدمه

در هزاره سوم، محیط زیست مفهوم دیگری پیدا کرده و دیگر نمی‌توان با الگوها و مدل‌های قدیمی آن را تبیین کرد. محیط زیست، امروز ارتباط تنگاتنگی با ابعاد مختلفی چون کالبدی-زیرساختی، اجتماعی-فرهنگ، اقتصادی، مدیریتی-نهادی دارد (حسینی سنگنو، ۱۴۰۱: ۲۰-۱). در این صورت وقتی از محیط زیست سخن به میان می‌آید مختص آلودگی‌ها یا حیات وحش نیست، بلکه شامل تمام جلوه‌ها و جنبه‌هایی است که به نوعی زندگی انسان‌ها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. این روند تا آن حد پیش رفته که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته برنامه‌ریزی محیط زیست در چارچوب برنامه‌ریزی کشوری مطرح می‌شود (مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵) که در این صورت پایداری را به دنبال خواهد داشت.

در رابطه با ابعاد مختلف پایداری این مسئله وجود دارد که افزایش جمعیت، رشد اقتصاد، فعالیت‌های صنعتی و پیشرفت‌های حاصل از فن‌آوری‌ها موجب شده تا بشر جهت رفع نیازهای بی‌انتهای خود اقدام به تغییرات کالبدی، تخریب طبیعت و تغییر نوع پوشش طبیعی نماید (روستا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۳). به همین دلیل الگوی نامناسب استفاده از سرزمین و تغییرات شدید آن منجر به پیدایش بحران‌های زیست محیطی شده است (میردیلمی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۸). به همین منظور توجه به آمایش سرزمین جهت پیشگیری از بحران‌های محیط زیست و همچنین استفاده صحیح و پایدار از تمامی امکانات و فضاهای کالبدی سرزمین می‌تواند یکی از موضوعات جدی باشد که توجه دولت‌ها و بخصوص سازمان مدیریت و حفاظت از محیط زیست را جلب نماید (متولی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۶-۱).

یکی از عوامل اثرگذار در توسعه پایداری شهری امنیت شهری است. عوامل اجتماعی مانند فقر، بیکاری، ناهماهنگی اجتماعی، میزان بالای جمعیت جوان باعث ایجاد محیطی مستعد و در معرض جرم و ناهنجاری رفتاری می‌شود، بدین ترتیب تنها فاکتورهای اجتماعی از عوامل تعیین‌کننده جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی نیستند، بلکه طرح و کالبد فیزیکی فضا، نقش مهمی در توسعه یا پیشگیری از جرم و ناهنجاری دارد (زارع و صفری، ۱۳۹۸: ۵۹). مقوله امنیت شهری از آن جهت اهمیتی مضاعف دارد که با نگاهی به رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهرنشینی که اختلاط و در هم آمیزی بیشتر انسان‌ها را در ساختار شهر به همراه دارد، دریافت می‌شود که این مقوله ارتباط و پیوستگی نزدیکی با امنیت ملی و انسجام و همبستگی اقشار یک اجتماع در برابر تهدیدهای درونی و بیرونی در حال شکل‌گیری نسبت به آن سیستم دارد (آذر می و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). مردم در فضاهای شهری با انواع مخاطرات محیطی چون آلودگی هوا و آب و خاک، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌ها و... روبه‌رو هستند (Milliken, 2016: 71). از اینرو زوجین در کتاب فرهنگ شهرها می‌گوید: فضاهای شهری به



اندازه کافی برای مردم امن نیستند، تا آنها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند (ایزدی و محمدی، ۱۳۹۴: ۱۳). از آنجایی که فضاهای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی دارند می‌تواند نقش بسزایی در هویت بخشی و دادن احساس آرامش شهروندان داشته باشند عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... امنیت را در مناطق مختلف با تغییراتی مواجه کرده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۲). فرآیند شکل‌گیری این درهم تنیدگی‌ها، کلانشهرها را با افزایش بی‌سابقه ناامنی مواجه ساخته است (اقبالی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). این مسئله از نظر اجتماعی، فرهنگی، روانی، اقتصادی و سیاسی مخاطره آمیز بوده و هزینه‌های معنوی و مادی فراوانی را بر دوش جامعه خواهد گذاشت (Foster et al, 2014: 87). آنچه که بر اهمیت این نوشتار می‌افزاید، آن است که پیشگیری کردن از وقوع جرایم، مقدم بر تمام اقداماتی است که دولت و دستگاه‌های قضایی و انتظامی کشور طی سلسله اقداماتی بر هزینه انجام می‌دهند، تا فرد مجرم را بعد از ارتکاب جرم، اصلاح و تربیت یا مجازات و تعزیر و یا تبعید کنند.

توجه به مفهوم امنیت شهروندان و روش‌های ارتقاء آن، به عنوان یکی از اولویت‌های اساسی حرفه‌مندان و نورپردازی شهری تبدیل شده است (کلانتری خلیل‌آباد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷). در کتاب مرگ و زندگی شهرهای آمریکایی جیکوبز به عنوان اولین نظریه‌پرداز در حوزه امنیت معرفی می‌شود (درودی و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۵۲). وی با متمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی، چشم‌های نظاره‌گر را ضروری دانسته تا با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند امنیت شهری را ارتقاء دهد و همچنین نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پرخشونت درباره تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی ارائه می‌دهد (لطفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۳). از جمله ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد (Siegner et al, 2018: 65). معیارهای شناخت و تحلیل امنیت در پهنه شهر بسیار متفاوت است و با توجه به مؤلفه‌های کالبدی، کارکردی و محیطی نوسان پیدا می‌کند (Armanda et al, 2019: 15). محیط‌های شهری بنا به شرایط اجتماعی موجود، یعنی شکل‌گیری فضاها، کارکرد فضاها، وجود امکانات رفاهی، تراکم، آلودگی‌های زیست محیطی و... می‌توانند بر میزان امنیت مؤثر باشند (عزیززاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۳).

با توجه به مفاهیم بالا می‌توان اظهار داشت که فضاهای کالبدی یکی از ارکان‌های مهم زیست محیطی در محیط شهری بوده و محیط زیست شهری نیز، جزء لاینفک توسعه پایدار است. از اینرو مطالعه آن در راستای نیل به هدف اصلی این تحقیق که بهبود امنیت شهروندان

در راستای پایداری محیط زیست شهری با سنجش کالبدی فضاهای عمومی می‌باشد ضرورت پیدا می‌کند.

رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری از موارد فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص امری ضروری است (Yu et al, 2021: 2167). ایجاد فضاهای آرام و به دور از نابسامانی اجتماعی و نیز افزایش کیفیت محیطی از طریق توجه به نیازهای اساسی زندگی شهری به عنوان مطلوبیت فضای شهری به حساب می‌آید (سلطانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹). در بسیاری از موارد نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاص به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده منجر می‌گردد که فضاها امن یا بالعکس ناامن کردند (داوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۶-۱). جدای از اثرات اجتماعی و فرهنگی ناشی از برنامه‌ریزی و طراحی، محیط‌های امن شهری بر الگوهای رفتار شهروندی و بهبود کیفیت محیطی فضاهای شهری، کاهش جرایم شهری و کاستن وقوع جرم، موضوع مستقل بااهمیتی است (پاک‌نژاد، ۱۳۹۸: ۲).

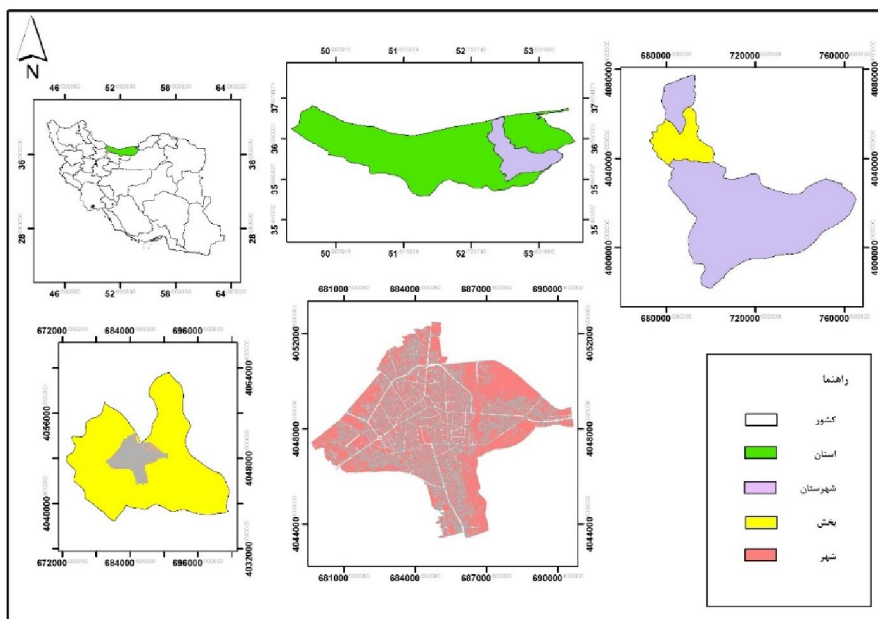
حسب بررسی اولیه، فضاهای شهر ساری بویژه در محلات کارآمد و ناکارآمد به دلیل ویژگی‌های خاص خودش به نحوی محرک بروز جرم می‌باشند. شهر ساری روز به روز در حال گسترش می‌باشد، گسترش بیش از حد آن و کمبود فضاهای عمومی شهری مناسب، ازدحام و ترافیک زیاد جمعیت و فعالیت‌ها را در فضاهای عمومی بیش از پیش با مشکل مواجه نموده است و در سالهای اخیر فرآیند شکل‌گیری این درهم تنیدگی‌های محدوده مورد مطالعه را با افزایش بی‌سابقه ناامنی مواجه ساخته است لذا ضرورت تشخیص داده شد تا موضوع حاضر در شهر ساری در راستای ایجاد آینده‌ای بهتر برای شهروندان مورد مطالعه قرار بگیرد. لذا بررسی تطبیقی محلات کارآمد و ناکارآمد در شهر ساری به لحاظ سنجش کالبدی فضاهای عمومی به منظور افزایش امنیت شهری در راستای محیط زیست پایدار با رویکرد CPTED از نوآوری‌های پژوهش حاضر می‌باشد.

### معرفی محدوده پژوهش

محدوده مورد مطالعه شهر ساری واقع در شهرستان ساری در استان مازندران در شمال ایران است. شهر ساری بعنوان مرکز استان مازندران قرار بوده که یکی از بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهرهای استان مازندران می‌باشد که نقطه مرکزی آن در طول جغرافیایی ۵۳ درجه و ۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۳۶ درجه و ۴ دقیقه از شرق واقع شده است. مساحت شهر ساری برابر با ۳۵ کیلومترمربع و جمعیت آن براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر ۳۰۹۸۲۰ نفر می‌باشد.

برای پژوهش حاضر، محلات کارآمد و ناکارآمد شهر ساری به عنوان نمونه مطالعاتی در نظر گرفته شده است که میزان کارآمد بودن این محلات بر اساس سنجش متغیرهای کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی بر مبنای مشاهدات میدانی پژوهشگر و نیز بررسی وضعیت موجود محلات و استفاده از نظرات مسئولان و متخصصان شهری مرتبط با موضوع پژوهش مشخص شده است.

در نقشه شماره ۱، موقعیت شهر ساری نشان داده شده است.



نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی شهر ساری (منبع نگارنده، ۱۴۰۰)

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - تحلیلی و میدانی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات، از روشهای کتابخانه‌ای و میدانی و ابزاری چون فیش، جدول، نمودار، نقشه‌های توپوگرافی و کاربری اراضی، کارت مشاهده و پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شهروندان شهر ساری بوده که با محاسبه حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، به تعداد ۳۸۴ پرسشنامه در میان ساکنین محلات کارآمد و ناکارآمد شهر ساری به صورت تصادفی توزیع گردیده است. به منظور تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش، داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS شده سپس با استفاده از آزمون‌های آماری  $t$  تک نمونه‌ای و ضریب همبستگی

پیرسون تجزیه و تحلیل صورت گرفته است. در جمع‌آوری اطلاعات از دو سری متغیر کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی به ترتیب با ۸ و ۷ مورد سنجه به شرح جدول شماره ۱ استفاده شده است.

جدول ۱- متغیرهای کالبدی پژوهش در راستای فضاهای عمومی امن در راستای کاهش ناهنجاری‌های

اجتماعی با رویکرد CPTED

متغیر	سنجه	متغیر	سنجه
کیفیت محیط زیست شهری	عدم شکاف برای مخفی شدن	پاکیزگی محیطی	وجود زباله‌های رها شده در فضا
	کیفیت ساختمان‌ها		وجود سطل‌های زباله
	عدم وجود زمین‌ها و مکان‌های متروک		رضایتمندی از جمع‌آوری به موقع زباله
	مکان‌های مناسب برای بازی کودکان		آلودگی صوتی ناشی از عبور افراد و وسایل نقلیه
	تعداد نیمکت‌ها		میزان استهلاک زیرساخت‌های شهری
	عدم ریزدانی سطوح زیرینا		مزاحمت ناشی از جمع‌آوری آب‌های سطحی
	فرسودگی کالبدی		نظارت بر کنترل آلودگی‌های محیطی
	نوع فضا		

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

### یافته‌های پژوهش

محلات ناکارآمد در شهر ساری، بیشتر از لحاظ فرسودگی کالبدی و فعالیتی در مرکز شهر ساری قرار دارند که تراکم جمعیتی در این محلات بالا بوده و توان کالبدی و زیرساختی این محلات، جوابگوی کامل جمعیت پذیرنده در آن را ندارد. از طرفی دیگر محلات کارآمد بیشتر در نواحی میانی و حاشیه‌ای شهر ساری موردنظر پژوهش حاضر است که نسبت به محلات ناکارآمد، از لحاظ کالبدی، زیرساختی و سایر ابعاد در راستای امنیت شهری، قابل سکونت و فعالیت می‌باشند.

براساس دو متغیر کیفیت زیست محیطی و پاکیزگی محیطی و سنجه‌های هریک پرسشنامه تنظیم و ۳۸۴ مورد در بین شهروندان در بین ساکنین محله‌های کارآمد (۱۹۲ مورد) و ناکارآمد (۱۹۲ مورد) شهر ساری توزیع شده که نتایج آن در ذیل بیان می‌گردد.

### کیفیت محیط زیست شهری

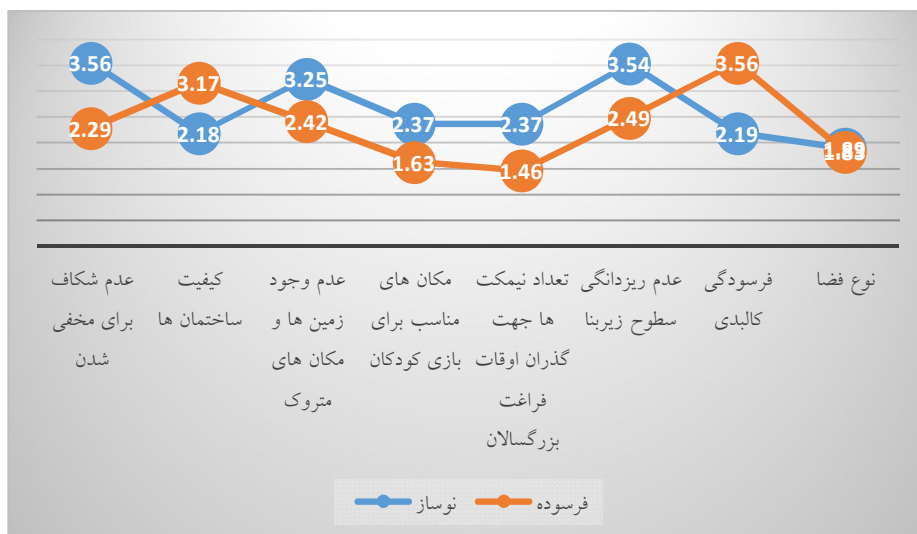
از میان هشت سنجهای که نشان‌دهنده کیفیت محیط زیست در محله می‌باشند، سه سنجه عدم شکاف برای مخفی شدن (۳,۵۶)، عدم وجود زمین‌ها و مکان‌های متروک (۳,۲۵) و عدم ریزدانگی سطوح زیربنا (۳,۵۴)، بالاتر از مقدار متوسط و کیفیت ساختمان‌ها (۲,۱۸)، مکان‌های مناسب برای بازی کودکان (۲,۳۷)، تعداد نیمکت‌ها (۲,۳۷)، فرسودگی کالبدی (۲,۱۹) و نوع فضا (۱,۸۹) پایین‌تر از مقدار متوسط در محله کارآمد قرار دارند، در حالی که در محله ناکارآمد سنجه‌های کیفیت ساختمان‌ها (۳,۱۷)، فرسودگی کالبدی (۳,۵۶) بالاتر از مقدار متوسط و بقیه سنجه‌ها یعنی عدم شکاف برای مخفی شدن (۲,۲۹)، عدم وجود زمین‌ها و مکان‌های متروک (۲,۴۲)، مکان‌های مناسب برای بازی کودکان (۱,۶۳)، تعداد نیمکت‌ها (۱,۴۶)، عدم ریزدانگی سطوح زیربنا (۲,۴۹) و نوع فضا (۱,۸۳) پایین‌تر از مقدار متوسط می‌باشند. (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱)

جدول ۲- داده‌های آماری در مورد سنجه‌های مربوط به کیفیت محیط زیست شهری

خطای استاندارد از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نوع محله	سنجه‌های کیفیت محیط زیست شهری
۰,۰۴	۰,۴۴	۳,۵۸	۱۹۲	کارآمد	کیفیت محیط زیست شهری
۰,۰۴	۰,۴۴	۲,۳۶	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۹	۱,۰۴	۳,۵۶	۱۹۲	کارآمد	عدم شکاف برای مخفی شدن
۰,۱۲	۱,۳۲	۲,۲۹	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۹	۱,۰۹	۲,۱۸	۱۹۲	کارآمد	کیفیت ساختمان‌ها
۰,۱۰	۱,۱۷	۳,۱۷	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۱	۱,۱۸	۳,۲۵	۱۹۲	کارآمد	عدم وجود زمین‌ها و مکان‌های متروک
۰,۰۸	۰,۸۹	۲,۴۲	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۲	۱,۳۹	۲,۳۷	۱۹۲	کارآمد	مکان‌های مناسب برای بازی کودکان
۰,۰۸	۰,۹۴	۱,۶۳	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۲	۱,۳۹	۲,۳۷	۱۹۲	کارآمد	تعداد نیمکت‌ها
۰,۰۸	۰,۸۶	۱,۴۶	۱۹۲	ناکارآمد	

۰,۱۲	۱,۳۷	۳,۵۴	۱۹۲	کارآمد	عدم ریزدانی سطوح زیربنا
۰,۰۹	۱,۱۱	۲,۴۹	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۸	۰,۹۲	۲,۱۹	۱۹۲	کارآمد	فرسودگی کالبدی
۰,۰۹	۱,۰۳	۳,۵۶	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۷	۰,۷۹	۱,۸۹	۱۹۲	کارآمد	نوع فضا
۰,۰۸	۰,۹۴	۱,۸۳	۱۹۲	ناکارآمد	

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)



نمودار ۱- وضعیت سنجه‌های مرتبط با کیفیت محیط زیست شهری (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

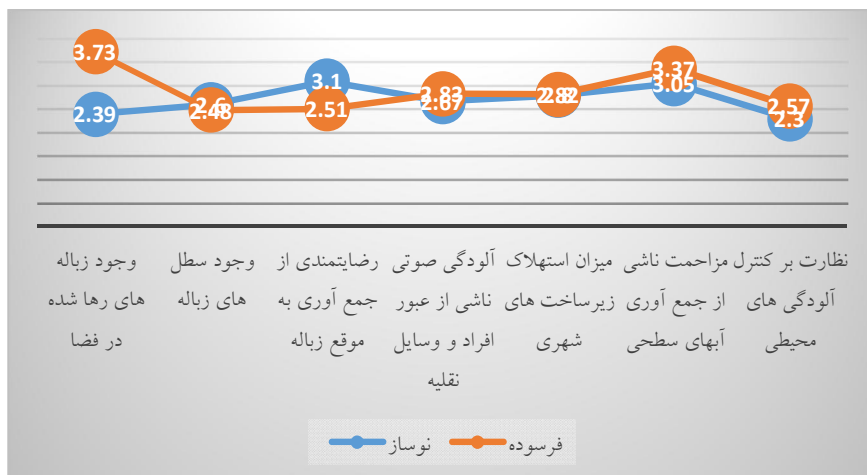
## پاکیزگی محیطی

مطابق با جدول شماره ۳ سنجه‌های رضایتمندی از جمع‌آوری به موقع زباله (۳,۱۰) و مزاحمت ناشی از جمع‌آوری آب‌های سطحی (۳,۰۵) در محله کارآمد بالاتر از حد متوسط و بقیه سنجه‌ها یعنی وجود زباله‌های رها شده در فضا (۲,۳۹)، وجود سطوح زباله (۲,۶۰)، آلودگی صوتی ناشی از عبور افراد و وسایل نقلیه (۲,۶۷)، میزان استهلاک زیرساخت‌های شهری (۲,۸۰) و نظارت بر کنترل آلودگی‌های محیطی (۲,۳۰) در محله کارآمد پایین‌تر از حد متوسط می‌باشند. در حالی که در محله ناکارآمد، سنجه‌های وجود زباله‌های رها شده در فضا (۳,۷۳) و مزاحمت ناشی از جمع‌آوری آب‌های سطحی (۳,۳۷) بالاتر از حد متوسط و سنجه‌های دیگر در این محله پایین‌تر از حد متوسط می‌باشند. (جدول شماره ۳ و نمودار شماره ۲)

جدول ۳- داده‌های آماری در مورد سنجه‌های مربوط به پاکیزگی محیطی

خطای استاندارد از میانگین	انحراف معیار	میانگین	تعداد	نوع محله	سنجه‌های پاکیزگی محیطی
۰,۰۵	۰,۶۲	۳,۷۰	۱۹۲	کارآمد	پاکیزگی محیطی
۰,۰۵	۰,۵۳	۲,۸۹	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۰	۱,۱۳	۲,۳۹	۱۹۲	کارآمد	وجود زباله‌های رها شده در فضا
۰,۱۰	۱,۱۵	۳,۷۳	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۰	۱,۱۳	۲,۶۰	۱۹۲	کارآمد	وجود سطل‌های زباله
۰,۱۰	۱,۱۴	۲,۴۸	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۹	۱,۰۵	۳,۱۰	۱۹۲	کارآمد	رضایتمندی از جمع‌آوری به موقع زباله
۰,۰۹	۱,۰۱	۲,۵۱	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۱	۱,۲۶	۲,۶۷	۱۹۲	کارآمد	آلودگی صوتی ناشی از عبور افراد و وسایل نقلیه
۰,۱۲	۱,۳۷	۲,۸۳	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۹	۱,۰۷	۲,۸۰	۱۹۲	کارآمد	میزان استهلاک زیرساخت‌های شهری
۰,۱۰	۱,۱۳	۲,۸۲	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۱۵	۱,۶۷	۳,۰۵	۱۹۲	کارآمد	مزاحمت ناشی از جمع- آوری آب‌های سطحی
۰,۱۲	۱,۳۸	۳,۳۷	۱۹۲	ناکارآمد	
۰,۰۹	۱,۰۷	۲,۳۰	۱۹۲	کارآمد	نظارت بر کنترل آلودگی- های محیطی
۰,۰۹	۱,۰۹	۲,۵۷	۱۹۲	ناکارآمد	

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)



نمودار ۲- وضعیت سنجه‌های مرتبط با پاکیزگی محیطی (منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

### ارزیابی کیفیت معیارها با استفاده از آزمون T تک نمونه‌ای

طبق جدول شماره ۴، نتایج آزمون t تک نمونه‌ای در مورد معیارهای افزایش امنیت شهری نشان‌دهنده این است که:

در محله کارآمد هر دو مؤلفه مورد بررسی در زمینه میزان امنیت شهری، یعنی کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی با مقادیر بالاتر از میانه نظری خود قرار دارند، همچنین سطح معناداری محاسبه شده در ناحیه آلفا برابر با (۰,۰۰۰) می‌باشد، بنابراین می‌توان ادعا نمود که وضعیت معیار کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی در محلات کارآمد در سطح مناسبی قرار دارد. اما در محلات ناکارآمد اوضاع کاملاً برعکس محلات کارآمد می‌باشد به طوری که هر دو مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی به ترتیب با میانگین (۲,۳۶)، (۲,۸۹)، از میانه نظری پایین‌تر بوده است، از آنجایی که سطح معناداری برابر با (۰,۰۰۰) می‌باشد به این ترتیب معیارهای کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی در محلات ناکارآمد دارای وضعیت مناسبی نمی‌باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون T تک نمونه‌ای مرتبط با مؤلفه‌های افزایش امنیت شهری

مؤلفه‌ها ی افزایش امنیت شهری	نوع محله	تعداد نمونه د	میانگی ن	ارزش T (میان نظری )	درجه آزاد ی	انحراف معیار	خطای استاندار داز میانگین	مقدار T	سطح معنادار P- ی value	نتیجه آزمون ن
کیفیت محیط زیست شهری	کارآمد	۱۹۲	۳,۵۸	۳	۱۹۱	۰,۴۸	۰,۴۳	۱۰,۶۴ ۸	۰,۰۰۰	H <sub>0</sub> رد
	ناکارآمد	۱۹۲	۲,۳۶	۳	۱۹۱	۰,۴۴	۰,۴۰	۱۶,۲۸ - ۲	۰,۰۰۰	H <sub>0</sub> تأیید
پاکیزگی محیطی	کارآمد	۱۹۲	۳,۷۰	۳	۱۹۱	۰,۶۲	۰,۵۵	۵,۴۴۱	۰,۰۰۰	H <sub>0</sub> رد
	ناکارآمد	۱۹۲	۲,۹۰	۳	۱۹۱	۰,۵۳	۰,۴۷	۲,۱۴۵ -	۰,۰۳۴	H <sub>0</sub> تأیید

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

طبق جدول شماره ۴، تحلیل‌های آماری در مورد تأثیر سنجه‌های کیفیت محیط زیست شهری در امنیت محلات کارآمد در شهر ساری نشان‌دهنده این است که مقدار آزمون برای هر



یک از سنجه‌ها با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰,۰۱ تفاوت آمار معنی‌داری بین دو میانگین واقعی و میانگین مفروض (۳) وجود دارد. ضمن آن که بر اساس نتایج این جدول، مقدار میانگین واقعی از مقدار میانگین مفروض بالاتر است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که وضعیت این سنجه‌ها در محلات کارآمد در شهر ساری نسبت به امنیت شهری در وضع مناسبی قرار دارد و فرض  $H_0$  (عدم تأثیرگذاری سنجه‌های مرتبط با کیفیت محیط زیست شهری در امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری) به نفع  $H_1$  (تأثیر سنجه‌های مرتبط با کیفیت محیط زیست شهری در امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری) رد می‌شود. این امر نشان‌دهنده این می‌باشد که در وضعیت فعلی، این سنجه‌ها اثرات مثبتی بر امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری داشته و بهبود این سنجه‌ها سبب ارتقاء امنیت شهری در راستای هدف پژوهش می‌گردد.

ولی در محلات ناکارآمد وضعیت این سنجه‌ها نسبت به امنیت شهری در وضع مناسبی قرار ندارد و فرض  $H_0$  (عدم تأثیرگذاری سنجه‌های مرتبط با کیفیت محیط زیست شهری در امنیت فضاهای شهری در محلات ناکارآمد شهر ساری) به نفع  $H_1$  (تأثیر سنجه‌های مرتبط با کیفیت محیط زیست شهری در امنیت فضاهای شهری در محلات ناکارآمد شهر ساری) تأیید می‌شود.

طبق جدول شماره ۴، تحلیل‌های آماری در مورد تأثیر سنجه‌های پاکیزگی محیطی در امنیت محلات کارآمد در شهر ساری نشان‌دهنده این است که مقدار آزمون برای هر یک از سنجه‌ها با اطمینان ۰,۹۹ و سطح خطای کوچک‌تر از ۰,۰۱ تفاوت آمار معنی‌داری بین دو میانگین واقعی و میانگین مفروض (۳) وجود دارد. ضمن آن که بر اساس نتایج این جدول، مقدار میانگین واقعی از مقدار میانگین مفروض بالاتر است. بنابراین، می‌توان ادعا نمود که وضعیت این سنجه‌ها در محلات کارآمد در شهر ساری نسبت به امنیت شهری در وضع مناسبی قرار دارد و فرض  $H_0$  (عدم تأثیرگذاری سنجه‌های مرتبط با پاکیزگی محیطی در امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری) به نفع  $H_1$  (تأثیر سنجه‌های مرتبط با پاکیزگی محیطی در امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری) رد می‌شود. این امر نشان‌دهنده این می‌باشد که در وضعیت فعلی، این سنجه‌ها اثرات مثبتی بر امنیت فضاهای شهری در محلات کارآمد شهر ساری داشته و بهبود این سنجه‌ها سبب ارتقا امنیت شهری در راستای هدف پژوهش می‌گردد.

ولی در محلات ناکارآمد وضعیت این سنجه‌ها نسبت به امنیت شهری در وضع مناسبی قرار ندارد و فرض  $H_0$  (عدم تأثیرگذاری سنجه‌های مرتبط با پاکیزگی محیطی در امنیت فضاهای شهری در محلات ناکارآمد شهر ساری) به نفع  $H_1$  (تأثیر سنجه‌های مرتبط با پاکیزگی محیطی در امنیت فضاهای شهری در محلات ناکارآمد شهر ساری) تأیید می‌شود.

### همبستگی پیرسون میان کیفیت محیط زیست شهری و افزایش امنیت شهری

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله کارآمد و ناکارآمد به ترتیب برابر با ۰,۱۵۷ و ۰,۴۵۸ بوده و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰,۰۵ در محله کارآمد برابر (۰,۰۴۷) می‌باشد، و بنابراین میان دو مؤلفه در محله کارآمد رابطه معناداری وجود دارد. همچنین سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰,۰۵ در محله ناکارآمد (۰,۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰,۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری و افزایش امنیت شهری در محله ناکارآمد رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، و بنابراین هرچه مؤلفه کیفیت محیط زیست در محلات کارآمد و ناکارآمد ارتقاء یابد به همان نسبت امنیت شهری بیشتری حاصل می‌شود. (جدول شماره ۵)

جدول ۵- رابطه بین کیفیت محیط زیست شهری و امنیت شهری

ضریب همبستگی بین مؤلفه کیفیت محیط زیست و افزایش امنیت شهری در محله کارآمد			
مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری	افزایش امنیت شهری		
۱	۰,۱۵۷**	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری
	۰,۰۴۷	سطح معناداری	
۱۹۲	۱۹۲	تعداد	
**همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است.			
ضریب همبستگی بین مؤلفه کیفیت محیط زیست و افزایش امنیت شهری در محله ناکارآمد			
مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری	افزایش امنیت شهری		
۱	۰,۴۵۸**	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری
	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۱۹۲	۱۹۲	تعداد	
**همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است.			

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

### همبستگی پیرسون میان پاکیزگی محیطی و افزایش امنیت شهری

ضریب همبستگی پیرسون بین این دو متغیر در دو محله کارآمد و ناکارآمد به ترتیب برابر با ۰,۵۰۴ و ۰,۳۲۶ و سطح معناداری رابطه در ناحیه آلفای ۰,۰۵ در هر دو محله برابر (۰,۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰,۰۱ است با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین مؤلفه پاکیزگی محیطی و افزایش امنیت شهری رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه مؤلفه پاکیزگی محیطی در دو محله مورد مطالعه ارتقاء یابد، به همان نسبت میزان امنیت شهری بیشتری حاصل می‌شود.

جدول ۶- رابطه بین پاکیزگی محیطی و امنیت شهری

ضریب همبستگی بین مؤلفه پاکیزگی محیطی و افزایش امنیت شهری در محله کارآمد			
مؤلفه پاکیزگی محیطی	افزایش امنیت شهری		
۱	۰,۵۰۴**	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه پاکیزگی محیطی
	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۱۹۲	۱۹۲	تعداد	
**همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است.			
ضریب همبستگی بین مؤلفه پاکیزگی محیطی و افزایش امنیت شهری در محله ناکارآمد			
مؤلفه پاکیزگی محیطی	افزایش امنیت شهری		
۱	۰,۳۲۶**	ضریب همبستگی پیرسون	مؤلفه پاکیزگی محیطی
	۰,۰۰۰	سطح معناداری	
۱۹۲	۱۹۲	تعداد	
**همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی‌دار است.			

(منبع: نگارنده، ۱۴۰۰)

### بحث و نتیجه‌گیری

در عصر حاضر به دلیل پیچیدگی جوامع و گسترش شهرنشینی، شهرهای امروزی در سرتاسر جهان با بروز انواع مسائل شهری از جمله میزان بالای جرم و نیز عدم پایداری در شهرها روبرو هستند. مسأله‌ای که بشر با همه قدرت، مهارت و ابتکار خود تاکنون نتوانسته است در مبارزه با آن پیروز شود و از ازدیاد سرسام‌آور تبهکاری پیشگیری نماید. در واقع جرم یکی از مظاهر زندگی جمعی است، بعضاً جامعه نقش مؤثر و فاعلی در وقوع جرم دارد. چرا که هر

اجتماع مجرمان مخصوص به خود را داراست. منشاء این تفاوت را باید در ساختارها و نابسامانی‌های اجتماعی، کالبدی و اقتصادی جستجو کرد که در صورت وجود بستر مساعد مکانی و زمانی، زمینه بروز جرم و تکرار آن را فراهم می‌گردد و به مرور زمان یک محیط جغرافیایی را به یک کانون جرم خیز تبدیل می‌کند. محیط ساخته‌شده بر رفتار انسان تأثیرگذار است. از سوی دیگر محیط می‌تواند با ایجاد فرصت‌های مناسب برای ارتکاب جرم، مجرم را تشویق به ارتکاب جرم نماید و از طرف دیگر می‌تواند با افزایش قابلیت نظارت بر ساکنان بر محیط از وقوع جرم پیشگیری کند. امروزه با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به ویژه جرایم، موضوع پیشگیری محیطی جرایم، از طریق برنامه‌ریزی و طراحی محیطی اهمیت زیادی یافته است. علوم محیطی و شهرسازی با شناخت ویژگی‌های مؤثر مکانی و شرایط محیطی، در کنار سایر اقدامات دیگر می‌توانند از وقوع رفتارهای ناهنجار در محله‌های شهری پیشگیری نمایند. به نحوی که فرد مجرم فرصت کمتری برای اجرای رفتارهای مجرمانه در مکان‌ها و فضاهای شهری پیدا کند. بنابراین سه عامل مهم انسان، مکان و زمان در شکل‌گیری اعمال مجرمانه مؤثر می‌باشند، به طوری که تفاوت در مکان، زمان و خصوصیات رفتاری موجب می‌شود تا نوع و میزان جرم در سطح شهر الگوهای فضایی متفاوتی را به خود بگیرد. پس با تغییر ساختار کالبدی و فضا اعم از نوع مهندسی و طراحی ساختمان‌ها و شهرسازی، نحوه نورپردازی معابر، وجود مراکز تفریحی، وجود دوربین‌های شهری، زیبا سازی شهری، همچنین حضور و نظارت پلیس در مقاطع زمانی خاص بر یک مکان ویژه می‌توان از وقوع جرم پیشگیری نمود. نکته مهمتر این‌که در برخورد با جرم نگرش صرفاً تهدیدمحور، چندان جایگاهی ندارد و در عوض صاحب‌نظران راهکارهای جامعه‌گرا و مسئله‌گرا مبتنی بر شناسایی علل و عوامل ارتکاب جرم در بعد مسائل اجتماعی و محیطی، تأکید می‌نمایند. با توجه به آنچه که در این پژوهش مورد بحث و ارزیابی قرار گرفت، فضاهای شهری، مکان‌هایی برای حضور شهروندان و مشارکت آنان در زندگی جمعی‌شان هستند که پرداختن به کیفیات آنها سرزندگی‌شان را به حداکثر می‌رساند. از مهم‌ترین این کیفیات امنیت می‌باشد. بنابراین می‌بایست در ابتدا امنیت مکان‌ها فراهم شود تا پیرو آن بتوان مردم را به حضور و مشارکت در فضاهای شهری فراخواند. در این راستا سنجش بعد کالبدی فضاهای عمومی در تأمین امنیت شهر ساری و تشویق به مشارکت مردم در عرصه‌های شهروندی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که ساکنان محلات کارآمد و ناکارآمد در شهر ساری از آنجایی که از تنوع قومیت برخوردار هستند، از سطح نسبتاً پایین امنیت و تعاملات اجتماعی در فضاهای همگانی شهری رنج می‌برند که این امر سبب کم‌رنگ شدن روابط اجتماعی و غریبگی اهالی در سطح محلی نسبت به یکدیگر شده است.

نتایج نظری پژوهش حاضر بر این اساس است که پورجعفر و همکاران (۱۳۸۷) در مقاله خود مفاهیم، اصول، پارادایم‌ها و استراتژی‌های رویکرد CPTED را مورد اشاره قرار دادند. این امر از آن جهت دارای اهمیت است که امروزه در فرایندهای طراحی فضاهای شهری کمتر به پتانسیل‌های بالقوه مناطق شهر و ساختمان‌ها در کاهش یا جلوگیری از جرایم توجه می‌شود. نتایج پژوهش ایشان، بر این نکته تأکید داشته که از طریق طراحی شهری از میزان وقوع جرایم شهری کاسته می‌شود. بهرامی و همکاران (۱۳۹۶)، نیز در پژوهش خود به نقش شاخص‌های کالبدی در راستای ارتقاء امنیت شهروندان با رویکرد CPTED در بافت فرسوده محله زینبیه اصفهان پرداختند. نتایج آنها نشان داده است که مبلمان شهری و کاربری اراضی و دانه‌بندی بافت بیشترین تأثیر را بر امنیت خواهند داشت. نظم‌فر و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود به ارزیابی امنیت در فضاهای عمومی شهری در پارک‌های شهر تهران پرداختند که نتایج پژوهش ایشان نشان داده است که مهم‌ترین عوامل ایجاد ناامنی در پارک‌های شهر تهران، دستگیری مرتکبین به ایجاد جرائم منکراتی، نزاع و درگیری، مفاسد اجتماعی و... بوده است. همچنین در پژوهشی که کمالی و همکاران (۱۴۰۰) انجام داده‌اند بررسی رویکرد CPTED در جهت ارتقاء امنیت محیطی در پارک‌های شهری را مورد توجه قرار داده‌اند که امروزه کمتر به لزوم ارتقاء امنیت و ظرفیت‌های بالقوه پارک‌های شهری در کاهش و یا جلوگیری از جرایم توجه می‌شود. در نتایج پژوهش ایشان نیز نشان داده شده است که با استفاده از رویکرد طراحی محیطی در جهت کاهش جرائم، نیاز به ایجاد فضاهای شهری از جمله پارک وجود دارد. نتایج حاصل از مطالعات پیشین هم‌راستا با پژوهش حاضر بوده و نتایج پژوهش حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهد.

نتایج تجربی پژوهش حاضر بدین شرح می‌باشد: از میان مؤلفه‌های دوگانه در محلات کارآمد، بالاترین ضریب همبستگی با افزایش امنیت شهری به ترتیب مؤلفه‌های پاکیزگی محیطی (۰,۵۰۴) و کیفیت محیط زیست شهری (۰,۱۵۷) را به خود اختصاص داده‌اند. در حالی که از میان مؤلفه‌های دوگانه مورد بررسی در محله ناکارآمد، بالاترین ضرایب همبستگی به ترتیب مربوط به کیفیت محیط زیست شهری (۰,۴۵۸) و پاکیزگی محیطی (۰,۳۲۶) می‌باشد. بر اساس نظریات نیومن برای کاهش ارتکاب جرم، فضای کالبدی از لحاظ کیفیت باید طوری طراحی گردد که اولاً باعث افزایش نظارت غیررسمی توسط خود ساکنین محله شود و ثانیاً دسترسی آسان به راه فرار مقدور نباشد که نظریه‌پردازانی همچون الیزابت وود و آنجل به این فاکتورها در طراحی فضای کالبدی برای افزایش امنیت شهری معتقد بودند. بدین ترتیب نتیجه تحقیق درباره مؤلفه کیفیت محیط زیست شهری، نظرات کارشناسان فوق در محله ناکارآمد (۰,۴۵۸) را تأیید می‌کند.

در سال ۱۹۸۲ ویلسون و کلینگ نظریه پنجره‌های شکسته را ارائه نمودند. بر اساس این نظریه بین فضاهای شهری به هم ریخته و کثیف با افزایش جرم رابطه وجود دارد. طبق این نظریه وجود آشغال و عدم پاکیزگی محیط محله به مثابه چراغ سبزی برای مجرمین است. پارک، شاو و مک کی ثابت کرده‌اند که در مناطق کثیف (محلات کثیف) همراه با از بین رفتن کنترل‌های اجتماعی که به وسیله آنها مردم به رعایت قیود نیز اعتقاد پیدا می‌کنند، اعمال جنایی به شکل طبیعی جلوه می‌کند. تراشر جنین می‌نویسد: حالا که یک تعریف کلاسیک از زندگی گروهی در دست داریم، می‌توان گفت که تخلف و جنایت نتیجه طبیعی این نوع محیط است»، که نتیجه این تحقیق نظرات ویلسون، کلینگ، پارک، شاو، مک کی و جنین در مورد مؤلفه پاکیزگی محیطی در هر دو محله کارآمد (۰،۵۰۴) و ناکارآمد (۰،۳۲۶) را تأیید می‌کند.

### پیشنهاد‌های پژوهش

با توجه به تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات و نتایج حاصل از انجام این پژوهش و به منظور افزایش امنیت شهری در محلات کارآمد و ناکارآمد و ایجاد فضای امن شهری در کل شهر ساری، پیشنهادهای در جهت کنترل و مقابله با شکل‌گیری فرهنگ جرم و جنایت در فضاهای شهری و افزایش امنیت شهری تهیه شده است. برخی از این پیشنهادات به سازمان‌های تصمیم‌گیرنده و اجرایی باز می‌گردد و برخی دیگر شامل پیشنهادهای است که جنبه مکانی و کالبدی جرایم را مورد بررسی قرار داده و مبتنی بر مقاوم‌سازی فضاهای جرم‌خیز شهری می‌باشد که پیشنهادات مطروحه هم در حوزه روابط و اختیارات مدیریت شهری و هم در حیطه مسئولیت‌های شهروندان شهر ساری ارائه گردیده است.

برای محلات کارآمد، پیشنهادات از حیث کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی به شرح زیر می‌باشد:

- بهسازی ساخت‌وسازهای کالبدی و پاکیزه نگه داشتن محیط زیست شهری در جهت افزایش امنیت اجتماعی
- یکی از راه‌های فضای امن شهری، کنترل دسترسی‌ها و ورودی‌های محلات می‌باشد. برای جلوگیری از ورود مجرمان باید از موانع فیزیکی یا روانی استفاده شود موانع فیزیکی می‌تواند شامل حصارهای توری، دیوار آجری یا پرچین باشد. موانع روانی می‌تواند از طریق ایجاد مغازه‌ها به صورت ردیفی، احداث باغچه یا تغییر در سطح طبقه همکف به وجود آید. موانع روانی درون ساختمان‌ها با استفاده از تدابیر بسیار ساده‌ای مثل تغییر نوع رنگ‌آمیزی طبقات امکان‌پذیر است، با نظارت بر عبور و مرور نیز می‌توان ورودی محله‌ها و واحدهای

- همسایگی را کنترل نمود؛ هر چند باید توجه داشت گاهی عبور و مرور کم نیز سبب افزایش جرم و کاهش امنیت اجتماعی می‌گردد.
- تهیه برنامه‌های فرهنگی و آموزشی در صدا و سیما برای بالا بردن آگاهی مردم.
  - فعالیت مسئولین در زمینه مسائل اقتصادی و ایجاد نوعی امنیت اقتصادی برای تولیدکنندگان و قشرهای مختلف اقتصادی که می‌تواند در افزایش احساس امنیت در بین مردم مؤثر واقع شود.
  - زیباسازی معابر شهری و آموزش فروشندگان جهت برخورد بسیار مناسب با مردم بویژه در زمان وقوع جرم.
  - فضا سازی برای مشارکت تمام مردم با ایجاد کارگاه‌های آموزشی در سطح محلات با توجه به محیط زیست محلات.
- برای محلات ناکارآمد، پیشنهادات از حیث کیفیت محیط زیست شهری و پاکیزگی محیطی به شرح زیر می‌باشد:
- تغییر در طراحی فضاهاى گم و فاقد دید بصرى به خصوص در محلات ناکارآمد شهر سارى که بنا بر علل فضایی-کالبدی، نبود روشنایی، خلوتی محیط و پنهان ماندن جرم به علت جرم در تاریکی، فضاهاى مناسبی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند.
  - نظارت طبیعی می‌تواند از طریق فعالیت‌های معمول و روزمره مردم حاصل گردد. طراحی و نصب صحیح پنجره‌ها در ساختمان یکی از این اقدامات است نصب پنجره‌ها باید به گونه‌ای باشد که دید روشن و واضحی بدهد تا از طریق آن بتوان به راحتی محل پارک خودرو و زمین‌های بازی بیرون منزل را مشاهده نمایند. در نواحی مسکونی این نوع نظارت از طریق نظارت همسایگی و گشت‌زنی ساکنین به وجود می‌آید.
  - نصب و راه اندازی دوربین‌های شهری و ایجاد مراکز پلیسی و امنیتی به صورت پنهان در محلات شهر ساری، تا امکان کنترل مناسب را در مناطق افزایش داده و به تبع آن با افزایش کنترل انتظامی فرصت‌های وقوع جرم برای مجرمین کاهش یابد و در پی آن افزایش امنیت اجتماعی حاصل گردد. بنابراین مکان‌یابی و احداث واحدهای امنیتی حتی به صورت واحدهای کوچک جهت کنترل دوربین‌های شهری و اقدام بموقع در محلات شهر ساری به خصوص در محلات ناکارآمد ضروری به نظر می‌رسد.
  - اشتغال‌زایی و کاهش فاصله طبقاتی در جامعه به ویژه در بین افراد متعلق به طبقات اجتماعی پایین‌تر.
  - کمک گرفتن از نهادهای محلی از قبیل بسیج، هیئت امناء مساجد، ریش‌سفیدان.

**منابع و مأخذ:**

- (۱) اقبالی، ن.، بهمنی، س.، خزاعی، ن.، رسولی، س.ح.، (۱۳۹۶)، برنامه‌ریزی در جهت ارتقاء امنیت فضاهای شهری محلات شهر ساری، کنگره ملی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نوین، تهران، <https://civilica.com/doc/686789>
- (۲) ایزدی، م.، محمدی، ج.، (۱۳۹۴)، شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی (مطالعه موردی: کلانشهر اصفهان)، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره دوازدهم، ۳۳-۱۱. [/https://www.ensani.ir/fa/article/567049](https://www.ensani.ir/fa/article/567049)
- (۳) آذرمی، م.، آذر، ع.، عبداله‌زاده طرف، ا. (۱۳۹۸)، بررسی نقش برنامه‌ریزی و طراحی محیطی در میزان امنیت شهری مناطق حاشیه‌نشین شهر تبریز، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال هشتم، شماره سی‌ودو، ۵۴-۴۱. [/https://ensani.ir/fa/article/454964](https://ensani.ir/fa/article/454964)
- (۴) بهرامی، ف.، مستوفی الممالکی، ر.، سرائی، م.ح. (۱۳۹۶)، تبیین نقش شاخص‌های کالبدی در راستای ارتقاء امنیت شهروندان با رویکرد CPTED (نمونه موردی: بافت فرسوده محله زینیه اصفهان)، جغرافیا و توسعه فضای شهری، دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۶، صص ۲۱-۱. <https://civilica.com/doc/705740>
- (۵) پاک نژاد، ن. (۱۳۹۸)، شناخت و تبیین مؤلفه‌های محیطی مؤثر بر امنیت فضاهای شهری، اولین همایش ملی کیفیت در فضاهای معماری و شهری، زنجان، <https://civilica.com/doc/914352>
- (۶) پورجعفر، م.، محمودی‌نژاد، ه.، رفیعیان، م.، انصاری، م.، (۱۳۸۷)، ارتقا امنیت محیطی و کاهش جرایم شهری با تأکید بر رویکرد CPTED، نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت تولید، دوره ۱۹، شماره ۱۶ (ویژه‌نامه مهندسی معماری و شهرسازی)، صص ۸۲-۷۳. <https://civilica.com/doc/711926>
- (۷) درودی، م.، قاسمی، ا. (۱۳۹۳)، اولویت‌بندی راهکارهای مؤثر در ارتقاء امنیت شهری و تأثیر آن بر رضایتمندی مسکونی نمونه مورد پژوهش: منطقه ۲۰ شهرداری تهران، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۷۸-۱۴۹. [/https://ensani.ir/fa/article/353105](https://ensani.ir/fa/article/353105)
- (۸) روستا، ز.، منوری، م.، درویشی، م.، فلاحتی، ف. (۱۳۹۱)، کاربرد داده‌های سنجش از دور و سیستم اطلاعات جغرافیایی در استخراج نقشه‌های کاربری اراضی شهر شیراز، نشریه آمایش سرزمین، شماره ۶، ۱۶۴-۱۴۹. [/https://ensani.ir/fa/article/309328](https://ensani.ir/fa/article/309328)



- ۹) زارع، ر.، صفری، م.، (۱۳۹۸)، عوامل مرتبط با فقر مطلق در خانواده‌های تحت پوشش نهادهای حمایتی استان فارس، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نوزدهم، شماره ۷۴، ۹۶-۴۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.17358191.1398.19.74.10.5>
- ۱۰) سلطانی، ل.، بیک محمدی، ح.، حیدری، س. (۱۳۹۵)، تحلیل فضایی احساس امنیت در محلات مختلف شهری (مورد مطالعه: شهر قدس)، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۳، شماره پیاپی ۱۴، ۱۰۴-۸۷. 10.22108/ssoss.2016.20963
- ۱۱) عزیززاده، م.، عنایتی، ب.، فرزانه، م. (۱۳۹۴)، لزوم ارتقاء امنیت محیطی در پایداری پارک‌های شهری؛ با بهره‌گیری از رویکرد CPTED (مطالعه موردی: پارک بهاران، منطقه ۱۷ شهرداری تهران)، معماری و شهرسازی پایدار، سال سوم، شماره اول، ۱۶-۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.25886274.1394.3.1.1.1>
- ۱۲) غفاری گیلانده، ع.، محمدی، چ.، داوری، ا. (۱۴۰۱)، ارزیابی شاخص‌های شهر دوستار سالمند، فصل نامه علمی- پژوهشی آمایش محیط، شماره ۵۶، ص ۲۶-۱. <https://web.eitaa.com/aac0a7ef-d6de-4196-a36f-3f6d12d95441>
- ۱۳) کلانتری خلیل‌آباد، ح.، اردلانی، ر.، سراجی، س.، پوراحمد، ع. (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی فضاهای امن شهری مبتنی بر تفکیک جنسیتی با رویکرد CPTED (نمونه موردی: محله فرهنگیان، شهر بناب)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوازدهم، ۲۶-۱۵. <https://www.sid.ir/paper/477445/fa>
- ۱۴) کمالی، ر.، صحرایی‌نژاد، ن.، رباطی، م. (۱۴۰۰)، طراحی محیط پارک‌های شهری با رویکرد CEPTED با هدف ارتقاء احساس امنیت در محله اسلام‌آباد، منطقه ۲ شهر تهران، فصلنامه پایداری، توسعه و محیط زیست، دوره ۲، شماره ۱، شماره پیاپی ۵، ۶۰-۴۳. <https://www.sid.ir/paper/410341/fa>
- ۱۵) لطفی، ص.، بردی‌آمرادنژاد، ر.، ساسانی‌پور، م. (۱۳۹۳)، بررسی احساس امنیت در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: کلانشهر شیراز)، برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۹، پیاپی ۱۹، صص ۵۶-۳۹. <https://ensani.ir/fa/article/343216>
- ۱۶) لطفی، ص.، بردی‌آمرادنژاد، ر.، واحدی، ح.، (۱۳۹۴)، ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۱، شماره پیاپی ۱، صص ۱۵۲-۱۳۱. <https://ensani.ir/fa/article/344176>
- ۱۷) متولی، ص.، کمانرودی کجوری، م.، حسینی سنگنو، س.ع.، جانباز قبادی، غ. (۱۴۰۱)، بازآفرینی فرهنگی بافت تاریخی شهری با تأکید بر سایت‌های ملی و محلی دانشگاه‌ها

- (منطقه ۱۲ کلانشهر تهران)، فصل نامه علمی- پژوهشی آمایش محیط، شماره ۵۷، ص ۲۰-۱. <https://web.eitaa.com/32bf711a-eda1-4273-8b94-25230ebac034>
- ۱۸) محمدپور زرنندی، ح.، طباطبایی مزدآبادی، س. م.، (۱۳۹۱)، تأثیر جذب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی و مشارکت‌های مردمی بر توسعه پایدار شهر، فصلنامه اقتصاد شهر، شماره ۴، دوره ۱۵، صص ۲۴-۱۲. <https://www.sid.ir/paper/878179/fa>
- ۱۹) محمدی بیرنگ، م.، آذر، ع. (۱۳۹۸)، تحلیل احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی با تأکید بر پارک‌های شهری، مطالعه موردی: تبریز، دوفصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، دوره ۱۰، شماره ۲۰، شماره پیاپی ۲۰، صص ۴۰-۲۷. <https://ensani.ir/fa/article/434032>
- ۲۰) مختاریپور، م.، منطقی فسایی، ع.، (۱۳۹۷)، تبیین عوامل فرهنگی - مدیریتی مؤثر بر افزایش جرائم اجتماعی حاصل از توسعه فیزیکی - کالبدی شهر تهران (مورد مطالعه: منطقه ۱۹ شهر تهران)، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سوم، صص ۱۳۵-۱۱۹. <https://sid.ir/paper/516141/fa>
- ۲۱) مظهری، ا. (۱۴۰۰)، دستیابی به توسعه پایدار شهری با تأکید بر نقش مدیریت شهری، پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال چهارم، شماره ۳۳، ۹۷-۱۰۵. <https://civilica.com/doc/1765596>
- ۲۲) مهرآرا، ا.، مدانلو جویباری، س.، زارع زیدی، ع. (۱۳۹۶)، بررسی نقش حفاظت از محیط زیست پایدار در توسعه پایدار، ماهنامه علمی - تخصصی شباک، سال سوم، شماره ده، شماره پیاپی ۲۹، صص ۹۵-۸۵. <https://ensani.ir/fa/article/379121>
- ۲۳) مهندسین مشاور مازند طرح (۱۳۹۴)، مطالعات طرح جامع ساری، اداره کل راه و شهرسازی استان مازندران، وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور. <https://rasmio.com/company/10760237390>
- ۲۴) میردیلیمی، ز.، حشمتی، غ.، همت‌زاده، ی. (۱۳۹۰)، آمایش حوضه آبخیز کوچک بر اساس مدل رایج در آمایش سرزمین به روش دو ترکیبی، مجله کاربرد سنجش از دور و GIS در علوم منابع طبیعی، شماره ۳، صص ۷۵-۶۵. <https://www.sid.ir/paper/189477/fa>
- ۲۵) نظم‌فر، ح.، علوی، س.، عشقی چهاربرج، ع. (۱۳۹۷)، ارزیابی امنیت در فضاهای عمومی شهری (نمونه موردی: پارک‌های شهر تهران)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره بیست و دوم، شماره ۲، ۱۶۵-۱۳۳. <https://ensani.ir/fa/article/391686>
- ۲۶) هاشمی کروی، س.م.، متولی، ص.، جانباز قبادی، غ.، عظیمی آملی، ج. (۱۴۰۲)، شناسایی نقاط امن در برابر زلزله با رویکرد پدافند غیرعامل در راستای توسعه پایدار اجتماعی (نمونه

- موردی: شهر بابل)، فصل نامه علمی- پژوهشی آمایش محیط، شماره ۵۶، ص ۲۶-۱.  
<https://web.eitaa.com/47f14093-978c-4ba5-8dc6-eafd309f98ed>
- 27) Armanda, Dian T. Guinee, Jeroen B. Tukker, Arnold (2019), The second green revolution: Innovative urban agriculture's contribution to food security and sustainability – A review, *Global Food Security*, Volume 22, September 2019, Pages 13-24. <https://doi.org/10.1016/j.gfs.2019.08.002>
- 28) Foster, S. Knuiman, M. Villanueva, K. Wood, L. Christian, H. Giles-Corti, B. (2014), Does walkable neighbourhood design influence the association between objective crime and walking? *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity* 2014, 11:100. <https://ijbnpa.biomedcentral.com/articles/10.1186/s12966-014-0100-5>
- 29) Milliken, J. (2016), urban safety and security: Lessons from the last two decades and emergent issues, Synthesis report of the conference reviewing the State of Safety in World Cities: Safer Cities +20, Geneva 6-8 July. <https://www.urban-response.org/>
- 30) Lapworth, D. J. Nkhuwa, D. C. W. Okotto-Okotto, J. Pedley, S. Stuart, M. E. Tijani, M. N. Wright, J. (2017), Urban groundwater quality in sub-Saharan Africa: current status and implications for water security and public health, *Hydrogeol J*, 25: 1093 – 1116. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10040-016-1516-6>
- 31) Siegner, Alana. Sowerwine, Jennifer. Acey, Charisma (2018), Does Urban Agriculture Improve Food Security? Examining the Nexus of Food Access and Distribution of Urban Produced Foods in the United States: A Systematic Review, *Sustainability*, 2018, 10(9), 2988; <https://doi.org/10.3390/su10092988>
- 32) Yu, Zhaowu. Fryd, Ole. Sun, Ranhao. Jorgensen, Gertrud. Yang, Gaoyuan. Ozdil, Nevruz Cinar. Vejre, Hernik (2021), Where and how to cool? An idealized urban thermal security pattern model, *Landscape Ecology* volume 36, pages 2165–2174. <https://link.springer.com/article/10.1007/s10980-020-00982-1>



## سنجش حس تعلق مکان از منظر شاخص‌های کالبدی مورد پژوهی: محله آبشوران شهر کرمانشاه

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۱/۰۱/۱۸ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۱/۰۳/۳۱

محمود محمدی (دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)  
آرزو جمشیدی شیخی آبادی\* (دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور، دزفول، ایران)  
مجتبی لرزنگنه (پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان، ایران)

### چکیده:

یکی از مفاهیم مهم در ارتقاء کیفیت محیط شهری و انسانی حس تعلق به مکان است. هدف پژوهش حاضر، استخراج مؤلفه‌های کالبدی جهت ارتقاء حس تعلق به مکان و بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و نوع آن کاربردی است. همچنین، از مطالعات اسنادی، مشاهده میدانی و ابزار پرسشنامه جهت گردآوری اطلاعات بهره گرفته شده است. جامعه آماری تمام ساکنین محله آبشوران شهر کرمانشاه است که در این میان ۲۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان انتخاب شده‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که چهار متغیر «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس تعلق به محله آبشوران دارند. علاوه بر این، نتایج آزمون رگرسیون بیانگر آن است که میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس تعلق به مکان با میزان ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. مضاف بر آن، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است.

**واژه‌های کلیدی:** حس تعلق، تعلق به مکان، شاخص کالبدی، محله آبشوران، کرمانشاه

**مقدمه**

امروزه رشد و توسعه سریع شهری شدن در حاشیه و بیرون از شهرها، شهر و شهرسازی عصر حاضر را با چالش‌های جدیدی همچون کم‌رنگ شدن هویت و حس تعلق مواجه کرده است (شهریاری و مشک سار، ۱۴۰۰: ۲). فقدان حس مکان در توسعه جدید شهرها و به تبع آن عدم احساس تعلق به آن‌ها از مشکلات پنهانی است که در درازمدت احساس بی‌ریشگی را در ساکنان محیط دامن می‌زند و رابطه انسان‌ها با یکدیگر و محیط زندگی‌شان بی‌تفاوتی می‌کشد. در این بین بافت قدیمی و تاریخی شهرها بیشتر مورد تهدید این امر قرار دارند (بزی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲). همچنین، باید اذعان داشت که حس مکان به مثابه امری ذهنی تحت تأثیر عوامل طبیعی-محیطی، اجتماعی-فرهنگی، ادراکی-شناختی و کالبدی-فضایی ست (رحمانی و آدینه‌لو فرد، ۱۴۰۱: ۱۱۴).

حس تعلق به مکان یکی از مهم‌ترین معانی در ارتقاء کیفیت محیط‌های شهری و انسانی است. این حس عاملی مهم در شکل‌گیری پایه‌های ارتباطی محیط و استفاده‌کنندگان آن است، که سبب ایجاد محیط‌های باکیفیت (رشید کلویر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۸) و زیست‌پذیر (میرزا حسین و همکاران، ۱۴۰۱) می‌شود. بنابراین، می‌توان چنین اذعان داشت مهم‌ترین عامل برای پایداری و دوام مکان چه از نظر فعالیتی-کالبدی و چه از نظرگاه خاطره‌ای-معنایی احساس تعلق به مکان بوده است (خانقاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸) و (فارسی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۹). در این زمینه هرچند که متخصصین بسیاری بر نقش اجتماعی مکان، تعاملات و ارتباط فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از نظر تعلق اجتماعی تفسیر کرده‌اند اما از سوی دیگر پژوهشگرانی به نقش حس تعلق کالبدی در محیط به‌عنوان قسمتی از هویت مکانی، می‌پندارند و آن را قسمتی از هویت فردی و اجتماعی فرد در محیط می‌دانند و بر آن تأکید داشته‌اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۸).

فرسودگی بناهای قدیمی و تاریخی در مراکز شهری و عدم تخصیص بودجه کافی به مرمت آن‌ها، توسعه ساخت‌وسازها بدون توجه به هویت و زمینه آن و از سوی دیگر کمبود تسهیلات و عواملی از این قبیل سبب دور افتادن مراکز قدیمی از چرخه رو به رشد سایر بخشهای شهر شده است. این امر منجر به کاهش حس تعلق افراد به‌خصوص جوان‌ها به این مراکز شده و در صورت ادامه این روند تبدیل این بخش‌ها به بافت ناکارآمد، تهدیدی جدی است (دانش‌پور و صفار سبزواری، ۱۳۹۷: ۱۲۶). بنابراین، به نظر می‌رسد علاوه بر توجه به برقراری تعاملات اجتماعی در این مراکز توجه به کالبد بافت قدیمی و تاریخی نیز جهت حس تعلق افراد امری ضروری ست. بنابراین هسته مرکزی این پژوهش توجه به عوامل کالبدی مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان است. این موضوع از چالش‌های طراحی شهری امروز است و باید مورد توجه

بیشتر قرار گیرد.

محله آبشوران در شهر کرمانشاه از قدیمی‌ترین محلات شهر به‌عنوان اصلی‌ترین هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر است که در بافت تاریخی شهر قرار دارد. این محله با وجود جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی، بازار قدیمی و سنتی شهر از ارزش خاصی در حفظ هویت شهر برخوردار است، امروزه با معضلی به نام بافت مسئله‌دار مواجه شده است. زیرا رشد شهر و تغییراتی که در ادوار مختلف در شهر رخ داده موجب به وجود آمدن فضاهای بی‌هویت و بلا تکلیف، کاهش کیفیت زندگی و زیست‌محیطی، کاهش دل‌بستگی ساکنان، تخریب و از بین رفتن بخش ارزشمند در محدوده محله و بافت پیرامونی آن و فرسودگی در ابعاد مختلف محله شده به گونه‌ای که شبکه‌های معابر ارگانیک (سنتی و پیچ‌درپیچ)، ناامنی، خطرات فیزیکی، محیطی و حتی اجتماعی علاوه بر کاهش تراکم جمعیتی منجر به همراه نشدن بافت قدیمی با نیازهای روزآمد زندگی و از همه مهم‌تر عدم حس تعلق به مکان به‌خصوص در میان نسل جوان گشته است. این امر سبب شده تا بخش‌هایی از بافت حیات و توان خود را از دست بدهد و به تدریج متروکه و مخروبه شود. اگر توجه خاصی به تجدید حیات بافت قدیم و مرکزی شهرها نشود این سرنوشت محتوم کل بافت شهری را در برمی‌گیرد. بنابراین، بر اساس آنچه گفته شد شناسایی عوامل کالبدی مؤثر بر ارتقاء حس تعلق به مکان و کیفیت بخشی به این محله امری مهم و ضروری است. در این راستا هدف پژوهش، استخراج مؤلفه‌های کالبدی حس تعلق به مکان است. همچنین، به بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه پرداخته می‌شود. متناسب با این هدف سؤالات زیر مطرح می‌گردد:

- کدام‌یک از مؤلفه‌های کالبدی در ارتقاء حس تعلق به مکان محله آبشوران تأثیرگذارند؟
- یک مکان با چه خصوصیت کالبدی می‌تواند در ایجاد حس تعلق به مکان موفق باشد؟

جدول ۱: پیشینه پژوهش

<p>نتایج نشان می‌دهد سه هنجار «تنوع و جذابیت»، «شخصیت کالبدی منحصر به فرد»، «دید و منظر» نسبت به سایر عوامل کالبدی همبستگی بیشتری با حس تعلق به مکان مورد مطالعه دارند و «انعطاف‌پذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر عوامل برخوردار است. همچنین، سنجه‌های «تسهیلات رفاهی»، «وجود پارکینگ»، «وجود نظم و هماهنگی»، «رعایت تناسبات بصری» و «ایمنی عابر پیاده» به ترتیب کمترین مطلوبیت را داشته‌اند و لازم است به‌منظور افزایش تعلق به مکان در بازطراحی فضا مورد توجه قرار گیرند.</p>	<p>تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار</p>	<p>دانش‌پور و صفار سبزوار (۱۳۹۷)</p>
--	--	--

<p>نتایج حاکی از آنست که عناصر کالبدی (فرم و ابعاد عناصر، دسترسی و چینش فضا، مصالح و تزئینات، محریمیت و اشراف) از مهم‌ترین شاخصه‌های ایجاد حس تعلق به مکان هستند. از منظر شاخص‌های غیر کالبدی، مجتمع‌های آپارتمانی دارای عملکرد بهتری‌اند. فعالیت و آسایش در هر دو گونه مسکن مورد بررسی، دارای تأثیر نسبتاً یکسانی است. در مجتمع‌های آپارتمانی، ابعاد اجتماعی و فردی در خانه‌های مستقل، معانی و نمادها، پیش‌بینی کننده‌های مطمئن‌تری در افزایش احساس تعلق ساکنین می‌باشند.</p>	<p>بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)</p>	<p>رشید کلویر و همکاران (۱۳۹۹)</p>
<p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که میان متغیرهای بُعد روانشناسی، عناصر عاطفی، شناختی و رفتاری دل‌بستگی، عوامل کالبدی و اجتماعی و متغیرهای مستقل فردی رابطه معناداری با متغیر وابسته دل‌بستگی به مکان دارند. و مقایسه عوامل دل‌بستگی در بین چهار محدوده نشان می‌دهد که محله بافت حاشیه با کمترین میزان دل‌بستگی به محله، از میان ابعاد دل‌بستگی، بعد عاطفی و از میان عوامل دل‌بستگی، عامل کالبدی نقش مؤثرتری بر دل‌بستگی و تعلق مکان دارد.</p>	<p>تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر سنندج)</p>	<p>اله ویسی و چاره جو (۱۴۰۰)</p>
<p>نتایج نشان داد که در بخش مربوط به گویه‌های مورد مطالعه در آزمون تی تک نمونه‌ای شخصیت کالبدی منحصر به فرد بودن با میزان ۳/۹۰ در بالاترین سطح از میانگین قرار گرفته و در بین متغیرهای مستقل حس تعلق به مکان و شاخص‌های کالبدی آن همبستگی ضعیف بوده و همچنین رابطه آماری معناداری وجود ندارد.</p>	<p>بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)</p>	<p>شهریاری و مشک سار (۱۴۰۰)</p>
<p>نتایج نشان داد که ساختار نیازهای انسان بیشترین تأثیر را در ایجاد حس تعلق به مکان با مؤلفه، تأثیر از ادراک و رفتار در تعامل با محیط دارد و کمترین اثرگذاری هم مربوط به بعد تفسیری اثرگذاری جمعی است. باین وجود کل ابعاد مورد بررسی پژوهش در ایجاد حس تعلق به مکان، تأثیرگذارند.</p>	<p>تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: مجتمع مسکن مهر مکریان مهاباد)</p>	<p>حسامی و همکاران (۱۴۰۱)</p>
<p>او در پایان‌نامه خود ارتباط میان کیفیت و میزان رضایت از مکان را با متغیر تعلق مکانی مورد بحث قرار می‌دهد. نتایج نشان داد که رضایت از مکان در میزان تعلق مکانی افراد مؤثر است</p>	<p>دل‌بستگی مکان: بررسی محیط و پیامدهای آن در بستری خدماتی</p>	<p>بُرکاتو<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)</p>
<p>علاوه بر ارزیابی اثرات مقیاس مکان بر دل‌بستگی به مکان، به بررسی عوامل مؤثر و شکل‌دهنده تعلق به مکان پرداخته و با بیان مقیاس مکان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر ارزیابی تعلق مکانی در سه مقیاس کوچک (خانه)، متوسط (محله) و بزرگ (شهر) پرداخته است. وی سه عامل جمعیتی، اجتماعی و محیطی را مؤثر بر شکل‌گیری تعلق و دل‌بستگی به مکان می‌داند.</p>	<p>چه چیزی محلات را از خانه و شهر متفاوت می‌سازد</p>	<p>لوکیا<sup>۲</sup> (۲۰۱۱)</p>

<sup>1</sup> Borcato

<sup>2</sup> Lewicka



نتایج نشان داد که رابطه ساکنین با محل زندگی، هم بر اساس اقدامات عملی و هم پاسخ‌های عاطفی استوار است "بعد عاطفی" منبع اصلی حس تعلق به مکان به حساب می‌آید: این امر به‌ویژه با معانی نمادین چشم‌انداز، عمدتاً از طریق خاطرات مهم، روابط اجتماعی و کیفیت زندگی تعیین می‌شود.	چشم‌انداز و احساس تعلق به مکان و ارتباط با مکان روزمره در تجربه برخی از مهاجران ساکن شمال شرقی ایتالیا	دناردی <sup>۱</sup> (۲۰۱۷)
دل‌بستگی به مکان به خصوصیات کالبدی وابسته است و مکان‌هایی که از معانی غنی هستند میان مکان و افراد پیوند عاطفی ایجاد می‌کنند.	تحلیل مفهوم دل‌بستگی مکانی در زمینه عوامل فضایی	داری و اوزتا <sup>۲</sup> (۲۰۱۷)

مأخذ: نگارندگان

## مبانی نظری پژوهش

### مکان

مکان قسمتی از فضا است که با فرد یا چیزی اشغال شده و دارای ارزش و بار معنایی است، بر همین اساس مکان را بخشی از فضا که سبب روابط اجتماعی مشخص می‌شود تعریف می‌کنند (Escalera - Reyes, 2020: 2). از نظر رلف<sup>۳</sup> کیفیت بی‌نظیر مکان؛ قدرت آن در نظم دادن و تمرکز فضایی بر نیات، تجربیات و اعمال انسان است. بنابراین، رلف فضا و مکان را به لحاظ دیالکتیکی در تجربه محیطی بشر می‌بیند، زیرا درک ما از فضا مربوط به مکان‌هایی است که در آن زندگی می‌کنیم که به‌نوبه خود از بافت مکانی آن‌ها معنی می‌گیریم. رلف در بررسی عمیق مکان، بر هویت افراد و مکان تمرکز می‌کند. یک مکان هنگامی مکان تلقی می‌شود که شخص با لایه‌های دیگر مرتبط شود، که این لایه‌ها به‌واسطه رابطه مشترک فعالیت با دیگران، در رابطه با طبیعت بودن بروز می‌کند. بر همین اساس شخص از لایه‌های دیگر و عالم خارج خود شناخت می‌یابد و این امر منجر به شناخت بهتر فرد از محیط و خودش می‌گردد (Relph et al, 2008: 2-4). و از نظر کانتز مکان مفهومی پیچیده و چندوجهی با تعاریف مختلف است که می‌توان آن را به‌نحوی نظامی از تجربیات که جنبه‌های مهم اجتماعی و فعالیت‌های مستقر در اجتماع را در برمی‌گیرند قلمداد کرد. وی همچنین مکان را قسمتی از فضای مصنوع و طبیعی می‌داند که محدوده‌ای مشخص داشته و اتصال‌دهنده میان ادراک محیط، خصوصیات کالبدی و فعالیت‌هاست (Stern, 2017: 10). از سوی دیگر، شولتز<sup>۴</sup> مکان را فضای ادراک شده و در پیوند

<sup>1</sup> Denardi

<sup>2</sup> Darby and Ozata

<sup>3</sup> Relph

<sup>4</sup> schulz

با حالات روحی، تجربیات و خاطرات فرد تعریف می‌کند زیرا مکان‌ها فضاهایی‌اند که زندگی در آن‌ها جاری‌ست (Cighi, ۲۰۰۸: ۱۴). به‌گونه‌ای که از نظرگاه توان<sup>۱</sup> مکان‌ها، فضای ارزش‌های قابل احساس‌اند. زمانی که فضا برای ما آشناست چنین فضایی به مکان تبدیل شده است (محبوب جلالی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۶). پیرو همین مسئله آلتمن نیز مکان را فضایی تعریف می‌کند که از طریق فرآیندهای شخصی، گروهی، فرهنگی به آن معنا داده شده است (Kolodziejki, 2014: 36).

### حس تعلق به مکان

در فرهنگ لغت دهخدا تعلق به معنای دل‌بستگی، دوستی، خویشی، محبت، پیوستگی، مالکیت، قرابت، تعلق خاطر، میل به کسی داشتن، عشق به چیزی داشتن است (دهخدا، ۱۳۸۵: ۷۵۳). این حس را می‌توان به معنی برجسته و متفاوت بودن، استوار و ماندنی و متعلق به جمع نیز دانست (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۱). حس تعلق حسی است که منجر به رابطه و پیوند قوی میان فرد و محیط زندگی‌اش می‌شود به‌گونه‌ای که فرد خود را با محیط‌اش تعریف می‌کند. این امر سبب حضور فرد و ماندگاری او در محیط می‌شود و مکان برایش دارای احترام می‌گردد. بر همین اساس درک ذهنی مردم از محیط و حس آگاهانه آن‌ها از محیط‌شان حس مکان است. حسی که فرد را با محیط‌اش مرتبط می‌کند به‌گونه‌ای که احساس شخص با زمینه محیط یکی شود (صالحی، ۱۳۹۷: ۱۹). حس مکان با تعلق خاطر همراه و با دل‌بستگی عاطفی به مکان مرتبط است. با افزایش تعلق فرد به یک مکان توجه و مراقبت‌اش از آن مکان افزایش می‌یابد. مردم به تعلق و حس هویت به مکان و قلمرو ویژه نیازمندند. در طول زمان در مکان تجربه‌های مشترک و مهم بین مردم شکل می‌گیرد که حس تعلق متشکل از تعاملات و فعالیت‌های بین انسان - مکان و انسان - انسان در مکانی ویژه است (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۰). توان بیان داشت احساس تعلق به یک مکان زمانی اتفاق می‌افتد که بخشی از چگونگی تعریف شخص با برخی ویژگی‌های خاص آن مکان نمادین شود و در مقیاس‌های مختلف قابل تجزیه و تحلیل باشد (Chen et al., 2021: 1). پس یک مکان از طریق رابطه اجتماعی در مقیاس‌های کوچک و بسته موجب ایجاد حس تعلق به جمع شده و آن را قوت بخشد. علاوه بر این تعلق به مکان زمانی به وجود می‌آید که فرد در مکانش متولد شده نسبت به آن وابسته است که در طول زمان این حس شکل گرفته است. این حس در حضور فرد در مکان نقش مؤثری دارد (شهریاری و

<sup>1</sup> Tuan

مشک سار، ۱۴۰۰: ۶-۴). میچلریخ<sup>۱</sup> نیز در شکل‌گیری حس تعلق ساکنین یک محله مهم‌ترین عامل را خاطره و تجربه‌هایی می‌داند که فرد در رابطه باهم نوعان خود در محله به آن دست‌یافته است. وی رابطه تنگاتنگ و دوطرفه واحد مسکونی با بافت پیرامون خود را میدانی جهت ارتباط مشترک افراد و آرامش را که منجر به زیبایی فضای ذهنی بافت‌های قدیمی می‌شود را در حس تعلق مؤثر می‌داند. منظور از این حس آن است که افراد تمایل دارند خاطرات گذشته خود را حفظ کنند در وضع موجود و حال زندگی کنند و برای آینده بهتر خود تدابیری داشته باشند (پاکزاد، ۱۳۸۸: ۴۵). در نتیجه احساس تعلق به دلیل اینکه شخص از طریق افراد، اشیاء یا خاطرات خاص با مکان خاص شناخته می‌شود در نظریه مکان مهم است. هرچه بیشتر شخص از طریق مشارکت‌های مثبت با یک مکان ارتباط برقرار کند بیشتر احساس ارتباط با آن دارد. احساس تعلق با هویتی که ممکن است در یک مکان خاص داشته باشد گره‌خورده است (Dowler, 2003: 32-33).

### حس تعلق از دیدگاه پدیدارشناسان

بر اساس این دیدگاه حس تعلق به معنی پیوندی قوی، محکم و عاملی مؤثر بین انسان و مکان با اجزا شکل‌دهنده آن است. که این پیوند مثبت بوده است و منجر به گسترش تعاملات در ارتباط انسان و محیط می‌گردد و باگذشت زمان عمیق‌تر می‌شود (حاتمی خانقاهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۰-۱۸). این دیدگاه تجربه را اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن ادراک معانی و مفاهیم یک مکان می‌داند زیرا معنا در یک مکان با ادراک افراد و مقوله‌های مرتبط آن ارتباط مستقیم دارد. به طوری که هر چه مدت ارتباط مردم با یک مکان بیشتر شود به همان میزان نسبت شناخت و ادراک مردم از مکان و معنای تعلق نیز افزایش می‌یابد (Kolesovs, 2021: ۲). حس تعلق در نگاه پدیدارشناسان با مکان دوستی (روح مکان) و در طراحی و معماری جداسازی کالبدی تعبیر می‌شود (قیاسی و صرافی‌گهر، ۱۳۹۵، ۱۴۸). رلف بیان می‌کند حس مکان عاملی است که از یک سو منجر به هماهنگی و کارکرد مناسب فضا می‌شود و از سوی دیگر عاملی برای احساس لذت، امنیت، ادراک عاطفی انسان به حساب می‌آید که منجر به هویت‌مندی و حس تعلق می‌گردد (سلطانی و حاتمی گلزاری، ۱۴۰۰: ۴۰-۳۸). هایدگر<sup>۲</sup> نیز معتقد است که معمار با ایجاد مکان، به بنا فرصت می‌دهد تا در معرض مواجهه و مراوده قرار گیرد. به طوری که اگر مکان به افراد اهداء شود نسبت به آن حس تعلق می‌یابد و می‌تواند آن را به ذهن بسپارد و به آن تقرب

<sup>1</sup> Micherlich

<sup>2</sup> Heidegger

جوید. و این همان مکانی است که به نیاز افراد پاسخ می‌دهد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲). از سوی دیگر شولتز ماهیت مکان را کلیتی شامل عناصر ساخته‌شده، اشیا و آنچه که در ماهیت با روح مکان محسوب می‌گردد می‌داند و ساختار مکان را شامل سکنی‌گزینی، فضا و شخصیت و منظر تعریف می‌کند (اله‌ویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰: ۱۶۹).

### حس تعلق از دیدگاه روان‌شناسان محیطی

روانشناسان با بررسی محیط زندگی انسان و بررسی رفتار روزمره او به تدوین مبانی نظری منطبق بر فضاها و محیط پرداخته‌اند. در این دیدگاه "مکان رفتار" به واحد کوچک از اجتماع اطلاق می‌شود که تعریفی از مکان و فعالیت است و با فرآیند منظم عملکردهای مهم محیط رفتاری را برآورد می‌کند (ده بزرگی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۸۲). که ادراک، احساس و شناخت به عنوان سه عامل مهم در این رویکردند. ادراک قسمتی از جوهره انسان، احساس قسمتی از عکس‌العمل ذاتی انسان نسبت به محیط و شناخت روشی جهت بازخوانی و ذخیره‌سازی اطلاعات درک‌شده از محیط است. بنابراین، انواع نگرش‌های رابطه انسان و مکان در این دیدگاه شامل شناختی، اجتماعی و احساسی است (میرغلامی و آیشم، ۱۳۹۵: ۷۱). روان‌شناسان حس تعلق را با دل‌بستگی مکان، وابستگی به مکان، هویت مکان نیز تعبیر می‌کنند. از نظریه‌پردازان این دیدگاه می‌توان به آلتمن، راپاپورت و استیل اشاره کرد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۰).

### حس تعلق از دیدگاه هستی‌شناسی

در این رویکرد توجه به نیازهای اساسی انسان ضرورت دارد. مدل‌های مختلف از نیازهای انسانی وجود دارد که مدل مازلو<sup>۱</sup> واجد اهمیت بیشتری است. مازلو ضمن تأکید بر نیاز و انگیزه‌های انسانی آن‌را از بدو تولد همراه انسان دانسته و اعتقاد دارد انسان در تعامل با محیط و تغییر در قابلیت‌های آن به دنبال ارضا این نیاز در سطوح مختلف است. او نیاز انسان را به نیاز اولیه و عالییه دسته‌بندی می‌کند که نیاز به تعلق در دسته عالییه قرار می‌گیرد و باید مورد توجه واقع شود (Strayhorn, 2018: 2). همچنین، از نظر لینیچ ابعاد ذهنی افراد استفاده‌کننده از شهر، نشانگر وجود ماهیت مختلف از حس تعلق افراد نسبت به فضا است که افراد فضا را مطابق نیازهای اساسی خود تعبیر و از نظر انگیزش و شایستگی‌های خود معنی تعلق خاص خود را از محیط استنباط می‌کنند (جنت پور و کریمی آذر ۱۳۹۷: ۳۱).

<sup>1</sup> Maslow

## جدول ۲: عوامل مؤثر و شکل‌دهنده حس تعلق به مکان

عوامل	شرح
عوامل انسانی	<ul style="list-style-type: none"> <li>عوامل فردی مانند، نقش اجتماع شخصی در شغل و خانواده، شخصیت، انگیزش، تربیت، شرایط روحی و اقتصاد</li> <li>زمینه جغرافیایی، فرهنگی، ملی، قومی و غیرفردی</li> <li>تصورات ذهنی: رضایتمندی، امنیت، رابطه‌ها و توقعات، تعلق قبلی</li> <li>ویژگی فردی: فرهنگ مرجع، مدت اقامت</li> <li>معنا و خاطره‌انگیزی: ماندگاری، آشنایی با مکان، خوانایی، دل‌بستگی به مکان، وابستگی عاطفی به مکان. وجود اقوام و بستگان، سکونت، المان خاطره‌انگیز، بناهای تاریخی</li> </ul>
عوامل محیطی	<ul style="list-style-type: none"> <li>معنای محیط: که دربرگیرنده ترکیب معانی محیط مانند نشانه، هویت است</li> <li>قابلیت‌های محیطی جهت فرصتی برای انجام فعالیت‌ها؛ ممکن است استفاده از محیط، ارتباط افراد و حضور در محیط باشد</li> <li>موقعیت: که بافت کلی و فاصله و هم‌جواری در مبدأ فضاهای دیگر را در برمی‌گیرد</li> <li>کالبد: فرم، خدمات محلی، مکان‌های شاخص، روابط و سازمان‌دهی تمایز شخص، بومی‌گرایی، محصوریت(مسائل اقلیمی در طراحی، مقیاس انسانی، وجود جداره پیوسته، ابنیه تاریخی، مصالح)</li> <li>اجتماع: تعاملات اجتماعی، طبقات اجتماعی، سایر افراد در بافت</li> <li>عوامل روانی - اجتماعی: ۱. کالبد فضای عمومی ۲. الگو پایداری رفتار ۳. دوره زمانی ماندگار</li> <li>کارکرد و فعالیت: تعاون و همکاری محلی، رویدادهای محلی. گوناگونی، سرزندگی، رضایتمندی هنر خیابانی، نشانه های شاخص، تنوع، قرارگاه رفتاری</li> <li>عوامل جغرافیایی: اقلیم، اقتصاد، فرهنگ، سیاست</li> </ul>

منبع: نگارندگان با اقتباس از (نصیری، ۱۳۹۱: ۹)، (احمدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۲-۷۳) و (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳).

تعلق اخلاقی و ایدئولوژیکی	هرچه مکان از نظر کالبدی و فضایی بیشتر با اصول عقیدتی فرد و باید و نبایدها و ارزش‌های جامعه هم‌جهت باشد تعلق خاطر آن بیشتر است. در تعلق جمعی و هویت‌مندی فضای محله، فضای فکری حاکم در محله سنتی نقشی مهم ایفا می‌کند. این فضای فکری که نشأت گرفته از پیش‌افتادگی اخلاقی و ارزش‌های انسانی اهل محل بوده منجر به تعلق اخلاقی و مسئولیت‌پذیری نسبت به مکان و فضا
تعلق اجتماعی	این تعلق بر اساس کنش و تعاملات اجتماعی در محیط شکل می‌گیرد به همین منظور محیط ترکیبی از عناصر اجتماعی و تعلق را داراست که شخص در آن در پی تعلق خاطر خود است.
تعلق روحی و روانی	ساختار اجتماعی که شامل سازمان‌ها و نهادهای مردمی، برگزاری آیین‌های جمعی و روابط همسایگی، وقایع و خاطرات، طبقات اجتماعی هم سطح، آشنایی افراد محلی می‌باشد و در ساختار کالبدی(نام‌ها و اسامی، عناصر خاطره‌ساز، ابنیه تاریخی، درون‌گرایی، نشانه‌ها و مرکز محله) مؤثر می‌باشد.
تعلق کالبدی	شخص محیط را به همراه عنصرهای کالبدی مکان به یاد می‌سپارد. بنابراین تعامل کالبدی فرد با مکان تعلق کالبدی را به همراه دارد. پروشانسکی به عنصر کالبد در محیط‌های انسانی و نقش آن در شکل‌گیری و تداوم هویت اشاره می‌کند.
بیوگرافیکی	هر چه مدت سکونت انسان در یک محل طولانی‌تر شود به‌خصوص هنگامی که شخص در محیطی زندگی کند که در آن تولد یافته حس تعلق افزایش می‌یابد. به همین اساس تولد و سکونت عامل مهمی در حس تعلق به مکان است.

شکل ۱: انواع حس تعلق به مکان منبع: نگارندگان با اقتباس از (پیربابایی و سجاده‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۵-۲۲).

(کاوپانی، ۱۳۹۵: ۴۵)، (نصیری، ۱۳۹۱: ۷).

## تعلق کالبدی به مکان

این نوع از تعلق از اجزا و عناصر کالبدی مکان به عنوان قسمتی از فرآیند هویت و شناخت انسانی برگرفته شده است. لاوارکاس<sup>۱</sup> در مطالعاتش به نقش اساسی و مهم تعلق کالبدی اشاره و آن را زمینه ریشه‌داری ذکر می‌کند که بر اساس آن شخص محیط را از طریق عناصر کالبدی آن در شکل‌دهی معنای تعلق به ذهن می‌سپارد (نژاد ابراهیمی و شیخ‌الحکمایی، ۱۴۰۰: ۶۲). علاوه بر آن تیلور<sup>۲</sup> نیز در مطالعه خود از فضای عمومی در واحد همسایگی، به عناصر کالبدی اشاره و از آن به عنوان تعامل کالبدی نام می‌برد که همان تعلق کالبدی به مکان است. به طوری که پروشانسکی قبل از این دو به ضرورت توجه به مؤلفه‌های کالبدی در محیط و نقش آن در تداوم و شکل‌گیری هویت افراد اشاره نموده است. او با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط به عنوان قسمتی از هویت مکانی، آن را بخشی از هویت فردی و در نهایت هویت اجتماعی مردم در محیط‌های مختلف می‌داند (محمدمرادی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۷۶). اخیراً پژوهش‌های بسیاری رابطه مشخصه‌های فضای کالبدی و تعاملات اجتماعی را مورد توجه قرار داده‌اند. دیدگاه آن‌ها بر این اساس بوده که در هر محیط فضای کالبدی همچون سامانه‌ای فضایی عمل می‌کند که بر تعاملات اجتماعی مؤثر است. شناخت و درک شخص از مکان شروط اول و مهم برای ایجاد حس تعلق به مکان است (اله‌ویسی و چاره‌جو، ۱۴۰۰: ۱۶۹-۱۶۶). به طوری که محیط‌های با تمایز کالبدی و خوانا برای استفاده‌کنندگان مطلوب بوده و ادراک بهتری از آن صورت می‌گیرد. عوامل کالبدی مانند حدود مالکیت و همسایگی، مشخص بودن حریم‌ها از مهم‌ترین عامل‌های ادراک افراد از محیط‌اند که شخص مطابق شایستگی و انگیزه‌های خود به کنکاش و تجربه محیط می‌پردازد (دانش‌پایه و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۱-۱۴۰). مطابق نظریه مکان-رفتار در روان‌شناسی محیط، محیط به دو عامل کالبدی و فعالیت دسته‌بندی می‌گردد. کالبدی با متغیر ساماندهی اجزا و فرم به مثابه مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری حس تعلق ارزیابی می‌شود. مؤلفه‌های کالبدی به واسطه تمایز در محیط و ارتباط میان بیرون و درون فضا به ایجاد حس تعلق می‌پردازد. بنابراین، بافت و مقیاس، شکل، رنگ، و اندازه به عنوان ویژگی‌های فرم، هر یک بر حس تعلق نقش مؤثر داشته‌اند. زیرا عناصر کالبدی به واسطه همسازی و قابلیت تأمین نیازهای انسانی در مکان در ایجاد حس تعلق مؤثراند (حسامی و همکاران، ۱۴۰۱: ۴۵-۴۴).

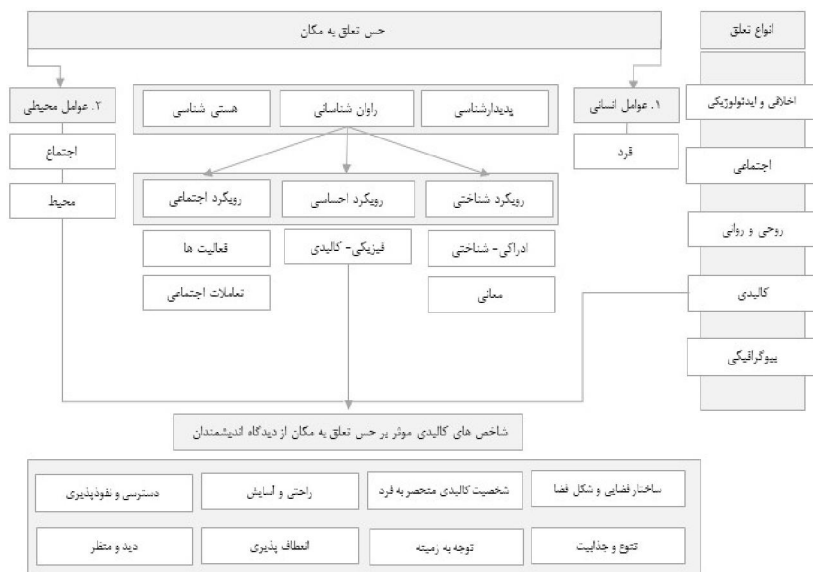
<sup>1</sup> Lavarkas

<sup>2</sup> Taylor

جدول ۱-۳: شاخص‌های مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان از دیدگاه اندیشمندان

منبع	عوامل	نظریه پرداز
Altman and Low, (1992: 5)	قابل دسترس بودن، انعطاف پذیری، اختصاصی بودن، مقیاس، تعیین قلمرو، عقاید فرهنگی مرتبط کننده با محیط	Altman (1975)
(رلف، ۱۳۸۹: ۵۱-۵۰)	حواس پنج گانه، عناصر تحریک کننده حواس، مرز و قلمرو.	Relph (1976)
(شولتز، ۱۳۸۸: ۴۰-۳۴)	مقیاس انسانی، محصور بودن، تداوم، مرکزیت، تراکم، تنوع در عین وحدت، مرز و قلمرو	Schulz (1976)
(راپاپورت، ۱۳۹۲: ۱۱۱)	نشانه کالبدی، تجارب اجتماعی، نماد و سمبل‌های فرهنگی، نگرش فرد و ارتباطات محیط	Rappoport (۱۹۷۷)
(لینچ، ۱۳۷۸: ۱۹۸-۱۹۲)	کنترل و نظارت، سرزندگی، دسترسی، معنی، عدالت، سازگاری، کارایی سادگی فرم، تنوع، متمایز بودن، استمرار، عرصه دید، تسلط و غلبه داشتن، عوامل گروهی زمانی	Lynch (1980)
Steele, 1984: 31- (44)	سرزندگی، مقیاس انسانی، اندازه مکان، تناسب، امنیت، فاصله، هویت، تنوع بصری، درجه محصوریت، رنگ، صدا، بو	Fritz Steele (۱۹۸۴)
(پاکزاد، ۱۳۸۸، ۴۳۴-۴۱۶)	تعیین مرز و قلمرو مشخص، انعطاف پذیری، وحدت در فضا	Erika Spiegel (۱۹۸۴)
(کرمونا و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۳)	شکل ساخت و مبلمان شهری، نفوذپذیری، چشم انداز، منظر شهری	Johan Punter (۱۹۹۱)
Bonaiuto, 2003: (41-52)	پایداری، تسهیلات، تناسب مکان با عملکرد و زمینه، مشخصات بصری	Bonaiuto Marino (2000)
(دانش پایه، ۱۳۹۶: ۲۷-۲۸)	ایمنی و امنیت، اختلاط کاربری، دسترسی، منظر شهری، فضای همگانی	Carmona (2003)
Lewicka, 2011: (218)	عناصر متمایز، اندازه، مقیاس، محصوریت، تنوع، بوم گرایی	Maria Lewicka (۲۰۱۱)

منبع: نگارندگان



شکل ۲: چهارچوب نظری پژوهش منبع: نگارندگان

## روش پژوهش

پژوهش حاضر ماهیتاً توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف نوع آن کاربردی است. همچنین، جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش غیرمستقیم مطالعات کتابخانه‌ای و روش مستقیم مطالعات میدانی (مشاهده و پرسشنامه) استفاده شده است. به‌گونه‌ای که از مطالعات کتابخانه‌ای جهت رسیدن به مبانی نظری پژوهش (مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان)، و از برداشت میدانی و پرسشنامه جهت کشف روابط و چگونگی تعامل بین متغیرهای ساختار واقعی در شرایط موردبررسی (تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس تعلق به مکان) بهره گرفته شده است. بدین ترتیب، ابتدا وضع موجود محله آبشوران مورد بازدید میدانی قرار گرفت. در گام بعدی، پرسشنامه‌ای با توجه به دو پارامتر حس تعلق به مکان (متغیر وابسته) و مؤلفه‌های کالبدی حس تعلق (متغیر مستقل) جهت کامل‌شدن شناخت و روابط بین متغیرها مدون شد. سؤالات پرسشنامه در طیف لیکرت<sup>۱</sup> طراحی گردید و با استفاده از آن موردسنجش ساکنین قرار گرفت. جامعه آماری تمام ساکنین محله آبشوران شهر کرمانشاه بوده است که در این میان ۲۸۵ نفر به‌عنوان حجم نمونه با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی با جدول مورگان انتخاب شده‌اند. این حجم نمونه با توجه به تعداد ساکنین در محله آبشوران که شامل ۱۱۱۱ نفر می‌باشد به‌دست آمده است.

<sup>۱</sup> Rensis Likert



در این پژوهش جهت تحلیل اطلاعات ابتدا وضع موجود محله آبشوران با روش‌های مختلف مطالعات میدانی (مشاهده و پرسشنامه) برداشت شد. سپس با نرم‌افزار تحلیلی SPSS تحلیل اطلاعات حاصل از پرسشنامه صورت گرفت. با توجه به آنکه روش تجزیه و تحلیل داده به ماهیت و نوع داده بستگی دارد؛ از این‌رو، در پژوهش حاضر جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو شیوه آمار توصیفی و آمار استنباطی با توجه به ماهیت و نوع داده استفاده شد. به این صورت که با به دست آوردن فراوانی و درصد، متغیرهای مورد مطالعه توصیف شده‌اند. مضاف بر آن، در زمینه آمار استنباطی داده‌های حاصل از پرسشنامه در قالب آزمون آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره، سؤالات پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته است. لازم به ذکر است که پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ سنجیده شده و با توجه به ضریب به دست آمده (۰٫۸۳۷)، پرسشنامه از پایایی مناسب جهت بررسی موضوع برخوردار است.

جدول ۴: پایایی پرسشنامه

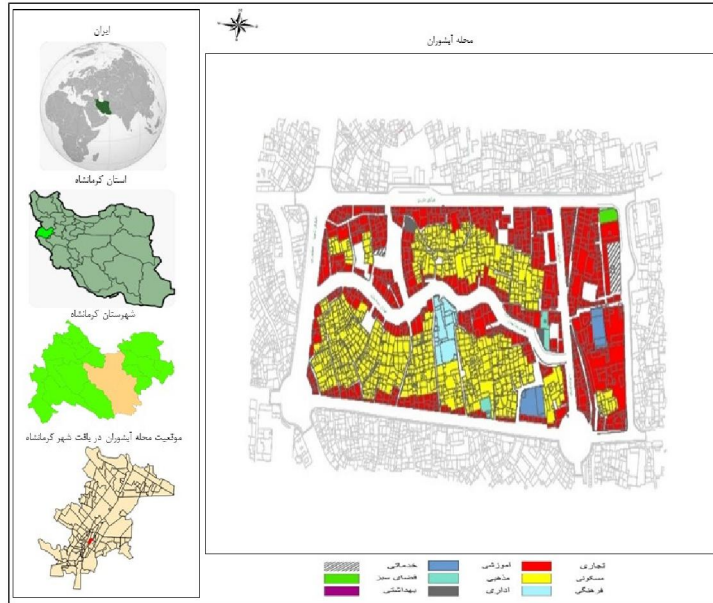
Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.۸۳۷	۵۵

منبع: نگارندگان

### معرفی نمونه مطالعاتی

محله آبشوران (به کردی ناشوورا) در شهر کرمانشاه، از قدیمی‌ترین محلات شهر و یکی از اصلی‌ترین هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر است. آبشوران در بافت تاریخی شهر قرار دارد و قدمت آن به دوران زندیه بازمی‌گردد. این محله در محدوده منطقه سه واقع شده است و در حال حاضر در حوزه نظارت شهرداری منطقه سه شهر قرار دارد (مهندس مشاوران تدبیر شهر، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۱). مساحت این محله برابر ۱۸۰۳۱۰ مترمربع است که ۳۲۳ خانوار را مطابق سرشماری ۱۳۹۵ در خود جای داده است (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه، ۱۳۹۷: ۲۰۰). این محله از سمت غرب به خیابان مدرس، از شمال به خیابان نواب صفوی، از جنوب غربی به خیابان شهید مطهری، از شرق به خیابان دکتر علی شریعتی، از جنوب به میدان شهید گمنام، از شمال شرقی به میدان غدیر و از شمال غربی به سواره نواب محدود می‌شود. از بناهای شاخص این محله می‌توان به مسجد بنکداران، حمام حسن‌خان، بازار اسلامی، تکیه معاون‌الملک و موزه مردم‌شناسی شهر اشاره کرد. این محله همچنین دارای لبه‌های فعال و نیمه‌فعال تجاری بسیاری است که با وجود هم‌جواری با محله بازار و حیات اقتصادی، دارای بخش‌هایی به صورت

متروکه و مخروبه است و مطابق طرح نوسازی و بهسازی بافت فرسوده کرمانشاه بافت فرسوده تلقی می‌شود.



شکل ۳: موقعیت محله آبشوران در بافت شهر کرمانشاه منبع: نگارندگان

## یافته‌ها

با تکیه بر مبانی نظری پژوهش ۸ شاخص کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان مشخص و در قالب ۴۳ زیر شاخصه در محله آبشوران شهر کرمانشاه موردسنجش قرار گرفتند. تا تأثیر هر شاخص بر حس تعلق به مکان محله آبشوران مشخص گردد.

جدول ۱-۵)، شاخص و گویه‌ها کالبدی حس تعلق به مکان

گویه‌ها		شاخص
استفاده از هنرهای همگانی	وجود نشانه‌ها	شخصیت کالبدی منحصر به فرد(تمایز)
مشخص بودن مرز و قلمرو فضا	استفاده از فرم و شکل منحصربه‌فرد	
توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود	تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی کف و بدنه داخل فضا و متضاد با محیط اطراف	توجه به زمینه
استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی - اجتماعی در طراحی کالبدی بوم‌گرایی در مصالح و در پوشش گیاهان هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی		
تسلسل مسیرهای حرکت و نقاط مکث	رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها	ساختار فضایی و شکل

متناسب فضا	محصور بودن مناسب با فضا	تناسبات بصری در فضا
	توجه به مقیاس انسانی	رعایت سلسله مراتب خیابان‌ها
تنوع و جذابیت	تنوع در کاربری‌ها وجود محرک‌های حسی مختلف (حواس پنج‌گانه انسان) تنوع کالبدی و جذابیت بصری	
راحتی و آسایش	توجه به اقلیم و آب‌وهوای شهری	وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن
	پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی	مشخص بودن حدود مالکیت عمومی و خصوصی
	عدم وجود کاربری‌های مخروبه و متروکه	نورپردازی مناسب فضا در شب
	فقدان فضاهای غیرقابل دفاع	تعین سیستم حرکتی پیاده (به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد)
انعطاف‌پذیری	پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی انعطاف در عناصر مستقر در فضا انعطاف در بدنه‌ها و کف فضا	
دسترسی و نفوذپذیری	وجود مسیرهای کافی برای رسیدن به فضا	کارایی حمل‌ونقل همگانی
	دسترسی مطلوب عابر پیاده	وضوح اطلاعات و علامت‌ها
	عدم وجود موانع دید در جهت حفظ نفوذپذیری فضا	رویت‌پذیری از فاصله دور
دید و منظر	دیده‌های متمرکز، نظم و هماهنگی، خط آسمان، خط بام، فرم ساختمان، رفع ناهنجاری‌های بصری، محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری، تباین و گوناگونی در فضا	

منبع: نگارندگان

### ارزیابی و تحلیل داده‌ها: آمار توصیفی

در این پژوهش مطابق توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس جنسیت از حجم نمونه ۱۷۶ نفر، ۷۱٫۶۳ درصد را مردان و ۲۸٫۳۷ درصد را زنان به خود اختصاص داده‌اند. همچنین، از نظر سن؛ بیشترین رده سنی مربوط به افراد (۳۰-۴۰) و کمترین رده مربوط به گروه سنی (۵۰) سال به بالا) است. از نظر سواد، سطح تحصیلات لیسانس با ۳۸٫۴ درصد بالاترین میزان باسوادی و ارشد و بالاتر با ۰٫۶ درصد کمترین میزان است. نتایج دیگر حاکی از آن است که ۳۷٫۷ درصد از ساکنین رده سنی ۱۰ تا ۱۵ سال بیشترین درصد و رده سنی زیر ۵ سال با ۸٫۴ درصد کمترین میزان سکونت در محل را به خود اختصاص داده است. مضاف بر آن، بیشترین علت سکونت در محله نزدیکی به محل کار با ۳۱٫۳ درصد و احساس تعلق خاطر با ۳۰٫۷ درصد و در رده‌های پایین‌تر به ترتیب (هزینه پایین مسکن با ۱۱٫۰ درصد، سکونت در خانه پدری ۱۸٫۰ درصد و سایر نیز ۹٫۰ درصد) اشاره شده است.

لازم به ذکر است، جهت سنجش تأثیرگذاری شاخص‌های کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان، ابتدا حس تعلق ساکنان محله آبشوران با ۱۲ گویه موردسنجش قرار گرفته است. نتایج بیانگر حس تعلق ساکنان به محله آبشوران است به طوری که مطابق جدول ۱-۶ بیشتر گویه‌ها حس تعلق متوسط و رو به بالایی را نشان می‌دهند.

جدول ۱-۶) تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

درصد فراوانی هر یک از پاسخ‌ها						میزان حس تعلق ساکنین محله در وضع موجود
خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	
۴،۸	۱۷،۵	۴۰،۴	۱۹،۳	۱۸،۰	۳،۲۸	من از زندگی در محله راضی و خشنودم
۹،۰	۲۰،۵	۵۳،۰	۹،۶	۷،۹	۲،۸۷	احساس افتخار به علت معروف بودن و متمایز بودن محله
۷،۲	۱۶،۹	۴۰،۴	۱۸،۷	۱۶،۸	۳،۲۱	من در اینجا بیشتر از هر جای دیگر احساس راحتی می‌کنم
۱۵،۱	۲۷،۷	۲۶،۵	۱۹،۳	۱۱،۴	۲،۸۴	این محله برای من سرشار از معنی است
۲۱،۷	۲۴،۷	۳۵،۵	۱۱،۴	۶،۷	۲،۲۷	مردم دوستی
۳،۶	۵،۴	۲۷،۱	۲۶،۵	۳۷،۴	۳،۸۹	علاقه افراد به همدیگر
۱۰،۸	۲۱،۷	۴۰،۴	۱۳،۳	۱۳،۸	۲،۹۸	مناسب و سازگار با سبک زندگی من
۱۴،۵	۲۴،۱	۳۷،۳	۱۲،۰	۱۲،۱	۲،۸۳	من از بودن در این محله بیش از هر جا لذت می‌برم
۲۱،۱	۲۵،۳	۳۰،۷	۸،۴	۱۴،۵	۲،۷۰	بی‌رغبت به نقل مکان به جایی دیگر به علت عادت به محله
۳۶،۱	۳۱،۹	۲۱،۱	۷،۲	۳،۷	۲،۱۰	این محله برای من خیلی مهم است
۲۱،۱	۳۰،۱	۲۸،۹	۱۰،۸	۹،۱	۲،۵۷	من به این محله بسیار دل بسته‌ام
۲۱،۱	۱۷،۵	۳۹،۸	۱۳،۹	۷،۷	۲،۷۰	اجتماع و دیدار افراد محله

منبع: یافته‌های پژوهش

از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌ازاین ذکر شد ۸ شاخص کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در قالب ۴۳ گویه در محله آبشوران موردسنجش قرار گرفتند. نتایج این سنجش نشان‌دهنده آن است که اکثر گویه‌ها در وضعیت متوسطی قرار دارند و تنها چند گویه همچون تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف، استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی- اجتماعی در طراحی کالبدی، هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی، رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها، تنوع کالبدی و جذابیت بصری، وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن، پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی، فقدان فضاهای غیرقابل دفاع، تعیین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین

گردد، رفع ناهنجاری‌های بصری، محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری به ترتیب با میانگین (۳,۶۷)، (۴,۵۵)، (۴,۰۶)، (۴,۰۸)، (۳,۸۰)، (۳,۶۴)، (۴,۴۰)، (۴,۲۷)، (۴,۲۸)، (۴,۲۷) در وضعیت خیلی کم و ضعیفی قرار دارند.

جدول ۷: تحلیل پرسشنامه مبتنی بر آمار توصیفی

درصد فراوانی هر یک از پاسخها						سنجش شاخص‌های کالبدی حس تعلق به مکان در محله آبشوران
میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۲,۸۴	۱۱,۴	۱۹,۳	۲۶,۵	۲۷,۷	۱۵,۱	وجود نشانه‌ها
۳,۱۶	۱۵,۷	۲۲,۳	۳۴,۹	۱۶,۳	۱۰,۸	استفاده از هنرهای همگانی
۲,۴۰	۹,۰	۹,۳	۳۰,۵	۲۷,۱	۲۴,۱	استفاده از فرم و شکل منحصربه‌فرد
۳,۰۴	۱۳,۲	۱۳,۹	۴۴,۰	۲۱,۱	۷,۸	مشخص بودن مرز و قلمرو فضا
۳,۶۷	۳۹,۲	۱۶,۳	۲۶,۵	۹,۰	۹,۰	تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف
۳,۲۱	۱۶,۸	۱۸,۷	۴۰,۴	۱۶,۹	۷,۲	توجه به ساختمان‌های تاریخی موجود
۴,۵۵	۷۱,۱	۱۸,۱	۷,۲	۲,۴	۱,۲	استفاده از سمبل و نمادهای فرهنگی - اجتماعی در طراحی کالبدی
۲,۴۰	۹,۰	۹,۳	۳۰,۵	۲۷,۱	۲۴,۱	بوم‌گرایی در مصالح و در پوشش گیاهان
۴,۰۶	۴۷,۰	۱۹,۹	۲۵,۹	۶,۶	۰,۶	همه‌انگهی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی
۴,۰۸	۵۰,۰	۲۱,۱	۱۹,۹	۵,۴	۳,۶	رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها
۳,۲۸	۱۵,۸	۲۸,۹	۳۴,۳	۱۰,۲	۱۰,۸	تسلسل مسیره‌های حرکت و نقاط مکث
۱,۶۶	۰,۲	۶,۶	۹,۵	۲۵,۳	۵۸,۴	محصور بودن مناسب با فضا
۲,۱۰	۶,۰	۱۲,۷	۱۱,۴	۲۴,۷	۴۵,۲	تناسبات بصری در فضا
۲,۷۰	۱۴,۵	۸,۴	۳۰,۷	۲۵,۳	۲۱,۱	توجه به مقیاس انسانی
۳,۱۱	۱۵,۱	۱۹,۳	۳۸,۵	۱۵,۱	۱۲,۰	رعایت سلسله‌مراتب خیابان‌ها
۲,۹۸	۹,۶	۱۲,۷	۴۶,۴	۲۸,۳	۳,۰	تنوع در کاربری‌ها
۲,۸۰	۷,۲	۱۶,۳	۳۴,۵	۳۲,۵	۹,۵	وجود محرک‌های حسی مختلف (حواس پنج‌گانه انسان)
۳,۸۰	۳۵,۰	۲۵,۳	۲۶,۵	۱۱,۴	۱,۸	تنوع کالبدی و جذابیت بصری
۲,۹۶	۱۲,۴	۱۰,۸	۳۶,۷	۲۸,۷	۱۱,۴	توجه به اقلیم و آب‌وهوای شهری
۳,۶۴	۳۱,۴	۱۹,۳	۳۴,۹	۱۰,۸	۳,۶	وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن
۴,۴۰	۶۱,۵	۲۴,۷	۷,۸	۴,۲	۱,۸	پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی
۳,۱۰	۱۳,۸	۱۵,۷	۴۲,۸	۲۲,۳	۵,۴	مشخص بودن حدود مالکیت عمومی و خصوصی
۲,۱۰	۶,۰	۱۲,۷	۱۱,۴	۲۴,۷	۴۵,۲	وجود کاربری‌های مخروبه و متروکه
۳,۵۸	۱۷,۲	۳۴,۱	۳۳,۱	۱۰,۸	۴,۸	نورپردازی مناسب فضا در شب
۴,۲۷	۵۵,۴	۲۴,۱	۱۵,۷	۱,۸	۳,۰	فقدان فضاهای غیرقابل دفاع

۴,۲۸	۵۴,۸	۲۲,۳	۱۹,۹	۱,۸	۱,۲	تعین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد
۲,۹۰	۱۴,۴	۱۵,۱	۳۶,۱	۱۵,۱	۱۹,۳	پرهیز از اختصاصی کردن فضاها و تفکیک کالبدی
۳,۳۷	۱۹,۹	۱۵,۷	۳۸,۵	۱۵,۷	۱۰,۲	انعطاف در عناصر مستقر در فضا
۳,۱۶	۱۵,۷	۲۲,۳	۳۴,۹	۱۶,۳	۱۰,۸	انعطاف در بدنه‌ها و کف فضا
۳,۱۳	۱۸,۰	۱۵,۱	۳۹,۲	۱۶,۹	۱۰,۸	وجود راه‌های کافی برای رسیدن به فضا
۲,۴۵	۷,۳	۶,۰	۳۴,۹	۲۷,۷	۲۴,۱	کارایی حمل‌ونقل همگانی
۲,۷۰	۸,۴	۷,۸	۴۱,۶	۲۹,۵	۱۲,۷	دسترسی مطلوب عابر پیاده
۳,۲۸	۱۸,۰	۱۹,۳	۴۰,۴	۱۷,۵	۴,۸	وضوح اطلاعات و علامت‌ها
۳,۲۷	۲۴,۷	۱۵,۷	۲۸,۳	۲۴,۱	۷,۲	عدم وجود موانع دید در جهت حفظ نفوذپذیری فضا
۲,۷۰	۷,۷	۱۳,۹	۳۹,۸	۱۷,۵	۲۱,۱	رؤیت‌پذیری از فاصله دور
۲,۸۷	۹,۱	۱۸,۷	۳۳,۷	۲۷,۷	۱۰,۸	دیدهای متمرکز
۲,۸۹	۱۰,۲	۱۵,۷	۳۸,۰	۲۴,۷	۱۱,۴	نظم و هماهنگی
۲,۸۹	۱۰,۲	۱۵,۷	۳۸,۰	۲۴,۷	۱۱,۴	خط آسمان
۲,۲۷	۶,۷	۱۱,۴	۳۵,۵	۲۴,۷	۲۱,۷	خط بام
۲,۷۰	۱۴,۵	۸,۴	۳۰,۷	۲۵,۳	۲۱,۱	فرم ساختمان
۴,۰۰	۳۴,۹	۳۸,۶	۲۰,۵	۳,۶	۲,۴	رفع ناهنجاری‌های بصری
۴,۲۷	۵۵,۴	۲۴,۱	۱۵,۷	۱,۸	۳,۰	دید به نشانه‌های مهم منظر شهری
۲,۸۷	۹,۱	۱۸,۷	۳۳,۷	۲۷,۷	۱۰,۸	تباين و گوناگونی در فضا

منبع: یافته‌های پژوهش

### ارزیابی و تحلیل داده‌ها: آمار استنباطی

در این بخش جهت پاسخ به سؤال اول پژوهش اینکه کدامیک از مؤلفه‌های کالبدی در بازآفرینی حس تعلق به مکان محله آبشوران تأثیرگذارند؟ ابتدا همبستگی میان متغیرهای وابسته (حس تعلق به مکان) و متغیرهای مستقل (شاخص‌های کالبدی) موردسنجش قرار می‌گیرد. آنچه در آزمون همبستگی مدنظر است میزان سطح معناداری متغیرهاست به گونه‌ای که اگر سطح معناداری کمتر و مساوی ۰,۰۵ باشد دربردارنده این مفهوم است که میان دو متغیر همبستگی وجود دارد. بنابراین، جهت سنجش تأثیر شاخص‌های کالبدی بر حس تعلق به مکان همان‌طور که قبلاً ذکر آن رفت از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتایج نشانگر آن است میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. البته میزان همبستگی هر شاخص کالبدی با حس تعلق به مکان متفاوت است. به طوری که چهار عامل «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس تعلق به محله آبشوران دارند؛ به همین علت در ارتقا و ایجاد حس تعلق به محله آبشوران تأثیرگذارترند. از سوی دیگر، شاخص «دسترسی و نفوذپذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است.

جدول ۸: نتایج آزمون همبستگی پیرسون شاخص‌های کالبدی و حس تعلق به مکان محله آبشوران

معناداری	میزان همبستگی با حس تعلق به مکان	شاخص‌های کالبدی
۰,۰۰	۰,۶۰۹	شخصیت کالبدی منحصر به فرد (تمایز)
۰,۰۰	۰,۵۴۰	توجه به زمینه
۰,۰۱	۰,۴۸۵	ساختار فضایی و شکل متناسب فضا
۰,۰۰	۰,۶۲۵	تنوع و جذابیت
۰,۰۰	۰,۳۰۴	راحتی و آسایش
۰,۰۲	۰,۲۴۷	انعطاف‌پذیری
۰,۰۲	۰,۲۲۱	دسترسی و نفوذپذیری
۰,۰۰	۰,۳۱۱	دید و منظر

منبع: یافته‌های پژوهش

سپس با آزمون رگرسیون چندمتغیره خطی میزان رابطه میان متغیرهای کالبدی با حس تعلق به مکان مشخص شده است. نتایج بیانگر آن است که متغیرهای شاخص کالبدی تا چه میزان قدرت پیش‌بینی تغییرات ایجاد شده در متغیر حس تعلق به مکان را دارند. میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس تعلق به مکان مطابق جدول ۹-۱، ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. همچنین، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است. به بیانی دیگر، ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات بازآفرینی حس تعلق به مکان محله آبشوران توسط شاخص‌های کالبدی پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۹: خلاصه مدل رگرسیونی و ضریب تعیین

خطای استاندارد برآورده	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین R2	همبستگی R
۰,۶۹۱۹۰	۰,۶۰۴	۰,۶۱۱	۰,۷۸۲

منبع: یافته‌های پژوهش

و در نهایت از آزمون ANOVA برای تعیین سطح معناداری و تأیید مدل رگرسیون خطی استفاده شد. که نتایج آن نشان می‌دهد که سطح معناداری با توجه به مقدار آن ۰,۰۱ است که نشانگر تأیید مدل خطی رگرسیون است. بنابراین، با تکیه بر نتایج می‌توان بیان داشت شاخص‌های کالبدی بر حس تعلق مکان مؤثر است و می‌تواند تغییرات ایجاد شده در حس تعلق را با میزانی قابل توجه پیش‌بینی کند.

جدول ۱۰: آزمون ANOVA جهت تعیین سطح معنی‌داری

مدل	مجموعه مجذورات	درجه آزادی	جذر میانگین	سطح معناداری
رگرسیون	۲۶۹,۰۷۸	۶	۴۴,۸۴	۰,۰۱
باقی‌مانده	۱۷۱,۳۸۴	۳۸۵	۰,۴۷۹	
کل	۴۴۰,۴۶۲	۳۶۴		

منبع: یافته‌های پژوهش

## نتیجه‌گیری

در پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون حس‌تعلق به مکان و ابعاد مختلف آن، بر ابعاد اجتماعی حس‌تعلق به مکان توجه بیشتری شده و کمتر به ابعاد کالبدی این حس تمرکز شده است. این درحالی‌ست که عوامل کالبدی در ارتقا و حفظ حس‌تعلق به مکان نقش مهمی دارند. عطف به هدف پژوهش حاضر که استخراج مؤلفه‌های کالبدی جهت ارتقاء حس‌تعلق به مکان و بررسی و سنجش آن‌ها در محله آبشوران شهر کرمانشاه بوده است؛ بخش کیفی این پژوهش ابتدا با تکیه بر مبانی نظری موجود به سؤال دوم پاسخ داده است و نشان می‌دهد ۸ شاخص کالبدی شخصیت کالبدی منحصربه‌فرد (تمایز)، توجه به زمینه، ساختار فضایی و شکل متناسب فضا، تنوع و جذابیت، راحتی و آسایش، انعطاف‌پذیری، دسترسی و نفوذپذیری، و دید و منظر با حس‌تعلق به مکان ارتباط مستقیمی دارند. بدین‌سان، هر مکانی این خصوصیات را دارا باشد می‌تواند منجر به ایجاد حس‌تعلق به مکان و تقویت آن گردد.

سنجش محله آبشوران از طریق داده‌های گردآوری شده پرسشنامه نیز پاسخگوی سؤال اول پژوهش بوده و بیانگر آن است که ساکنین محله آبشوران نسبت به محله حس‌تعلق متوسط و روبه بالایی دارند. به‌طوری‌که مطابق آزمون همبستگی پیرسون میان تمامی شاخص‌های کالبدی و حس‌تعلق به مکان رابطه معناداری وجود دارد. البته میزان همبستگی هر شاخص کالبدی با حس‌تعلق به مکان متفاوت است. چهار عامل «تنوع و جذابیت»، «تمایز»، «توجه به زمینه»، «ساختار فضایی و شکل مناسب فضا» نسبت به شاخص‌های دیگر همبستگی بیشتری با حس‌تعلق به محله آبشوران دارند. بدین‌ترتیب، در ارتقا و ایجاد حس‌تعلق به محله آبشوران تأثیرگذارترین، از سوی دیگر، شاخص «دسترسی و نفوذپذیری» از همبستگی پایین‌تری نسبت به سایر شاخص‌ها برخوردار است. همچنین، نتایج آزمون رگرسیون بیانگر آن است میزان همبستگی میان متغیرهای کالبدی و حس‌تعلق به مکان مطابق جدول ۱-۹، ۰,۷۸۲ در سطح بالایی است. مضاف بر آن، ضریب تعیین بیانگر آن است که ۰,۶۱۱ درصد از تغییرات متغیر حس‌تعلق به مکان مربوط به متغیرهای شاخص کالبدی است.

علاوه بر این، نتایج شاخص‌های کالبدی در محله مورد مطالعه نیز حاکی از آن است که اکثر گویه‌ها در وضعیت متوسطی قرار دارند و تنها چند گویه همچون تداوم، رنگ، بافت و مصالح در عناصر کالبدی داخل فضا و متضاد با محیط اطراف، استفاده از سمبل و نمادهای



فرهنگی - اجتماعی در طراحی کالبدی، هماهنگی بافت جدید با بافت موجود از نظر کاربری و فرم کالبدی، رعایت الگوی مناسب بلوک‌ها و خیابان‌ها، تنوع کالبدی و جذابیت بصری، وجود تسهیلات رفاهی مانند مکان‌های مناسب نشستن، پاکیزگی فضا و عدم تجمع آلودگی، فقدان فضاهای غیرقابل دفاع، تعیین سیستم حرکتی پیاده به گونه‌ای که امنیت تأمین گردد، رفع ناهنجاری‌های بصری، دید به نشانه‌های مهم منظر شهری، در وضعیت خیلی کم و ضعیفی قرار دارند. فلذا، ضروری‌ست جهت ارتقا و تداوم حس تعلق محله آبشوران در بازطراحی فضاها مورد توجه ویژه واقع شوند.

## منابع و مآخذ:

۱. احمدی، ف.، افشار، ع.، آقالطیفی، آ. ۱۳۹۳. عوامل تأثیرگذار بر حس تعلق در فرآیند بازآفرینی در بافت مسکونی اطراف حرم امام رضا(ع)، محله نوغان، هفت شهر، شماره ۴۷-۴۸.
۲. آدینه‌لو فرد، م.، رحمانی، م. ۱۴۰۱. مقایسه تطبیقی حس مکان در شهرهای جدید تهران (نمونه موردی: شهرهای جدید پردیس، پرند و اندیشه)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۵(۵۸)، ۱۰۳-۱۱۸.
۳. اله ویسی، ف.، چاره جو، ف. ۱۴۰۰. تبیین نقش عوامل مؤثر بر تعلق مکانی در بافت‌های شهری (مطالعه موردی: بافت قدیم، میانی، جدید و حاشیه‌ای شهر ساندج)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱.
۴. بزی، خ.، میرزاپور، س.، افراسیابی راد، م. ۱۳۹۳. بررسی مقایسه‌ای حس تعلق به مکان در محلات شهر خرم‌آباد، نشریه معماری و شهرسازی پایدار، سال دوم، شماره ۲.
۵. پاکزاد، ج. ۱۳۸۸. سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (۳)؛ از فضا تا مکان، انتشارات شهیدی، چاپ اول، تهران.
۶. پیربابایی، محمدتقی، و سجادزاده، حسن. ۱۳۹۰. تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶.
۷. جنت پور، ن.، کریمی آذر، ا. ۱۳۹۷. تبیین شاخص‌های مؤثر بر شکل‌گیری حس تعلق به مکان به‌منظور ارتقاء پایداری اجتماعی در مجموعه مسکونی، کنفرانس بین‌المللی، عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران.
۸. حاتمی خانقاهی، ت.، وزیری، و.، سلمانیان، ب.، تاج‌الدینی، ن. ۱۳۹۸. مقایسه عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در محلات جدید و قدیم شهر اردبیل، فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۳۴.
۹. حسامی، ش.، غیاسی، ص.، بابازاده اسکویی، س.، شفیع زاده، ا. ۱۴۰۱. تحلیل تعامل انسان با محیط پیرامون از بعد تأثیرات ادراک و رفتار در حس تعلق به مکان (مورد مطالعه: مجتمع مسکن مهر مکریان مهاباد)، مجله علمی گفتمان طراحی شهری، دوره سوم، شماره ۱.
۱۰. حیدری، ع.، مطلبی، ق.، نگین تاجی، ف. ۱۳۹۳. تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۳.
۱۱. دانش پایه، ن. ۱۳۹۶. معیارهای اصلی شکل‌گیری حس مکان در پهنه‌های توسعه جدید شهری (نمونه مطالعه: منطقه ۲۲ شهرداری تهران)، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، دانش شهر.

۱۲. دانش پایه، ن.، حبیب، ف.، طغیانی، ش. ۱۳۹۶. تبیین فرآیند شکل‌گیری حس مکان در توسعه جدید شهری (منطقه ۴ شهرداری تهران)، فصلنامه مطالعات ملی، سال هجدهم، شماره ۴.
۱۳. دانش پور، عبدالهادی، و صفارسبز، فاطمه. ۱۳۹۷. تحلیلی بر عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در مرکز قدیمی شهر سبزوار، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۹، شماره ۳۳.
۱۴. ده بزرگی، م.، اولادحسین، آ.، دانش پور، ع. ۱۳۹۵. ارائه چارچوب نظری جهت حس تعلق به مکان از دیدگاه پدیدارشناسان و روانشناسان محیطی، چهارمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، بارسلون - اسپانیا.
۱۵. دهخدا، ا. ۱۳۸۵. فرهنگ دهخدا، جلد اول و دوم، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۱۶. راپاپورت، آ. ۱۳۹۲. معنی محیط ساخته‌شده، رویکردی در ارتباط غیرکلامی، ترجمه فرح حبیب، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ سوم، تهران.
۱۷. رشید کلویر، ح.، عباس زاده دیز، ف.، اکبری، ح.، شاهرودی کلور، م. ۱۳۹۹. بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیر کالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال ششم، شماره ۲.
۱۸. رضوانی، ن.، بهزادفر، م.، حبیبی، ک. ۱۳۹۶. ارزیابی بافت تاریخی بر پایه هنجار حس تعلق به مکان (نمونه مطالعاتی: محله سرچشمه گرگان)، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲۹.
۱۹. رلف، ا. ۱۳۸۹. مکان و بی‌مکانی، ترجمه محمدرضا نقصان محمدی و دیگران، انتشارات آرمانشهر، چاپ اول، تهران.
۲۰. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمانشاه. ۱۳۹۷. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ شهر کرمانشاه (به تفکیک مناطق ۸ گانه شهرداری و محلات و برآورد جمعیت تا سال ۱۴۰۰)، سازمان برنامه و بودجه کشور مرکز اسناد - مدارک و انتشارات.
۲۱. سلطانی، ع.، حاتم گلزاری، ا. ۱۴۰۰. تحلیلی بر مؤلفه‌های تبیین‌کننده حس تعلق مکانی در محلات نوبنیاد شهری (مطالعه موردی: محله یاغچیان تبریز)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، سال هشتم، شماره ۱.
۲۲. شولتز، ک. ۱۳۸۸. روح مکان، به‌سوی پدیدارشناسی معماری، ترجمه محمدرضا شیرازی، نشر رخ داد نو، چاپ اول، تهران.

۲۳. شهریاری، م.، مشک سار، پ. ۱۴۰۰. بررسی عناصر کالبدی حس تعلق به مکان در محلات شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید بهشتی شهر شیراز)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، دوره ۲، شماره ۶.
۲۴. صالحی، س. ۱۳۹۷. بررسی حس تعلق مکان در مجتمع‌های مسکن مهر (مطالعه موردی: مسکن مهر پيله مهران شهر اردبیل)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری گرایش برنامه‌ریزی مسکن.
۲۵. فارسی، ط.، ناسخیان، ش.، شاهپوندی، ا. ۱۳۹۸. ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقاء سرزندگی (نمونه موردی: پاتوق شهری در معبر تاریخی - طبیعی شهر اصفهان)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۲(۴۷)، ۱۴۵-۱۶۲.
۲۶. فلاحت، م. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶.
۲۷. قیاسی، ه.، صرافی گهر، ا. ۱۳۹۵. تبیین مدل نظری ارتقا حس مکان در طراحی معماری و شهر، مدیریت شهری، شماره ۴۵.
۲۸. کاویانی، ا. ۱۳۹۵. طراحی خانه فرهنگ یزد با تأکید بر ارتقاء حس تعلق به مکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
۲۹. کرمونا، م.، هیت، تیم و تنزاک و تیسدل، ا. ۱۳۹۱. مکان‌های عمومی فضاهای شهری، ابعاد گوناگون طراحی شهری، ترجمه فریبا قرائی و مهشید شکوهی و زهرا اهری و اسماعیل صالحی، چاپ دوم. انتشارات دانشگاه هنر تهران.
۳۰. لینچ، ک. ۱۳۷۸. سیمای شهر، ترجمه‌ی منوچهر مزینی، چاپ هشتم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۱. محجوب جلالی، ن.، مولوی، م.، شبانی، ا.، ناظمی، ا. ۱۳۹۹. الگوی سلسله مراتبی معناپذیری مکان با برپایی رویدادها در فضاهای عمومی شهر (مطالعه موردی: بافت پیاده محدوده مرکزی شهر رشت)، دانش شهرسازی، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۳۲-۱۱۳.
۳۲. محمد مرادی، آ.، یزدانفر، س.، فیضی، م.، نوروزیان ملکی، س. ۱۳۹۸. سنجش حس مکان و شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر آن در بافت تاریخی تهران (مورد پژوهی: محله تاریخی امامزاده یحیی)، دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، سال هشتم، شماره ۱۵.
۳۳. مهندسان مشاور تدبیر شهر. ۱۳۹۶. گزارش طرح ساماندهی بافت مرکزی شهر کرمانشاه (وضع موجود).

۳۴. میرزاحسین، س.، احمدی، م.، ذاکر حقیقی، ک. ۱۴۰۱. بررسی چگونگی ساختار و عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری فضاهای شهری بر مبنای حس تعلق مکانی بین شهروندان تهرانی، فصلنامه آمایش محیط، ۱۵(۵۶)، ۲۷-۴۶.
۳۵. میرغلامی، م.، آیشم، م. ۱۳۹۵. مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مؤلفه‌های کالبدی، اداری، عملکردی، اجتماعی مطالعه موردی: خیابان امام ارومیه، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات شهری، شماره ۱۹.
۳۶. نژاد ابراهیمی، ا.، شیخ‌الحکمایی، محمد. ۱۴۰۰. اثر تالی سلسله مراتب در آفرینش حس تعلق به مکان مسجد تبریز، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره سی و سوم، سال نهم.
۳۷. نصیری، م. ۱۳۹۱. عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری-شهرسازی و مدیریت شهری، دانشگاه آزاد خوراسگان اصفهان.
38. Altman, I and Low ,S.1992. Place attachment, a conceptual inquiry, human behavior and environment, 12, pp:1-12.
39. Bonaiuto, M and Fornara, F and Bonnes, M. 2003. Indexes of perceived residential environment quality neighbourhood attachment in urban environments, a confirmation study on the citu of rome, landscape and urban planning, 65, pp: 41-52.
40. Borcato, E .۲۰۰۶. Place attachment: an investigation of environment and out comes in a service context ,dissertation proposal presented to the faculty of the graduate school of the university of texas at Arlington in partial fulfillment of the requirements for the edegree of.
41. Chen, N. C., Hall ,C. M & .Prayag, G. (2021). Sense of place and place attachment in tourism. Routledge.
42. Cighi, C. 2008 .Senses of place, university of Massachusetts Amherst. Masters' theses .
43. Denardi, A. 2017. Landscape and sense of belonging to place: the with everyday place in the experience of sense migrants in montebelluna (northeastern Italy), journal of research and didactics in geography (j-reading), I (6), pp 61-72.

44. Dowler ,B. 2003. sense of place: public housing in the greater mount druit area, A bachelor of planning undergraduate thesis to the faculty of the built environment, university of new south wales Sydney, Australia .
45. Escalera-Reyes, J. 2020 .Place attachment, feeling of belonging and collective identity in socio-ecological systems: Study case of Pegalajar (Andalusia-Spain).(Sustainability, 12(8), pp21.
46. Kolesovs, A. 2021 .The Sense of belonging to the country: integrative relationships and spatiotemporal commitment, this article was submitted to personality and social psychology, a section of the journal frontiers in psychology.
47. Kolodziejcki, A. 2014 .connecting people and place: sense of place and local action, a thesis submitted to the university of Manchester for the degree of PHD in the faculty of humanities .
48. Lewicka, M. 2011 .Place attachment, how far we come in the last 40 years? journal of environmental psychology, 31(3), pp:207-230.
49. Ozdemir Darby ,Dilek, and Tugce Ozata. 2017. Analysing the concept of place attachment in the context of spatial factors kuzgunck, international jornal of architecture & planning (5): pp18-29.
50. Seamon, D & ,Sowers, J. 2008. Place and Placelessness, Edward Relph. Key texts in human geography, 43, 51.
51. Steele, F. 1981. The Sense of Place; CBI Publishing Co., Boston, MA.
52. Stern, A. 2017 .Sense of place, sense of self. Phd diss., Saybrook University.
53. Strayhorn, T. L. 2018 .College students' sense of belonging: A key to educational success for all students. Routledge.

## بررسی و تحلیل مؤلفه‌های تأثیر گذار بر سرزندگی شهری مورد مطالعه: پیاده‌راه بوعلی شهر همدان

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۲/۱۰/۱۱ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۲/۱۲/۰۹

محمود امیری (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)  
مجید شمس\* (استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد ملایر، دانشگاه آزاد اسلامی، ملایر، ایران)

### چکیده

در دهه‌های اخیر به دنبال گسترش بی‌رویه شهرها و اهمیت روز افزون اتومبیل، نقش عابر پیاده در فضاهای شهری کمتر شده که این امر سبب ایجاد محیط‌های کسل‌کننده در شهرها و کاهش سرزندگی فضاهای شهری شده است. هدف از این پژوهش تحلیلی بر نقش پیاده‌راه بوعلی در سرزندگی شهری در شهر همدان می‌باشد. روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است. جامعه آماری، شهروندان ۱۰ سال به بالا در شهر همدان که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵ تعداد ۶۵۳ هزار نفر است و با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. متغیرهای سرزندگی شهری شامل چهار مؤلفه اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-عملکردی، زیست محیطی و زیبایی‌شناختی است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت و از آزمون فریدمن و برای بررسی روابط از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد وضعیت شاخص‌های سرزندگی شهری در پیاده‌راه مورد مطالعه مطلوب است. همچنین نتایج آزمون فریدمن و اولویت‌بندی شاخص‌ها مشخص نمود که آسایش اقلیمی بیشترین اولویت را در بررسی سرزندگی فضایی شهری در پیاده‌رو بوعلی شهر همدان داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** پیاده‌راه، خیابان بوعلی، سرزندگی شهری، شهر همدان.

## مقدمه

امروزه سرزندگی شهری به عنوان یک مفهوم جامع با دامنه وسیعی از مفاهیم توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. سرزندگی شهری یک مفهوم صرفاً محیطی نیست بلکه مفهومی اجتماعی است و نتیجه رضایت افراد از فضای شهری در درازمدت است. سرزندگی با تعامل شهر و شهروندان در لایه‌های مختلف عملکردی حصول می‌شود. (Hedayat, et al. 2019). به نقل از خستو، (۱۴۰۲).

افزایش کیفیت سرزندگی و تشویق مردم به حضور بیشتر در فضاهای شهری موجب بهبود و ارتقای آن‌ها و شهر خواهد شد و بر سلامت اجتماعی شهروندان نیز مؤثر است؛ به گونه‌ای که از طریق تقویت سرزندگی می‌توان حس تعلق به مکان را در شهروندان افزایش داده و از حضور مردم در فضاهای شهری به نحو مطلوبی در جهت تحقق اهداف بلند مدت شهر استفاده نمود. بنابراین ضرورت تقویت سرزندگی فضاها و بعضاً محلات شهری به عنوان یکی از مهم‌ترین پارادایم‌های مطرح در حوزه شهرسازی ظاهر می‌گردد (پاکزاد، ۱۳۹۸). نقش فضای شهری به عنوان بستر تعاملات اجتماعی و ارتقاء فرهنگ جامعه و نشاط سرزندگی شهری در کشور ما در حال افول است (حبیبی، ۱۳۹۲: ۷۶، به نقل از فارسی و همکاران، ۱۳۹۶). یکی از مهمترین فضاهای شهری خیابان‌ها هستند. خیابان‌های شهری مکان‌هایی هستند که تعاملات اجتماعی و جنب و جوش شهری در آن‌ها به حداکثر کمی و کیفی خود رسیده و سرشار از رویدادهای متعدد و متنوع‌اند (پاکزاد، ۱۳۹۸: ۱۳۰). چرا که خیابان نه تنها حامل اصلی ترافیک و حمل و نقل، بلکه فضای باز شهری است که باید تفریح، ارتباطات و تعامل میان شهروندان را ترویج دهد (Liu, et al., 2021). به همین دلیل در سال‌های اخیر، انگاره خیابان پیاده به عنوان گونه‌ای از فضاهای عمومی شهری، با توجه به اهداف گوناگون و از آن جمله ارتقای سرزندگی و تعاملات اجتماعی مورد توجه واقع شده است. سرزندگی شهری از نظر اجتماعی توسط اجتماع انسان‌ها ایجاد می‌شود و عمدتاً به ویژگی‌های مورفولوژیک یک شهر بستگی دارد (Xia, et al., 2020). معبر پیاده در فضای عمومی شهر، می‌تواند موجب تقویت رابطه اجتماعی و معنوی شهروندان گردد. ولی اغلب به دلیل بی توجهی عدم توجه مقیاس انسانی و نادیده گرفته شدن نیازهای عابران پیاده از معضلات پیش رو می‌باشد. به طوری که کمبود و نبود کیفیات در پیاده راه‌ها منجر به تضعیف حضور و تعاملات اجتماعی شهروندان شده است. (غیاثوند و بهزادپور، ۱۳۹۶). از آنجاکه امروزه شاهد تنزل سرزندگی در عرصه‌های عمومی و متعاقباً، کاهش حضور داوطلبانه مردم در فضاهای شهری هستیم، ضروری به نظر می‌رسد که محیط‌های شهر باید از نظر سرزندگی بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. شهر همدان یکی از کهن‌ترین شهرهای ایران است که از قدمت چند هزارساله برخوردار می‌باشد. که به دلیل برخورداری از جاذبه‌های متعدد



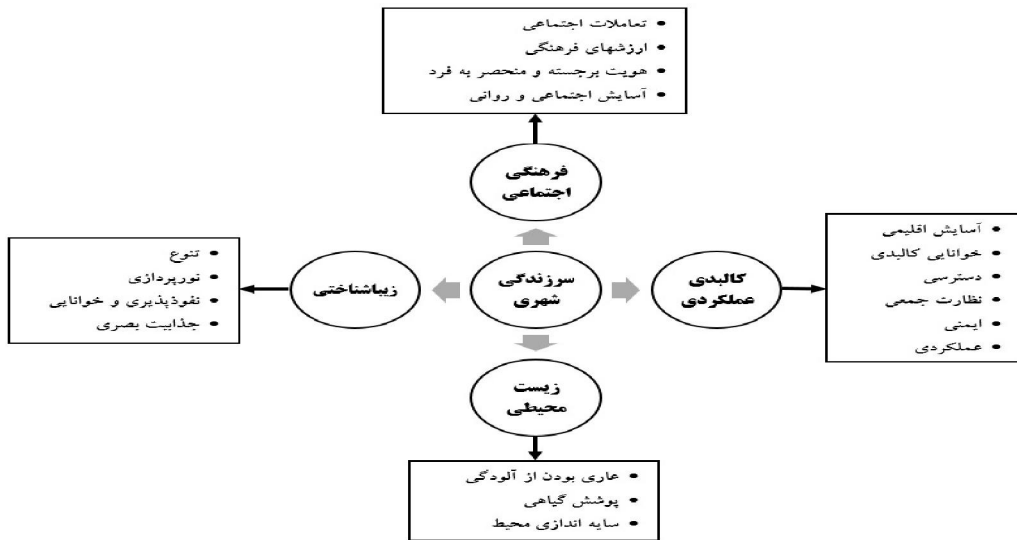
گردشگری، به عنوان یکی از مقاصد گردشگری کشور محسوب می‌شود. بنابراین بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی خیابان بوعلی شهر همدان به عنوان یک فضای شهری کوچک و مهم می‌تواند نقش مهمی در پایداری فضای شهر همدان داشته باشد، همچنین این پژوهش به دنبال بازشناسی جامع‌تر مؤلفه‌های سرزندگی و تأیید آن در بستر مطالعه می‌باشد، تا راهکارهای لازم و مناسب برای سرزنده نمودن فضاهای شهری ارائه شود. لذا پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد؛

- شاخص‌های سرزندگی در فضای شهری پیاده‌راه بوعلی شهر همدان در چه سطحی قرار دارند؟
- آیا بین شاخص کالبدی - عملکردی با اجتماعی - فرهنگی در پیاده‌رو بوعلی رابطه وجود دارد؟
- چه عواملی بر ایجاد سرزندگی در فضای مورد مطالعه اثرگذار خواهند بود؟

### مبانی نظری

برای مفهوم سرزندگی، معادل‌های گوناگونی در غرب وجود دارد که از آن‌ها می‌توان به *Viability*، *Liveliness*، *Livability* و *Vitality* اشاره نمود که البته به جز *Vitality*، سایر لغتها بیشتر به مفهوم زیست‌پذیری و قابلیت زندگی نزدیک هستند. در لغت‌نامه شهرساز، کوان<sup>۱</sup>، سرزندگی و زیست‌پذیری در کنار هم آمده و این‌گونه معنی شده است: *and viability vitality* (Cowan, 2010:442). پژوهشگران سرزندگی شهری را به سه مؤلفه تجزیه می‌کنند: حضور مداوم مردم در خیابان‌ها و فضاهای عمومی، فعالیت‌ها و نیز محیطی که این فعالیت‌ها در آن انجام می‌شود (Yue 2021:2, et al.). لینچ سرزندگی شهری را درجه‌ای می‌داند که از شکل شهری کارکردهای حیاتی، نیازهای زیستی و قابلیت‌های انسان‌ها حمایت می‌کند (et al., He 2018:726). سرزندگی شهری یعنی ظرفیت شهر برای پاسخ دادن و انطباق با شرایط. حیات و زندگی فرد در میان جمع بودن و آنچه به فضا زندگی می‌بخشد، مردم و حضور فعال و پرشور و نشاط آن‌ها در فضا (پورا احمد و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به مفهوم سرزندگی می‌توان سرزندگی خیابان را تمرکز مردم و فعالیت‌ها در فضای خیابانی دانست (Guo 2021, et al.). جین جیکوبز سرزندگی را اساساً در رابطه با زندگی خیابانی و در گوناگونی حرکت عابران در اوقات مختلف می‌داند. او معتقد است سرزندگی عمیقاً با تنوع در ارتباط است و تنوع را در فرم مصنوع شهر و توزیع فعالیت‌ها، جست و جو می‌کند. همچنین آن را شرطی مهم و اساسی برای موفقیت یک شهر می‌داند (Sulis 2018, et al.).

<sup>1</sup>.Cowan



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (منبع: نگارنده، ۱۴۰۲)

### پیشینه تحقیق

سرزندگی فضاهای شهری به عنوان یک موضوع مهم در علوم محیطی و انسانی بارها مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به این که شهر سرزنده، فضاهای شهری، پیاده‌راه متغیرهای این پژوهش است، در بخش پیشینه به آن پرداخته می‌شود لذا برخی از شاخص‌ترین تحقیقاتی که در زمینه سرزندگی فضای شهری در داخل و خارج کشور به انجام رسیده به شرح جدول ۱ گردآوری شده است.

## جدول شماره ۱: پیشنهادیه تحقیق

عنوان پژوهش	نتایج	یافته‌های تحقیق با استنتاج از متون تخصصی
آفرینش مرکز شهری سرزنده	نویسنده معتقد است دو ویژگی کلیدی خاص به مثابه موفقیت در سرزندگی مرکز شهر استوار هستند. یک بازار متنوع <sup>۱</sup> . شخصیت منحصر به فرد یک شهر با تنوع و تمرکز کارکردها و استفاده‌هایی که مکمل یکدیگر باشند تعریف می‌شود.	پامیر <sup>۲</sup> (۱۳۹۴)
تئوری شکل شهر	لینچ سرزندگی را به چند بخش تقسیم می‌کند که عبارتند از: بقا، کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مواد زائد؛ ایمنی، نبود سموم زیست‌محیطی و خطرات؛ سازگاری، هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسان؛ سلامتی و تنوع موجودات زنده مورد استفاده انسان و در نهایت ثبات بیولوژیکی.	لینچ <sup>۳</sup> (۱۳۹۵)
	چهار شرط مهم برای ایجاد تنوع در معابر و فضاهای شهری برای رسیدن به سرزندگی را این گونه بیان می‌کند: (۱) محدوده مورد نظر ترجیحاً بیش از دو کارکرد اصلی داشته باشد. (۲) اکثر بلوک‌ها کوتاه باشند. (۳) محدوده تلفیقی از ساختمان‌هایی با سن و وضعیت متفاوت باشد. (۴) تراکم و فشردگی کافی مردم بدون در نظر گرفتن علت حضورشان وجود داشته باشد.	جیکوبز <sup>۴</sup> (۱۳۹۸)
بازشناسی مؤلفه‌های شکل دهنده سرزندگی خیابان به مثابه ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی در فضاهای شهری کوچک مطالعه موردی: خیابان شهید چمران شیراز	نتایج حاصل نشان داد، ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های پژوهش و متغیرهای آنها برقرار است. همچنین بیشترین وزن استاندارد مربوط به ارتباط بین مؤلفه‌های زیباشناختی و کالبدی- عملکردی می‌باشد که بیان‌کننده همبستگی بالای این دو مؤلفه است.	نیک‌پور و یاراحمدی (۱۳۹۹)
بررسی نقش پیاده راه‌های شهری در ارتقای شاخص‌های سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: پیاده راه مرکز رشت)	نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد پایین‌ترین سطح رضایت شهروندان رشت از شاخص کیفیت پیاده راه بر سرزندگی شهری است. همچنین نتایج بیانگر همبستگی و تأثیرگذاری کیفیت پیاده راه بر سرزندگی شهری است.	مولوی، حمیدی، فشتمی، آریاپسند (۱۴۰۰)

<sup>1</sup> Diverse market

<sup>2</sup> Pamir

<sup>3</sup> Lynch

<sup>4</sup> Jacobs

کاشف <sup>۱</sup> (۲۰۱۶)	این تحقیق ساختارهای آکادمیک را از حوزه‌های برنامه‌ریزی شهری و معماری همراه با شاخص‌های فرهنگی و شبکه‌ای که به رتبه‌بندی شهرها بر اساس استانداردهای زندگی، خدمات و جذابیت بین‌المللی می‌پردازد، در کنار یکدیگر قرار می‌دهد	سرزندگی شهری در میان مرزهای منظم و حرفه‌ای
جین <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۷)	شواهد نشان‌دهنده این است که شهرهای متروکه در مناطق تازه توسعه یافته چین در حال گسترش است. همچنین در شهرسازی مدرن چین که در قالب توسعه مجتمع‌های مسکونی خود را نشان داده است سرزندگی شهری دیده نمی‌شود، به طوریکه شهروندان با فضاهای بی‌روح و مرده شهری روبرو می‌شوند	ارزیابی سرزندگی شهرها و شناسایی شهرهای متروکه در چین بر اساس داده‌های جغرافیایی
اسمیت و جانسون <sup>۳</sup> (۲۰۱۸)	این مطالعه بر اهمیت ادغام شیوه‌های پایدار در فرآیندهای برنامه ریزی شهری برای ایجاد شهرهای سرزنده که با محیط طبیعی خود هماهنگ هستند، تأکید می‌کند.	بررسی نقش برنامه‌ریزی شهری پایدار در ایجاد یک مدل بومی از یک شهر سرزنده
چن و وانگ <sup>۴</sup> (۲۰۱۹)	این مطالعه به بررسی مزایای زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی این شیوه‌ها و سهم آن‌ها در پایداری کلی شهر می‌پردازد.	نقش حفاظت از فرهنگ بومی در دستیابی به توسعه پایدار شهری

مطالعات و تحقیقاتی که در ادبیات پژوهش ذکر شد، هرکدام به بخشی از مسئله شهر توجه کرده‌اند. برخی به ماهیت سرزندگی خیابان به‌مثابه ارتقاء کیفیت زندگی اجتماعی در فضاهای شهری و بررسی نقش پیاده‌راه‌های شهری در ارتقای شاخص‌های سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی توجه داشته‌اند و با این متغییر سرزندگی شهری موجود در شهرها را مورد واکاوی قرار داده‌اند. اما این پژوهش درصدد است تا به طور اختصاصی به اهمیت سرزندگی شهری در سطح پیاده‌راه خیابان بوعلی مورد بحث و بررسی قرار دهد.

## روش تحقیق

در این پژوهش، آمیخته‌ای از روش‌های اسنادی، میدانی و پیمایشی به کار گرفته شده است. در ابتدا برای تدوین مدل مفهومی پژوهشی از روش اسنادی و در ادامه با مشاهده محدوده‌های مورد مطالعه، از روش میدانی و با توزیع پرسشنامه از روش پیمایشی استفاده شد. فضایی که در این تحقیق انتخاب شده است. نمونه‌گیری به شکل تصادفی هدفمند انجام شد به این نحو که در هر ۲۰ قدم به اولین نفری که برخورد می‌شد سؤالات مربوطه از او پرسیده

<sup>1</sup> Kashef

<sup>2</sup> Jin

<sup>3</sup> Smith & Johnson

<sup>4</sup> Chen & Wang

می‌شد. با یک نمونه‌گیری به نسبت گسترده، بر اساس فرمول کوکران برای محدوده مورد مطالعه ۳۸۴ پرسش‌نامه محاسبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام گرفت و از میانگین رتبه‌ها و آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن و برای بررسی روابط از مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌ها و متغیرهای پژوهش

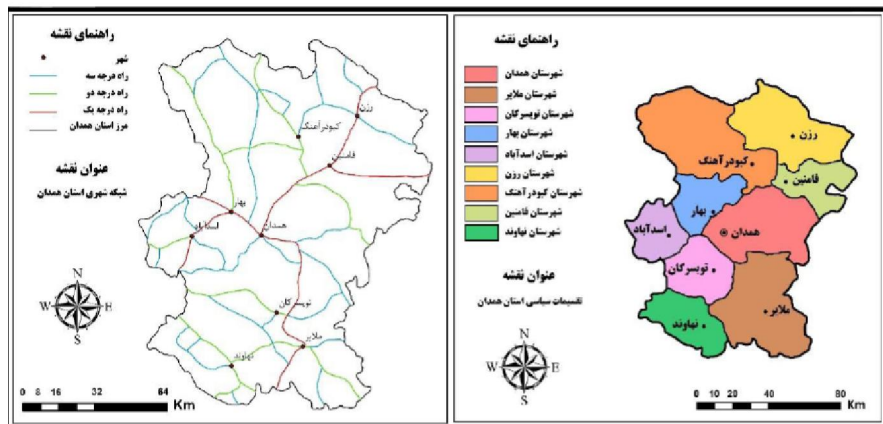
مؤلفه	متغیر	زیر متغیر	یافته‌های تحقیق با استنتاج از متون تخصصی
کالبدی - عملکردی	آسایش اقلیمی	احساس راحتی و آسایش، وجود فضا جهت نشستن، جداسازی مسیر پیاده و سواره، خوانایی مسیر، وجود علائم راهنمایی و رانندگی	(نیک‌پور و یاراحمدی، ۱۳۹۹)
	خوانایی کالبدی	کیفیت در بدنه، کیفیت در مبلمان و عناصر الحاقی، بهسازی و کفسازی خیابان‌ها، کیفیت کفپوش پیاده رو	
	دسترسی	دسترسی مناسب سواره و پیاده به خیابان، دسترسی به مراکز خدماتی، دسترسی به مرکز خرید و فروشگاه، دسترسی به حمل و نقل	
	نظارت جمعی	حضور کسبه و ساکنین، وجود کاربری‌های شبانه روزی	
	ایمنی	ایمنی در برابر سواره، ایمنی در تقاطع	
	عملکرد	عملکرد در مکان‌های متفاوت، عملکرد در زمان‌های متفاوت	
زیباشناختی	تنوع	تنوع در کاربری، تنوع در فعالیت، تنوع در کالبد	(مولوی، حمیدی، فشتمی، آریاپسند، ۱۴۰۰)
	نورپردازی	نورپردازی مناسب خیابان و معابر	
	نفوذپذیری و خوانایی	خوانایی محیط	
	جذابیت بصری	معیارهای معنایی، معیارهای زیبایی‌شناسی	
زیست محیطی	عاری بودن از آلودگی	عاری بودن از آلودگی صوتی و آلودگی هوا	(اسمیت و جانسون، ۲۰۱۸)
	پوشش گیاهی	پوشش گیاهی و فضای سبز مناسب	

	محافظت در برابر برف، باد، تابش خورشید و باران	سایه‌اندازی محیط	
(کاشف، ۲۰۱۶)	تعمالات اجتماعی، برگزاری مراسم و جشن‌های خیابانی، تنوع گروه‌های سنی مختلف، مناسب بودن مسیر برای گروه‌های مختلف مردم	تعمالات اجتماعی	فرهنگی - اجتماعی
	ارزش‌های فرهنگی تاریخی، تنوع فرهنگی	ارزش‌های فرهنگی	
	هویت برجسته و منحصر به فرد محیط، خاطره‌مداری	هویت برجسته	
	احساس امنیت، وجود امنیت شبانه، وجود دستفروش‌ها، فعالیت‌های کنار خیابان، دامنه و برد	آسایش اجتماعی و روانی	

منبع: یافته‌های پژوهش

### محدوده مورد مطالعه

همدان یکی از کلانشهرهای ایران در منطقه غربی و کوهستانی ایران و مرکز شهرستان و استان همدان است. همدان قدیمی‌ترین شهر ایران و به عنوان یکی از کهن‌ترین شهرهای جهان از قدمت چند هزار ساله‌ای برخوردار است. (سمواتی و همکاران، ۱۴۰۱). خیابان بوعلی که چندین سال است به یک پیاده‌راه تبدیل شده از خیابان‌های مرکزی شهر تاریخی همدان است و یکی از انشعابات میدان امام خمینی(ره) می‌باشد. این خیابان از پر رفت و آمدترین خیابان‌های شهر است و می‌توان گفت که همیشه شلوغ است. از زیبایی‌های این خیابان می‌توان به درختان بلند در دو سوی خیابان اشاره کرد که نگاه شما را به بالا و به طرف آسمان دارید. دو طرف خیابان بوعلی سینا داری مغازه‌هایی از جمله لباس فروشی، جواهر فروشی و مواد غذایی است. این خیابان به طور کامل بسته است و ماشینی اجازه‌ی ورود به آن را ندارد ولی خودروهای مخصوصی در سر خیابان وجود دارد که در این خیابان در رفت و آمد هستند. در دو طرف خیابان نیمکت‌هایی برای استراحت گذاشته شده‌اند.



شکل ۲: موقعیت سیاسی شهر همدان، (منبع: اطلس نقشه و اطلاعات مکانی استان همدان، ۱۳۹۷)

## یافته‌های پژوهش

برای بررسی وضعیت شاخص‌های شهر سرزنده، از میانگین رتبه شاخص‌ها و گویه‌ها و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شد. جهت سنجش و تحلیل شاخص‌های شهر سرزنده، میانگین ۹ شاخص پژوهش محاسبه گردید که با توجه به طیف لیکرت پنج گزینه‌ای، عدد سه به عنوان عدد وسط یا ممتنع و بیشتر از عدد سه، مطلوب خواهد بود. میانگین تمام ابعاد و شاخص‌ها، متوسط و بالاتر از حد متوسط ارزیابی شدند که در نهایت میانگین شاخص‌های شهر سرزنده عدد ۳/۷۵ به دست آمد که از حد متوسط بالاتر است و بیانگر این است که وضعیت سرزندگی شهری در پیاده‌راه بوعلی مطلوب است و با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای t-test، با سطح اطمینان ۹۹ درصد و سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۱ معنی داری شاخص‌های شهر سرزنده مورد تأیید قرار گرفت که این نتایج در جدول ۳ نشان داده شده است. به همین منظور در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهشی زیر به تحلیل آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. بررسی سنجش شاخص‌های سرزندگی فضای شهری در پیاده‌رو بوعلی به ترتیب اولویت کدامند.

۲. بین شاخص کالبدی - عملکردی با شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی در پیاده‌رو بوعلی رابطه وجود دارد کدامند

بررسی سرزندگی فضای شهری در چهار بعد کالبدی عملکردی، زیباشناسی، زیست‌محیطی، فرهنگی اجتماعی با شاخص‌های متعددی که در جدول ۳ نشان داده شده است. پژوهش حاضر در پی تحلیل شاخص‌های سرزندگی در پیاده‌رو بوعلی، که با استفاده از آزمون

تی تک نمونه‌ای، به وسیله یک میانگین واقعی و (Test value) به تحلیل شاخص‌های سرزندگی می‌پردازد.

جدول ۳: سنجش شاخص‌های سرزندگی فضای شهری در پیاده‌رو بوعلی همدان با استفاده از آزمون تی تک نمونه‌ای

ابعاد	شاخص	Test value	میانگین	مقدار t	میانگین مفروض	سطح معنی داری (sig)	میزان مطلوبیت
کالبدی - عملکردی	آسایش اقلیمی	۱۲	۱۵,۶۷	۳۲,۰۵	۳,۶۷	.۰۰۰	مطلوب به بالا
	خوانایی کالبدی	۱۲	۱۵,۰۵	۲۴,۴۹	۳,۸۳	.۰۰۰	مطلوب به بالا
	دسترسی	۱۲	۱۴,۸۹	۲۴,۷۴	۲,۸۹	.۰۰۰	مطلوب به بالا
	نظارت جمعی	۶	۶,۶۷	۱۳,۵۸	۶۷	.۰۰۰	مطلوب
	ایمنی	۶	۶,۷۵	۹,۰۱	۰,۷۵	.۰۰۰	مطلوب
	عملکردی	۶	۷,۵۹	۱۹,۸۸	۱,۵۹	.۰۰۰	مطلوب
زیباشناختی	تنوع	۹	۱۰,۵۳	۲۰,۲۴	۱,۵۳	.۰۰۰	مطلوب
	نورپردازی	۳	۴,۲۳	۳۵,۹۴	۱,۲۳	.۰۰۰	مطلوب
	نفوذپذیری و خوانایی	۳	۳,۸۶	۲۱,۳۰	۰,۸۶	.۰۰۰	مطلوب
	جذابیت بصری	۶	۶,۴۰	۵,۰۰۶	۰,۴۰	.۰۰۰	مطلوب
زیست محیطی	عاری بودن از آلودگی	۳	۲,۳۴	-۹,۸۳	-۰,۶۵	.۰۰۰	نا مطلوب
	پوشش گیاهی	۳	۳,۳۹	۶,۰۹	۰,۳۹	.۰۰۰	مطلوب
فرهنگی اجتماعی	سایه‌اندازی محیط	۱۲	۱۲,۲۷	۲,۸۰	۰,۲۷	.۰۰۰	مطلوب
	تعاملات اجتماعی	۱۲	۱۴,۷۹	۲۹,۴۵	۲,۷۹	.۰۰۰	مطلوب
	ارزش‌های فرهنگی	۳	۳,۶۰	۱۱,۰۶	۰,۶۰	.۰۰۰	مطلوب
	هویت برجسته و منحصر به فرد	۶	۷,۶۵	۱۸,۸۳	۱,۶۵	.۰۰۰	مطلوب
	آسایش اجتماعی و روانی	۱۵	۱۸,۰۲	۱۷,۹۶	۳,۰۲	.۰۰۰	مطلوب

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

برای سنجش وضعیت سرزندگی شهری در پیاده‌رو بوعلی در بعد کالبدی - عملکردی، که با استفاده از شاخص‌های (آسایش اقلیمی، خوانایی کالبدی، دسترسی، نظارت جمعی، ایمنی، عملکردی) نشان داده شده است. متغیرهای مربوط به آسایش اقلیمی با میانگین (۱۵,۶۷ درصد) در میان دیگر متغیرها بیشترین میزان را به خود اختصاص داده و نسبت به دیگر متغیرها از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. کمترین میانگین (۶,۶۷ درصد) را متغیر نظارت جمعی به



خود اختصاص داده است. تمام شاخص‌ها وضعیت مطلوبی و رو به بالا برخوردار هستند. در بررسی وضعیت شاخص زیبا شناختی، که با استفاده از چهار شاخص (تنوع، نورپردازی، نفوذپذیری و خوانایی، جذابیت بصری) مورد تحلیل قرار گرفته است تنوع با میانگین (۱۰,۵۳ درصد) بیشترین میزان را در بین شاخص‌ها به خود اختصاص داده و کمترین میزان نفوذپذیری و خوانایی با میانگین (۳,۸۶ درصد) است. وضعیت این شاخص در حد مطلوب، به سر می‌برد. در تحلیل شاخص زیست محیطی که عبارتند از (عاری بودن از آلودگی، پوشش گیاهی، سایه‌اندازی محیط)، پوشش گیاهی با میانگین (۳,۳۹ درصد) بیشترین مطلوبیت در بین شاخص را داشته و کمترین میزان عاری بودن از آلودگی که با میانگین (۲,۳۴ درصد)، در بررسی کلی، وضعیت شاخص در حد متوسط به سر می‌برد. در بررسی وضعیت بعد فرهنگی اجتماعی، که با استفاده از چهار شاخص (تعاملات اجتماعی، ارزش‌های فرهنگی، هویت برجسته و منحصر به فرد، آسایش اجتماعی و روانی) مورد تحلیل قرار گرفته است. آسایش اجتماعی و روانی با میانگین (۱۸,۰۲ درصد) بیشترین میزان را در بین متغیرها به خود اختصاص داده و کمترین میزان ارزش‌های فرهنگی با میانگین (۳,۶۰ درصد) است. در یک جمع‌بندی کلی، از وضعیت سرزندگی شهری در پیاده‌رو بوعلی شهر همدان می‌توان گفت شاخص‌های سرزندگی در این محدوده (پیاده‌رو بوعلی) در حد مطلوبی به سر می‌برد. مهمترین عوامل مؤثر بر سرزندگی فضای شهری در پیاده‌رو بوعلی با استفاده از آزمون اولویت‌بندی فریدمن انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۴ ارزیابی شاخص‌های مورد نظر نمایش داده شده است.

جدول شماره ۴: ارزیابی شاخص‌ها و ابعاد سرزندگی فضای شهری در پیاده‌رو بوعلی همدان با استفاده از آزمون فریدمن

رتبه	اولویت فریدمن		رتبه میانگین	شاخص	ابعاد
	رتبه	شاخص‌ها			
۱	۱	۱	۴	۵,۲۶	کالبدی عملکردی
	۲	۲		۵,۰۰	
	۳	۳		۴,۴۷	
	۱۳	۱۳		۱,۷۷	
	۱۴	۱۴		۱,۷۵	
	۹	۹		۲,۴۹	
۳	۴	۴	۲	۴,۰	زیبا شناختی
	۱۲	۱۲		۱,۷۸	
	۱۵	۱۵		۱,۴۱	
	۸	۸		۲,۸۱	

۴	۱۶	۱	۱,۲۰	عاری بودن از آلودگی	زیست محیطی
	۱۱		۱,۸۰	پوشش گیاهی	
	۷		۳,۰۰	سایه‌اندازی محیط	
۲	۶	۳	۳,۱۲	تعاملات اجتماعی	فرهنگی اجتماعی
	۱۷		۱,۰	ارزش‌های فرهنگی	
	۱۰		۲,۰	هویت برجسته و منحصر به فرد	
	۵		۳,۸۸	آسایش اجتماعی و روانی	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

### آیا بین شاخص کالبدی - عملکردی با شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی در پیاده رو بوعلی رابطه وجود دارد؟

برای بررسی رابطه بین این دو شاخص از ضریب هم‌بستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول شماره ۵: ضریب هم‌بستگی بین کالبدی-عملکردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی در سرزندگی شهری

عوامل اجتماعی - فرهنگی	همبستگی	کالبدی -
۰.۷۴۴**	ضریب همبستگی پیرسون Perarson correlatlon	
.۰۰۰	معناداری (sig. (2-talled)	
۳۸۴	فراوانی N	
	** $p > .01$	

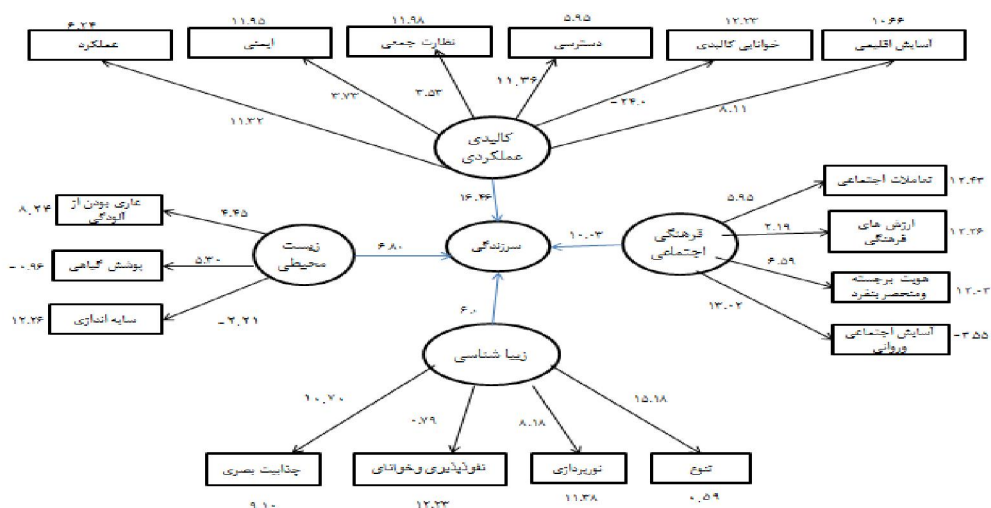
\*\* ارتباط همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنی دار است. (احتمالاً ۹۹ درصد باهم رابطه معنی دار است)

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با استناد به جدول ۵ خروجی حاصل از آزمون، ضریب همبستگی پیرسون، مقدار ضریب هم‌بستگی بین دو متغیر برابر با ۰.۷۴۴ می‌باشد و با توجه به این که سطح معنی داری برابر با ۰,۰۰۵ و از ۰,۰۵ کوچکتر است، بنابراین بین این دو متغیر رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین بر وجود ارتباط بین کالبدی -عملکردی و عوامل اجتماعی - فرهنگی و تأکید داشت. این بدین معناست که به احتمال ۹۹ درصد با افزایش یا بهبود هر کدام از شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی یا به عبارت دیگر با اثبات رابطه بین این دو متغیر، با تقویت شاخص‌های کالبدی شاخص اجتماعی یعنی حضور مردم تقویت خواهد شد.

ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی پیاده راه بوعلی الگوی بومی سر زندگی در این فضا را رقم خواهد زد با توجه به همبستگی که بین شاخص‌های تحقیق وجود دارد ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند الگوی سرزندگی در این فضا را رقم بزند.

در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار لیزرل به ترسیم مدل ساختاری سر زندگی فضای شهری با استفاده از چهار بعد (کالبدی - عملکردی، زیباشناسی، زیست محیطی و فرهنگی اجتماعی) که هر کدام از این ابعاد با استفاده از شاخص‌ها و همچنین متغیرها با استفاده از گویه (یا سؤال‌های به وجود آمده) پرداخته می‌شود.



Chi-Square=2612.38, df=116, P-value=0.00000, RMSEA=0.268

نمودار ۲: مدل اندازه‌گیری عوامل کالبدی - عملکردی، زیباشناسی، زیست محیطی و فرهنگی اجتماعی بر سرزندگی فضای شهری در حالت معناداری منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با استناد بر نتایج، حاصل از برازش مدل که در پایین مدل آمده است، از جمله شاخص‌های مهم برازش مدل می‌توان، کای اسکوئر Chi-square برابر با ۲۶۱۲٫۳۸، درجه آزادی df برابر با ۱۱۶، مقدار سطح معنی داری p-value برابر با ۰٫۰۰ می‌باشد. و همچنین مقدار (RMSEA) میانگین مربعات خطای برآورد برابر با ۰/۲۶۸ هر چه مقدار خطا کمتر باشد مدل دارای برازش بهتری است. با توجه به شاخص‌های برازش مدل که بر اساس نرم‌افزار لیزرل بدست آمده، نتایج حاصل از این شاخص‌های برازندگی حاکی از برازش نسبتاً خوب مدل است. برخی از شاخص‌ها که مهمترین و پرکاربردترین آن‌ها می‌باشد. در قالب جدول ۶ برای برازش نشان داده شده است.

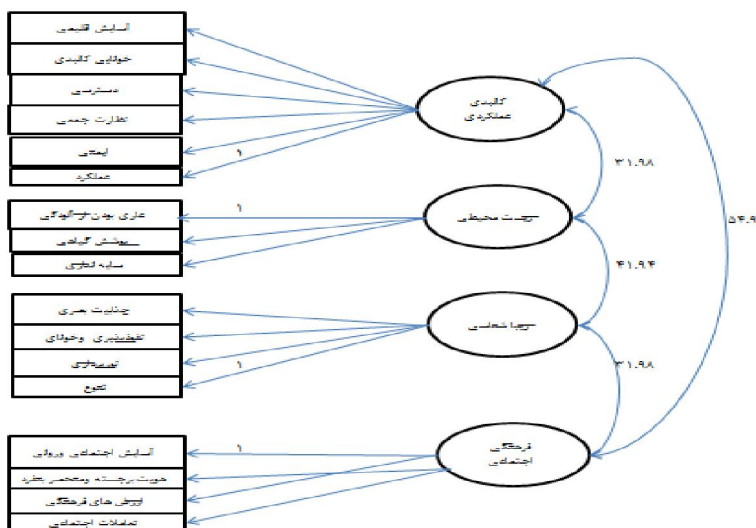
جدول ۶: برازش مدل اندازه گیری

مقادیر بر آورده شده	شاخص های برازندگی	
۰,۰۰۰	p- vaiue	سطح معناداری
۱۱۶	df <sup>۲</sup> X	نسبت کای اسکور به درجه آزادی
۰,۳۳	RMSEA	ریشه میانگین مجذورات خطا برآورد
۰,۹۰	GFI	شاخص نیکوی برازش
۰,۷۹	NFI	شاخص برازش اصلاح شده
۰,۹۰	CFI	شاخص برازش تطبیقی
۰,۸۰	IFI	شاخص برازش افزایش
۰,۱۳	SRMR	شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

### یافته‌های حاصل از مدل

در ادامه مبحث، مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد و درستی دسته‌بندی انجام شده در پیاده‌رو بوعلی در شهر همدان مورد سنجش قرار می‌گیرد. با توجه به نمودار ۲، در دسته اول رابطه بین متغیرها به تأثیرات هرکدام از این مؤلفه‌ها پرداخته می‌شود. **بعد کالبدی** عبارتند از (آسایش اقلیمی ۸,۱۱ درصد، خوانای کالبدی ۲۴,۰ درصد، دسترسی ۱۱,۳۶ درصد، نظارت جمعی ۳,۵۳ درصد، ایمنی ۳,۷۳ درصد، عملکردی ۱۱,۳۲ درصد) در بین این شاخص‌ها بیشترین تأثیر را شاخص دسترسی که با ۱۱,۳۶ درصد و همچنین کمترین تأثیر را خوانای کالبدی که ۲۴,۰ درصد، بدست آمده به خود اختصاص داده‌اند. **بعد اجتماعی فرهنگی** با شاخص‌های (تعاملات اجتماعی با ۵,۹۵ درصد، ارزش‌های فرهنگی ۲,۱۹ درصد، هویت برجسته و منحصر به فرد ۶,۹۵ درصد و همچنین آسایش اجتماعی و روانی ۱۳,۰۲ درصد) در بین این شاخص‌ها بیشترین را آسایش اجتماعی و روانی و کمترین را شاخص ارزش‌های فرهنگی به خود اختصاص داده. **بعد زیست محیطی** با شاخص‌های (عاری بودن از آلودگی ۴,۴۵ درصد، پوشش گیاهی با ۵,۳۰ درصد و سایه‌اندازی محیط با ۲,۲۱ درصد) که در بین این شاخص‌ها بیشترین تأثیر را پوشش گیاهی به خود اختصاص داده است. در **بعد زیباشناسی** که با استفاده از شاخص‌های (تنوع ۱۵,۱۸ درصد، نورپردازی با ۸,۱۸ درصد نفوذناپذیری و خوانایی با ۰/۷۹ درصد جذابیت بصری با ۱۰,۷۰ درصد) که بیشترین تأثیر را شاخص تنوع در بین شاخص‌های زیبای‌شناسی به خود اختصاص داده است. با توجه به نتایج بدست آمده از ترسیم مدل ساختاری، بعد کالبدی با (۱۶,۴۶) درصد، بعد اجتماعی - فرهنگی (۱۰,۰۳) درصد، بعد زیست محیطی با (۶,۸۰) درصد، و همچنین بعد زیبا شناختی برابر با (۶,۰) درصد می‌باشد. در بین این ابعاد، بیشترین تأثیر را بعد کالبدی و همچنین کمترین تأثیر را بعد زیبایی شناختی داشته است.



**Chi-Square=65.33, df=2, P-value=0.00000, RMSEA=0.325**

نمودار ۳: مدل رابطه بین ابعاد سرزندگی فضای شهری در پیاده راه بوعلی همدان

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

در ادامه این تحقیق رابطه بین متغیرهای مورد بررسی قرار گرفته است. همانطور که در نمودار ۳ قابل مشاهده می‌باشد، بین شاخص‌های تحقیق ارتباطی معنا داری دو سویه‌ای در سطح ۹۹ درصد برقرار است. و همچنین مدل از برازش خیلی خوبی برخوردار است. در این مدل ارتباط بین ابعاد کالبد عملکردی بر شاخص زیست محیطی برابر با ۳۱،۹۸ درصد، ارتباط شاخص زیست محیطی با زیباشناسی با مقدار ۴۱،۹۴ درصد، ارتباط زیباشناسی با فرهنگی - اجتماعی با ۳۱،۹۸ درصد، و همچنین ارتباط شاخص فرهنگی - اجتماعی با کالبد عملکردی با ۵۴،۹ درصد می‌باشد. با توجه به مدل فوق بیشترین وزن استاندارد مربوط به ارتباط بین شاخص‌ها فرهنگی - اجتماعی با کالبد عملکردی می‌باشد که بیان‌کننده همبستگی بالای این دو متغیر می‌باشد. نتیجه کلی حاصل از تحلیل‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که چهار مؤلفه نام برده شده بر سرزندگی فضای شهری در پیاده راه بوعلی تأثیر داشته است تأیید می‌شود، یعنی مؤلفه‌های کالبدی- عملکردی، اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی، زیبا شناختی، در سرزندگی فضای شهری در پیاده رو بوعلی شهر همدان تأثیرگذار می‌باشد، فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد.

## نتیجه گیری

از آنجا که امروزه شاهد تنزل سرزندگی در عرصه‌های عمومی و متعاقباً کاهش حضور داوطلبانه مردم در فضاهای شهری هستیم، ضروری است که در پی ساخت محیط‌های شهری سرزنده‌تر باشیم. در این تحقیق سعی شده است تا یک مدل جامع‌تر در بررسی سرزندگی فضاهای شهری ارائه گردد و هدف از انجام آن بازشناسی جامع مؤلفه‌های مؤثر بر سرزندگی و تأیید مؤلفه‌ها در پیاده راه بوعلی شهر همدان می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه و داده‌های آماری مدل حاصل از پرسشنامه در پیاده راه خیابان بوعلی شهر همدان مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. به منظور بررسی این مدل از نرم‌افزار لیزرل استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از بررسی مدل تحقیق در خیابان بوعلی شهر همدان می‌توان بیان کرد این مدل دارای برآزش بسیار خوبی برای خیابان بوعلی همدان می‌باشد. همین نتایج حاصل از بررسی مدل نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین مؤلفه‌های پژوهش و متغیرهای آن‌ها و ارتباط معنی‌داری بین مؤلفه‌های پژوهش برقرار است و با نتایج تحقیقات نیک‌پور و یاراحمدی (۱۳۹۹)، مولوی، حمیدی، فشمی، آریاپسند (۱۴۰۰)، کاشف (۲۰۱۶)، جین و همکاران (۲۰۱۷)، اسمیت و جانسون (۲۰۱۸)، چن و وانگ (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. به طور کلی می‌توان بیان کرد مدل ارائه شده در تحقیق حاضر می‌تواند در زمینه سرزنده نمودن خیابان‌های شهری به وسیله مدیران، طراحان و برنامه ریزان شهری مورداستفاده قرار گیرد. از جمله عوامل مؤثر برای اجرای موفق سرزندگی توجه یکپارچه به عناصر سرزندگی (مکان، مردم، برنامه) با تأکید بر حضورپذیری مردم است زیرا مردم به عنوان هسته اصلی سرزندگی شناخته می‌شوند در همین راستا مکان‌ها با توسعه و متعادل کردن برنامه‌ها نه تنها باعث حضورپذیری و دعوت‌کنندگی مردم می‌شوند، بلکه را به ابتکارات خود برمی‌انگیزند و به دنبال آن باعث ارتقای سرزندگی می‌شوند. همین برای اطمینان از استفاده درست نتایج توسعه سازمان‌های دولتی و خصوصی و تصمیم‌گیرندگان؛ محققان باید در پی شکل‌دهی کانال‌های ارتباطی باشند که یافته‌های علمی را به اهداف خط مشی مرتبط می‌کند.

باید به این نکته توجه داشت که مفهوم سرزندگی و عوامل سرزندگی در پیاده‌راه‌ها و خیابان‌های پیاده محور و جداره‌های خیابان‌های شهری در واقع یک مفهوم دوگانه و یا چندگانه بر محور کالبدی- معنایی می‌باشد. همچنین برای درک بهتر از این مفهوم نمونه موردی پیاده‌راه خیابان بوعلی شهر همدان مورد بررسی قرار گرفت و شاخص‌های به دست آمده در سرزندگی پیاده راه‌ها در این محور مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت و راه‌های بهبود سرزندگی در آینده نیز در این پیاده راه به صورت زیر بیان می‌شود: با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در پیاده‌راه بوعلی، به طور نسبی با رضایت شهروندان همراه بوده است. طبق یافته‌های این تحقیق خوانایی

کالبدی کمترین تأثیر را در بعد کالبدی داشته است. که می‌توان مراکز پزشکی برای رفاه حال بیماران و ایجاد شهرک پزشکان در منطقه‌ی دیگری از شهر ایجاد کرد. در بعد اجتماعی فرهنگی کمترین تأثیر را شاخص‌های فرهنگی دارد که می‌توان با ایجاد کاربری‌های فرهنگی متناسب با محل نظیر سینما و ایجاد فضای مناسب برای تئاتر خیابانی و موسیقی خیابانی و تقویت بناهای ارزشمند تاریخی و معاصر ایجاد کتابخانه در فضای باز جهت امانت گرفتن کتاب و مطالعه در فضای پیاده راه برای افزایش فرهنگ کتاب خوانی شاخص فرهنگی را در پیاده راه بوعلی تقویت کرد. کمترین تأثیر در بعد زیست محیطی سایه‌اندازی محیط در پیاده راه بوعلی به خود اختصاص داده است. که می‌توان با ایجاد جذابیت‌های بصری بیشتر از جمله درخت کاری و گل‌کاری مناسب فصل و نصب آلاچیق‌ها و نصب دستگاه‌های گرمایشی سنتی و مدرن مثل هیترهای گازی فضای باز برای فراهم آوردن رفاه بیشتر شهروندان و ترغیب آن‌ها به حضور فعال در پیاده راه حتی در فصل سرد زمستان می‌توان شاخص زیست محیطی را در پیاده راه تقویت کرد. خوانایی کمترین تأثیر را در بعد زیباشناسی دارد که می‌توان با اختلاط کاربری‌ها در سراسر خیابان و برقراری توازن کاربری‌ها در طول خیابان، افزایش تنوع در کاربری‌های تجاری و حفظ ارتفاع و تعداد طبقات حاشیه محور که می‌توان شاخص زیباشناسی را در پیاده راه بوعلی تقویت کرد. که باعث افزایش میزان سرزندگی در پیاده راه بوعلی شهر همدان توصیه می‌گردد که در نهایت به افزایش احساس تعلق خاطر شهروندان و خاطره‌انگیزی منجر خواهد شد.

**منابع و مآخذ:**

۱. پاکزاد، ج. (۱۳۹۸)، جستاری پیرامون مفهوم و جایگاه سرزندگی. گفتمان طراحی شهری. (۱)۱. ۴۶-۵۳.
۲. پوراحمد، ا.، زنگنه شهرکی، س.، صفایی رینه، م.، (۱۳۹۵)، تحلیل نقش پیاده راه‌های شهری در ارتقای سرزندگی فضای شهری (مطالعه موردی: پیاده راه ۱۷ شهریور، تهران). پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری. ۴(۲). ۱۷۵-۱۹۵.
۳. حبیبی، د.، (۱۳۹۲)، بررسی عوامل مؤثر بر افول حس سرزندگی و زیست‌پذیری در بافت‌های تاریخی و فرسوده، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۴: ۷۵-۸۰.
۴. حسینی غیاثوند، ا.، بهزادپور، م.، (۱۳۹۸)، ارائه مدل ساختاری به منظور بررسی روابط بین مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در خیابان‌های پیاده مدار (مطالعه موردی، خیابان خیام و خیابان سپه قزوین)، مجله علمی پژوهشی آمایش محیط، ۱۲(۴۴)، ۱۰۵-۱۲۶.
۵. خستو، م.، (۱۴۰۲)، تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر سرزندگی فضاهای شهری، فصل نامه آمایش محیط، ۱۶(۶۰)، ۷۳-۹۲.
۶. ذکوت، س.، رضایی، م.، پیام، ح.، (۱۳۹۹)، ارتقاء سرزندگی در فضاهای شهری با تأکید بر رویکرد، ساماندهی منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، آمایش محیط، ۱۳(۵۰)، ۱۹۷-۲۱۵.
۷. فارسی، ط.، ناسخیان، ش.، شاه‌یوندی، ا.، (۱۳۹۸)، ارزیابی پس از بهره‌برداری یک پاتوق شهری جهت بررسی اثرات آن بر ارتقاء سرزندگی (نمونه موردی: پاتوق شهری در معبر تاریخی-طبیعی شهر اصفهان)، فصل نامه آمایش محیط، ۱۲(۴۷)، ۱۴۵-۱۶۲.
۸. مولوی، م.، حمیدی، آ.، فریدی فشتمی، ع.، آریا پسند، ز.، (۱۴۰۰)، بررسی نقش پیاده راه‌های شهری در ارتقای شاخص‌های سرزندگی شهری و تعاملات اجتماعی (مطالعه موردی: پیاده‌راه مرکز رشت)، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری. دوره ۹، شماره ۳، صص ۹۰۸-۸۸۱.
۹. میکائیلی هاچه سو، گ.، آذر، ع. (۱۳۹۶). بررسی و ارزیابی تطبیقی سرزندگی شهری در محله‌های اختصاصی و محلات سنتی با رویکرد توسعه پایدار در جغرافیا: مطالعه موردی کلان شهر تبریز، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۲۶۹-۲۸۴.



۱۰. نیک پور، ع، یاراحمدی، م، (۱۳۹۹)، شناسایی عوامل مؤثر بر زیست پذیری در شهر نورآباد ممسنی، مطالعات ساختار و کارکرد شهری ۷(۲۳)، ۷-۲۷، ۱۶۰۸۵-۱۷۶۰.
11. Cowan. R. (2010). The Dictionary of Urbanism ,Translated by Yalda Belarak (1st Ed). Tehran: Parham Naghsh Publication. (In Persian)
12. Guo, X. , Chen, H & , Yang, X. (2021). An Evaluation of Street Dynamic Vitality and Its Influential Factors Based on Multi-Source Big Data. ISPRS International Journal of Geo- Information, 10(3), 143.
13. Hedayat, S. M., Hadyani, Z., hajinezhad, A & ,Asgari, A.(2019).Interdisciplinary Conceptual Urban Vitality (Examining Principles, Dimensions and Indicators). Urban Structure and Function Studies.۱۵۷۵۴,۱۷۲۳ -۷۵ , (۲۰)۶ ,
14. He, Q. , He, W. , Song, Y. , Wu, J. , Yin, C & , Mou, Y. (2018). The Impact of Urban Growth Patterns on Urban Vitality in Newly Built-Up Areas Based on an Association Rules Analysis Using Geographical ‘Big Data’. Land Use Policy, 78, 726-738.
15. Liu, M. , Jiang, Y & , He, J.(2021). Quantitative Evaluation on Street Vitality: A Case Study of Zhoujiadu Community in Shanghai . Sustainability, 13(6), 3027.
16. Sulis, P. , Manley, E. , Zhong, C & , Batty ,M. (2018). Using Mobility Data as Proxy for Measuring Urban Vitality. Journal of Spatial Information Science, 16(16), 137-162.
17. Xia, C. , Yeh ,A. G. O & , Zhang, A. (2020) .(Analyzing Spatial Relationships between Urban Land Use Intensity and Urban Vitality at Street Block Level: A Case Study of Five Chinese Megacities. Landscape and Urban Planning, 193, 103669.
18. Yue, W. , Chen, Y. , Thy, P. T. M. , Fan, P , Liu, Y & , Zhang, W. (2021). Identifying Urban Vitality in Metropolitan Areas of Developing Countries from a Comparative Perspective: Ho Chi Minh City versus Shanghai. Sustainable Cities and Society, 65, 102609.



## طراحی مدل تاب‌آوری کالبدی شهر در مقابل زلزله با تأکید بر تئوری انتقادی و رویکرد نظریه داده بنیاد

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۰/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۰/۱۲/۲۴

سارا توتونچی (دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)  
حسین بحرینی\* (استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)  
منوچهر طیبیان (استاد، گروه شهرسازی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

### چکیده

به رغم اهمیت تاب‌آوری در دستیابی به توسعه پایدار شهری، تاب‌آوری شهری تاکنون نتوانسته است کارآمدی و جنبه عملیاتی خود را آن‌گونه که باید، نمایان سازد. لذا این پژوهش با هدف ارتقاء تحقق‌پذیری تاب‌آوری شهری در محله قلعه شهر دزفول با تلفیق تئوری تاب‌آوری و تئوری انتقادی انجام پذیرفت. این مطالعه به روش کیفی و با استفاده از روش‌شناسی نظریه داده‌بنیاد و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان انجام شد. تحلیل داده‌ها در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام پذیرفت و به ظهور ۴۲۹ کد باز، ۹۹ مفهوم در قالب ۱۷ مقوله اصلی منجر گردید. نتایج نشان داد خطر وقوع زلزله، ناپایداری ساختاری، ضرورت حفظ و نگهداری از بافت محله و آسیب‌پذیری ساکنین محله قلعه، به عنوان شرایط علی موجب ضرورت یافتن ارتقا تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه گردیده است. ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه شامل چهار مؤلفه افزونگی، تنوع، اتصال و استحکام می‌باشد که در صورت بکارگیری راهبردهای آموزش و توانمندسازی مردم و مسئولین، افزایش ظرفیت نهادی، افزایش سرمایه اجتماعی، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی، مدیریت و برنامه‌ریزی، بکارگیری اصول فنی و مهندسی و سیاست‌گذاری و تدوین قوانین در بستر مناسبی از عملگرایی و مشارکت شهروندان و با تأکید بر حمایت و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی و توسعه اقتصاد خلاق می‌تواند منجر به ظهور پیامد توسعه پایدار شهری گردد.

**واژه‌های کلیدی:** پایداری، تاب‌آوری، تئوری انتقادی، زلزله، نظریه داده‌بنیاد، شهرستان دزفول.

## مقدمه

شهر پدیده‌ای است پویا، زنده و بالنده که ریشه در تاریخ و طبیعت دارد و حاصل تأمین نیازهای اساسی انسان و پیچیده‌ترین و عالی‌ترین سطح سازمانی زندگی بشر است (خرزاعی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷). فرآیندهای بشری در شهرها متمرکز شده‌اند، جایی که محیط طبیعی در اختیار محیط انسان‌ساخت قرار گرفته و جایی که چالش‌های پایداری بیشتر است (Guzman et al., 2018).

در سال‌های اخیر، مخاطرات طبیعی فراوانی شهرهای جهان را تحت تأثیر قرار داده است و هر روزه بر تعداد و تنوع مخاطرات طبیعی افزوده می‌شود (رضایی، ۱۳۹۵). مخاطرات طبیعی همواره به عنوان چالشی بزرگ در راه توسعه پایدار مورد توجه بوده و در نتیجه آن، شناخت الگوهای کاهش آسیب‌پذیری ضرورت پیدا کرده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). براین اساس، الگوهای مختلف کاهش آسیب‌پذیری، در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری وارد شده و جایگاهی مناسب در سیاست‌گذاری‌های ملی و منطقه‌ای هر کشور یافته است (نصیری، ۱۳۹۸).

تاب‌آور ساختن شهرها در برابر انواع مخاطرات، یکی از مهمترین و ضروری‌ترین رویکردهای کاهش آسیب‌پذیری در مدیریت شهری است که ضامن بقای سکونتگاه‌های شهری است و می‌تواند مقدمه توسعه پایدار شهری را فراهم کند (Folke et al., 2015) و افزایش ظرفیت سازگاری و معیشت پایدار جامعه را منجر شود (Silva Da et al., 2020). اما باید اقرار کرد تاب‌آوری شهری در دنیا هنوز به یک واقعیت مبدل نشده است. با وجود بیانیه‌ها و توافقنامه‌های متعدد در زمینه تاب‌آوری شهری و به رغم مورد پذیرش واقع شدن از سوی بسیاری از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، به ندرت در عمل به صورت مؤثر به اجرا گذاشته شده است (Caldarice et al., 2019). واقعیت آن است که سیاست‌ها و طرح‌های بسیاری در حوزه تاب‌آوری شهری ایجاد شده‌اند، اما به ندرت به اهداف و نتایج مطلوب دست یافته‌اند. به عبارتی، فاصله زیادی میان حرف و عمل وجود دارد (Chelleri, 2016; Vale, 2014). غالب مطالعات انجام شده در این زمینه نیز به وجود گسست بین تئوری و عمل در تاب‌آوری شهری اشاره کرده‌اند، ولی چگونگی فرآیند تلفیق دانش نظری و عملی را به صورت کلان و با دیدگاهی مبتنی بر پایه‌های فلسفی و پارادایمی مورد مذاقه قرار نداده و الگویی نیز برای آن مطرح نکرده‌اند (Brunetta et al., 2021).

تاب‌آوری یک مفهوم تئوریک و با هدف رسیدن به محصول، باقی مانده و از جهت راهکارهای عملی و نحوه رسیده به آن، دارای نقص است (et al., 2016 Feliciotti). به عبارت دیگر این تئوری به معرفی یک بستر ایده‌آل (محتوی یا محصول) بدون ذکر چگونگی دستیابی

به آن می‌پردازد (Van Breda, 2018). بنابراین مفهوم تاب‌آوری به تنهایی توانایی پاسخگویی به مشکلات نوظهور را ندارد.

نارضایتی نسبت به نظریه‌های اثباتی و علمی و ناکارآمدی رویکردهای صرفاً علمی و ابزاری در شهرسازی، نظریه‌پردازان را متوجه لزوم ارتباط نظریه و عمل در شهرسازی با تأکید بر تئوری انتقادی نموده است (ادهم و همکاران، ۱۳۹۴). نظریه انتقادی، به جای تأیید شرایط کنونی شهرها همچون عقلانیت بوروکراتیک، یا کارایی اقتصادی، بر سرشت خاص فضای شهری تأکید می‌کند که از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک میانجیگری شده، از لحاظ اجتماعی محل مناقشه و در نتیجه منعطف است (Brenner, 2012).

نظریه انتقادی در ورود به شهرسازی تکامل یافته و به برنامه‌ریزی متکی بر تشریح مساعی و گفتمانی، تبدیل می‌شود. این تئوری محور برنامه‌ریزی شهری کالبدی را بر گفتگوی وفاق‌جویانه قرار داده که در سطح محلی و در گروه‌ها و اجتماع‌های کوچک صورت می‌گیرد (ابوطالبی و شیخی، ۱۳۹۶). تئوری انتقادی چارچوبی برای درک و اقدام عملی فراهم می‌کند و بیان می‌کند چگونه اجتماعات محلی می‌توانند برای تحقق کیفیت محل خود بسیج شوند (نوذری، ۱۳۹۶).

به نظر می‌رسد تئوری انتقادی در کنار تاب‌آوری شهری، به مثابه یک تیم قدرتمند، تحقق تاب‌آوری را میسر می‌سازند. تئوری انتقادی با فعال و همراه نمودن مشارکت مردم و جامعه در تصمیم‌گیری‌ها و در کنار متخصصین، این امکان را فراهم می‌نماید تا به طرح‌ها و برنامه‌های شهری جامه عمل پوشانده شود و فرصت‌هایی برای توسعه پایدار شهری فراهم آید. تلفیق تاب‌آوری و تئوری انتقادی و ارائه یک پارادایم جدید، امکان عملگرایی و تحقق تاب‌آوری را فراهم می‌کند و قاعدتاً خروجی این فرآیند می‌بایست به یک نظریه جدید منجر شود که خلاءهای موجود در تئوری تاب‌آوری را برطرف نماید.

در این خصوص محله قلعه شهر دزفول، واقع در بافت قدیم این شهر که قدیمی‌ترین محله شهر محسوب می‌شود، برای این پژوهش انتخاب شده است. بافت قدیم شهرها، بر اثر قدمت بنا، فرسودگی بافت و دسترسی نامناسب، به عرصه آسیب‌پذیری‌ها در برابر حوادث و سوانح طبیعی و انسانی، در مراکز شهری تبدیل شده است (امان‌پور و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، به علت گستردگی انواع تاب‌آوری، تاب‌آوری کالبدی و از ابعاد آن نیز، تاب‌آوری در مقابل زلزله ملاک کار این پژوهش بود. این محله آسیب‌پذیری بسیار زیادی در برابر سوانح طبیعی دارد و در ادوار تاریخی با دشواری‌های زیادی ناشی از مسایل جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رو به رو بوده و در معرض انواع سوانح طبیعی و انسان‌ساخت قرار گرفته است. موقعیت قرارگیری، وجود

بافتی فرسوده و تاریخی در این محله و نیز واقع شدن آن بر روی گسل لهبری (گسل شهرستان دزفول) لزوم تاب‌آور نمودن این محله در مقابل زلزله را نمایان ساخته است.

### مبانی نظری تحقیق

**تاب‌آوری:** واژه تاب‌آوری اغلب به مفهوم «بازگشت به گذشته» به کار می‌رود (Hillmann and Guenther, 2021). مفهوم تاب‌آوری توسط هولینگ (Holling, 1973) در زمینه اکولوژی ارائه شد. وی تاب‌آوری را اندازه دوام‌پذیری یک سیستم در توانایی جذب تغییر و اختلال هم‌زمان با حفظ روابط بین متغیرهای سیستم توصیف نمود (Abunnasr, 2013). تفکر تاب‌آوری به شکل قابل انعطافی امروزه به عنوان یک رویکرد در رشته‌های مختلف استفاده می‌شود (Helgesen, 2020).

رویکرد تاب‌آوری به عنوان یک مفهوم جدید در شهرسازی، طراحی و برنامه‌ریزی با آسیب‌پذیری کمتر و انعطاف‌پذیری بیشتر برای شهرها در برابر تنش‌ها (سوانح) مطرح می‌باشد. تاب‌آوری شهری به عنوان اندازه و میزانی است که در آن شهرها قادر به تحمل تغییر می‌باشند، قبل از اینکه به مجموعه جدیدی از ساختارها و فرآیندها بازمانده‌ی شوند (Hudec, 2016). تاب‌آوری شهری برای دوری از زیان‌های اقتصادی و اجتماعی مهم است و به بازیابی آسان‌تر شهر بعد از وقوع بلایای طبیعی انجامد (خزاعی و مجتبی‌زاده، ۱۴۰۱). افزایش تاب‌آوری در شهرها سبب بهبود کیفیت زندگی مردم، ارتقاء کیفیت زیرساخت‌ها و موجب کاهش آسیب‌پذیری می‌شود (عشقی و نظم‌فر، ۱۳۹۸).

دسوزا و فلنری (Flanery, 2013 & Desouza) شناخت نوع محرک تنش‌زا (فاجعه) را در ارزیابی و یا تحقق تاب‌آوری شهری امری مهم می‌دانند و فجایع را بر اساس عامل به وجود آورنده به چهار دسته تقسیم می‌کنند: طبیعی، تکنولوژیکی، اقتصادی و انسانی. با توجه به اهداف پژوهش، نوع تاب‌آوری از نظر فاجعه در این پژوهش شامل دسته فجایع طبیعی (زلزله) می‌باشد. بر اساس حوزه ارزیابی و یا تحقق تاب‌آوری شهری نیز می‌توان تاب‌آوری را به حوزه‌های گوناگون طبقه‌بندی نمود. جویرین و همکارانش (Joerin et al., 2014) چهار حوزه عملکردی اقتصادی، اجتماعی، نهادی و کالبدی را به عنوان حوزه‌های اصلی تاب‌آوری شهری بیان نموده‌اند که تاب‌آوری کالبدی به عنوان حوزه مورد پژوهش در این پژوهش انتخاب شده است. تاب‌آوری در کالبد به معنای توانایی مقاومت فرم و شکل بنا در برابر تغییرات و گذشت زمان، همچنین میزان پاسخ‌دهی این فرم به نیازهای عملکردی زمان حال و آینده است؛ در واقع می‌توان آن را به عنوان، یک معیار جهت سنجش میزان توانایی فرم در برابر تغییرات حادث شده با گذشت زمان تعریف نمود (رازقی و درخشانی، ۱۳۹۴). عدم تاب‌آوری کالبدی ممکن است ناشی از افت

کیفیت کالبدی یا سازه‌ای بنا باشد که در اثر عواملی نظیر فرارگرفتن بافت بنا در مسیر افت کیفیت ناشی از گذشت زمان، تأثیرات آب وهوا، جابه‌جایی زمین، ارتعاشات ناشی از رفت و آمد اتومبیل‌ها یا نگهداری، نامناسب و نامطلوب به وجود می‌آید (قاسمی و قرائی، ۱۴۰۰).

محققان شاخص‌های متنوعی را به عنوان شاخص‌های کالبدی تاب‌آوری شهری معرفی کرده‌اند، که در این میان، چهار شاخص تنوع، اتصال، افزونگی و استحکام بیشترین ارجاعات را در تحقیقات تاب‌آوری کالبدی برای اختلالات شهری به خود اختصاص داده‌اند (Sarifi & Yamagata, 2018; Porta et al., 2018; Tumini et al., 2017). همچنین بیشترین تطبیق را با مؤلفه‌های کالبدی و سازمان فضایی شهری دارند که می‌توانند توسط محققان شهرسازی برای کاربرد در زمینه شهری به کار گرفته شوند (قرایی، ۱۳۹۶). شگری فیروزجاه و ادبی فیروزجایی (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان داد که تاب‌آوری کالبدی با تأکید بر کاربری اراضی در مواقع حوادث غیرمترقبه، می‌تواند موجب تسهیل در خدمات‌رسانی و کاهش خسارت‌های احتمالی شود.

**نظریه انتقادی:** نظریه انتقادی به عنوان رویکردی بین رشته‌ای توسط ماکس هورکهایمر<sup>۱</sup> اعلام گردید و از سوی اعضای مکتب فرانکفورت<sup>۲</sup> و دانشجویان آنها به کار بسته شد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۹). نظریه انتقادی در مخالفت با پوزیتیویسم که عمدتاً در خدمت توصیف و تأیید وضع موجود است، تفکر آرمانی جامعه یا (وضع مطلوب) را ارائه می‌کند (نوذری، ۱۳۹۶).

نظریه انتقادی جامعه را بر اساس خرد دیالکتیک<sup>۳</sup> تحلیل می‌کند. خرد دیالکتیک مخالف خرد ابزاربست و آن را به مثابه تقلیل‌دهنده پیچیدگی جهان و جامعه به صرفاً یک بعد می‌بیند. خرد ابزاری منطقی است که انسان‌ها و جامعه را به مثابه ابزار تلقی می‌کند، در نتیجه گروه‌های خاصی به بهای ضرر دیگران منفعت می‌برند (Fuchs, 2016). رهیافت دیالکتیکی، به معنای تأکید بر جامعیت اجتماعی است. این مکتب معتقد است در جامعه سرمایه‌داری، نظریه و عمل از هم جدا گشته و موجودیتی گسسته دارند. به این معنا که «نظریه‌پردازی» کار یک گروه شده که به خود حق نظریه‌پردازی داده و «عمل» به گروه کم‌قدرت‌تری واگذار شده است. به نظر آنها باید «نظریه» و «عمل» را چنان مرتبط ساخت که رابطه میان آن دو برقرار گردد (زمانی مقدم، ۱۳۹۴).

در مورد ورود متاتئوری انتقادی به حیطه شهرسازی می‌توان به عدم توانایی نظریه مارکسیستی در پاسخگویی به مشکلات شهری اشاره کرد (Rossi, 2018). نظریه شهری

<sup>1</sup> Max Horkheimer

<sup>2</sup> Frankfurter Schule

<sup>3</sup> Dialectical reason

انتقادی، به جای تأیید شرایط کنونی شهرها، بر سرشت خاص فضای شهری تأکید می‌کند که از لحاظ سیاسی و ایدئولوژیک میانجی‌گری شده، از لحاظ اجتماعی محل مناقشه و در نتیجه منعطف است؛ به عبارت دیگر، نظریه شهر انتقادی، به لحاظ تاریخی، بر بازسازی پیوسته فضای شهری به عنوان یک مکان، یک وسیله و میانجی و نتیجه روابط خاص قدرتهای اجتماعی تأکید می‌کند. نظریه شهری انتقادی تأکید می‌کند که یک شکل دیگر شهری شدن امکانپذیر است که دموکراتیک‌تر و از نظر اجتماعی عادلانه و پایدار است، هر چند چنین امکان‌هایی در حال حاضر به واسطه ترتیبات، عمل‌ها، و ایدئولوژی‌های نهادی مسلط سرکوب می‌شوند (Zimmerman, 2010 Brenner and). در جدول (۱) امتیازات و انتقادات تئوری تاب‌آوری و تئوری انتقادی آورده شده است.

جدول ۱. امتیازات و انتقادات تئوری تاب‌آوری و تئوری انتقادی

تئوری	امتیازات	انتقادات
تاب‌آوری	تأکید بر محتوی، وحدت بخش، ادغام در حرفه، یک تعارض عملی، قدرتمند، قابل انعطاف، قابل استفاده در سیستم‌های پویا و پیچیده.	عدم توجه به رویه، کلی و مبهم، غیر دقیق، غیر قابل اجرا، ایده‌آلی، پیچیدگی بسیار، تعارضات درونی، همچنان ناپخته، شکاف بین تئوری و عمل، نداشتن جایگاه در تئوری‌های جامعه‌شناسی، تصمیم‌گیری از بالا به پایین.
انتقادی	تأکید بر رویه و روش، سنتز دانش، غلبه بر دوگانگی‌ها، ترکیب کردن دانش تخصصی و غیرتخصصی، مشارکت، کثرت‌گرایی، کاهش تکرار اشتباه از طریق نقد مستمر، حکمرانی جمعی، تصمیم‌گیری از پایین به بالا، همکاری، گفت‌وگو، پراگماتیسم	عدم توجه به محصول-محتوی، بسیار ایده‌آلی، فرایند زمانبر، عدم توجه به خلاقیت، عدم توجه به مدیریت شهری، تأکید بسیار زیاد بر فرایند برنامه‌ریزی، عدم توجه به مکان.

منبع: نگارندگان

تئوری انتقادی به عنوان یک تئوری برنامه‌ریزی، یک جهان بینی علاقمند به مدیریت دموکراتیک و کنترل محیط‌های شهری و طراحی مکانیزم‌های برنامه‌ریزی کمتر تحمیلی (مردمی) است که بیشتر بر فرآیند و نه محصول تأکید دارد. در حالی که در تاب‌آوری به عنوان رویکردی استبدادی و از بالا به پایین، توجهات معطوف به نتیجه و محصول برنامه‌ها و نه فرآیند رسیدن به آنها است. تاب‌آوری بیشتر جنبه علمی - اداری و سیاسی پیدا کرده است و توجیه کننده سرمایه‌داری و جوامع طبقاتی است، در صورتی که تئوری انتقادی به مقابله با بروکراسی پرداخته و با تمرکززدایی سعی در توانمند کردن افراد و جوامع به منظور دستیابی به یک حداقل تعیین سرنوشت در مورد سبک زندگی، فرهنگ و هویت که از مهمترین مباحث سیاسی روز است، دارد.

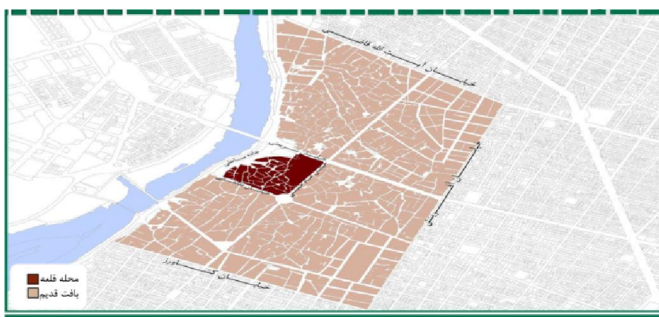
تباين و وحدت موجود در تئوری تاب‌آوری، بحث بین رشته‌ای، مشارکت و همکاری را محدود می‌کند، در حالی که کثرت‌گرایی در مفاهیم اصلی تئوری انتقادی، تحقیقات تاب‌آوری



یکپارچه را آسان‌تر می‌کند. بنابراین پیوند این دو تئوری موجب ایجاد کثرت‌گرایی در تحقیقات تاب‌آوری می‌شود (Persson, 2013 & Thoren). تلفیق تاب‌آوری و تئوری انتقادی، پیچیدگی‌ها و کاستی‌های موجود در مفهوم تاب‌آوری را برطرف نموده و با استفاده از رویکردهای پراگماتیسم، مشارکتی و همکارانه، با تبدیل وحدت‌گرایی به عنوان عاملی که گفتگوی بین رشته‌ای را محدود می‌کند به سمت کثرت‌گرایی بینشی جدید در این تئوری بوجود آورده و تحقیقات تاب‌آوری یکپارچه را تسهیل می‌نماید.

### منطقه پژوهش

دزفول از نظر بافت شهری از دو ساخت فیزیکی متفاوت شامل: بافت قدیم که از نظر فرهنگی، معماری و تاریخی دارای ویژگی‌های مشخص و با ارزش است و بافت جدید متشکل از شبکه شطرنجی، تشکیل شده است. بافت قدیم دزفول که در حقیقت قلب این شهر به شمار می‌آید، در مرکز شهر و در جوار رودخانه دز واقع شده است (تصویر ۱).



تصویر ۱. محله قلعه در بافت قدیم دزفول (منبع: نگارندگان)

مساحت این محدوده ۱۹/۷ هکتار می‌باشد که ۹ درصد از مساحت بافت قدیم را به خود اختصاص داده است. با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت محله قلعه ۸۶۱ نفر گزارش شده است. اکنون محله قلعه در هسته مرکزی شهر در مجموعه‌ای که بالاترین میزان فعالیت و ترافیک را دارا است، قرار گرفته است. حاشیه تجاری محله و وجود بازار در آن، محله را فعال و پر تحرک نموده است. علاوه بر این برخی از عناصر فضایی دوران گذشته (مساجد، بازار و غیره) همچنان پا برجا هستند و مهمترین نقطه قوت ساختار جدید پس از کلیه تغییرات صورت گرفته به شمار می‌آیند.

از نظر خصوصیات زلزله‌شناسی، شهر دزفول براساس نقشه پهنه‌بندی خطر نسبی زمین‌لرزه در ایران، در میان ۶ طبقه متفاوت از نظر مخاطرات زمین‌لرزه در سطح کشور در پهنه

با خطر متوسط و در پهنه‌بندی زلزله در استان خوزستان در پهنه با خطر بالا قرار دارد (اسکندری و همکاران، ۱۳۸۷).

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی با رویکرد استقرائی و مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی است که به لحاظ ماهیت، پژوهشی اکتشافی و از نظر هدف، پژوهشی کاربردی محسوب می‌شود. همچنین از آنجا که پژوهش حاضر بر تدوین تئوری تأکید داشته و نیاز به آشکارسازی دانش ضمنی خبرگان در این حوزه دارد، از راهبرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد بهره می‌برد. روش‌شناسی نظریه داده بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌های واقعی و از طریق روشی علمی، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. ایده اصلی این راهبرد آن است که نظریه‌پردازی از داده‌های در دسترس ناشی نمی‌شود؛ بلکه بر اساس داده‌های حاصل از مشارکت‌کنندگان که فرآیند مورد پژوهش را تجربه کرده‌اند، ایجاد یا مفهوم‌سازی می‌شود (استراوس و کوربین<sup>۱</sup>، ۱۳۹۷). در این پژوهش از بین رهیافت‌های مختلف نظریه‌سازی داده‌بنیاد، از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شده است که برای تدوین نظریه در رابطه با یک پدیده، مجموعه‌ای سیستماتیک از رویه‌ها را به کار می‌گیرد و همچنین، به عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین می‌پردازد.

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان بخش دانشگاهی، خبرگان بخش اجرایی، مسئولین سیاست‌گذار و برنامه‌ریز منتخب و متخصص در زمینه مدیریت شهری و خبرگان محلی بوده است. انتخاب نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. تعداد نمونه نیز بر اساس اصل اشباع نظری در نظر گرفته شد. در این پژوهش از مصاحبه هجدهم، کدهای جدید به صفر رسیدند و فقط کدهای قبلی در حال تکرار بودند و اشباع نظری صورت گرفت ولی برای اطمینان مصاحبه تا بیست و چهارمین نفر ادامه یافت. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه نیمه‌ساختار یافته با خبرگان بود. شایان ذکر است با توجه به وضعیت خاص جامعه به دلیل بیماری کووید ۱۹، اکثر مصاحبه‌ها به صورت غیرحضور و از طریق مکالمه ویدئویی، فایل‌های صوتی و متنی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی انجام شدند.

در روش نظریه داده‌بنیاد، از تحلیل محتوای داده‌های جمع‌آوری شده در طی مصاحبه‌ها، مفاهیم حاصل می‌شوند. مفاهیم واحدهای پایه‌ای یا خرد تحلیل هستند. گروه‌بندی مفاهیم، مقوله‌ها را تشکیل می‌دهد. مقوله‌ها عبارتند از: مقوله محوری، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای،

<sup>1</sup> Strauss & Corbin

شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها. در طرح نظام‌مند نظریه داده‌بنیاد، برای تحلیل داده‌ها، باید سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شود تا در نهایت، پارادایمی منطقی یا تصویری عینی از نظریه خلق شده ارائه شود.

به منظور مستندسازی هر چه بهتر یافته‌ها، نظم بخشی، تخلیص و ترکیب کدهای متعدد اولیه استخراج شده و تسهیل دستیابی به نظریه باکیفیت‌تر، در این پژوهش از نرم‌افزار MAXQDA ۲۰۱۸ استفاده شد. پس از تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، به منظور اعتباربخشی به مدل و نتایج تحقیق از دو روش زاویه‌بندی (مثلث‌سازی) و کنترل اعضا استفاده شد.

## یافته‌ها

**کدگذاری باز:** در مرحله اول کدگذاری باز، پس از ادغام و حذف کدهای تکراری دارای فضای مفهومی مشابه، ۴۲۹ کد باز استخراج شد. در ادامه فرایند کدگذاری باز، کدهای اولیه، پس از هر مصاحبه پالایش شده و باتوجه به سنخیت و تجانس با سایر کدهای کشف شده، ذیل مفهومی کلان‌تر قرار گرفته و این فرایند، بارها و بارها تکرار شد تا پس از پالایش‌های مکرر، کدهای اولیه به صورت مفاهیم سازماندهی شدند. در نتیجه از مجموع ۴۲۹ کد باز اولیه، تعداد ۹۹ مفهوم ساخته شد. جدول (۲) نمونه‌ای از کدگذاری باز و نحوه رسیدن به یک مفهوم را از داده‌های اولیه نشان می‌دهد.

جدول ۲. نمونه‌ای از کدگذاری باز

مفهوم	کد باز	متن مصاحبه
ناپایداری ساختار فضایی محله قلعه	عدم وجود خوانایی و نشانه‌های مناسب شهری در برخی مسیرهای منتهی به محله	ساخت و سازه‌های غیراصولی در مغایرت با فرهنگ و اصول معماری و شهرسازی بومی در محله قلعه سبب تشکیل فضاهایی بدون رعایت اصول خوانایی و نشانه‌های مناسب در مسیرهای منتهی به محله گردیده است
	وجود اغتشاشات بصری در برخی معابر	وجود ساختمان‌هایی با ظاهر و نمای کثیف و مخدوش، عدم هماهنگی و یکپارچگی احجام ساختمانی و الحاقات بی نظم و نامناسب نمای ابنیه باعث ایجاد اغتشاشات بصری در معابر گشته است
	فقدان فضاهای مناسب برای حضور پیوسته مردم	فقدان فضاهای جمعی مناسب و کانون‌های اجتماعی محله برای حضور پیوسته مردم، موجب شده تا مردم رغبتی برای حضور در فضای محله نداشته باشند؛ مگر برای رفع نیازهای روزمره و واجب خود
ناپایداری ساختار عملکردی محله قلعه	فرسوده بودن تأسیسات و زیرساخت‌های شهری مانند آب و فاضلاب و برق	یکی از مهمترین مشکلات این بافت فرسودگی تأسیسات و زیرساخت‌های آب و فاضلاب و برق است که در هنگام وقوع زلزله به شدت و ابعاد آسیب‌پذیری بافت خواهد افزود
	دشواری عملیات نجات و امداد به دلیل عرض کم معابر	به علت عرض کم معابر در بافت‌های تاریخی این شهر، نارسایی شبکه ارتباطی و دسترسی‌ها، عملیات نجات و امداد با مشکل اساسی روبه رو می‌شود.
	دسترسی کم و محدود به امکانات و خدمات امداد‌رسان	در درون محله هیچگونه مرکز امدادی از قبیل بیمارستان، درمانگاه، انتظامی و آتش نشانی وجود ندارد، که خود از عوامل عدم تحقق تاب‌آوری است

ناسازگاری کاربری‌های مجاور	علت بوجود آمدن این ناسازگاری، مکان‌یابی یک سری از کاربری‌های ناسازگار بوده تا از این طریق از تمرکز بازار موجود در این بخش از شهر برای عملکرد بهینه این کاربری‌ها استفاده نمایند
کمبود فضاهای جمعی چند عملکردی در سطح محله	کمبود فضاهای جمعی چند عملکردی برای اسکان مانند سالن ورزشی فضاهای سبز که ظرفیت اسکان اضطراری و پناهگیری را دارند، از دیگر مشکلات موجود در محله است

منبع: نگارندگان

**کدگذاری محوری:** بر اساس یافته‌ها، از تلفیق مناسب ۹۹ مفهوم که در مرحله کدگذاری باز ساخته شده بود، ۱۷ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند. نتایج کدگذاری محوری و تشکیل مقوله‌های اصلی در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳. نتایج کدگذاری محوری و تشکیل مقوله‌های اصلی

طبقه	مقولات	مفاهیم	
پدیده محوری	ارتقا تاب آوری کالبدی	افزونگی	تعدد فضاهای سبز و فضاهای باز عمومی
			تعدد خدمات اصلی شهری
			تعدد راه‌های اصلی ارتباطی
			افزایش تعداد و ارتقاء کیفیت مراکز امداد رسانی
			تعدد کاربری‌های شهری
		تنوع	تنوع کاربری‌های عملکردی شهری
			تنوع فضاهای سبز و باز
			تنوع راه‌های ارتباطی
			تنوع کاربری فضایی
		استحکام	مقاوم سازی معابر
			مقاوم سازی زیرساخت‌های شهری
			ظرفیت و مقاومت پناهگاه
			مقاومت و استحکام ابنیه
		اتصال	دسترسی به خدمات و امکانات شهری
			ایجاد نفوذپذیری در بافت‌های فرسوده
			دوری از محدوده خطرزا
تقویت دسترسی به فضاهای باز و فضاهای سبز در محله			
دسترسی به پناهگاه در محله در زمان وقوع زلزله			
دسترسی به محل‌های اسکان موقت			
دسترسی به شبکه معابر اصلی			
شرایط علی	خطر وقوع زلزله در محله قلعه	ویژگی‌های جغرافیایی محله قلعه	
		ریسک بالای وقوع زلزله	
	ناپایداری ساختاری محله قلعه	ناپایداری ساختاری فضایی محله قلعه	
		ناپایداری ساختار کالبدی محله قلعه	
		ناپایداری ساختار عملکردی محله قلعه	
		ضرورت حفظ و نگهداری بافت تاریخی به دلیل دارا بودن کارکرد شهری	
	ضرورت حفظ و نگهداری از بافت محله قلعه	ضرورت حفاظت از محله قلعه به دلیل دارا بودن ارزش‌های معماری	
		ضرورت حفاظت از محله قلعه به دلیل دارا بودن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی	
		ضرورت حفاظت از محله قلعه به دلیل کارکرد اقتصادی آن	
		مهاجرت ساکنان اصیل و قدیمی محله	
آسیب پذیری ساکنین محله قلعه	عدم توانایی ساکنین به بهسازی و بازسازی منازل و بناهای تجاری		
	آموزش پذیری کمتر ساکنین به دلیل مسن بودن		
شرایط مداخله‌گر	توسعه اقتصاد خلاق	توسعه صنایع دستی در محله	
		توسعه گردشگری در محله با بهره‌گیری از ابنیه و آثار ارزشمند تاریخی	

حمایت و سرمایه گذاری بخش دولتی و اشتغال زایی و بهبود معیشت و فضای کسب و کار در محله	توسعه اقتصاد خلاق	حمایت و سرمایه گذاری بخش دولتی	
		حمایت و سرمایه گذاری بخش خصوصی	
		اشتغال زایی و بهبود معیشت و فضای کسب و کار در محله	
		گسترش پوشش بیمه حوادث	
		تخصیص اعتبارات جهت افزایش تاب‌آوری و تسهیل دسترسی به آن	
		ارائه مشوق‌هایی چون کاهش مالیات و عوارض شهرداری برای شهروندان مشارکت‌پذیر	
		توسعه ساختارهای مشارکتی و بسترهای دموکراتیکی	
		انعطاف‌پذیری برنامه‌های تاب‌آوری	
		تغییر شیوه مدیریت شهری تکنوکراتیک به مشارکتی	
		توزیع عادلانه امکانات و مواهب توسعه	
احیا و بکارگیری دانش بومی در مواجهه با بحران	عملگرایی	احیا و بکارگیری دانش بومی در مواجهه با بحران	
		تمرکززدایی و سهیم شدن مردم در قدرت	
		تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از پایین به بالا	
		توانمند ساختن افراد و جوامع به منظور مشارکت در تعیین سرنوشت خود	
		مشارکت سیاسی شهروندان	
		مشارکت ایزاری شهروندان	
		مشارکت مالی شهروندان	
		مشارکت فکری شهروندان	
		برگزاری جلسات متعدد با ساکنین و بزرگان محله	
		پاداش‌های مادی و معنوی مناسب برای مشارکت مردمی	
تدوین طرح بهسازی و نوسازی بافت‌های قدیم و فرسوده شهری	سیاست‌گذاری و تدوین قوانین	تدوین قوانین در زمینه توسعه و ترویج مشارکت مردمی	
		تدوین طرح جامع مدیریت بحران در شهر ذوقول و بافت‌های فرسوده شهر	
		یکپارچگی در سیاست‌گذاری و راهبری توسعه شهر	
		تدوین سند راهبردی تاب‌آوری شهری	
		آموزش غیر رسمی توسط صدا و سیما و رسانه‌های جمعی	
		افزایش آموزش‌های رسمی و آمادگی ساکنین در برابر زلزله	
		برگزاری کارگاه آموزشی حفاظت در مقابل زلزله برای شهروندان	
		آموزش در سطوح مختلف تحصیلی مدارس	
		آموزش مسئولان در زمینه آمادگی در برابر زلزله	
		برگزاری مانور آموزشی برای زمان بحران	
ارتقاء همکاری و هماهنگی بین‌سازمانی به منظور ایجاد هم‌افزایی	افزایش ظرفیت نهادی	ایجاد تشکل‌های مردم نهاد محلی و گسترش دامنه فعالیت آنها	
		ارتقاء همکاری و تعامل نهادهای رسمی و مردمی	
		بازنگری در وظایف شهرداری‌ها و سیستم‌های نظارت	
		استفاده از ظرفیت نهادهای بین‌المللی در زمینه افزایش تاب‌آوری	
		تأسیس یک سازمان با اختیارات فراقانونی به منظور هماهنگی سازمان‌های ذیربط	
		افزایش ایمنی و امنیت اجتماعی	
		افزایش سرمایه اجتماعی	
		گسترش تعاملات اجتماعی از طریق فعال کردن کانون‌های اجتماعی محله	
		اعتمادسازی در بین مردم و مردم و مسئولین	
		تقویت احساس تعلق ساکنین به محله	
فرهنگ سازی و الگوسازی رسانه‌ای در زمینه ارتقا تاب‌آوری با رویکرد مشارکتی	فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی	راه‌اندازی کمپین‌های آگاه‌سازی شهروندان مانند روز ایمنی در برابر زلزله	
		فرهنگ سازی در زمینه ارتقا تاب‌آوری در سازمان‌های مسئول	
		فرهنگ سازی در زمینه مشارکت مردم در جامعه و سازمان‌ها	
		فرهنگ‌سازی در زمینه اهمیت تاب‌آوری در بین مردم	
		ارزیابی مخاطرات در برابر بحران‌های طبیعی	
		گسترش تحقیق و توسعه در زمینه تاب‌آوری	
		استفاده از اصول حکمروایی خوب شهری	
		برون‌سپاری فعالیت‌های مدیریت شهری	
		مدیریت و برنامه‌ریزی	

	نظارت و کنترل	هدایت توسعه آتی از مناطق ناامن و پر خطر به مناطق امن
		افزایش و ارتقا امنیت شهر و شهروندان در برابر انواع مخاطرات طبیعی
		شناسایی اینیه آسیب‌پذیر در مقابل مخاطرات طبیعی در محله
		بکارگیری اصول و ضوابط شهرسازی
		طراحی یک متدولوژی واکنش در برابر زلزله
		اعمال قوانین در جهت نوسازی و مقاوم سازی ساختمان‌های فرسوده
		ایجاد جانپناه‌های دسته جمعی در دل زمین (الگو گرفتن از شوادون)
		ساخت و ساز با توجه به تکنولوژی روز دنیا
		رعایت استانداردهای شهرسازی و ساختمانی در مورد ساخت و سازهای جدی
		توسعه پایدار زیست محیطی شهری
پیامد	توسعه پایدار شهری	توسعه پایدار اقتصادی شهری
		توسعه پایدار اجتماعی شهری

منبع: نگارندگان

**کدگذاری انتخابی (مرحله نظریه‌پردازی):** در این مرحله بر اساس فهم پژوهشگران از متن پدیده مورد مطالعه، یعنی ارتقا تاب آوری کالبدی، با پیوند دادن مقوله‌ها، تئوری تحقیق شکل گرفت. مدل ارتقا تاب‌آوری کالبدی به صورت تصویر (۲) می‌باشد و روایت آن چنین است: «خطر وقوع زلزله در محله قلعه، ناپایداری ساختاری محله قلعه، ضرورت حفظ و نگهداری از بافت محله قلعه و آسیب‌پذیری ساکنین محله قلعه، به عنوان شرایط علی موجب ضرورت یافتن ارتقا تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه گردیده است. ارتقا تاب آوری کالبدی در محله قلعه شامل چهار مؤلفه افزونگی، تنوع، اتصال و استحکام می‌باشد که در صورت به‌کارگیری راهبردهای آموزش و توانمندسازی مردم و مسئولین، افزایش ظرفیت نهادی، افزایش سرمایه اجتماعی، فرهنگسازی و اطلاع‌رسانی، مدیریت و برنامه‌ریزی، بکارگیری اصول فنی و مهندسی و سیاستگذاری و تدوین قوانین در بستر مناسبی از عملگرایی و مشارکت شهروندان و با تأکید بر حمایت و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی و توسعه اقتصاد خلاق می‌تواند منجر به ظهور پیامد توسعه پایدار شهری گردد».



تصویر ۲. مدل ارتقا تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه (منبع: نگارندگان)

در این پژوهش جهت اطمینان از اعتبار نتایج تحقیق از زاویه‌بندی داده (با استفاده از منابع مختلف از گروه‌های مختلف و در زمان‌های مختلف)؛ زاویه‌بندی پژوهشگران (بازنگری یافته‌ها با استفاده از نظرات چندین پژوهشگر) و زاویه‌بندی روش‌ها (استفاده از چندین روش مختلف همانند مشاهده، مصاحبه، اسناد و مدارک، پرسشنامه) استفاده شده است. همچنین به منظور تأیید تفاسیر پژوهشگر، متغیرهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و نتایج حاصل، به تعدادی از صاحب‌نظران حوزه شهرسازی ارائه شده و مورد پالایش قرار گرفت.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، مدل تاب‌آوری کالبدی محله قلعه شهر دزفول در مقابل زلزله با تأکید بر تئوری انتقادی با استفاده از راهبرد نظریه داده بنیاد ارائه شد. عناصر تشکیل دهنده مدل پارادایمی پژوهش حاضر عبارتند از:

**پدیده محوری:** ارتقاء تاب‌آوری کالبدی محله قلعه، مقوله محوری پژوهش است که می‌توان دیگر مقوله‌ها را به آن ربط داده و کنش‌ها و تعاملات را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مقوله محوری، اصلی‌ترین چالش پیش روی مدیریت شهری محله قلعه در شهرستان دزفول است و یک سلسله کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد. ارتقاء تاب‌آوری کالبدی از چهار مؤلفه افزونگی، تنوع، اتصال و استحکام تشکیل شده است. افزونگی به به منابع جایگزین در فرآیند بازیابی اشاره دارد، زمانی که آنهایی که اصلی هستند، کافی نیستند. تنوع به این معنا است که یک سیستم حاوی طیف وسیعی از عناصر مختلفی است که قادر به انجام وظایف

یکسان یا مشابه هستند، اما به طور متفاوت به اختلالات پاسخ می‌دهد. اتصال توصیف قابلیت سهولت جریان در یک سیستم و در سراسر آن را شامل می‌شود. استحکام، توانایی عناصر و واحدهای سیستم برای مقاومت در برابر سطحی از آشوب بدون تخریب سیستم یا از دست دادن عملکرد آن است.

**شرایط علی:** شرایط علی شامل خطر وقوع زلزله در محله قلعه، ناپایداری ساختاری محله قلعه، ضرورت حفظ و نگهداری از بافت محله قلعه و آسیب‌پذیری ساکنین محله قلعه است که موجد و الزام‌آور برای ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه می‌باشند. شرایط علی، مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و شروطی لازم و ضروری ولی ناکافی جهت دستیابی به پیامدهای حاصل از به کارگیری راهبردها هستند.

**شرایط زمینه‌ای:** عملگرایی و مشارکت شهروندان به عنوان شرایط زمینه‌ای شناخته شدند که این پژوهش آنها را برگرفته از تئوری انتقادی دانسته است و پیش‌شرط، زمینه و بستر خاص ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه را فراهم می‌سازند و بدون آنها تحقق ارتقاء تاب‌آوری کالبدی امکان‌پذیر نیست. استفاده از مفهوم عملگرایی در برنامه‌ها و طرح‌های تاب‌آوری در کنار مفهوم مشارکت، به تحقق‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌های تاب‌آوری شهری کمک کرده و جنبه حضور و دخالت مردم را در امور مربوط به خویش افزایش می‌دهد. از این روی، طرح‌ها و برنامه‌ها با رویکردی مشارکتی و از پایین به بالا انجام می‌گیرند و بجای توجه به اهداف کلی، دور دست و ذهنی، اهدافی را دنبال خواهند کرد که عملاً مورد اجرا قرار گیرند و در حل مشکلات مؤثر باشند. ویژگی همکارانه و مشارکتی و نیز اصالت بخشیدن به عمل (پراگماتیسم) در تئوری انتقادی، با کنار گذاشتن آرمان‌پردازی و مدینه فاضله، سرعت و سادگی بیشتری را برای سیاست‌گذاری فراهم می‌کند. آن چه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیتهای شهری است که می‌تواند مشروعیت، مقبولیت و رضایت‌مندی شهروندان را برای مدیریت شهری توأمان به ارمغان آورد.

**شرایط مداخله‌گر:** در این پژوهش، شرایط مداخله‌گر، توسعه اقتصاد خلاق، حمایت و سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی هستند که بر انتخاب راهبردهای مختلف ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه مؤثر بوده و می‌توانند اجرای راهبردها را آسان و تسریع ساخته و یا در روند آن چالش ایجاد کنند و باعث تشدید یا تضعیف پدیده تاب‌آوری کالبدی شوند.

**راهبردها:** در این پژوهش، راهبردها، آموزش و توانمندسازی مردم و مسئولین، افزایش ظرفیت نهادی، افزایش سرمایه اجتماعی، فرهنگسازی و اطلاع‌رسانی، مدیریت و برنامه‌ریزی، بکارگیری اصول فنی و مهندسی و سیاستگذاری و تدوین قوانین هستند که راه‌حلهایی برای



ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه فراهم می‌سازند و منجر به بهبود و ارتقاء وضعیت تاب‌آوری کالبدی می‌شوند.

**پیامدها:** در این پژوهش، پیامدها، توسعه پایدار شهری می‌باشد که از راهبردها و اقدامات مربوط به ارتقاء تاب‌آوری کالبدی در محله قلعه حاصل می‌شود. پیامدها نتایج و حاصل کنش‌ها و واکنش‌ها هستند. افزایش تاب‌آوری در برابر سوانح می‌تواند به ایجاد افزایش ظرفیت سازگاری و معیشت پایدار جامعه منجر شود. تاب‌آوری پیوند از دست رفته توسعه پایدار را تأمین می‌کند و مؤلفه‌ای ضروری برای تحقق آن است. کاهش خطرپذیری در برابر سوانح و تاب‌آوری بخشی از ارکان توسعه پایدار در حوزه‌های محیط زیست، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است (Desilva et al., 2020).

پارادایم حاصل از نظریه داده‌بنیاد، پارادایم جدیدی است که از تلفیق تئوری انتقادی و تاب‌آوری شهری به وجود می‌آید و با تجدیدنظر در دانش تکاملی موجود، دانش جدید انقلابی را ایجاد می‌کند و پاسخگوی نیازهای جدید خواهد بود. این پارادایم شامل عناصر رویه‌ای و محتوایی می‌باشد؛ عناصر رویه‌ای از تئوری انتقادی و عناصر محتوایی از تاب‌آوری می‌آیند. بنابراین این قابلیت را خواهد داشت که به فرآیند و محصول توأمان توجه نماید. توجه به فرآیند و محصول با هم از عواملی است که در شهرسازی به منظور نیاز به یکپارچه نمودن عناصر رویه‌ای و محتوایی در تئوری‌های برنامه‌ریزی مورد نیاز است. استفاده از نظریه انتقادی به عنوان نظریه‌ای که روش تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی را بیان می‌کند، می‌تواند جنبه تحقق‌پذیری طرح‌ها و برنامه‌های تاب‌آوری را از طریق پیوند رویه و محتوا ارتقا بخشد و کاستی‌های تاب‌آوری شهری را جبران نماید.

نظریه انتقادی به عنوان «نظریه برنامه‌ریزی» نشان دهنده فرآیند برنامه‌ریزی است. اما نظریه تاب‌آوری شهری به عنوان «نظریه در برنامه‌ریزی» نظریه توصیفی و پیش‌بینی‌کننده است که مربوط به ساخت و عملکرد شهر است. فالودی (Faludi, 1973) بیان می‌کند با آنکه هر دو نوع نظریه «نظریه در برنامه‌ریزی» و «نظریه برنامه‌ریزی»، برای برنامه‌ریزی مؤثر ضروری است، اما برنامه‌ریزان باید نظریه رویه‌ای را به عنوان پوشش یا لفاف نظریه محتوایی ببینند. نظریه‌های محتوایی به برنامه‌ریز کمک می‌کند تا دریابد حوزه کار آن چیست؛ اما با نظریه رویه‌ای، برنامه‌ریز به فهم خود و روش کار خود می‌رسد. بنابراین حضور تئوری انتقادی پیش شرط و زمینه ارتقا و تحقق‌پذیری تاب‌آوری است. نظریه انتقادی به عنوان عنصر اصلی در این پژوهش به شمار می‌آید که ترکیب آن با تئوری تاب‌آوری می‌تواند شکاف بین نظریه و عمل در برنامه‌های شهری را کاهش دهد. جدول شماره (۴) به مقایسه عناصر رویه‌ای و محتوایی در پارادایم جدید و قدیم می‌پردازد.

جدول ۴. مقایسه عناصر رویه‌ای و محتوایی در پارادایم جدید و قدیم

عناصر	پارادایم قدیم: تئوری‌ها، روش‌ها و مفاهیم	پارادایم جدید: تئوری‌ها، روش‌ها و مفاهیم
رویه	استبدادی، تصمیم‌گیری از بالا به پایین، تکنوکراتیک، غیراخلاقی، رعایت نکردن عدالت، بوروکراتیک، در نظر گرفتن منافع شخصی، عدم مشارکت عمومی، غیرهمکارانه، بدون اثربخشی، بسته بودن سیستم، بدون بازخورد، متمایل به زیبایی‌شناسی فیزیکی، اهمیت نداشتن مسائل زیست محیطی، طراحی و برنامه‌ریزی از نوع بلو پرینتی، قاطع، اهمیت نداشتن جنبه‌های اجتماعی و روانی، جهانی سازی.	تصمیم‌گیری آزاد از پایین به بالا، مشارکتی، همکارانه، همکاری شبکه‌ای، دارای بازخورد و اثربخشی، آگاهی عمومی، یادگیری متقابل، برنامه‌ریزی تصادفی، انعطاف‌پذیری، برخورد از دو نوع تفکر واگرا و همگرا، ارزیابی (در مقابل مجموعه جدیدی از معیارها) به عنوان بخشی مهم در تصمیم‌گیری، متکی بر پراگماتیسم، حکمروایی، ماهیت نظریه انتقادی عنصر رویه‌ای پارادایم جدید را فراهم می‌کند.
محتوا	مدنیسم/پست مدنیسم، تحرک گسترده (پویایی وسیع)، متمرکز، شهرهای بزرگ، فضاهای عمومی، اجتماعی کردن، زیباسازی، تراکم بالا، اهمیت ندادن به سرزندگی، سرمایه داری، مال‌ها و مگا مال‌ها، پارکینگ‌های بزرگ/زیاد سازه‌ها، مصرف سوخت فسیلی، از هم پاشیدگی، سبک زندگی ماشینی، تجاری‌سازی و مصرف‌گرایی، جهانی سازی	توانمند شدن افراد و جوامع، خودکفایی، بازاندیشی در روابط اجتماعی، افزونگی، ارتقا تمرکززدایی، تغییر در نقش قدرت، اولویت‌های بلندمدت در مقابل کوتاه مدت، تراکم پایین، مقیاس کوچک، تجدید نظر در سبک زندگی، اقدامات کاربردی، نادیده گرفتن طرح‌های سنتی، ماهیت نظریه تاب‌آوری عنصر محتوایی پارادایم جدید را فراهم می‌کند.

منبع: نگارندگان

تئوری انتقادی این قابلیت را دارد تا با ایجاد تصمیم‌گیری از پایین به بالا، محیطی برای شناخت و فهم افراد جامعه ایجاد نموده و از طریق بحث آزاد، عرصه عمومی را به مکانی برای حیات سیاسی و مشارکت مدنی قلمداد نماید. تاب‌آوری نه توسط دولت و نهادهای دولت، بلکه توسط افراد و جوامع محقق می‌شود. مشارکت بیشتر ذی‌نفعان، سبب می‌شود در پارادایم جدید اقدامات تاب‌آوری، اقداماتی کاربردی و با قابلیت تحقق‌پذیری بیشتر برای شهرها صورت پذیرند. تئوری انتقادی با تکیه بر تغییر وضع موجود به جای بدیهی انگاشتن آن به نفی سوژه متعالی پرداخته و به رد تفکیک علم و دانش از ارزش‌ها و علایق انسان می‌پردازد. این تئوری به سنتز دانش پرداخته و با بکارگیری سه زمینه دانش (فنی، عملی و انتقادی) بر دوگانگی‌ها غلبه نموده و موجب کاهش احتمال اشتباه با تکرار نقد گشته و با ترکیب دانش تخصصی و دانش بومی، مشارکت و احتمال حکمرانی جمعی از طریق گفت‌وگو و همکاری در جامعه را افزایش می‌دهد. بنابراین در پارادایم جدید، تئوری انتقادی با بهره‌گیری از رویکردهای مشارکتی و همکارانه، به ارتقاء آگاهی و مسئولیت اجتماعی کمک می‌نماید. از این روی، تلفیق تاب‌آوری و تئوری انتقادی، امکان عمل‌گرایی در مباحث شهرسازی را افزایش می‌دهد. تئوری انتقادی موجب درک بهتر نقش قدرت، تسلط و استثمار در جامعه از طریق بررسی تناقض‌ها، ساختارها، فعالیت‌ها، ایدئولوژی‌ها، روابط و غیره می‌گردد و این باعث می‌شود دستورالعمل‌ها و راهکارهای مرتبط با تئوری تاب‌آوری جنبه ملموس‌تر و مردمی‌تری به خود گرفته و بهتر و بیشتر محقق گردند.

در انتها نیز پیشنهاداتی برای مسیر تحقیقات آتی ارائه می‌شود. در این پژوهش تاب‌آوری از جنبه کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است، پیشنهاد می‌شود برای تحقیقات آتی به سایر

شاخص‌های تاب‌آوری شهری پرداخته شود. توجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی و نهادی در کنار مسائل کالبدی، می‌تواند میزان تاب‌آوری را به حد قابل قبولی رسانده و از بروز فاجعه انسانی در محله جلوگیری نماید. در این پژوهش پیوند رویه و محتوا در رابطه با تئوری انتقادی و تاب‌آوری مورد بررسی قرار گرفت که جا دارد به منظور افزایش تمرکز دایی و عملیاتی نمودن طرح‌ها و برنامه‌های شهری در رابطه با نظریات دیگر از جمله توسعه پایدار نیز مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با استفاده از روش تحقیق کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، اما این قابلیت هم وجود دارد که با استفاده از روش‌های آمیخته مورد بررسی قرار گیرد.

**منابع و مآخذ:**

- ۱- ابدالی، ی.، رجایی، س.ع. ۱۳۹۸. تعیین مؤلفه‌های تاب‌آوری کالبدی در بافت مسکونی شهر بجنورد با استفاده از خودهمبستگی فضایی موران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰(۳۹): ۱۶-۱.
- ۲- ابوطالبی، م.، شیخی، م. ۱۳۹۶. نظریه‌های انتقادی برنامه‌ریزی، سومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی جامعه شناسی علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی، شیراز.
- ۳- احمدی، ق.، پورحسن‌زاده، م.، سلیمان‌نژاد، ا. ۱۳۹۹. تحلیلی بر تاب‌آوری اجتماعات شهری در برابر زلزله (مطالعه موردی: شهرهای اردبیل، تبریز و ارومیه). آمایش محیط، ۱۳(۴۹): ۱۰۹-۱۳۴.
- ۴- ادهم، ز.، اسماعیلی، م.، شیدایی، آ. ۱۳۹۴. نظریه انتقادی، کنش ارتباطی و سیاستگذاری شهری، کنفرانس بین‌المللی برنامه‌ریزی و توسعه شهری، جهاد دانشگاهی تهران.
- ۵- استراوس، ا.، کوربین، ج. ۱۳۹۷. مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. تهران: نشر نی.
- ۶- اسکندری، م.، رضایی، م.، قیطانچی، م. ۱۳۸۷. پهنه بندی خطر زمین لرزه در استان خوزستان به روش احتمالاتی، سیزدهمین کنفرانس ژئوفیزیک ایران، تهران.
- ۷- امانپور، س.، فیروزی، م.، شاکرمی، م. ۱۴۰۰. مکان‌های ناپایدار شهری در برابر زلزله (مطالعه موردی: بافت فرسوده شهر خرم‌آباد). آمایش محیط، ۵۴(۱۴): ۷۵-۹۸.
- ۸- خزاعی، ن.، مجتبی‌زاده خانقاهی، ح. ۱۴۰۱. ارائه الگوی بهینه در بافت مسئله‌دار فرحزاد با رویکرد ارتقاء تاب‌آوری. آمایش محیط، ۵۹(۱۵): ۲۳-۴۴.
- ۹- خزاعی‌نژاد، ف.، سلیمانی مهرنجانی، م.، زنگانه، ا. ۱۳۹۷. ارزیابی زیست‌پذیری محله‌های منطقه ۱۲ شهر تهران. مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، ۵(۱): ۴۵-۷۰.
- ۱۰- دانایی‌فرد، ح.، الوانی، س.م.، آذر، ع. ۱۳۹۶. روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی، صفار.
- ۱۱- رازقی، ع.، درخشانی، ن. ۱۳۹۴. تاب‌آوری کالبدی و عملکردی در بازار تاریخی تهران. دوفصلنامه مرمت و معماری ایران، ۷(۱۳): ۱۳۵-۱۵۱.
- ۱۲- رضایی، م.، سرائی، م.، بسطامی‌نیا، ا. ۱۳۹۵. تبیین و تحلیل مفهوم تاب‌آوری و شاخص‌ها و چارچوب‌های آن در سوانح طبیعی. فصلنامه دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۶(۱): ۳۲-۴۶.
- ۱۳- زمانی مقدم، م. ۱۳۹۴. مکتب انتقادی فرانکفورت و پیوند علم و ارزش در علوم اجتماعی، کنفرانس سالانه رویکردهای نوین پژوهشی در علوم انسانی، تهران.

۱۴-شکری فیروزجاه، پ.، ادبی فیروزجایی، خ. ۱۳۹۹. تحلیل فضایی میزان تاب‌آوری کالبدی محلات شهر بابلسر با تأکید بر کاربری اراضی شهری. پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۱۱(۲۱): ۷۶-۵۹.

۱۵-طاهری، م.، افضل طوسی، ع.، نوذری، ح. ۱۳۹۹. واکاوی نظریه انتقادی در گفتمان هنراجتماعی-سیاسی پست مدرن. نشریه هنرهای زیبا-هنرهای تجسمی، ۲۵(۱): ۵-۱۶.

۱۶-عشقی چهاربرج، ع.، نظم فر، ح. ۱۳۹۸. سنجش تاب‌آوری شهر در برابر زلزله با مدل پرومته، نمونه موردی: منطقه یک شهرداری تهران. پژوهش‌های بوم‌شناسانه شهری، ۱۰(۲۰): ۱۲۷-۱۴۰.

۱۷-قاسمی، م.، قرائی، م. ۱۴۰۰. بررسی تاب‌آوری کالبدی مسکن پیراشهری در برابر مخاطرات طبیعی (مطالعه موردی: شهرک باهنر مشهد). دانش پیشگیری و مدیریت بحران، ۱۱(۱): ۵۴-۳۸.

۱۸-قزایی، ف.، مثنوی، م.، حاجی بنده، م. ۱۳۹۶. بسط شاخص‌های کلیدی سنجش تاب‌آوری مکانی-فضایی شهری. مرور فشرده ادبیات نظری. باغ نظر، ۱۴(۵۷): ۱۹-۳۲.

۱۹-محمدپور، ا. ۱۳۹۰. روش تحقیق کیفی ضد روش - جلد اول (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان

۲۰-نصیری هندخاله، ا. ۱۳۹۸. رتبه‌بندی تاب‌آوری کالبدی فضایی مناطق شهری (مطالعه موردی کلان شهر کرج). فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۴(۳): ۶۴۱-۶۶۰.

۲۱-نوذری، ح. ۱۳۹۶. نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی. تهران: انتشارات آگاه.

22- Abunnasr, Y. 2013. Climate Change Adaptation: A Green Infrastructure Planning Framework for Resilient Urban Regions. PhD Thesis, Massachusetts University, England.

23- Brenner, N. 2012. What is critical urban theory? In Cities for People not for Profit; Critical Urban Theory and the Right to the City, Routledge.

24- Brenner, A.B., Zimmerman, M.A. 2010. Resilience in adolescence: Overcoming neighborhood disadvantage. In Reich, J. W., Zautra, A., Hall, J. S. (Eds), Handbook of adult resilience. New York: Guilford Press.

25- Brunetta, G., Faggian, A., Caldarice, O. 2021. Bridging the Gap: The Measure of Urban Resilience. Sustainability, 13: 1133

- 26- Caldarice ,O., Brunetta, G., Tollin, N. 2019 .The Challenge of Urban Resilience :Operationalization .In Urban Resilience for Risk and Adaptation Governance .Theory and Practice; Brunetta, G., Caldarice, O., Tollin, N., Rosas-Casals, M ,.Moratò, J., Eds.; Springer: Cham, Switzerland.
- 27- Chelleri ,L. 2016. The urban resilience fallacy: Gaps between theory and practice ,URNNet Urban Resilience Research Network
- 28- Da Silva, C.A., dos Santos, E.A., Maier, S.M., da Rosa, S. 2020. Urban resilience and sustainable development policies. An analysis of smart cities in the state of São Paulo, Revista de Gestão ,Emerald Publishing Limited,61-78.
- 29- Desouza ,K.C., Flanery, T.H. 2013 .Designing, planning, and managing resilient cities: A conceptual framework .Cities8.
- 30- Faludi ,A. 1973 .Planning Theory ,Oxford, Pergamonpress.
- 31- Feliciotti, A., Romice, O., Porta, S. 2016 .Design for change: five proxies for resilience in the urban form .Open House International.۳۰-۲۳ :(۴)۴۱ ,
- 32- Folke ,C., Carpenter, S., Elmqvist, T., Gunderson, L., Holling, C.S., Walker, B. 2002 .Resilience and Sustainable Development: Building Adaptive Capacity in a World of Transformations .Ambio -۴۳۷ :(۵)۳۱ , ۴۴۰.
- 33- Fuchs, C. 2016 .Critical Theory of Communication: New Readings of Lukács, Adorno, Marcuse, Honneth and Habermas in the Age of the Internet ,University of Westminster Press: London.
- 34- Guzman P., Pereira Roders A.R., Colenbrander B. 2018. Impacts of Common Urban Development Factors on Cultural Conservation in World Heritage Cities: An Indicators-Based Analysis .Sustainability :(۳)۱۰ . ۸۵۳
- 35- Helgesen, J.J. 2020 .Resilience Amidst Adversity: The Sine Qua Non Principle for Meaningful and Effective Leadership in Education .Graduate College Dissertations and Theses .University of Vermont.
- 36- Hillmann ,J., Guenther, E. 2021. Organizational Resilience: A Valuable Construct for Management Research ?International Journal of Management Reviews.۴۴-۷ :(۱)۲۳ ,
- 37- Hudec ,O. 2016 .City of Resilience .Advanced Brainstorm Carrefour (ABC): The Science of eh City Naple.

- 38- Joerin, J., Shaw, R., Takeuchi, Y & ,Krishnamurthy, R. 2014. The adoption of a climate disaster resilience index in Chennai, India . Disasters. ۵۶۱-۵۴۰ : (۳) ۳۸ ,
- 39- Porta ,S., Xu, Y., Restrepo, C. R., Kwong, L. K., Zhang, B., Brown, H. J., et al. 2018 .Patient-derived frontotemporal lobar degeneration brain extracts induce formation and spreading of TDP-43 pathology in vivo .Nat. Commun. ۹ : ۴۲۲۰ .
- 40- Rossi ,U. 2018 .The Wiley Blackwell Encyclopedia of Urban and Regional Studies .Critical Urban Theory .New Jersey: John Wiley and Sons.
- 41- Sharifi, A., Yamagata, Y. 2016. Urban resilience assessment: multiple dimensions, criteria and indicators. In Urban Resilience) pp. 259-276). Springer, Cham.
- 42- Thorén ,H., Persson, J. 2013. The Philosophy of Interdisciplinarity: Sustainability Science and Problem-Feeding ,Journal for General Philosophy of Science.
- 43- Tumini ,I ,.Villagra-Islas, P., Herrmann-Lunecke, G. 2017. Evaluating reconstruction effects on urban resilience: a comparison between two Chilean tsunami-prone cities ,Natural Hazards.
- 44- Vale L. 2014. The politics of resilient cities: whose resilience and whose city ?Building Research & Information.
- 45- Van Breda, A.D. 2018. A critical review of resilience theory and its relevance for social work .Social Work.





## تبیین مفهوم شخصیت شهری از دیدگاه ساکنان محله‌های چله‌خانه و گل‌سار شهر رشت

تاریخ دریافت مقاله: ۴۰۲/۰۳/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۴۰۲/۰۶/۱۵

علی اکبر سالاری پور\* (دانشیار، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)  
محمد نوری پور سدهی (دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه گیلان، رشت، ایران)

### چکیده

شخصیت شهری به‌طور مفهومی در ادبیات شهرسازی ایران شناخته شده نیست و شخصیت را صرفاً معادل هویت کالبدی دانسته‌اند. در مطالعات اخیر پژوهشگران تعاریف نوینی بیان شده است که مفهوم شخصیت شهری را فراتر از جنبه‌های کالبدی مطرح می‌کند. در حالی که در مطالعات ما توجه کمتری به مفهوم شخصیت شهری شده است، پژوهش حاضر درصدد است با هدف تبیین مفهوم شخصیت شهری، مطابق با تعاریف جدید نظری و در پارادایم کیفی-اکتشافی، به شناسایی این مفهوم از دیدگاه اجتماع محلی بپردازد. بدین منظور ۳۰ نفر از ساکنان محله‌های چله‌خانه و گل‌سار به‌عنوان دو محله‌ی سنتی و مدرن مورد مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. و متن مصاحبه‌ها مورد تحلیل محتوای کیفی قرار گرفت. نتایج نشان داد که شخصیت برخی از مکان‌ها به‌عنوان هویت اجتماعی یا هویت مکانی تعریف می‌شود؛ در حالی که در برخی دیگر، شخصیت با مفاهیمی همچون تنوع، اختلاط، پویایی و غیره توصیف می‌شود و امکان دارد که از سطحی‌ترین روابط میان ساکنان، محیط زندگی و فعالیت‌های جاری در محله ساخته شود. پیشنهاد می‌شود که مؤلفه‌های شخصیتی پس از شناسایی، به‌صورت کدهایی فراتر از ضوابط صرفاً کالبدی، در طرح‌ها و برنامه‌های شهری و محله‌ای، خصوصاً طرح‌هایی که مبتنی بر مشارکت‌پذیری شهروندان است، مورد استفاده قرار گیرند. نقش شهرسازان اعم از طراحان و برنامه‌ریزان در این میان، شناخت شخصیت مکان از دیدگاه ساکنان و تبدیل آن به ضوابط و دستورالعمل‌هایی با جزئیات خاص هر مکان برای طرح‌ها و برنامه‌های شهری و محله‌ای خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت شهری، اجتماع محلی، تحلیل محتوا، پارادایم کیفی-اکتشافی

## بیان مسئله

در سال‌های اخیر شباهت بی‌حدومرز شهرها و محله‌ها به یکدیگر، منجر به ازبین‌رفتن ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد فضاهای شهری شده است و هنجارهایی که در آن روح و معنا نهفته بود، در فضاهای شهری کمرنگ شده‌اند؛ در نتیجه تعلقات احساسی افراد به مکان‌ها و تعاملات اجتماعی به بی‌تفاوتی و بی‌حسی در جامعه گراییده است. بسیاری از محله‌های جدید شهری، با برخورداری از محیط‌های تازه توسعه‌یافته، علی‌رغم فقدان میراث تاریخی و پیشینه‌ی هویتی، دارای اجتماع پویا و سرزنده‌ای هستند که سبب ایجاد دل‌بستگی و علاقه‌مندی ساکنین به مکان می‌شود و این بدان معنا نیست که نقش هویت مکان انکارپذیر باشد؛ اما در برخی از اجتماعات، عوامل دیگری نیز در ارتقاء کیفیت مکان‌ها اثربخش بوده‌اند و بیشتر اوقات در مطالعات نادیده گرفته شده‌اند که از آن‌ها می‌توان به مفهوم «شخصیت شهری»<sup>۱</sup> اشاره کرد. شخصیت معمولاً برای اشاره به ویژگی‌هایی استفاده می‌شود که یک مکان، با اشخاص، اشیاء، فرم یا عملکرد از مکان‌های دیگر متمایز می‌شود (Dovison & Rowden, 2012: 190). با این حال کیم داوری و همکاران بیان می‌کنند که «شخصیت» به راحتی به مجموعه‌ای از عناصر، چه اجتماعی و چه فیزیکی، تقلیل نمی‌یابد. و تلاش برای تعریف و تثبیت «شخصیت» در ویژگی‌های خاص، همچنان که از یکی به دیگری بلغزد، با شکست مواجه می‌شود. شخصیت مکان با «احساس» و «جو» موجود در مکان رابطه دارد و این احساس در عین حال عینی و ذهنی، شخصی و غیرشخصی است (Dovey et al, 2005: 5). ریچارد هریس (2018) بیان می‌کند که به ندرت از شخصیت شهری استفاده شده است؛ در حالی که فراوانی نسبی آن، شهرها، مناطق و ملیت‌ها را از هم متمایز و شناسایی آن، مقایسه مکان‌ها را تسهیل می‌کند (Harris, 2018: 1). پیش از مطالعات پدیدارشناسان حوزه شهرسازی، تعریف شخصیت شهری همواره وابسته به شکل کالبدی و هویت فیزیکی مکان‌های شهری بوده است. خصوصاً در ادبیات نظری داخل کشور مفهوم شخصیت شهری به‌عنوان مؤلفه‌ای وابسته به هویت شهری تعریف شده است، کمااینکه میرمقتدایی شخصیت یا کاراکتر شهری را با مفهوم هویت کالبدی مترادف دانسته است (میرمقتدایی، ۱۳۸۵: ۱۲۹). لذا تا زمانی که مفهوم شخصیت شهری گنگ، مبهم و صرفاً وابسته به تعاریف هویت کالبدی شهر و محله باشد، که تاکنون معنایی نزدیک به یکدیگر یا حتی مترادف داشته‌اند، شناسایی، حفاظت و ارتقاء کیفیت مکان‌ها دشوار خواهد بود.

با توجه به دیدگاه نسبتاً جدید برنامه‌ریزان و طراحان شهری نسبت به مفهوم شخصیت شهری و عدم تقلیل آن به مجموعه‌ای از خصوصیات صرفاً فیزیکی، ایجاب می‌شود تا این

<sup>1</sup> Urban character

پژوهش در دو بخش مطالعات نظری و میدانی انجام پذیرد. بنابراین محله‌ای چله‌خانه به‌عنوان محله‌ای قدیمی و سنتی و محله گلسار به‌عنوان محله‌ای مدرن و جدید در شهر رشت مورد بررسی قرار گرفتند. چله‌خانه محله‌ای ریشه‌دار، با هویت و دارای پیشینه تاریخی است؛ در حالی که گلسار محله‌ای مدرن و فاقد مؤلفه‌های تاریخی و پیشینه هویتی است. لذا با شناخت مؤلفه‌های شخصیتی از دیدگاه ساکنان و مقایسه‌ی آن‌ها از لحاظ تنوع و گوناگونی تعریف شخصیت در دو محله، می‌توان به‌طور واضح‌تری به ابعاد پیدا و پنهان مفهوم شخصیت شهری خصوصاً نسبت به هویت کالبدی شهر نائل شد. پژوهش حاضر درصدد است تا شخصیت شهری در این دو محله با تعاریفی دقیق‌تر و نزدیک‌تر به معنای واقعی، نسبت به تعاریف پیشین در ادبیات شهرسازی، تبیین شوند و شخصیت خاص هر محله از دیدگاه ساکنان آن بررسی گردد. لذا در این پژوهش کوشش بر آن است تا با کسب تجربیات زیسته ساکنان و شکل‌گیری مصاحبه‌های عمیق به این پرسش پاسخ داده شود:

- شخصیت شهری چیست و شهروندان شخصیت محله‌هایشان را با چه مفاهیم و ویژگی‌هایی تعریف می‌کنند؟

### مبانی نظری

با توجه به هدف پژوهش، ابتدا باید گفت که شخصیت یک مکان به‌عنوان مؤلفه‌ای کالبدی و یا اجتماعی، فرهنگی و... به واسطه‌ی حضور افراد در مکان ادراک می‌شود. در تعاریف نظری و پدیدارشناسانه، مفهوم مکان فراتر از ابعاد کالبدی، با مفاهیم اجتماعی و روابط انسانی آمیخته است. بنابراین برای درک ماهیت شخصیت شهری، ابتدا باید مفهوم مکان به‌طور خلاصه بیان شود و سپس سایر مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش از جمله شخصیت شهری مورد بررسی قرار گیرند. هم‌چنین از لحاظ معنایی، شخصیت شهری در بسیاری از مواقع با مفهوم هویت شهری آمیخته شده است؛ بنابراین لازم است تا به منظور تبیین شخصیت شهری به‌عنوان مفهومی مستقل، تمایزات و هم‌پیوندی این دو مفهوم مقایسه شده و در پایان این بخش، مدل مفهومی منتج از مبانی نظری ارائه شود.

### مفهوم مکان

تعاریف مربوط به مکان عمدتاً از پدیدارشناسی نشأت گرفته است. مهم‌تر از همه، کار نوربرگ شولز (1980) و توان (1977) است که تعاریفی از مکان ارائه دادند و مکان را به‌عنوان پدیده‌ای تعریف کرده‌اند که از تعامل بین محیط ساخته‌شده و مردم پدید می‌آید. باید گفت که لازمه‌ی شکل‌گیری شخصیت یک مکان در هر فضا و مقیاس شهری منوط به حضور شهروندان در

آن مکان‌ها است. و همانطور که کاستلز بیان می‌کند، «مکان تجلی جامعه است» (مطوف، ۱۳۹۲: ۵۱؛ کاستلز، ۱۳۸۵). از نظر رلف، درک انسان از مکان محصول اعمال و تجربه است و آنچه که به‌طور حقیقی یک مکان را از فضای انتزاعی جدا می‌کند، احساس درونی انسان (نسبت به مکان)، قرار گرفتن در آن، تعلق به آن و همذات پنداری با آن است (Relph, 1976: 49). نوربرگ شولز (1980) با تعریف «روح مکان»<sup>۱</sup>، مکان را از تعاریف صرفاً کالبدی و فیزیکی متمایز می‌نماید؛ روح مکان به‌عنوان احساس یا ویژگی تجربی منحصر به فردی توصیف می‌شود که مردم از یک مکان دارند (Jiven & Larkham, 2003: 70). این احساس خاص به مکان و تجربه‌ی حاصل در آن، معنا، ارزش و رمز و راز می‌بخشد (Silva, 2015: 3). مفهوم مکان را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای از اتصالات در یک چارچوب مفهومی متشکل از احساس، شکل، بعد اجتماعی و بعد فیزیکی دانست (Dovey et al, 2009: 2611). انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر پایه تجربه خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت، نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل درک می‌گردد (اقبال و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳؛ Yazdanpour & Moztarzadeh, 2014).

### نظریه اجتماعی مکان

«نظریه اجتماعی مکان» یکی از کامل‌ترین تعاریف مربوط به مکان است که اهمیت بعد اجتماعی مکان را به شیوه‌ای رسا توضیح می‌دهد. در نظریه اجتماعی مکان مانوئل کستلز (۱۳۸۵)، تعریف مکان بدون اشاره به عملکردهای اجتماعی امکان‌پذیر نیست. مکان محصولی مادی است که با سایر محصولات مادی (از جمله مردم) ارتباط دارد و این محصولات با یکدیگر در روابط اجتماعی که محصول تاریخ است وارد می‌شوند که شکل، کارکرد و معنایی اجتماعی به مکان می‌بخشد (مطوف، ۱۳۹۲: ۵۱؛ کاستلز، ۱۳۸۵). از دیدگاهی مادی‌گرایانه می‌توان گفت مفاهیم عینی زمان و مکان ضرورتاً از طریق عملکردها و فرآیندهایی مادی ایجاد می‌شوند که در خدمت بازتولید زندگی اجتماعی قرار دارند (مطوف، ۱۳۹۲). اخیراً بعد اجتماعی مکان‌ها با شکلگیری فرآیند تجربه مردم در آن مکان‌ها تعریف می‌شود. همانطور که یوجانگ و ذکریا (2015) بیان کرده‌اند، مکان یک فرآیند تجربی است که هویت و شخصیت مکانی متمایز را شکل می‌دهد (Ujang & Zakariya, 2015: 712). طبق نظریه اجتماعی مکان که ابعاد اجتماعی در تعریف مکان برجسته است، مفاهیم وابسته به مکان از جمله شخصیت یک مکان نیز ماهیتی اجتماعی می‌یابد و نمی‌توان تعریفشان را صرفاً در عناصر کالبدی یک مکان محدود کرد.

<sup>1</sup> Genius loci / Spirit of life

## هویت مکان

هویت مکان راهی ارتباطی بین انسان و مکان، بیشتر به دنبال ارضای نیازهای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که به‌طور مستقیم با جسم بشر در ارتباط هستند. هویت مکان از ارزش‌های جمعی و فردی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (Relph, 1976). پروشانسکی هویت مکانی را به‌عنوان ابعادی تعریف می‌کند که هویت شخصی فرد در رابطه با محیط فیزیکی با استفاده از الگوهای پیچیده‌ای از ایده‌ها، احساسات آگاهانه و ناخودآگاه، متشکل از ارزش‌ها، اهداف، ترجیحات، مهارت‌ها و تمایلات رفتاری مربوط به یک محیط خاص شکل می‌گیرد (Proshansky, 1978: 155). رید و همکاران (2020) بیان می‌دارند که هویت مکانی از طریق منظر و حافظه اجتماعی ساخته می‌شود که اشکال محلی خاص جامعه را به نمایش می‌گذارد و هویت در پیوند با حافظه و منظر در کنار یکدیگر و در خلال زندگی روزمره ساخته و پرداخته می‌شود؛ که مناظر «مجموع گذشته‌های ما» و آغشته به خاطرات و تجربیات بین نسلی است و در «حافظه‌ی اجتماعی»<sup>۱</sup> ماندگار شده‌اند و برای هویت مکان بسیار مهم هستند (Reid et al, 2020). هویت مکان را می‌توان از خلال روایت‌هایی از حافظه جمعی و خاطرات گذشته جست‌وجو کرد؛ با این حال هویت مکان پویا و در معرض تغییر است چرا که درهم‌تنیدگی‌های اجتماعی و منظر دائماً در حال تغییرند (Reid et al, 2020).

## شخصیت شهری

در مطالعات اخیر، مفهوم شخصیت شهری فراتر از جنبه‌های صرفاً کالبدی و هویت‌مدار تعریف شده است و اغلب تعریف آن مشکل‌ساز بوده است؛ با این حال تعاریف شخصیت را می‌توان در دو بخش کلی (از نظر بازه زمانی و چارچوب‌های مسلط فکری) دسته‌بندی کرد؛ بخش اول با ابراز نگرانی برای شخصیت در پی موجی از علاقه به شهرهای سنتی و در واکنش به ظهور معماری و برنامه‌ریزی مدرنیستی از دهه ۱۹۵۰ میلادی ظاهر شد (Kropf, 1996: 247). شخصیت در این دوره به طور صریح با مفهوم روح مکان (Norberg-Schulz, 1980) و حس مکان<sup>۲</sup> (لینچ، ۱۳۹۵) ادغام شد. در حالی که این آثار بسیار تأثیرگذار بودند و نظریه‌ای را ارائه می‌دادند، تعداد اندکی از نظریه‌پردازان مفهوم شخصیت را کانون اصلی مطالعات خود قرار دادند. کاربرد شخصیت شهری ابتدا در استرالیا در جریان مباحث مربوط به حفاظت از خیابان در دهه ۱۹۸۰، همزمان با گسترش مطالعات آکادمیک در حوزه مفهوم مکان مطرح شد و در نخستین

<sup>۱</sup> Collective image

<sup>۲</sup> Sense of place

تجسمات خود در طرح‌های شهری با مفهوم «میراث»<sup>۱</sup> آمیخته شد (Dovey et al, 2009: 2597). از نظر کارل کروف، تحلیل و طبقه‌بندی شخصیت حتی توسط اندیشمندان برجسته طراحی شهری ماهیتی سطحی و محدود داشت و بیشتر به ظاهر بصری مربوط می‌شد تا فرآیندها، فعالیت‌ها و اهداف (Kropf, 1996: 262). از نظر نگارندگان، بخش دوم تعاریف شخصیت شهری که با توجه به پارادایم کنونی، تعاریف کامل‌تری از این مفهوم هستند، توسط ری گرین و سپس کیم داوی و همکارانش، با برجسته نمودن مفاهیم اجتماعی و پدیدارشناسی گسترش یافته است. گرین بیان می‌کند که شخصیت شهری یک ساختار ذهنی اشتراکی، پیچیده و چند بعدی بوده که با تعدادی از ویژگی‌های مختلف قابل شناسایی است؛ زیبایی‌شناسی محیطی، احساسات و هویت جامعه، طبیعی بودن، تغییر، منحصربه‌فرد بودن و پاسخدهی تأثیرگذار محیط به‌عنوان ابعاد برجسته شخصیت شهر پدیدار می‌شوند؛ برخی به لزوم محافظت از شخصیت و اغلب به فرم ساخته‌شده اشاره می‌کنند و برخی دیگر شخصیت را مفهومی اجتماعی یا فرهنگی می‌دانند (Green, 2000: 84). داوی و همکاران (2009) ادعا کردند که تعاریف شخصیت توسط نظریه‌های موجود کافی نیستند و غالباً روی مشخصات فیزیکی تمرکز می‌کنند (Dovey et al, 2009: 38). در مطالعات اخیر توسط پژوهشگران، شخصیت به‌طور کلی به‌عنوان «احساس درونی»<sup>۲</sup>، «احساس بیرونی»<sup>۳</sup> یا «جو»<sup>۴</sup> یک مکان توصیف می‌شود که هم به‌صورت عینی در شکل شهری بنا شده و هم به‌صورت ذهنی تجربه شده است (Dovey & Woodcock, 2015: 2611). شخصیت، همانطور که نوربرگ شولز (1980) بیان می‌کند، جوهر مکان است، شخصیت در شکل، در سازه‌های بتنی، در حال و هوایی که مردم در آن زندگی می‌کنند تشکیل شده است (Sepe & Pitt, 2014: 216). محله‌ها و ساختمان‌ها دارای شخصیت هستند، مردم شخصیت خاص دارند و عملکردها از نظر شخصیتی (داخل یا خارج از شخصیت) ارزیابی می‌شوند. از این رو، وقتی کسانی می‌گویند که یک مکان دارای شخصیت است، غالباً ویژگی‌هایی است که به اعتقاد آنها آن مکان را از مکان دیگری متمایز می‌کند (Dovison & Rowden, 2012: 190). کاکس (2022) استدلال می‌کند که برای بررسی شخصیت شهری به‌عنوان مفهومی که هر دو مؤلفه ملموس و ناملموس را در فرآیند طراحی و برنامه‌ریزی شهری در بر دارد، دوگانگی بین تعاریف فیزیکی و اجتماعی باید کاهش یابد. و در کاهش این دوگانگی، درک بهتر روابط و تعاملات بین جنبه‌های فیزیکی و

---

<sup>1</sup> Heritage

<sup>2</sup> Feel

<sup>3</sup> Sense

<sup>4</sup> Atmosphere

غیرفیزیکی شخصیت شهری می‌تواند شناختی از این مفهوم ایجاد کند که هم جنبه‌های ملموس و هم جنبه‌های ناملموس شخصیت شهری را در بر بگیرد.

### پیشینه پژوهش

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مفهوم شخصیت با ظهور معماری مدرنیستی در دهه ۱۹۵۰ میلادی (Kropf, 1996)، اگرچه در ارتباط با ادراک محیط و روح مکان بوده است اما تعاریف آن در حد ویژگی‌های محیط کالبدی انسان‌ساخت باقی ماند. اما پژوهشگرانی از جمله ری گرین ظرافت‌های بیشتری را نسبت به مطالعات پیش از خود آشکار کرد. گرین (1999) مفهوم شخصیت شهر را از دیدگاه جامعه در یکی از شهرهای استرالیا بررسی نمود و مشخص کرد که شخصیت شهر به انواع ویژگی‌های محیطی و معانی درون جامعه مرتبط می‌شود. شخصیت توسط برخی از ویژگی‌های برجسته مرتبط با طبیعی بودن، زیبایی، دلپذیری، جذابیت، آشنایی، متمایز بودن و با ویژگی‌های اجتماعی مرتبط با مفاهیم آشنایی، دوستی، صراحت، سرزندگی و ایمنی مطرح شد (Green, 1999). توجه گرین به ابعاد اجتماعی و فرهنگی شخصیت سبب شد تا پدیدارشناسان و محققانی از جمله کیم داوی مفهوم شخصیت را از طریق ایجاد گفتمان، مصاحبه‌های عمیق، مشاهدات میدانی و تجربیات محیطی بسط و گسترش دهند. داوی و همکاران (2009) در پژوهشی تحت عنوان «درک شخصیت محله، مطالعه موردی: کمبرول» با انجام مصاحبه‌های عمیق و با روش‌های پدیدارشناسانه، شخصیت را از منظر اجتماع محلی تعریف کردند. ساکنان از عباراتی چون منطقه پرآسایش، حس امنیت، فروتنی ساکنان، سازگاری ابنیه با یکدیگر استفاده می‌کردند که نشان میداد شخصیت محله فراتر از ساختمان‌هاست و توسط ساکنان تجربه می‌شود و توسعه می‌یابد. داوی و همکاران (2009) در پژوهشی دیگر در قالب پدیدارشناسی و مصاحبه‌های عمیق در مرکز شهر ملبورن بیان داشته‌اند که شخصیت از تنوع بالای محله، عملکردها، آثار هنری، دیوارنویسی، زندگی خیابانی، کافه‌های پاتوق هنرمندان و افراد با سطوح مختلف اجتماعی تشکیل شده است و همچنین شخصیت همیشه با ویژگی‌های مختلف و متنوع دیده می‌شود و می‌تواند به عنوان یک بعد مکانی-اجتماعی تصور شود. دو پژوهش مهم داوی و همکاران همانند پژوهش ری گرین نشان داد که شخصیت شهر و محله می‌تواند حاصل روزمرگی شهروندان و در جریان ارتباطات و کنش‌های اجتماعی ساخته شود و نمی‌توان به یکسری از عناصر صرفاً فیزیکی یا صرفاً اجتماعی بسنده کرد.

داویسون (2011)، در پژوهشی که بر مبنای تحقیقات تجربی اعم از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، جلسات باز گروهی، گفتگوهای بداهه با ساکنان و تجزیه و تحلیل مشاهدات بود،

بیان می‌کند که شخصیت توسط اعضای جامعه ارزش‌گذاری می‌شود و ناشی از ساختار اجتماعی و تجربیات روزمره است و آنچه که شخصیت را برای اعضای جامعه متمایز می‌نماید، قدمت و سبک و یا نحوه استفاده از ساختمان‌ها نیست، اما تنوع افراد محله، تجربیات روزمره آن‌ها از مکان و روابط افراد و نگرش آن‌ها به عنوان معیارهای شخصیت شناسایی می‌شوند. بنابراین شخصیت محله بیش از آن‌که فیزیکی باشد، اجتماعی و تجربی است (Dovison, 2011). داویسون و رادن (2012)، شخصیت را با تنوع، تحمل‌پذیری، سرمایه اجتماعی قوی ساکنان و مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی و ادغام احساس فرد با مکان معرفی کرده‌اند که از طریق فرآیندی که شامل گفتگوی عمیق و رودررو با مردم محلی و تجزیه و تحلیل مشاهدات است، امکان‌پذیر می‌شود (Dovison & Rowden, 2012). استفان وود (2015) در بخشی از پژوهش خود با عنوان «ظاهر و حس یک مکان: شخصیت، جامعه و شهر فشرده» با استفاده از مصاحبه‌های کیفی و عمیق به گفتمان شخصیت در شش محله در ملبورن استرالیا می‌پردازد و استدلال می‌کند که شخصیت مفهومی لغزنده و پارادوکسیکال است که هم‌زمان عینی و ذهنی، شخصی و غیرشخصی و یک ویژگی از محیط است که احساس درونی را برمی‌انگیزد و به تجربیات اجتماعی و ارزش‌های عمیق و خاص یک مکان مرتبط است (Wood, 2015). تواروی و بینون (2018) به تفسیر شخصیت محله در بین دانشگاهیان، سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان، طراحان شهری و سایرین پرداختند و بیان کردند که برای تفسیر جامع «شخصیت محله» باید اهداف و تعاریف پیشین را تغییر داد تا درک کلی از معنای ویژگی‌های محله برای جامعه منعکس شوند و بر جنبه‌های اجتماعی یک محله در کنار ویژگی‌های فیزیکی آن تمرکز کنند و راه‌حل‌های مناسب‌تری برای در نظر گرفتن نظرات ساکنان در فرآیند برنامه‌ریزی کشف نمایند (Tewari & Beynon, 2018). استفانو بلوچ (2020) به منظور ارزیابی شخصیت همسایگی با رویکرد مقایسه‌ای مابین مطالعات مشاهده‌ای - میدانی و نرم‌افزاری بر پایه «کلان‌داده» نتیجه می‌گیرد که برای نزدیک‌شدن به درک واقعی یک مکان، روند سخت و بعضاً کند مطالعات میدانی قابل جایگزینی با روش‌های مبتنی بر داده‌های بزرگ فضایی نیست و ناتوانی ذاتی کلان‌داده در کاوش عمیق فضای محله‌ها سبب دستیابی به یافته‌های سطحی می‌شود؛ بنابراین هیچ جایگزینی برای مطالعات دقیق مشاهده‌ای و تحقیقات میدانی مبتنی بر شخصیت وجود ندارد (Bloch, 2020).

شناخت شخصیت شهری در مطالعات پژوهشگران پیشین، مبتنی بر روش‌های کیفی و پدیدارشناسانه و عمدتاً از نوع مطالعه موردی بوده است. روش تحقیق در این پژوهش نیز با پیروی از پیشینه پژوهش، مبتنی بر روش‌های کیفی و مطالعه موردی است. از طرفی، شخصیت شهری در ادبیات شهرسازی داخل کشور معادل «هویت مصنوع» تعریف شده است که در این



پژوهش ضمن مرور دیدگاه‌های جدید نسبت به این مفهوم، با تکیه بر اصول اکتشافی، ابعاد وسیعتری از این مفهوم از دیدگاه اجتماع محلی تبیین می‌شود که این موضوع را می‌توان به‌عنوان وجه نوآورانه پژوهش قلمداد کرد.

### مقایسه دو مفهوم شخصیت و هویت مکان

کمبود مطالعات در زمینه شخصیت شهری در ادبیات شهرسازی داخل کشور، سبب شده تا این مفهوم فاقد تعریفی مستقل باشد و دائماً با شناسه‌ی هویتی تعریف شود. با مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش، برخی از مهم‌ترین تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مفهوم قابل بررسی است که به‌منظور مقایسه و تمییز دادن مفهوم شخصیت از مفهوم هویت، دو جدول ذیل نگارش شده‌اند.

جدول ۱- تفاوت دو مفهوم شخصیت و هویت مکان

تفاوت دو مفهوم شخصیت و هویت مکان (نظری - تحلیلی)			
منابع	شخصیت مکان	منابع	هویت مکان
Dovey et al, 2009; Dovison, 2011; Dovison & Rowden, 2012; Wood, 2015; Tewari & Beynon, 2018	شخصیت ملموس‌تر و در سطوح اولیه ارتباطات اجتماعی در مکان قابل شناسایی بوده و در جریان کنش‌های اجتماعی حاصل می‌شود.	Reid et al, 2020; Proshansky, 1978.	هویت آغشته به خاطرات و تجربیات بین‌نسلی است، لذا در سطوح عمیق‌تری از ادراک افراد نسبت به مکان نهادینه شده و قابل شناسایی است.
Dovey et al, 2009 Dovey & Woodcock, 2015; Sepe & Pitt, 2014; Dovison & Rowden, 2012	شخصیت به‌طور مستقیم به اشیاء، فرم و عملکرد فضا اشاره دارد.	کاشی و بنیادی، ۱۳۹۲؛ Relph, 1976.	ظاهر فیزیکی، فعالیت‌ها و معانی، مواد خام هویت هستند. و هویت یک مکان شامل ارتباط مابین این سه مؤلفه است.
Green, 1999; Dovey et al, 2009	شخصیت شهری به انواع ویژگی‌های محیطی مانند زیبایی، دلپذیری، جذابیت، احساس آسایش و امنیت اشاره مستقیم دارد.	Peng et al, 2020; Paasi, 2001	هویت شهری «شیوه بازنمایی» مؤلفه‌های طبیعی، فرهنگی و دست‌ساز شهر است.
Wood, 2015; Cox, 2022	شخصیت، ملموس، ناملموس، موجود و متعلق به پدیده است.	نگارندگان	هویت، مقایسه‌ای، در پی مشابهت‌ها و منسوب به پدیده است.

منبع: نگارندگان

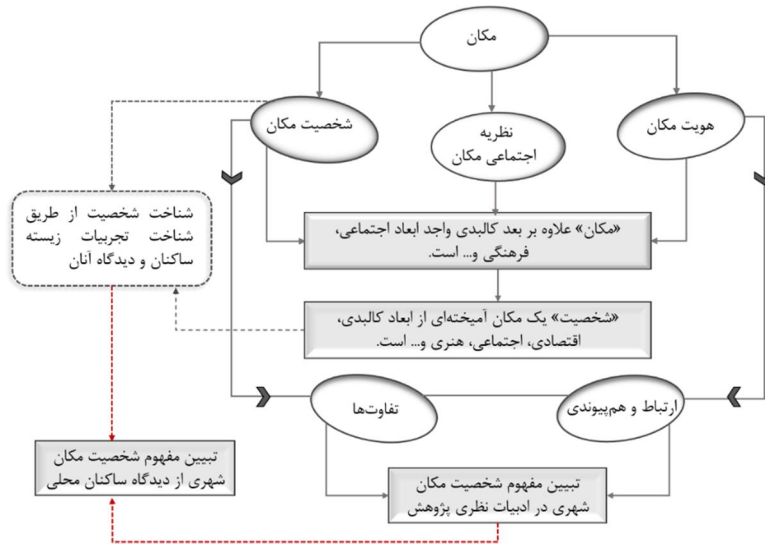
جدول ۲- هم‌پیوندی دو مفهوم شخصیت و هویت مکان

منابع	هم‌پیوندی دو مفهوم هویت و شخصیت مکان شهری (نظری - تحلیلی)
کوبین لینچ، ۱۳۹۵؛ Reid et al, 2020; Dovey et al, 2009; Shamsuddin et al, 2012	هر دو مفهوم از طریق منظر و حافظه‌ی اجتماعی در طی تجربیات زیسته ساکنان ایجاد می‌شوند.
Reid et al, 2020; Tewari & Beynon, 2018; Green, 2000; Ziyae, 2018	هر دو مفهوم فراتر از ابعاد کالبدی مکان بوده و دارای ابعاد اجتماعی، محیطی و... هستند.
Dovey & Woodcock, 2015; Norberg-Schulz, 1980; Dovison & Rowden, 2012	هر دو مفهوم با حس مکان رابطه مستقیم دارند و از طریق احساس ساکنان و تعلقاتشان نسبت به مکان شناخته می‌شوند.
حیدری و جمشیدی، ۱۴۰۰؛ Dovison & Rowden, 2012	هر دو مفهوم به‌عنوان ویژگی‌های منحصر به فرد موجود در یک مکان تعریف می‌شوند.
Green, 1999; Valera, 1997; Wood, 2015	هر دو مفهوم به انواع ویژگی‌های محیطی و معانی درونی و بیرونی جامعه اشاراتی دارند.

منبع: نگارندگان

### ارائه چارچوب مفهومی

برای رسیدن به چارچوب مفهومی پژوهش، مطالعات در دو بخش مبانی نظری و مطالعات میدانی به منظور تبیین مفهوم شخصیت شهری انجام شده است؛ تا این مفهوم هم در بخش نظری و هم از منظر اجتماعی (طبق پیشینه پژوهش و مطالعات مربوط به مکان‌شناسی) مورد بررسی قرار گیرد. با انجام مطالعات در این دو بخش، کوشش برآن بوده تا خلأ موجود در تعریف شخصیت شهری در ادبیات شهرسازی داخل کشور با تعاریفی که امروزه در دانش شهرسازی جهان متداول است، برطرف شده و مفاهیم جدید آن تبیین شود. تصویر (۱)، چارچوب مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.



تصویر ۱- چارچوب مفهومی پژوهش (منبع: نگارندگان)

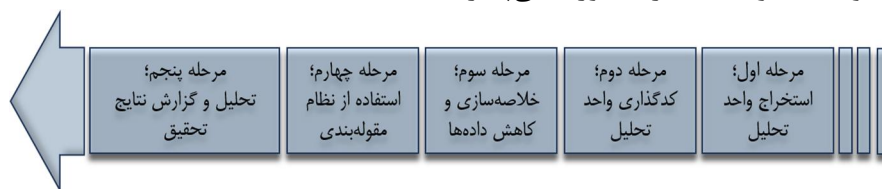
### محدوده‌های مورد پژوهش

دو محله در شهر رشت که از لحاظ اجتماعی و کالبدی دارای ساختارهای متفاوتی هستند، به منظور نمایاندن تنوع و تفاوت دیدگاه‌ها و ادراکات دو اجتماع محلی در تعریف شخصیت محله‌هایشان انتخاب شدند. لذا چله‌خانه به‌عنوان محله‌ای سنتی و گل‌سار به‌عنوان محله‌ای مدرن و بدون پیشینه تاریخی مورد مطالعه قرار گرفتند. چله‌خانه در مرکز شهر رشت واقع شده است که از محله‌های اصیل شهر قلمداد می‌شود؛ اما با گسترش روند آپارتمان‌سازی در دهه‌های اخیر، محله دچار تغییرات کالبدی و اجتماعی گسترده‌ای شده است. گل‌سار در شمال غرب شهر رشت واقع شده است. سابقه ایجاد این محله به دهه پنجاه شمسی بازمی‌گردد و جزو بافت‌های منظم و برنامه‌ریزی شده شهر رشت است. هم‌اکنون گل‌سار به‌عنوان منطقه‌ای مدرن و یکی از گران‌قیمت‌ترین محله‌های شهر برای سکونت، اشتغال و سایر فعالیت‌ها شناخته می‌شود.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد. تحقیق کیفی فرصت‌هایی را برای کاوش در پدیده و تعیین معنای آن در هنگام انجام تحقیق و پس از پایان تحقیق فراهم می‌کند (Williams & Moser, 2019: 45). پس از تبیین مفهوم شخصیت شهری به‌عنوان مفهومی مستقل در مبانی نظری، در این پژوهش لازم است تا دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان محلی مورد بررسی و اکتشاف قرار گیرند. تحقیقات اکتشافی در علوم اجتماعی، تلاش برای

کشف چیزی جدید از طریق بررسی یک موضوع تحقیقاتی است (Swedberg, 2020: 17). بنابراین پژوهش حاضر از نوع کیفی-اکتشافی بوده و به منظور توسعهی این پژوهش، مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته، کدگذاری مصاحبه‌ها و تحلیل محتوای آن‌ها به منظور تبیین شخصیت شهری در محله‌های چله‌خانه و گل‌سار صورت می‌پذیرد. اشباع نظری همچنین می‌تواند به عنوان رهنمون در تحقیقات کیفی مفید باشد (Boddy, 2016: 432). اشباع نظری بر این تمرکز دارد که چه تعداد مصاحبه برای رسیدن به نقطه اشباع مورد نیاز است (Low, 2019: 131) لذا نمونه‌گیری در این پژوهش با پیروی از اصل اشباع نظری صورت گرفت و به منظور تبیین شخصیت شهری در دو محله، ۱۵ نفر از ساکنان چله‌خانه و ۱۵ نفر از ساکنان گل‌سار که دارای سنین ۲۵ تا ۷۷ سال بوده‌اند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. هر مصاحبه ۶۰ الی ۹۰ دقیقه به طول انجامید و تمامی مصاحبه‌ها از ضبط صوتی توسط پژوهشگران به متن تبدیل شدند. در تحلیل محتوا، از کدگذاری برای شناسایی عوامل ذهنی و درونی استفاده می‌شود (Scannell & Gifford, 2017: 259). بنابراین در پژوهش حاضر به منظور دسته‌بندی داده‌های مصاحبه از کدگذاری بهره گرفته شده است (جدول ۵). کدگذاری نقشی محوری در تسهیل توانایی محقق در پیشبرد موثر فرآیند تحقیق دارد و محقق را ملزم می‌کند تا با خوانش و بازخوانی مداوم داده‌های جمع‌آوری شده، داده‌ها را از نزدیک درک کند (Williams & Moser, 2019: 47). تصویر ۲، فرایند تحلیل محتوا را نشان می‌دهد که پس از شناسایی واحدهای معنایی از متن مصاحبه‌ها، به ترتیب کدگذاری اولیه، پالایش کدها و حذف کدهای تکراری، شناسایی مفاهیم کلیدی، مقوله‌بندی و نتیجه‌گیری صورت می‌پذیرد.



تصویر ۲- فرآیند تحلیل (منبع: نگارندگان)

### مصاحبه با ساکنان محله چله‌خانه و شناسایی واحدهای تحلیل

در طول مصاحبه‌ها و در مسیر شناسایی شخصیت محله از دیدگاه ساکنان برخی از مهم‌ترین واحدهای معنایی برای تحلیل در جدول ۳ دسته‌بندی شده و قابل مطالعه است. یکی از مواردی که به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان چله‌خانه را نسبت به سایر محله‌ها متمایز می‌سازد، میراث محله است و در تعریف میراث، بیش از آن که بر فرم‌های ساخته شده تأکید داشته باشند، به قوام و ثبات اجتماعی موجود که در بازه‌های مختلف تاریخی ساخته و پرداخته شده اشاره دارند. در این تعاریف، شخصیت محله تا حدودی مترادف با مفهوم هویت اجتماعی است. با

این حال برخی از مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر «حس صمیمیت» و «حس امنیت» توصیفات خود را برای تعریف شخصیت محله چله‌خانه آغاز می‌کنند و حس صمیمیت در این محله را باعث استحکام و قوام روابط همسایگی در این محله می‌دانند. این عوامل روی هم‌رفته سبب علاقه‌مندی به مکان و از شاکله‌های شخصیتی محله چله‌خانه تلقی می‌شود. یکی از مهم‌ترین تعهدات در محله چله‌خانه، احساس مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر است. احساس مسئولیت‌پذیری در قبال «بچه‌محل‌ها» سبب می‌شود تا صمیمیت، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های چله‌خانه قلمداد شود که به باور ساکنان حتی در سایر محله‌های قدیمی رشت نیز این میزان صمیمیت را نمی‌توان یافت. نتایج مصاحبه نشان از آن دارد که جاری بودن روابط صمیمی سبب ایجاد اعتماد متقابل در ساکنان محله شده است. حس صمیمیت و بچه‌محل بودن از جمله عباراتی است که مصاحبه‌شوندگان هنگام تعریف شخصیت آن‌ها را برشمردند.

علی‌رغم از بین رفتن بخش عمده‌ای از بافت تاریخی و جابجایی آن با مراکز بزرگ تجاری و دفاتر وکالت، مصاحبه‌شوندگان از برخورداری محله از شخصیتی غنی دفاع می‌کنند و بسیاری از عملکردهای اجتماعی را در شکل‌گیری شخصیت محله دخیل می‌دانند. به‌طور خاص یکی از مصاحبه‌شوندگان در پاسخ به اینکه «شخصیت محله چه تاثیری بر مکان زندگی شما داشته است؟» به تاثیر پیچیدن بوی خاص رستوران‌ها و برانگیختگی حس بویایی و در نتیجه ایجاد حس حضور در محله اشاره می‌کند و تعریف شخصیت را وابسته به ویژگی بویایی منحصر به فرد محله‌اش می‌داند. با اشاره به بوی خاص محله به‌عنوان یک مولفه‌ی شخصیتی، می‌توان به ابعاد مختلف ملموس و ناملموس این مفهوم در نظر اجتماع محلی پی برد و از این رو، شخصیت نه‌تنها در کالبد و روابط اجتماعی ساکنین با یکدیگر، بلکه در تجربه‌ی افراد از محیط زندگی و احساس آنان به مکان نیز مشهود است.

جدول ۳- نمونه‌هایی از واحد تحلیل مصاحبه با ساکنان چله‌خانه

ردیف	واحد تحلیل
۱	از بین رفتن بافت تاریخی محله باعث ناراحتیم میشه، در تمام دنیا که نگاه کنی اگه یه آجر قدیمی رو زمین باشه اون آجر رو پلاک میزنن و هویت خودشون رو حفظ میکنن؛ تبدیل میشه به میراث فرهنگی و ازش نگهداری باید بشه ولی اینجا نه، بیشتر میزنن تخریب میکنن.
۲	اگر شما یک دوست اینجا داشته باشید، به واسطه‌ی این دوست در اینجا پای‌بند میشید چون محله این خاصیت رو داره، جذاب‌تره ولی بعضی از محلات این جذابیت رو نداره مثلاً دورهم‌نشینی شاید مثل این محله در محله‌های دیگر نباشه. یکی بیاد توی این محله بچه‌های اینجا مهمان‌ها رو می‌پذیرن. این خاصیت این محله هست که معروفه به بیگانه‌نوازی.
۳	محله ما یک بافت قدیمیه که هنوز اصالت قدیمی خودش رو داره. هنوز بچه‌محل‌ها اون عرق بچه‌محله-

	ای رو دارن. شما مثلاً شاید توی یک محله دیگه‌ای می‌رید این فضا رو نبینید که هنوز خونواده‌ها با همدیگه در ارتباطند، همدیگه رو میشناسند، بچه‌های همدیگه رو می‌شناسند. خیلی خوبن، این محله ما خیلی خوبه.
۴	توی این محله چون همه همدیگر رو میشناسن، صمیمیت خیلی خاصه مثلاً پشت فضای مسجد که مراسم محرم شروع میشه، انگار رفتی خونه پدربزرگ و مادربزرگت و خاله، عمه و دایی‌ها هستن طوری که همه دوست همه آشنا هستن. توی این محله هنوز حال و هوای قدیم هستش. دهه ۵۰، دهه ۶۰ هنوز اینجا هست.
۵	من چون سال‌هاست اینجا زندگی میکنم، تمام اهالی رو میشناسم، با دیدن مردم می‌فهمم که مثلاً دیگه رسیدم به چله‌خونه. روابط مختلفی که تو این سال‌ها شکل گرفته که مثلاً آدمای اینجا پدراشون با پدرای ما رابطه داشتند الان ما با بچه‌هاشون رابطه داریم... بحث همسایه و همسایه‌گری هست، دست همو میگیریم کمک می‌کنیم بهم.
۶	اول اینکه محله قدیمی هستش و آدمای قدیمی داره، دوم اینکه خیلی اهالی قدیمی نزدیک بهم هستن و نسبت به هم احساس مسئولیت دارن. مثلاً به مشکل الان برام ایجاد بشه اولین کسی که دست منو میگیره بچه محله چون اینجا همه با هم نزدیکن و همدیگر رو میشناسن.
۷	اینجا قهوه‌خونه زیاد بود. در قدیم قهوه‌خونه هر جا زیاد بود اونجا قمارخانه بود، چاپخانه بود، همه‌چی اونجا بود همه‌ی صنفاها میومدن برای استراحت تو قهوه‌خونه‌ها می‌نشستن.
۸	اینجا رستوران‌های زیادی هست دور تا دور محله، من از دور بوشم حتی احساس میکنم، برای من حتی بوی این محله به حس خاصی داره که فقط میدونم محله‌ی من این بو رو میده.

منبع: نگارندگان

### مصاحبه با ساکنان محله گلزار و شناسایی واحدهای تحلیل

در جدول ۴، نمونه‌هایی از مهم‌ترین بخش‌های مصاحبه با ساکنان گلزار قابل مطالعه است. طبق متن مصاحبه‌ها، یکی از مواردی که مورد توجه پژوهشگران بوده است، اشاره ساکنان به پاکیزگی ظاهری علی‌رغم فقدان مؤلفه‌های هویتی و تاریخی است که برای ساکنین گلزار ارزشمند است. اکثر ساختمان‌های این محله با مصالح گران‌قیمت ساخته می‌شوند اما در بسیاری از آن‌ها بیان معماری مناسب نماهای ساختمانی مشهود است. با این حال ساکنان گلزار از جداره‌ها و مناظر توده‌های ساختمانی دفاع می‌کنند و بخشی از تعاریف شخصیت محله‌شان را با ویژگی‌هایی همچون پاکیزگی، شیک و لوکس بودن ساختمان‌ها مرتبط می‌سازند که موجب ایجاد احساس خوب در ساکنان این محله است و در اینگونه از تعاریف، مناظر و نماهای ساختمانی جزئی از مولفه‌های شخصیتی گلزار معرفی می‌شوند. با این حال شخصیت در این محله هم به‌صورت عینی در عناصر شهری پدیدار می‌شود و هم در روابط اجتماعی ساخته می‌شود که از آن‌ها می‌توان به وجود احساس امنیت در مصاحبه‌شوندگان اشاره کرد. احساس

امنیت در گلسار معلول عوامل مختلف دیگری از جمله بالا بودن سطح سواد، شب زنده‌داری و پویایی زندگی شبانه است که برآیند این عوامل و استمرار آن‌ها در فضای محله، موجب سرزندگی و پویایی زندگی شبانه در این بخش از شهر شده است و این ویژگی‌ها به‌عنوان مؤلفه‌های شخصیتی محله از دیدگاه ساکنان در طول مصاحبه‌ها تکرار می‌شوند. ساکنان، گلسار را به‌عنوان محله‌ای با رستوران‌ها و کافه‌های متعدد معرفی می‌کنند که با سرزندگی، سطح آسایش، رفاه و تفریح شهروندان مرتبط بوده و شکل ویژه‌ای به منظر شهری داده است، که این عوامل معلول سایر خصوصیات محله از جمله شیک‌بودن، رفاه اقتصادی و توجه به اوقات فراغت است که در این تعاریف شخصیت محله گلسار بیشتر مرتبط با کیفیت‌های فضایی محله است.

از نظر ساکنان، در روابط همسایگی محله، احساس مسئولیت‌پذیری، همکاری و صمیمیت موجود است؛ اما همسایگی آن‌گونه که در محله چله‌خانه تعریف می‌شود، با گونه‌ی همسایگی در گلسار متفاوت است. ساکنین گلسار از آنکه همسایگان در کار یکدیگر مداخله نمی‌کنند و در عین حال دارای روابط دوستانه، قابل قبول، احترام متقابل و وجود مرزبندی‌های مشخص در روابط همسایگی هستند، حس رضایت‌مندی دارند. در واقع نوع خاص روابط همسایگی که متفاوت از روابط همسایگی در محلات سنتی شهر است، به‌عنوان مؤلفه‌ی شخصیتی محله معرفی می‌شود.

جدول ۴- نمونه‌هایی از واحد تحلیل مصاحبه با ساکنان گلسار

ردیف	واحد تحلیل
۱	در کل دیدی یکجاهایی میری نماها آجریه اما کثیفه؟ این مورد کمتره تو گلسار. حالا درسته که شاید نماسازی درست نباشه اینجا، ولی پاکیزگی ظاهری رو داره، آجری باشه اما تمیز باشه. برای من صرفاً هویت مد نظر نیست. اون تمیزی ظاهری رو هم میخوام. وگرنه بخوام هویت صد سال پیش رو داشته باشم اما روحم آزار ببینه، میخوام نباشه!
۲	ساختمونای شیکی داره مثلاً آدم خوشش میاد اونارو نگاه میکنه... محله شیکیه و شیک بودن هم به مردمش برمیگرده که اینجارو اینطوری کردند.
۳	تو این محله امنیت روانی من کاملاً تأمین میشه، نشده که متلکی بشنوم که نمیدونم به چه عاملی برمیگرده؛ مثلاً بخاطر سطح اجتماعی مردمه یا چی! و خب اون زندگی شبانه هم توش وجود داره، مثلاً ساعت ۱۰ شب هم اون امنیت رو دارم که بخوام تو محله قدم بزنم. احساس میکنم دغدغه‌های اقتصادی کم‌تری دارند به همون نسبت در اولویت‌هاشون اهمیتی که به سطح آموزشی بچه‌هاشون میدن بیشتره؛ که به لحاظ رفاه اقتصادی شاید برای بحث آموزش و فرهنگ وقت بیشتری صرف کنند و اولویت بیشتری براشون داشته باشه.
۴	در محله ما پارک و کافی‌شاپ و باشگاه و... هست برای گذران اوقات فراغت یا حتی رستوران‌ها رو هم میشه گفت! رستوران همه جای رشت نیست یا اینکه اینجا بیشتر هست و تنوع و قدرت انتخاب بیشتره

	و در دسترسه.
۵	من اصلاً میدونی چرا از گلسار خوشم میاد؟ چون همه‌ی رستوران‌های خوب تو گلسارن که غذاهای خوب دارن حالا از فست فود بگیر تا پلوکباب؛ آدم راحت‌ه. هم میتونه بره، هم میشه براش بیارن. یکی از ویژگی‌های مشترک ساکنین خوشگذرونیه... فکر کن که پیک‌های مختلف در طول روز میبینم که به وفور در حال جابجا کردن غذا هستند، یا پیک‌هایی که خریدهارو انجام میدن.
۶	توسعه کاربری‌های اداری داره اون منوربودن رو کاهش میده و گذر رو سرد و تاریک میکنه. یکسری از فروشگاه‌ها که تمام روز میتونن باز باشن مثل یک آبمیوه‌فروشی تبدیل شدن به بانک‌ها و دفاتر مشاور املاک یا یکسری از کاربری‌هایی که بعد از پایان ساعات اداری بسته میشن و بعضی از این کاربری‌ها فضاهای بزرگی از گلسار رو اشغال کردند که هیچ نقشی در جداره‌های شهری ایفا نمیکنن که بنظر من شادابی فضای گلسار رو کم کرده.
۷	گلسار یه ویژگی خوبی که داره اینه که همیشه زنده‌ست. غروب‌باش که میری بیرون مغازه‌ها همه حس زنده بودن میده به آدم، تو بلوار گیلان یک مجموعه‌ای از کافه و رستوران در کنار هم هست بنظر من پویاترین قسمت گلساره به لحاظ کیفیت فضا و برای من شهروند بیشترین زندگی شبانه رو داره که هر وقت به اونجا فکر میکنم، حس نشاطی ایجاد میشه که دوست دارم دوباره برم اونجا، و بنظرم بالاترین کیفیت فضایی گلسار رو داره.
۸	اینکه ۲ شب هم میتونم برم بیرون بستنی بخورم ویژگی خوب گلساره ولی در محلات دیگه تنوع کمه، یک‌چیز مثبت دیگه‌ای که بنظرم هست اون فروشگاه‌های غذاهای آماده هست که خیلی کار رو راحت میکنن که با توجه به اینکه اینجا همه دنبال رفاه هستن و بابتش پول میدن اتفاق خوشایندیه و چیزی هست که خیلی دیدم.
۹	به لحاظ قیمت، مشتری سه تا دونه هویج خورد شده رو به اندازه دو کیلو هویج پول میده تا همون سه تا هویج خورد شده رو برداره. اون چیزی که یک فرد برای سکونت باید داشته باشه توان بالای اقتصادی! یک جورایی شاید امتیاز منفی باشه چون بعضی‌ها هستند که گلسار رو برای سکونت ترجیح میدن، اما بخاطر قیمت بالای محصولات غذایی، خریده‌ها رو از خارج محله انجام میدن که براشون خوشایند نیست این اتفاق هر روز بیفته؛ بنابراین اگه توان اقتصادی بالایی نداشته باشم پس منو مجبور به خروج از محله میکنه!
۱۰	درک و فهمشون بالاست؛ اینجا چون طرف میخواد یه محله‌ی خیلی خوب، جا افتاده، اسم دررفته داشته باشه خیلی خوب نزاکت میکنه... همون شأن و شخصیت و برخورد و رفتاری که دارن آدم متوجه میشه که واقعاً کلاس اینجارو همون برخوردشون و رفتارشون و کردارشون درست کرده.

منبع: نگارندگان

### کدگذاری مصاحبه‌ها

کدگذاری مصاحبه‌ها مطابق روش تحقیق، در سطوح کدهای اولیه پس از خلاصه‌سازی و کاهش کدها، شناسایی مفاهیم کلیدی و مقوله‌بندی مفاهیم انجام شد که در جدول ۵ دسته‌بندی شده‌اند. طبق جدول ۵، چهار مقوله در دو بخش ساختارهای عینی و بیرونی



شخصیت محله و ساختارهای درونی و ذهنی شخصیت محله شناسایی شده‌اند که این کدها، با ویژگی‌های ملموس و غیرملموس شخصیت شهری همانطور که وود (2015) و کاکس (2022) بدان اشاره کرده‌اند، قرابت و مطابقت دارند.

جدول ۵- کدگذاری متن مصاحبه‌ها

مقوله‌ها	مفاهیم کلیدی	کدهای اولیه (پس از خلاصه‌سازی)	محل
ساختارهای عینی و بیرونی تعریف کننده شخصیت محله چله‌خانه	بافت اصیل و قدیمی محله	قدمت بالای محله، از بین رفتن بافت قدیمی محله، ابراز تأسف به دلیل عدم بهره‌برداری از خانه حاجی سیف، آرامگاه دکتر حشمت و خانه حاجی سیف به عنوان مکان‌های برجسته محله، معابر باریک، رضایت از گسترش روند آپاتمان‌سازی در محله، نارضایتی از عدم بازسازی مطلوب مسجد، وجود برخی از کوچه‌های خاطره‌انگیز، اصالت و هویت بافت قدیمی	چله‌خانه
	وجود پاتوق‌های خاطره- انگیز و جمعی برای معاشرت و دورهم‌نشینی	گسترش کافه‌هایی که جوانان بدان مراجعه می‌کنند، طبخ قدیمی محله، قهوه‌خانه‌های متعدد، قهوه‌خانه‌ها به عنوان فضاهایی برای معاشرت، دورهم‌نشینی، نزدیکی به پارک شهر (باغ محتشم)، مغازه‌های با پوشش سفال، بوی خوش محله (ناشی از فعالیت رستوران‌ها و غذاخوری‌ها)	
ساختارهای درونی و ذهنی تعریف کننده شخصیت محله چله‌خانه	سایه زندگی اجتماعی و همسایگی در محله	شرکت در کارهای خیر، مسئولیت‌پذیری، برخورداری از حس امنیت، بیگانه‌پرستی (مهمان‌نوازی) برگزاری مراسم‌های مذهبی، احساس راحتی بودن در محله، ترافیک عامل برهم زنده‌ی شبکه‌های اجتماعی، پای‌بندی به دلیل جذابیت بالای محله	چله‌خانه
	وجود صمیمیت، عرق هم‌محله‌ای و تعلق جمعی به محله	آشنا بودن اهالی، صمیمیت بالا، احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر، دست‌گیری و پشت یکدیگر بودن در زمان مشکلات، اعتماد نسبت به یکدیگر، احترام متقابل و معاشرت بالا، احترام متقابل، همدلی مردم، بچه محل هم بودن، مشارکت برای حل مشکلات یکدیگر، دوستی‌های عمیق، ابراز نگرانی از تضعیف روابط دوستانه در ساکنان جدید، ارتباطات خانوادگی و همسایگی	

ساختارهای عینی و بیرونی تعریف کننده شخصیت محله گلسار	دارای منظرسازی و شکل کالبدی مناسب و ساختن سازی شیک	برخوردار از فضای مطلوب پیاپی، درختان برافراشته بلوار، کمبود مزاحمت بصری، نماندگی نسبتا مناسب، آباد بودن محله، المان‌های آشنا مانند گاو مارلیک، منور بودن محله، پاکیزگی محیط، ساختمان- های شیک، تمیزی ظاهری، مناظر شیک، کوچه‌های زیبا	گلسار
	دسترسی راحت به خدمات و تنوع بالا در رستوران‌ها، کافه‌ها و فضاهای تفریحی	فروشگاه‌های قدیمی، ویندوشاپینگ و خرید، تغییر کاربری فروشگاه‌ها به بانک‌ها و دفاتر مشاور املاک، ارتباط فضایی رستوران‌ها و کافه‌ها، فروشگاه‌های غذاهای آماده برای طبخ، برخوردار از درمانگاه کودکان، بالا بودن قدرت انتخاب رستوران‌ها، تنوع فضاهای مناسب برای گذران اوقات فراغت، دسترسی راحت به خدمات، توسعه کاربری‌های اداری تهدیدی برای سرزندگی محله	
ساختارهای درونی و ذهنی تعریف کننده شخصیت محله گلسار	وجود حس امنیت، نشاط، پویایی و سرزندگی	پویایی، تحرک و زندگی شبانه، حس نشاط و زنده بودن، امنیت بالای روانی، سطح بالای فکری، موسیقی خیابانی، شور و شوق و هیجان، مد و فشن، اهمیت به سطح آموزشی فرزندان، عدم ایجاد مزاحمت در فضای محله،	
	محله رفاه، راحت طلبی و آسایش مندی	برخوردار از حد آسایش قابل قبول، احساس آرامش، برخورداری از توان بالای اقتصادی، پرداخت پول برای کسب رفاه، خوشگذرانی، تنوع بالای سکونت برای اقشار مختلف، سردرگمی، فیض بردن از زندگی، بشاش بودن مردم، رشد محله بخاطر ساکنان خوب	
	احترام به حریم خصوصی در همسایگی	حس صمیمیت، عدم دخالت در زندگی همسایگان، احترام متقابل، خونگرمی، مردم فهیم و با سعه صدر، تعامل مطلوب هم‌محله‌ای‌ها، درک بالای ساکنان	

منبع: نگارندگان

### مقایسه تحلیلی شخصیت مکان شهری در محله‌های چله‌خانه و گلسار

چهار مقوله‌ی منتج از فرایند کدگذاری به‌طور یکپارچه در این بخش به‌منظور مقایسه تحلیلی شخصیت شهری در محله‌های چله‌خانه و گلسار مورد بررسی قرار می‌گیرند. در ابتدای این بخش باید اشاره کرد که شخصیت شهری به راحتی تعریف نمی‌شود و همانطور که رلف (1976) اشاره کرده است، «شخصیت شهری مانند شکلی از آگاهی و محصول تجربه جهان زیسته است.» بنابراین تنوع و گوناگونی مؤلفه‌های شخصیتی نامحدود است و هدف از تبیین شخصیت در دو محله و مقایسه تحلیلی آن‌ها نیز این بوده است که استدلال شود

محتوای مکان‌ها با یکدیگر متفاوت‌اند و ساکنان در هر مکان تجربیات منحصر به فردی دارند؛ و در این شرایط است که شخصیت شهری در هر مکان باید توسط ساکنان آن شناخته شود. از این رو شناخت شخصیت و مقایسه آن در دو محله، می‌تواند نتایج متفاوتی را در چپستی و نوع تعاریف ساکنان از شخصیت محله‌هایشان نشان دهد و ماهیت پارادوکسیکال شخصیت شهری را در مکان‌هایی با ویژگی‌های متفاوت نمایان سازد.

با خوانش متن مصاحبه‌ها و جدول کدگذاری منتج از آن، می‌توان دریافت که تفاوت‌های اساسی بین محل زندگی ساکنان و نحوه توصیف شخصیت از محله‌هایشان وجود داشته است. با توجه به مقوله‌ها، مؤلفه‌های شخصیتی در دو بخش ذهنیت‌یافته (درونی) و عینیت‌یافته (بیرونی) شناسایی و دسته‌بندی شده‌اند. در محله چله‌خانه، اگرچه برخی از مصاحبه‌شوندگان نسبت به ازبین‌رفتن بافت سنتی و قدیمی محله ابراز ناراحتی کرده‌اند اما هنگام تعریف شخصیت محله‌شان، هیچ کدام از آنان به ازبین‌رفتن بافت قدیمی و هویت کالبدی محله به‌عنوان تهدیدی برای شخصیت محله اشاره نکردند. در مقابل، روابط صمیمی ساکنان بایکدیگر، زندگی در فضاهای جمعی و اهمیت زندگی اجتماعی هنگام تعریف شخصیت شهری برجسته بوده است. برخلاف چله‌خانه که تعریف شخصیت بیشتر بر اساس الگوهای رفتاری و «هویت اجتماعی» محله است، مفهوم شخصیت در گلسار، ترکیب متعادلی از ابعاد اجتماعی، کالبدی و محیطی، فعالیت‌های خدماتی، وضعیت مطلوب اقتصادی و... است که زندگی در این مکان و بهره‌مندی از امکانات رفاهی، سبب احساس رضایت، آرامش، آسایش، پویایی و سرزندگی برای ساکنین شده است.

نحوه ارتباط ساکنان با یکدیگر و نیز تعامل افراد در فضای محله‌ها اثر مستقیمی بر چگونگی تعریف شخصیت محله از دیدگاه ساکنان داشته است. تصویر ۳، دیاگرامی از یافته‌های پژوهش یعنی مؤلفه‌های شخصیتی در محله‌های چله‌خانه و گلسار است. نحوه انتخاب این مؤلفه‌ها بر اساس تکرار چندباره این مفاهیم (به‌طور مستقیم و غیرمستقیم) در متن مصاحبه‌ها است که در جدول کدگذاری در دسته‌بندی کدهای اولیه و مفاهیم کلیدی یا عبارتی دیگر، کدهای محوری قرار گرفتند. هم‌چنین مقوله‌های شناسایی‌شده، اشاره به ویژگی‌های ملموس و ناملموس شخصیت مکان‌ها دارد. در واقع ملموس یا ناملموس بودن مؤلفه‌های شخصیتی طبق دسته‌بندی کدهای منتج از مصاحبه به این اشاره دارد که شخصیت هم به‌طور عینی و هم به‌طور ذهنی توسط ساکنان تجربه می‌شود. برای مثال طبق دیاگرام (تصویر ۳)، ساختمان‌های شیک در گلسار و بیگانه‌نوازی در چله‌خانه هر کدام به‌عنوان مؤلفه‌های شخصیتی شناخته شده‌اند که گوناگونی و تنوع ماهیت این مؤلفه‌ها خود گواه بر این موضوع است که شخصیت می‌تواند ماهیتی کالبدی داشته باشد و یا واجد هویت اجتماعی در روابط و تعاملات انسانی باشد.

همچنین شخصیت رفاه‌طلب گلسار به ابعاد اقتصادی محله اشاره دارد که وضعیت نسبتاً مطلوب اقتصادی ساکنان موجب ارتقاء کیفیت مکان برای ساکنان شده است. کوشش بر آن بوده که برای هر محله پنج طبقه‌بندی مختلف برای مؤلفه‌های شناخته‌شده‌ی شخصیت شهری انجام شود و به‌طور جامع به تمام مواردی که اعضای جامعه به‌عنوان شخصیت محله‌شان اشاره کرده‌اند، اشاره شود.



تصویر ۳- شناسایی مؤلفه‌های شخصیتی چله‌خانه و گلسار (منبع: نگارندگان)

یکی از مهم‌ترین دستاورد مصاحبه‌ها، مطابقت و بسط نتایج مصاحبه با مبانی نظری و چارچوب مفهومی پژوهش است. همانطور که در چارچوب مفهومی و جدول‌های ۱ و ۲ بررسی شد، شخصیت شهری می‌تواند در ارتباط و هم‌پیوندی با مفهوم هویت باشد و یا با مؤلفه‌هایی تعریف شود که ارتباطی با مفهوم هویت ندارند. چنانکه در محله چله‌خانه مؤلفه‌های شخصیتی، مانند بیگانه‌نوازی، همدلی و عرق بچه‌محله‌ای عواملی هستند که معرف هویت اجتماعی محله‌اند و ساکنان آن‌ها را در پی مقایسه و مشابهت‌یابی روابط انسانی با یکدیگر ادراک کرده‌اند و مفهوم شخصیت در این محله با مفهوم هویت گره خورده است. در مقابل، مؤلفه‌های شخصیتی در گلسار اشاره به عواملی دارند که به‌طور مستقیم متعلق و موجود در پدیده هستند و در سطح

روابط جاری در مکان قابل لمس‌اند؛ مانند وجود ساختمان‌های شیک و یا تنوع و گوناگونی کافه و رستوران‌ها. بنابراین تعریف شخصیت در دو محله آمیزه‌ای از همه‌ی پدیده‌های ملموس و ناملموس موجود در مکان است و شخصیت متشکل از همه‌ی عواملی است که افراد به واسطه‌ی حضور در مکان تجربه می‌کنند. برای مثال ساکنان گلسار طراحی ساختمان‌های موجود (عمدتاً به دلیل استفاده از مصالح گران‌قیمت در جداره‌سازی) را اگرچه به‌عنوان شخصیت خاص گلسار معرفی می‌کنند، اما از طرفی شخصیت این محله را در تعدد کافه‌ها و رستوران‌ها، و برخی از کیفیت‌های فضایی همچون احساس رفاه، امنیت، زندگی شبانه نیز مرتبط می‌دانند. یا در محله چله‌خانه که بسیاری از تک‌ساختمان‌های قدیمی و باهویت سنتی برج مانده‌اند، ساکنان هنگام تعریف شخصیت اشاره خاصی به آن‌ها نکرده‌اند و بیشتر، شخصیت محله‌شان را متشکل از تعاملات انسانی و هویت اجتماعی موجود که در لایه‌های زمانی مختلف شکل گرفته است، مرتبط می‌دانند. باید گفت که محیط ساخته شده در چله‌خانه دستخوش تغییرات مداوم شده است، در حالی که شخصیت شهری آن پایدار بوده است. چرا که در این محله شخصیت بیشتر عاملی اجتماعی و فرهنگی و وابسته به روابط همسایگی بوده است و از این رو نمی‌توان تعریفی را به‌طور مطلق از این مفهوم ارائه داد.

### نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست آمده به منظور تبیین مفهوم شخصیت شهری، در دو بخش مطالعه مبانی نظری و تدوین چارچوب مفهومی و مطالعات میدانی از طریق ایجاد گفتگو دوطرفه بین پژوهشگران و ساکنان دو محله چله‌خانه و گلسار حاصل شد که اهمیت اجتماعی و تجربی شخصیت شهری را در کنار ابعاد کالبدی و محیطی برجسته کرده است. شخصیت شهری، شامل ویژگی‌های برجسته و خاص، پدیدارکننده‌ی روابط مردم با فضا و وابسته به ادراک افراد است و مفهومی است که با تجربه‌ی حضور در مکان و زندگی روزمره حاصل می‌شود. با توجه به یافته‌های پژوهش، ویژگی‌های محیط ساخته شده، عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی خدمات موجود در محله‌ها می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های تعیین‌کننده شخصیت مکان از دیدگاه ساکنان تعریف شوند و روزانه تعاملاتی را در آن تجربه کنند که امکان کسب این تجارب خاص در سایر مکان‌ها برای‌شان میسر نباشد. بنابراین این ویژگی‌های شخصیتی که از سوی ساکنان دو محله مطرح می‌شوند، لزوم حفظ و احترام به شخصیت موجود در محله‌ها را برجسته می‌کند. در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش، به ابعاد اجتماعی شخصیت شهری اشاره شد و با توجه به مؤلفه‌های شخصیتی محله‌ها که در این پژوهش شناسایی شدند، اهمیت بعد اجتماعی، اقتصادی و... شخصیت شهری استدلال شده است. با بسط مبانی نظری و یافته‌های

تحقیق، شخصیت شهری را می‌توان آمیزه‌ای از عناصر عینی و ذهنی، ملموس و ناملموس از دیدگاه ساکنان قلمداد کرد. لذا همانطور که گفته شد، هر مکانی محتوای خاص خود را دارد و تعریف شخصیت در دو محله آمیزه‌ای از همه‌ی پدیده‌های ملموس و ناملموس موجود در مکان، و متشکل از همه‌ی عواملی است که افراد به واسطه‌ی حضور در مکان تجربه می‌کنند. برای مثال مؤلفه‌های شخصیتی همچون پویایی و زندگی شبانه در گلزار پیش از آن‌که به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های شخصیت شهری از سوی ساکنان شناخته شوند، معرف کیفیت‌های فضایی محله نیز هستند. بنابراین در یک تعریف جامع‌تر، حتی کیفیت‌های فضایی بخشی از شهر که از برآیند روابط مختلف شکل گرفته است، می‌تواند به‌عنوان ویژگی شخصیتی معرفی شود. مطالعه از دیدگاه ساکنان دو محله، خصوصاً ساکنان گلزار نشان می‌دهد که شخصیت شهری لزوماً و همیشه دارای ریشه تاریخی و متحمل میراث پیشین یک مکان نیست و در عین حال یک محله علی‌رغم فقدان میراث تاریخی و سنتی، می‌تواند دارای کیفیت‌های محیطی‌ای باشد که موجب علاقه‌مندی ساکنانش بوده و حفظ این ویژگی‌ها برایشان ارزشمند قلمداد شود. شخصیت برخی از مکان‌ها به‌عنوان اشکال ثابت یا هویت مکانی تعریف می‌شود، در حالی که در برخی دیگر، شخصیت به‌عنوان تنوع، اختلاط، پویایی و... توصیف می‌شود. پس همیشه مرزبندی مشخصی برای تعریف شخصیت در بطن مفهوم خاصی مانند هویت وجود ندارد و گاهی امکان دارد که از سطحی‌ترین روابط میان مردم، محیط زندگی و فعالیت‌های جاری در آن ساخته و پرداخته شود و مورد توجه ساکنان قرار گیرد. با توسعه‌ی علوم اجتماعی در دانش شهرسازی، محدود کردن تعریف شخصیت تنها در ریخت کالبدی شهر ناکافی است؛ در حالی که کاربست آن به واسطه‌ی ایجاد گفتگو، مصاحبه و مشارکت‌پذیری اجتماعات محلی، ابعاد بیشتری از شخصیت‌های مکانی را آشکار ساخته و منجر به اعتلاء کیفیت برنامه‌ریزی و طراحی مکان‌ها می‌شود و به خلق مکان‌های دوست‌داشتنی و ارتقاء کیفیت مکان‌های زندگی می‌انجامد.

## پیشنهادات

در انتهای این پژوهش پیشنهاد می‌شود که پس از شناخت مؤلفه‌های شخصیتی در تمام ابعاد کالبدی، اجتماعی، فرهنگی، هنری و غیره، مؤلفه‌های شخصیتی به کدهایی فراتر از ضوابط و دستورالعمل‌های کالبدی تبدیل شوند و در طراحی و برنامه‌ریزی شهری و محله‌ای مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به اینکه شناخت شخصیت مستلزم مشارکت ساکنان است، کاربرد این مفهوم در بسیاری از طرح‌ها در مقیاس شهر و محله از جمله طرح‌های CDS، طرح‌های بازآفرینی و کلیه طرح‌هایی که مبتنی بر مشارکت‌پذیری شهروندان بوده، قابل انطباق است. برای مثال کافه و رستوران‌های گلزار که بخشی از شخصیت این محله را شکل می‌دهند، می‌توانند در

کدهایی ضمیمه شوند که در برنامه‌ریزی کاربری زمین و پراکنش خدمات و فعالیت‌ها مورد توجه قرارگیرند و یا در طرح‌های CDS و بحث رقابت‌پذیری به این فعالیت‌ها که مورد استقبال مردم است، توجه مضاعف شود. همچنین برای مثال در چله‌خانه، صمیمیت و زندگی نزدیک همسایگی در کدهایی ضمیمه شوند که هنگام اجرای طرح‌های بازآفرینی، حفظ و تحکیم زندگی همسایگی مورد توجه طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری قرار گیرد. بنابراین نقش شهرسازان اعم از طراحان و برنامه‌ریزان در این میان، می‌تواند شناخت شخصیت (در مقیاس‌های مختلف شهری) از دیدگاه ساکنان، تبدیل آن‌ها به ضوابط و دستورالعمل‌هایی با جزئیات خاص هر مکان برای طرح‌ها و برنامه‌های شهری و محله‌ای جهت حفاظت از ارزش‌های موجود در مکان‌های زندگی باشد.

**منابع و مأخذ:**

۱. اقبالی، ر.، زینالی، ر.، اسماعیلی، ا. ۱۳۹۵. ارزیابی مقایسه‌ای حس تعلق شهروندان به میدان ایالت ارومیه و میدان حسن‌آباد تهران با بررسی هویت مکانی. هویت شهر، ۲۸(۱۰): ۲۹-۴۰.
۲. حیدری، ع.، جمشیدی، ف. ۱۴۰۰. تحلیل ارتباط میان دو مفهوم هویت مکان و دل‌بستگی به مکان در فضاهای باز شهری (نمونه موردی: باغ ارم شیراز). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۴۴(۱۲): ۱۷۳-۱۸۸.
۳. کاستلز، م. ۱۳۸۵. عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ. چاپ پنجم. احد علیقلیان، افشین خاکباز. انتشارات طرح نو. ۶۳۶ صفحه.
۴. کاشی، ح.، بنیادی، ن. ۱۳۹۲. تبیین مدل هویت مکان - حس مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن (نمونه موردی: پیاده‌راه شهرری). هنرهای زیبا، ۳(۱۸): ۴۳-۵۲.
۵. کریمی یزدی، ا.، براتی، ن.، زارعی، م. ۱۳۹۴. ارزیابی تطبیقی ادراک فضای شهری از نظرگاه مخاطبین و متخصصین عرصه شهری (مطالعه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران). باغ نظر، ۴۵(۱۳): ۱۳-۲۶.
۶. لینچ، ک. ۱۳۹۵. سیمای شهر. چاپ دوازدهم. منوچهر مزینی. انتشارات دانشگاه تهران. ۳۳۱ صفحه.
۷. محمدپوره، ا. ۱۳۹۲. روش تحقیق کیفی؛ ضد روش. انتشارات جامعه‌شناسان. ۴۱۶ صفحه.
۸. مطوف، ش. ۱۳۹۲. چرایی پیدایش و گسترش بافت‌های فرسوده. منظر، ۲۵(۵): ۴۹-۵۳.
۹. میرمقتدایی، م. ۱۳۸۵. پیشنهاد روشی برای تحلیل «شخصیت» شهر. محیط‌شناسی، ۳۹(۳۲): ۱۲۹-۱۴۰.
10. Bloch, S. 2020. An On-the-Ground Challenge to Uses of Spatial Big Data in Assessing Neighborhood Character, *Geographical Review*, 110(1-2): 210-223.
11. Cox, J. 2022. Defining 'urban character' and its influence on the physical outcomes of cities. Doctoral dissertation. University of Glasgow. 309 P.
12. Davison, G. & Rowden, E. 2012. There's Something about Subi: Defending and Creating Neighbourhood Character in Perth, Australia. *Urban Design*, 17(2): 189-212.
13. Dovey, K. & Wood, S. 2015. Public/Private Urban Interfaces: Type, Adaptation, Assemblage. *Urbanism*, 8(1): 1-16.
14. Dovey, K., Woodcock, I., & Wood, S. 2005. What is urban character? The case of Camberwell. 2nd State of Australian Cities National Conference. 30 November-2 December, Brisbane, Australia.



15. Dovey, K., Woodcock, I. & Wood, S. 2009. A Test of Character: Regulating Place-identity in Inner-city Melbourne. *Urban Studies*, 46(12): 2595-2615.
16. Dovey, K., Woodcock, I. & Wood, S. 2009. Understanding Neighbourhood Character: The Case of Camberwell. *Australian Planner*, 46(3): 32-39.
17. Dovison, G. 2011. An Unlikely Urban Symbiosis: Urban Intensification and Neighbourhood Character in Collingwood, Vancouver. *Urban Policy and Research*, 29(2): 105-124.
18. Green, R. 1999. Meaning and form in community perception of town character. *Environmental Psychology*, 19(1999): 311-329.
19. Green, R. 2000. Notions of Town Character. *Australian Planner*, 37(2): 76-86.
20. Harris, R. 2018. Modes of Informal Urban Development: A Global Phenomenon, *Planning Literature*, 33(3): 1-20.
21. Jiven, G. & Larkham, P. J. 2003. Sense of Place, Authenticity and Character: A Commentary, *Urban Design*, 8(1): 67-81.
22. Kropf, k. 1996. Urban Tissue and the Character of Towns. *Urban Design International*, 1(3): 247-263.
23. Low, J. 2019. A pragmatic definition of the concept of theoretical saturation. *Sociological Focus*, 52(2): 131-139.
24. Norberg-Schulz, C. 1980. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. First Edition. Rizzoli. 216 P.
25. Paasi, A. 2001. Europe as a social process and discourse: considerations of place, boundaries and identity. *Urban Regional Study*. 8: 7-28.
26. Peng, J., Strijker, D., & Wu, Q. 2020. Place identity: how far have we come in exploring its meanings?. *Frontiers in psychology*, 11: 1-19.
27. Proshansky, H. M. 1978. The city and self-identity. *Environment and behavior*, 10(2): 147-169.
28. Reid, K., Beilin, R., & McLennan, J. 2020. Communities and responsibility: Narratives of place-identity in Australian bushfire landscapes. *Geoforum*, 109: 35-43.
29. Relph, E. C. 1976. *Place and placelessness*. First Edition. Pion. 156 P.
30. Scannell, L. & Gifford, R. 2017. The Experienced Psychological Benefits of Place Attachment. *Environmental Psychology*, 51(2017): 256-269.

31. Sepe, M. & Pit, M. 2014. The Characters of Place in Urban Design. *Urban Design International*, 19(3): 215-227.
32. Shamsuddin, Sh. & Bashri, A & Che amatb, R. 2012. Urban Landscape Factors That Influenced the Character of George Town, Penang Unesco World Heritage Site. *Social and Behavioral Sciences*, 50 (2012): 238 – 253.
33. Silva, K. D. 2015. The Spirit of Place of Bhaktapur, Nepal. *Heritage Studies*, 21(8): 1-22.
34. Swedberg, R. 2020. Exploratory research. The production of knowledge: Enhancing progress in social science, 17-41.
35. Tewari, S. & Beynon, D. (2018). Changing Neighbourhood Character in Melbourne: point Cook a case study. *Urban Design*, 23(3): 456-464.
36. Tuan, Y. F. 1977. *Space and place: The perspective of experience*. First Edition. University of Minnesota Press. 235 p.
37. Ujang, N. & Zakariya, KH. 2015. The Notion of Place, Place Meaning and Identity in Urban Regeneration, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 170(2015): 709-717.
38. Valera, S. 1997. *Public space and social identity*. Barcelona, Spain: Remeser, Urban Regeneration, University of Barcelona
39. Williams, M. & Moser, T. 2019. The Art of Coding and Thematic Exploration in Qualitative Research. *International Management Review*, 15(1): 45-55.
40. Wood, S. 2015. The Look and Feel of a Place: Character, Community, and the Compact City. *Journal of architectural and Planning research*, 32 (1): 23-39.
41. Yazdanpour, A. & Moztaazadeh, H. 2014. Sense of Belonging in Research Building. *Advances in Environmental Biology*, 8(17): 561-567.
42. Ziyae, M. 2018. Assessment of urban identity through a matrix of cultural landscapes. *Cities*, 74: 21-31.

## ***Explaining the sense of urban character from the viewpoint of the residents of Chellekhaneh and Golsar neighborhoods in Rasht***

**Aliakbar Salaripour,\*** Associate professor Urban Planning University of Guilan :Rasht ,Gilan ,Iran  
**Mohamad Nouripour Sedehi,** PhD student of urban planning, university of guilan, Gilan, Iran

### **Abstract**

Urban character is not yet conceptually known in Iran's urban literature; and character is considered only as a physical identity. In recent studies, some researchers have given new definitions Which mention the sense of urban character beyond the physical aspects. While in our studies less attention has been paid to the concept of urban character, according to the new theoretical definitions and qualitative-exploratory paradigm, the present study explains the sense of urban character from the local community's point of view. For this purpose, Chellekhaneh as an old neighborhood and Golsar as a modern neighborhood in Rasht city have been selected and 30 residents of the two neighborhoods have been interviewed by employing of Semi-structured interview method. The text of the interviews was subjected to qualitative content analysis. the results showed that in some places, urban character is defined as social identities, local identities, etc. while in some other places, urban character is defined as diversity, mixing, dynamism, etc., it is possible to be made of the most surface relationships between residents, the living environment, and current activities in the neighborhood. It is suggested that the components of urban character be used as codes beyond physical instructions in urban and neighborhood design and planning, especially plans that are based on the participation of citizens. The role of urban planners and designers will be to recognize the character of the place from the residents' point of view and turn them into rules and instructions with specific details of each place for urban and neighborhood plans.

**Keywords:** Urban character, Local community, Content analysis, qualitative-exploratory paradigm

---

\* Corresponding author: [salaripour@guilan.ac.ir](mailto:salaripour@guilan.ac.ir)

## ***Designing a Model of Urban Physical Resilience against Earthquakes with an Emphasis on Critical Theory and Grounded Theory Approach***

**Sara Tootoonchi**, Ph.D. Student , Department of Urbanism, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Hossein Bahrainy\***, Professor, Department of Urbanism, Tehran University, Tehran, Iran

**Manouchehr Tabibian**, Professor, Department of Urbanism, Tehran University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Despite the importance of resilience in achieving sustainable urban development, urban resilience has not been able to show its efficiency and operational aspect as it should. Therefore, this research conducted with the aim of promoting the realization of urban resilience in Ghaleh neighborhood of Dezful by combining resilience theory and critical theory. This study was conducted in a qualitative way using the methodology of grounded theory and semi-structured interviews with experts. Data analysis was performed during three stages of open, axial and selective coding and led to the emergence of 429 open codes, 99 concepts in the form of 17 main categories. The results showed that earthquake risk, structural instability, the need to maintain the texture of the neighborhood and the vulnerability of the residents of Ghaleh neighborhood, as causal conditions have led to the need to promote physical resilience in Ghaleh neighborhood. Improving physical resilience in Ghaleh neighborhood, if appropriate strategies are used in the context of pragmatism and citizen participation and with emphasis on public and private sector support and investment and the development of creative economics can lead to the emergence of the consequences of urban sustainable development.

**Keywords:** sustainability, urban resilience, critical theory, earthquake, grounded theory, Dezful

---

\* Corresponding author: hbahrain@ut.ac.ir

## ***Investigating and Analyzing the Components Shaping Urban Vitality (A Case of Bu Ali Sidewalks, Hamedan)***

**Mahmood Amiri**, PhD student of geography and urban planning, Malayer Branch Islamic Azad University, Malayer, Iran

**Majid Shams\***, Professor of Geography and Urban Planning, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

### **Abstract**

In recent decades, the uncontrolled expansion of cities and the increasing emphasis on automobiles have diminished the role of pedestrians in urban spaces. This shift has led to the creation of dull environments and a reduction in the vitality of urban areas. The purpose of this research is to analyze the impact of Bu Ali Pedestrian path on urban life in Hamadan. The research method is descriptive-analytical. The statistical population includes citizens aged 10 and above in Hamadan, which, according to the 2016 Population and Housing Census, totals 653,000 people. Using Cochran's formula, a sample size of 384 people was selected. The study's urban vitality variables encompass four components: socio-cultural, physical-functional, environmental, and aesthetic. Data analysis was conducted using SPSS software, with Friedman's test applied for ranking indicators, and structural equation modeling (SEM) performed using Lisrel software to assess relationships. The research findings indicate that the urban vitality indicators for the studied pedestrian street are favorable. Furthermore, the results of Friedman's test and the prioritization of indicators reveal that climatic comfort is the highest priority in assessing urban spatial vitality on Bu Ali Pedestrian path in Hamadan.

**Keywords:** Pedestrian Path, Bu Ali Street, vitality urban, Hamedan

---

\* Corresponding Author: Fazelman362@yahoo.com

## ***Assessing Sense of Place Attachment from the Perspective of Physical Indicators (A Case of Abshouran Neighborhood in the City of Kermanshah)***

**Mahmoud Mohammadi**, Associate Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Arezou Jamshidi Sheikhiabadi\***, Master Student of Urban Design, Faculty of Architecture and Urban Planning, Jundishapur University of Technology, Dezful, Iran

**Mojtaba Lorzangeneh**, Ph.D. Candidate in Urbanism, Faculty of Architecture and Urban Planning, Art University of Isfahan, Isfahan, Iran.

### **Abstract**

A critical concept in enhancing the quality of urban and human environments is the sense of place attachment. This study aims to identify and evaluate the physical components that enhance place attachment, focusing specifically on the Abshouran neighborhood in the city of Kermanshah. The research employs a descriptive-analytical methodology, and its nature is applied research. To gather data, documentary studies, field observations, and questionnaires were utilized. The statistical population consists of all residents of the Abshouran neighborhood, with a sample size of 285 individuals determined using Morgan's table. The findings of this study reveal a significant relationship between all physical indicators and the sense of place attachment. Notably, four variables— "variety and attractiveness," "distinctiveness," "contextual sensitivity," and "spatial structure and appropriate form"—show a stronger correlation with the sense of place attachment in the Abshouran neighborhood compared to other indicators. Furthermore, regression analysis indicates that the correlation between physical variables and place attachment is robust, with a correlation coefficient of 0.782. The coefficient of determination suggests that 61.1% of the variance in place attachment can be explained by the physical index variables.

**Keywords:** sense of belonging, place attachment, physical index, Abshouran neighborhood, Kermanshah

***Physical Assessment of Public Spaces to Enhance Urban Security for Sustainable Environments with a CPTED Approach  
(A Case of Efficient and Inefficient Neighborhoods in Sari)***

**Sadroddin Motevalli\***, Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, Islamic Azad University, Nour Branch, Nour, Iran

**Abstract**

Individuals in their daily environments often encounter behaviors that foster a sense of insecurity, which can detract from the city's sustainability across various dimensions, including environmental sustainability. This research aims to enhance the safety of public spaces in the city of Sari in alignment with environmental sustainability. The study is applied in purpose, with a descriptive-analytical and field-based nature, utilizing both library research and field methods. Data collection tools included notes, charts, observation cards, and questionnaires, with data obtained through random sampling. A structured questionnaire was distributed among 384 participants, including citizens and urban specialists, in both efficient (192) and inefficient (192) neighborhoods. After data collection, the data were analyzed using SPSS software, employing one-sample T-tests and Pearson correlation tests. The findings indicate that the T-value for urban environmental quality (10.648) and environmental cleanliness (5.441) in efficient neighborhoods is more favorable compared to inefficient neighborhoods, where the T-values were -16.282 and -2.145, respectively. Furthermore, the Pearson correlation coefficient for efficient neighborhoods in terms of environmental cleanliness (0.504) and urban environmental quality (0.157) was compared to inefficient neighborhoods, which had values of 0.326 and 0.458, respectively. The results suggest that the physical conditions in both efficient and inefficient neighborhoods in Sari are unsatisfactory and significantly deviate from the desired quality.

**Keywords:** physical assessment, sustainable environment, urban security, efficient and inefficient neighborhoods, Sari

---

\* **Corresponding Author:** [sadr\\_m1970@yahoo.com](mailto:sadr_m1970@yahoo.com)

***Evaluation of Visual Quality and Physical Features of Urban Facades  
from the Perspective of Social Sustainability  
(A Case of Fifth Niru Havaei Street in District 13 and Miad Street in  
District 19 in the Metropolis of Tehran)***

**Sareh Masharyan**, PhD student in urban planning, Shahre Qods branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Khashayar Kashani Ju\***, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Shahre Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Malihe Ahmadi**, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Shahre Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### **Abstract**

The lack of appropriate urban facades can significantly influence citizens' perception of visual quality and its impact on their physical and mental well-being. Building facades are like a garment that displays the physical and visual character of an urban façade. This research aims to improve environmental sustainability by understanding the visual and physical characteristics of urban facades through the lens of social sustainability. The research method is descriptive and library-based, focusing on enhancing the visual quality and conditions of building facades. It seeks to create a clear depiction of a good façade in one of Tehran's neighborhoods, serving as a practical guide for urban planners and designers, helping citizens achieve a beautiful city with desirable visual quality.

**Keywords:** visual quality, urban facades, social sustainability, physical features

---

\* **Corresponding Author:** kashanijou@gmail.com



## ***Examining the Mechanism of Citizens' Perception of Regenerated Spaces in the Central Area of Hamadan***

**Mohammad Ghadimi**, Ph.D. student, Department of Geography and Urban Planning, Malayer Branch, Islamic Azad University, Malayer, Iran

**Bijan Rahmani**,\* Associate Professor, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Research on the historical fabric of city centers has significantly increased among urban managers and specialists over the past two decades. This trend has led to the introduction of new approaches in the planning and development of these valuable urban areas, with one of the most prominent approaches being regeneration. A review of practical and theoretical studies shows that the process of regenerating historical and worn-out areas of cities often focuses solely on physical and objective aspects, neglecting the citizens' subjective perceptions, which are rooted in their identity and culture. Accordingly, the present study aims to understand how citizens perceive regenerated spaces through a concept known as "mental regeneration." In this regard, after explaining the conceptual model of the research based on a literature review, a structured questionnaire was designed and distributed among the citizens of Hamadan to extract their perceptions of the regenerated central square of the city. The data were then analyzed using structural equation modeling in SmartPLS software. The results of the analysis indicated that two factors, physical environment and community, in a longitudinal mechanism, have had the most critical impact on the citizens' perceptions in shaping their mental image of the regenerated spaces of the central square of Hamadan.

**Keywords:** mental regeneration, physical environment, community, perception, Hamadan

---

\* **Corresponding Author:** [bijan.rahmani11@gmail.com](mailto:bijan.rahmani11@gmail.com)

## *Evaluation of Urban Neighborhood Potential for Endogenous Development Using Fuzzy Model (A Case of Bonab)*

**Manizheh Lalehpour**,\* Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Maragheh, Iran

**Marziyeh Esmailpour**, Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Maragheh, Iran

**Hooshang Sarvar**, Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Maragheh, Iran

**Saeed Khodadadi**, M. A., University of Maragheh, Iran.

### **Abstract**

Following the rapid growth of the population and the emergence of new urbanization developments in the world, the present researchers are witnessing the indiscriminate expansion of cities and the increasing dispersion of cities, which has led to the destruction of agricultural lands and gardens, and to the forgetting of the middle tissues and their emptying from the inside. Iranian cities have not been exempted from this; A problem that makes it more necessary to use the inner and middle capacities and potentials of cities. Therefore, the purpose of this research is to identify and investigate the capacities and potentials of internal development in Bonab. The type of applied research and its investigation method is descriptive-analytical and the method of collecting information is based on library (document) and field studies. In this research, with 11 influential criteria, including barren land, net population density, gross population density, building density, occupancy level, building materials, building quality, worn texture, size of parts and grading, number of floors and slope for the endogenous development of Bonab neighborhoods was investigated. After producing the GIS layers related to indicators and criteria and their fuzziness, by overlapping the layers, the best neighborhoods of the city were selected for internal development. Then, by taking advantage of experts' opinions and using the Analytical Hierarchy Process (AHP), these criteria were weighted, and in the next step, using ArcGIS software, the internal development map of the studied area was determined and the ability of the localities for development was determined. The research results show that neighborhoods 11 and 13 are in the first priority for development and neighborhoods 4, 5, and 6 are in the second priority for development. Neighborhoods 7, 8, 10 have the lowest development capacity.

**Keywords:** physical development, urban sprawl, internal development, fuzzy model, Bonab

---

\* **Corresponding Author:** m.lalepour@gmail.com

## ***Renewal Planning for Degraded Urban Areas Using Volunteered Geographic Information***

**Seyed Mohammad Ebrahim Mousavi**, Master of Science, Department of Remote Sensing and GIS, Faculty of Natural Resources and Environment, Science and Research Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Mohammad H. Vahidnia \***, Assistant Professor, Center for Remote Sensing and GIS Research, Faculty of Earth Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Urban decay areas impose significant costs on city management and require proper planning for renewal. Urban managers need precise knowledge of urban areas to formulate renewal plans. Utilizing the capacities of Volunteered Geographic Information (VGI) provides an appropriate response to this need. The aim of this research is to design a Web GIS that leverages Web 2.0 capabilities to collect data from residents of decayed areas. For this purpose, a three-layer architecture, including a GIS server, database layer, and display layer, was designed using technologies such as ArcGIS Server, SQL Server, JavaScript, Dojo, and others. The results of this study show that VGI systems can crowdsource a large volume of data on decayed areas from citizens in the shortest possible time and with significantly reduced data collection costs. This method also helps prioritize urban decay renewal plans.

**Keywords:** VGI, Web GIS, ArcGIS Server, crowdsourcing, urban planning, worn-out texture

***Evaluation of Physical Development of Tabriz in terms of Compactness  
by Ranking of Smart Urban Growth Indicators  
(A Case of Districts 2, 4 and 7)***

**Ali Zainali Azim**, PhD student in Geography and Urban Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran

**Mirsaid Mousavi\***, Assistant Professor, Department of Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

**Rahim Sarwar**, Professor, Department of Geography and Urban Planning, Science and Research Campus, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### **Abstract**

Due to the urban sprawl in the world that has been created as a result of urban development, extensive changes in cities and their populations have led to demographic and environmental crises. New strategies, including smart growth, have been proposed to overcome this challenge. The smart growth strategy is an attempt to guide cities towards a more sustainable environmental approach. The method used in the present research is descriptive-analytical and survey-applied. Evaluation and ranking between regions were performed using Topsis and Anthony techniques along with ANOVA test. To evaluate the density of Tabriz city, Tsai method, Holdern model, etc. have been used. The results of the research show that two districts of Tabriz were ranked first with the TOPSIS 0.7358, and the seventh district with the Topsis 0.0479 was ranked last. Also, ditriect 4 of Tabriz Municipality with a TOPSIS score of 0.0928 has a semi-district. Also in terms of compaction, both the Tsai and the Holdern models show that the growth rate due to the city's population has increased from 87.31% to 95%, which is a sign of more compactness of this metropolis during the period 1996-2016. Analysis of the coefficient of the surface of the buildings also shows that with the increase of this coefficient in the city of Tabriz, the density of this city has increased. The average of this coefficient for 2006 was 2.51 and for 2016 was 2.99, which indicates an increase in compaction and density.

**Keywords:** compact city, smart growth, scattered city, physical development. Tabriz

---

\* **Corresponding Author:** ms.moosavi@iaut.ac.ir

# Table of Contents

---

<i>Evaluation of Physical Development of Tabriz in terms of Compactness by Ranking of Smart Urban Growth Indicators(A Case of Districts 2, 4 and 7)</i>	1
Ali Zainali Azim, Mirsaid Mousavi, Rahim Sarwar	
<i>Renewal Planning for Degraded Urban Areas Using Volunteered Geographic Information</i>	2
Seyed Mohammad Ebrahim Mousavi, Mohammad H. Vahidnia	
<i>Evaluation of Urban Neighborhood Potential for Endogenous Development Using Fuzzy Model (A Case of Bonab)</i>	3
Manizheh Lalehpour, Marziyeh Esmaeilpour, Hooshang Sarvar, Saeed Khodadadi	
<i>Examining the Mechanism of Citizens' Perception of Regenerated Spaces in the Central Area of Hamadan</i>	4
Mohammad Ghadimi, Bijan Rahmani	
<i>Evaluation of Visual Quality and Physical Features of Urban Facades from the Perspective of Social Sustainability (A Case of Fifth Niru Havaei Street in District 13 and Miad Street in District 19 in the Metropolis of Tehran)</i>	5
Sareh Masharyan, Khashayar Kashani Ju, Malihe Ahmadi	
<i>Physical Assessment of Public Spaces to Enhance Urban Security for Sustainable Environments with a CPTED Approach (A Case of Efficient and Inefficient Neighborhoods in Sari)</i>	6
Sadroddin Motevalli	
<i>Assessing Sense of Place Attachment from the Perspective of Physical Indicators (A Case of Abshooran Neighborhood in the City of Kermanshah)</i>	7
Mahmoud Mohammadi, Arezou Jamshidi Sheikhiabadi, Mojtaba Lorzangeneh	
<i>Investigating and Analyzing the Components Shaping Urban Vitality (A Case of Bu Ali Sidewalks, Hamedan)</i>	8
Mahmoud Amiri, Majid Shams	
<i>Designing a Model of Urban Physical Resilience against Earthquakes with an Emphasis on Critical Theory and Grounded Theory Approach</i>	9
Sara Tootoonchi, Hossein Bahrainy, Manouchehr Tabibian	
<i>Explaining the sense of urban character from the viewpoint of the residents of Chellekhaneh and Golsar neighborhoods in Rasht</i>	10
Aliakbar Salaripour, Mohamad Nouripour Sedehi	

**Abstracts  
In  
English**

***IN THE NAME OF GOD***

**Quarterly Journal of  
Environmental Based Territorial  
Planning**

**Vol. 16; No. 65; Summer 2024**  
**Islamic Azad University †Malayer Branch**

- **Managing Editor:** Dr. Majid Shams
- **Editor- in- Chief:** Dr. Bizhan Rahmani
- **Executive Director:** Faezeh Khoramian
- 
- **Editorial Panel:**
  1. Dr. Asqar Nazaryan †Full Professor of Geography Dpt. †Tarbyat Moallem University †Tehran
  2. Dr. Simin Tavallee †Full Professor of Geography Dpt. †Tarbyat Moallem University †Tehran
  3. Dr. Bizhan Rahmani †Associate Professor of Geography †Shahid Beheshty University
  4. Dr. Shahryar Khaledi †Full Professor of Geography †Shahid Beheshty University
  5. Dr. Majid Shams †Full Professor of Geography †Islamic Azad University of Malayer
  6. Dr. Masoud Mahdavy †Full of Geography †Tehran University
  7. Dr. Abbas Malekhoseyni †Associate Professor of Geography †Islamic Azad University of Malayer
  8. Dr. Kianoosh ZakerHaghighi †Associate Professor of urban planning †Islamic Azad University of Hamedan

**Address:** Amayesh Geography Quarterly Office †Islamic Azad University †  
Malayer Branch †Seyfieh Park †Malayer Telefax: (081) 32227836

**Homepage:** [Ebtp.malayeriau.ac.ir](http://Ebtp.malayeriau.ac.ir) **E-mail:** [amayesh\\_azad@yahoo.com](mailto:amayesh_azad@yahoo.com)